

و است تا هرچه از خیر و شر بر سر فرزند آدم آید پیش تو گوید تا مضرتی و گزندی بوی نرسد و در خبر است و او را در
ن فرشته را ملک الرؤیا گویند وجه که او گفت چون مومنی خوابی ببیند یا وی را بخواب ببینند واجب است دانستن
یاد گفت نیک بهره شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود آنرا
فتد حلیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نگردد و قیاسش تعبیر
طریق آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نگردد و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت
با ختلاف وقتها همیگردد زیراکه وقتی تعبیر مثل با اصل باید کرد و وقتی بضد گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
احلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد مستغنی باشد از علم دیگر الا معبر باید که تفسیر
هر کتاب مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از کلیم
و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال قوم نیک شناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم
خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب راند و آنچه از حق سبحانه و تعالی بکسب
حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک العلماء
پیغمبران است پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین
مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت أولئك
اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خوابها
خواب از بخارهای تر متصاعد
مضمحل شود

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب درمیان برف و باران و یخ و سرما گرفتار است چون بیدار
شود جامهٔ خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برهنگی باشد و بی جامگی او بود و آنخواب
را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که اندر گرما بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود
پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیند که از علتی می نالید و دردی
در اندام وی افتاده بود و ویرا ازآن رنج میداشت و همان درد دارد و آنچه در خواب بیند که بول میکرد چون بیدار شود بیند
که در جامهٔ خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان
دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان
هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگ
دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خوا
پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهانرا بر دیگران چندان فضیلت است
که پادشاهانرا بر رعیت چه ایزد سبحانه و تعالی جل و علا پادشاهانرا برگزیده و سروری داده و خلق فرموده تا ا
وی بجا آورند قوله تعالی یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ
و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود مَنْ اَطَاعَ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَ بِهِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ پس هر چه
خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر
و درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر
در کارهای خاص و عام بستن و گشادن بامور خلایق همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است
بر خواب عوام چه ایشان داناند باصول فقه و حده و مسلمانی و فرایض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
بتوان دانست و خواب آزادانرا فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا
و نسب داده است ایشانرا بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشانرا شرف
و توفیق داده است تا خلق را براه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند
را منفعت دهد که بنده را ازآن نصیب باشد و خواب مردانرا بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
سبحانه و تعالی ایشانرا برگزید بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفضیل نها و قوله تعالی اَلرِّجَالُ قَوَّامُوْنَ
عَلَی النِّسَاءِ و پیغامبرانرا علیهم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتَانِ مِمَّنْ

تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ و بدیهه عقل است صبر و جود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت و خدم و امثال آن
همه در جبلت مردان مذکور گردانیده و خواب زنان نزدیکست بخواب بندگان و خواب صالحان را فضیلت بر خواب
فاسقان از بهر آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت
بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب توانگر بر خواب درویش فضل دارد زیرا که
توانگر زکوة و صدقه دهد و حج و غزا کند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اَلْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى
یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده است و گروهی از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره
دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو ببیند اثر آن دیر پدید آید و چون بد ببیند اثر
آن زود ظاهر گردد و خواب توانگران خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت بر ایشان
غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پدر و مادر
باشد و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قولست قول آنست که خواب ایشان راست و درست
باشد حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قول دیگر خواب
ایشان را اعتبار نیست که ایشان را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت حیی
بن اخطب دید که ماه و آفتاب از آسمان هر دو بکنار وی افتادند چون بیدار شد امیر خیبر را از این خواب آگاه کرد امیر خیبر
طپانچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگویی محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیبر بستاند و ترا بزنی کند پس
پیغمبر رسول الله علیه و سلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که این
کبودی که بر روی تست چیست صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد
والله اعلم بالصواب **فصل** هفتم در معرفت فرق میان خوابها کرمانی رحمة الله علیه گوید که خواب مسلمانان راست تر
از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ
الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ اَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ
مَا يَحْكُمُونَ و خواب پیران بهتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیزک بود و
هر کس معبر را باید که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سوال کند و الفاظ
که شنود همه را بقیاس عقل راست کند چنانکه لفظ اول بآخر بود و از آن آخر باول آرد آنگاه تعبیر کند و هر کدام که
بهتر ببیند باصول همان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد او را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید
و علمای قدیم قیاس چنین کردندی و صواب و راست آمدی **حکایت** چنین گویند مردی از ابن سیرین
رحمة الله علیه سوال کرد که بخواب دیدم که بانگ نماز گفتم ابن سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی بیامد

وگفت که بخواب دیدم که بانگ نماز می گفتم گفت ترا بدزدی متهم کنند شاگردان گفتند که این دو خواب یکی
داشت که بانگ نماز می گفتند چگونه تعبیر این مخالف کند گفت آنرا سیمای صلاح دیدم گفتم که حج کنی قوله تعالی
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا و در آن دیگر سیمای اهل فساد دیدم مخالف در تعبیر گفتم که ترا بدزدی
قوله تعالی فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باشد
بینند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بینند و تاویل آن یکسان باشد و خوابی در شب بینند و تا
شش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بینند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه د
المومنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه وسلم بخواب دید که سگی خون وی می خ
بعد از چهل سال درستی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بینند درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشتغال و خوابی که در نیم شب بینند
از قسم اضغاث و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بینند تاویلش
به پنج سال پیدا شود و اگر میانه شب بینند تاویلش به پنجاه پیدا شود و اگر در سحرگاه بینند تاویلش تا ده روز پیدا
شود علی الجمله هر چند که شب بروز نزدیکتر بود خواب درست تر و زود تر بود تاویل آن **فصل هشتم** در دانستن
زجر با معبر راست آید دانیال علیه السلام گوید هر که خواهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر و فال را
استادان قدیم را بود نیک بداند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سایل پرسد اگر نامش نیک
باشد دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سهیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله
را دلالت بر خیر و فرح بود بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که برو رسد و چون سایل از
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسب یا استر یا خر بیند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیند
خواب سفر کند خاصه که اسب و استر با زین و لگام بیند قوله تعالی وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا
وَزِينَةً و اگر سایل از وی تعبیر خواب پرسد و از آن زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر کلاغ دو بار
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبدالله ابن عباس
رضی الله عنهما در الحال کلاغی بیامد و بر دیوار خانه بنشست و دو بانگ کرد عبدالله بن عباس گفت دلیل که
بتو رسد هم در آنشب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبدالله گفت که من با یاران گفتم
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکوئی و اگر پنجبار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بانگ کلاغ چون

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخسپد
به نیت آنکه خوابی ببیند و از آنخواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گوسپند یا بره یا گاو یا اسب و مانند
این باشد که گوشت وی چیزی خورند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بهر او گشادند و یا طعامی شیرین
یافت و خورد دلیل بر نیکی کند **فصل پنجم** در خوابیکه فراموش کرده باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی
خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش
بشمارد و بحساب ابجد نه نه از وی بیندازد و نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دید تاویلش
یتاویل بر فساد کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
و اگر هشت مانده باشد سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالی ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
و اگر هفت مانده باشد وی ان یا سگان دیده باشد قوله تعالی يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ
و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تاویلش
تمامی اشغال وی باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال
او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد این
و سلاحها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
لِلسَّائِلِينَ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ
و دیگر گفت ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا
فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ تاویلش آنست که آنچه میترسد ایمن گردد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون
کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نهد از اعضای
خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب دیده باشد و اگر بر چشم نهد چشمهٔ آب شور دیده باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد
و اگر بر رخسار نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دهان نهد چشمهٔ آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شکافها و مغاکها دیده
باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رود خانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد
خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد
و اگر بر انگشتان نهد شاخهای خورد درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مزبله دیده باشد و اگر زانو نهد کریوه دیده باشد و
اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد دانیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چهار چیز بود
باشد یکی از بسیاری گناه دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد لاجرم خوابها
فراموش کند **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول جابلان کرمانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت چهار نشان نهاده اند که

پیشتر

کسی خواب پیش جاهل گوید یا تعبیر آن از جاهل بپرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه
معبر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نماینده خواب فرشته ایست و هرگز خطا نه اندیشد و آنچه گوید حق باشد و حق
بقول نادان باطل نگردد و میان عالم و جاهل فرق بسیار است قوله تعالی قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِیْنَ یَعْلَمُوْنَ
وَالَّذِیْنَ لَا یَعْلَمُوْنَ و رسول صلی الله و سلم فرمود لَا یَسْتَوِی الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ و چون نمودار خواب فرشته
ایست که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر ببیند که خیر خواهد رسید یا شر و هر که عالم و جاهل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیدنی
بود برسد مگر قضای معلق بود که بدعا و صدقه دفع شود و چون ملک ریان آن خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود قالوا
اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَاْوِیْلِ الْاَحْلَامِ بِعَالِمِیْنَ قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت
تعالی یَا اَیُّهَا الْمَلَاُ اَفْتُوْنِیْ فِیْ رُؤْیَایَ اِنْ کُنْتُمْ لِلرُّؤْیَا تَعْبُرُوْنَ یعنی ای بزرگواران فتوی کنید
مرا درین خواب قوم او گفتند ما تعبیر این خواب ندانیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قحط بگفت
بدین عجب دانستیم که هرچند جاهلان تعبیر خواب کنند حق باطل نگردد **فصل یازدهم** در معرفت خوابها از حال باوقات
و اصناف و هیئات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب باوقات گردد چنانکه اگر کسی بشب خواب ببیند که بر سبیلی
نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز ببیند دلیل که زنرا
طلاق دهد و اگر بشب ببیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بروز ببیند بیمار گردد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خواب از اصل نگردد بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکی
عذاب بود قوله تعالی غُلَّتْ اَیْدِیْهِمْ وَلُعِنُوْا بِمَا قَالُوْا چون این خواب مردی صالح ببیند دلیل که دست از گناها
و کارهای ناسزا بدارد چنانکه محمد بن عبد العزیز روایت کند باسناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
میان ابو بکر صدیق و سلمان پارسی رضی الله عنهما برادری کرده داد و سلمان خوابی دید مر ابو بکر را گفت و سبب آن
از وی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب سید
عالم را صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد تاویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلم رضی الله عنه روایت کرد
از عطا بن خباب که محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب کسیکه بر منبر بود چنین کرد که اگر از اهل صلاح است شهرت
و بزرگی یابد و اگر از اهل فسا داست بر دارش کنند و در عدید الحدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبیده
که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه پرسید بخواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر
باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از وی پرسید گفت شوهرت بمیرد و خواب هر دو یکی بود
اما تاویلش از اختلاف وقت بگشت و ابو حاتم روایت کند از اصمعی که اشعری پرسید که بخواب دیدم که گندم بجو
فروختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جو از اصل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب ببیند باشد که صاحب

سمعی حدیث کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویلش
تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویلش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند
تاویلش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مردی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید که بخواب هفتاد
برگ شمرده اند درختی بمن داده اند ابوبکر گفت هفتاد چوب بر تو زنند در آن هفته هفتاد چوب بروی بزدند پس همین سال دیگر
همین خواب دید همان هفتاد برگ از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المومنین
سال پار همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد چوب بود امسال هفتاد هزار درم مرا گفتی از فصل این خبر کن گفت پارسال فصل
پاییزان دیده بودی در آن وقت درختان همه خشک می شدند و برگ میریخت تاویل آن آن بود و امسال بهار است و
درختان روی باقبال دارند تاویلش اینست آمرزد هفتاد هزار درم یافت دانیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب
پرسد یعنی از بامداد تا نیمروز حکم تاویلش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبانگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن
خواب بر روز ابر و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جابر مغربی رحمة الله علیه گوید راست
ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیند یا استوا آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل خواب
شکفتن درختان و رسیدن میوه یا خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز زمستان بیند حکم تاویلش
ضعیف باشد که در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است

فصل دوازدهم

در معرفت شرایط آداب با اهل خواب دانیال علیه السلام گوید معبر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و حلیم و از عصیان
دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل باحتیاط تمام بشنود و بداند که سایل با پیشه هست
یا رعیت کهتر است یا مهتر عالم است یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مرد
یا زن فارغ دل است یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را بقیاس
عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام دیگران
بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی نگفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که ابن سیرین از سی تا چهل
که پرسیدندی یک جواب بگفتی و باقی را تعبیر نگفتی پس معبر باید که اول سخن بیننده خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نیک بداند و در آن
تامل کند و اگر سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن باشد
آن حشو از وی جدا بیفکند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکدیگر نماند اضغاث و احلام است و تاویل
آن نکند و اگر تاویل آن بپوشد بروی از آن معنی بپرسد از سایل که تنگ دل است یا خوشدل و آنچه ازو بشنود بنای تعبیر
خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار درشتی و نیکو لی
و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بروی پوشیده دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل خواب سه

چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان و مرغان بود و اینهمه در تاویل مردان باشد و صفت آنست که معبر بداند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت گردکان بقیاس بداند که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت گردکان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شترمرغ باشد مردی عربی بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت گردکان بود مردی توانگر بود و لیکن بد معامله و بخیل و شنیع بود زیرا که چون گردکان بجنبانی بانگ کند و تا نشکنی مغزش بیرون نیاید و اگر درخت خرما باشد کاری اختیار کند که آسان باشد کَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ و شجره طیبه انجا درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که همی پرد بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز بباید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی بدعهد بود و نیز بیننده خواب باید که مردی راست و با دیانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان نکند زیرا که همه خواب را بزبان آورد و اگر کسی خوابی بیند و از آن بترسد باید که سه بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خویشتن دمد و بگوید أَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَمِنْ شَرِّ الرُّؤْيَا الَّتِي رَأَيْتُهَا مِنْ مَنَامِي أَنْ تَضُرَّنِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ پس از آن دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد شر آن خواب بگردد و مغربی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللعنه در همه خوابها اعراض کند و همه چیز خویشتن را ماننده کند مگر بخدای عز و جل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماهتاب و ستارگان خود را بدان تشبیها نتواند کردن و اگر ورا قوت آن بودی که خود را مانند ایشان نمودی میان خلایق فتنه افکندی که گاهی خود را بصورت پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکن و با دیگری میگفتی که من آفریدگار توام گناهان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزها گفتی که بندگان خدای تعالی عز و جل را گمراه کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کارها بر ابلیس علیه اللعنه آن باشد که دل مومن روشن بود و حق تعالی عز و جل را بداند و خوابهای او راست باشد

فصل سیزدهم

در آداب نگاه داشتن سایل و معبر کرمانی رحمة الله علیه گوید نگاهداشتن معبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سرمایه خود سازد بوقت سؤال تا خواب نیکو بشنود و دریابد و بپرسد دین و مذهب و اعتقاد او واقف گردد تا بداند که سخن او راست است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود أَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا أَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هر که راست گوتر است خواب او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجب است بر مرد عاقل که با طهارت خسپد و بهنگام خفتن خدای تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَرِنَا الرُّؤْيَا صَادِقَةً

رؤيا صالحة غير فاسدة غير مجوبة رافعة غير واضحة و چون بخسبد بر دست راست بخسبد
و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده
دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و باد بر سوی دست چپ خویش دمد و بگوید
یارب تو دانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان
دور دار یا مجیب دعوة المضطرین یا اله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخاستن
و ابتداء کاری کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و بامداد چون از نماز فارغ شود و ورد خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه به خیر
به نزدیک معبر برود باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرط
معبر آنست که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نگوید و شر شخصی که بداند با دیگران
نگوید مغربی رحمة الله علیه گوید هر که خوابی ببیند باید که زیادت و نقصان نگوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب
راست وحی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب امانتی
است میان خدا تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید به نسبت فساد میکند و کرا
تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ افترا میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عاصی میشود و این دلیل است
بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگاه داشتن بر معبر و سایل واجب است **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه تعبیر از چند
نوع باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم
کند و وقت دیدن خواب که در روز دیده یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب
بر چه نسق میگذارد و فصل ماه پارسی و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند دانیال علیه السلام گوید چون
کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود و از راه زجر فال دلیل کند بر خیر و بشارت و خرمی
و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند دانیال علیه السلام گوید خواب در اول روز یکشنبه نیکو بود که تعلق با آفتاب دارد
و در اول روز دوشنبه تعلق بماه دارد و نیکو باشد و در اول روز سه شنبه تعلق بمریخ دارد و پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه
تعلق بعطارد دارد و قوم هود و اصحاب الرس هلاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشتری را باشد اول روز خواب
دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آدینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمعیت خاطر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار همی باشد در گزاردن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بیمار و معالجت او
حکایت امیر المومنین مهدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبران را جمع کرد و خواب
بگفت در تاویل معبران درماندند و تاویل آن ندانستند ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آوردند خواب

خلیفه بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند ترا دلیل برین چیست گفت وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ پس امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی داد و هم در آن روز او را دختری آمد ده هزار درم دیگر با براهیم کرمانی
بخشید حکایت مردی بخواب دید که او را خصی کردند نزدیک معبر آمد و پرسید گروهی گفتند این مرد زود بمیرد دیگری
گفت از فرزندان جدا گردد و دیگری گفت جدّهٔ او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود دیگری گفت زن را طلاق
دهد پس روزگاری برنیامد که زن را طلاق داد و فرزندان برگرفت و عزم سفر کرد و در دریا در کشتی نشست بادی مخالف
برخاست و کشتی غرق شد و در میانه دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال و فرزندان او جمله هلاک شدند و تعبیر خواب
چنان آمد که معبران گفته بودند کرمانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در گزاردن تعبیر خواب تعجیل نکند و سایل در وقت سؤال راست
گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند راست آمد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روا نباشد یکی از بیدینان دوم از زنان سوم از جاهلان
چهارم از دشمنان فصل پانزدهم در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار مسایل بود که از سایل پرسید
که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه ما بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که طاعون
در خواب دیدن کارزار باشد در بیداری و گریستن در خواب شادی بود به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن
بود و در دندان مجوفی دیدن خود را دلیل کند که در گورش کنند و در خواب خود را در گور دیدن دلیل کند که در زندانش کنند
به بیداری و در خواب خانه خراب شدن دختران زادن بود و دختران زادن در خواب کشت کردن بود و قوله تعالی نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا
حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ نیکی در خواب کرباس تنیدن بود و کرباس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن پشیمانی
خوردن بود و سیل بجای آمدن دشمنی بود در بیداری و آمدن هر چیز که نو آنرا نیک باشد کهنه آنرا بد باشد و هر چیز که
در خواب کهن آن بد باشد نو آن نیک باشد چنانکه موزهٔ نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با
سلاح موزهٔ کهنه پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر بفروخت
نیک باشد و اگر کنیزک بخرید نیک باشد و اگر بفروخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم
کتاب دراز گردد ولیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم ان شاء الله تعالی فصل شانزدهم در دیدن خدای تعالی
و فرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تاویل دیدن
خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ما نیز صواب چنان دیدیم
که در اول کتاب یاد کنیم پس ازان تاویل خوابهای دیگر بر نسق حروف معجم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمائیم تا استخراج
آن بر خوانندهٔ آموزنده آسان گردد تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی دانیال علیه السلام گوید هر بندهٔ مؤمن که خدای
تعالی عز و جل را در خواب بیند بیچون و بیچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی گرداند و

و حاجتهای او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل ورا امید بید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد
و بمغفرت مخصوص کردد و اگر گناهکار بود توبه کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی باوی مسکنت را از نیت
دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد قوله تعالی وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا اگر بیند که از پس حجاب باوی سخن گفت
دلیل که او را در دین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَرَاءِ
حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و باوی حساب کرد و او را بیامرزید دلیل کند که او را بیامرزد و اما
در دنیا بلا بوی گمارد و اگر بیند که خداوند عزوجل ورا پند میداد دلیل کند که رضای خدای عزوجل دران بود لقوله تعالی
يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدایتعالی و اگر بیند
که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرٰۤى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید
دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد دلیل که بیماری سخت بکشد و از ان
اجر و ثواب یابد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد اگر خدای را عزوجل بیند اگر کسی او را گوید که این خدا
عزوجل است دلیل که او را بپادشاهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بزمین فرود آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل
آنموضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آنموضع را نصرت دهد و اگر در آنموضع قحط و تنگی بود بفراخی مبدل گردد و اگر
اهل آنموضع گناهکار و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرود
می آید و بلطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر نجانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی
اما در دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد آنرا دلیل بر غم
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نهاد دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی خشم گرفت
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزدیک خود خواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خدایرا عزوجل در شهری یا در دهی بیند دلیل کند که آنموضع آنانکه مصلح اند عز و
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آنموضع دور شود قوله تعالی اَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيْمَا كُنْتُمْ فِيْهِ
تَخْتَلِفُوْنَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آنموضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آنشهر میل مداهنت کند یا امیر
آنشهر بر رعیت ظلم کند یا عام آنشهر بد دین باشند و اگر این خواب دزدی بیند دلیل کند که دست و پای وی ببرند
و در آنشهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهٖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً
حَتّٰۤى اِذَا جَآءَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُوْنَ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما

اگر کسی خدای عزوجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان
بود در آخرت دیدار حق تعالی بیند قوله تعالی لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ مفسران تعبیر در لقای حق
سبحانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل آن صورت ندیده باشند دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غزا بینند دلیل که آن غازیان را نصرت باشد
و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آمرزگار آنرا بیامرزد و اگر بیند که خدای عزوجل او را دشنام
میداد دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر بیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات ناسزا است
دلیل کند که بیننده این خواب بد دین و عاصی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل بدیدن خدای تعالی بر هفت
وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و هدایت و قوت در دین چهارم ظفر بر اهل ظلم پنجم
ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم ویران دیار آبادانی و عدل پادشاه هفتم عز و شرف و بلندی در دنیا و
آخرت چون برحمت نظر کند و اگر نعوذ بالله منها بنظر قهر نگاه کند برخلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی
عزوجل با وی بخشم بود دلیل که از شرع تجاوز کند و داد مظلوم ندهد و اگر پادشاه بود دلیل بر بیعدلی کند و اگر عالم بود
در دین و اعتقاد او خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گرا بنظر قهر بیند زحمت و عذاب بود و حجت
آنست که گوییم خدای عزوجل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل
منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی عز اسمه را بخواب بیند
بیچون و بیچگونه رویة الملائکة تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه کامکار با دین و دیانت و یا عالمی پرهیز
کار و بزرگترین ملایکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بمراد برسد و اگر غمناک
این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که او را جبرائیل مژده داد یا وعده نیکو یا از کاری باز داشت دولت
و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرائیل او را چیزی داد دلیل که از پادشاه قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرئیل
او را چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی دلیل کند که سخن
فصیح گردد و مراد بیابد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل را علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت
اوست دلیل که بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را عطا داد دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب بیند
که گویند تو میکائیلی دلیل که از وی خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد و دیدن اسرافیل را

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اسرافیل را بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش
بود و در هر دیار که او را ببینند دلیل بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود و اگر بیند که صور در دست داشت و میدمید دلیل بر بلا و فتنه کند
زیرا که او را امر خدای تعالی بدمیدن صور است و هر جا که دمیدن صور پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی
وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ و اگر بیند که اسرافیل علیه السلام صور در دست
داشت و میدمید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار
شود دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر اسرافیل را بخواب بیند که اندوهگین بود و صور میدمید
و او بتنها آواز صور می‌شنید دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل تازه روی بود
و شادمان در وی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و ایمنی رسد و اگر بیند که اسرافیل ع بر نامه مهر کرد و بدو داد دلیل که اجلش
نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد ۞ دیدن عزرائیل را ع
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کاری که بود معزول شود و اگر ملک الموت
را نزدیک خود بیند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر بیند که
با ملک کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بینداخت بعضی از معبران گفته اند که بیمار شود و اما شفا
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک
الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتمه کار وی بر شهادت بود و اگر بیند که ملک الموت
بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی بخشم نگریست دلیل که با خطر
مرگ او باشد و اگر بیند که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد اگر بیند که او را خبر داد
که ملک الموت بفلان جا بست و او از دور نگاه کرد دلیل که او را با پادشاه کار افتد و اگر بیند که ملک الموت بر پشت
دلیل کند که او دشمن خلق گردد ۞ دیدن حملة العرش آن فرشتگانی اند که عرش را بامر حق جل و علا برداشته اند اگر کسی
ایشان را بخواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد یابد و اگر بیند که با ایشان پیوستگی داشت دلیل که او را با پادشاه
بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسانیکه اهل دین باشند پیوستگی کند و حج گزارد
قوله تعالی وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّيْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و اگر [illegible] ن او را
و بهبندکی خویش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد ۞ کراماً کاتبین موکلانند که کردار و گفتار خلایق را نیک و بد
می‌نویسند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی کراماً کاتبین را بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و جهانی حاصلش
شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کشد قوله تعالی يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که فرشتگان باهم جنگ و نبرد میکردند دلیل که گنهکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ واگر بیند که فرشتگان منتظر ایستاده بودند تا چیزی از وی بستانند اهل نعمت را در زوال افتد و اگر بیند که فرشتگان
در یک موضع ایستاده بودند در آن موضع امنی باشد و اگر بیند که فرشتگان در حرب مشغول اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فرشتگان در رکوع اند یا در سجود
دلیل کند که احوال دنیا و دین او مستقیم گردد و اگر بیند که فرشتگان بر صورت زنانند دلیل که بیننده خواب بر خداوند عز و جل دروغ گوید قوله تعالی أَفَأَصْفَاكُمْ
رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا و اگر بیند که بر داشت و با فرشتگان
می پرید اجلش نزدیک بود یا توبه از دنیا برود و اگر بیند که از دور فرشتگان را می دید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل
که او را مصیبتی رسد قوله تعالی يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ و اگر بیند که فرشتگان او را اطاعت
خود فرمودند دلیل که او از اهل خیر و صلاح باشد شادی و خرمی بیند و اگر از اهل فساد باشد رنج و اندوه بوی رسد قوله تعالی
اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا اگر بیند که فرشتگان بروی سلام کردند بحرمت دلیل که بر دشمن
ظفر یابد و عاقبت کارش محمود گردد و اگر بیند که ملایکه در یک مقام فرود آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم و اندوه فرج یابند
زیرا که فرشتگان پیوسته بنصرت پیغمبران آمده اند کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن فرشتگان پند و موعظت باشد خداوند خواب
را و اگر بیند که فرشته او را وصیت کرد و پند داد از دنیا شهید برود و اگر فرشتگان مقرب را در جایی بیند که آنجا اهل اسلام
باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در آنجا رنج و قحط و سختی بود حق سبحانه و تعالی اهل آن موضع را از سختی
و تنگی خلاصی دهد و اگر بیند که فرشته گشت و باسمان رفت دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و راه حج
جوید و اگر بیند که فرشتگان باسمان رفت و باز نیامد و از دنیا برود و نامش در جهان به نیکی بماند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که فرشته مقرب در روی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از آن حج کند و غزا و خیرات بسیار
کند و اگر خود را بصورت فرشته بیند دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام دار است وامش گزارده شود و اگر مالدار است مالش زیاده
شود و اگر درویش باشد توانگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که فرشته او را بکاری مژده داد دلیل که بزرگی او را
بشغل باز دارد و اگر بیند که فرشته او را عطا داد عطا و بزرگی یابد و اگر بیند که گروهی فرشته او را استقبال کردند دلیل که دولت
و جاهی یابد و اگر بیند که فرشتگان بدیدن او آمدند و شمعها و چراغها داشته اند دلیل که او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر بیند
که فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی از خویشان او بمیرد یا اجلش برسد و اگر بیند که در روی بخورمی نگاه کردند عاقبت
کارش بسعادت بود و اگر بیند که فرشته او را جامع قرآن داد یا خطی نبشته دلیل که کسی بروی داوری کند و بروی غالب گردد

تاویل رؤیة پیغمبران علیه السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که مراتب پیغمبران علیهم السلام بر سه گونه است اول اولوالعزم
دوم مرسل سوم نبی و پیغمبران اولوالعزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم و مرسل آنها اند که جبرائیل ع بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزده اند و انبیا آن پیغمبرانند که جبرائیل
علیه السلام با ایشان بیامد و هر که اولوالعزم را بخواب بیند دلیل که عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد

واگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و ملامت باشند بشارت بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بیند که پیغمبران از جای نقل میکردند و بر اهل آن موضع دعای بد میکردند دلیل که خدای تعالی بلای عظیم بر اهل آن موضع فرستد مگر توبه کنند و خدای تعالی باز گرداند کرمانی رحمة الله علیه گوید هر بندهٔ مومن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بیند دلیل عز و جاه و نصرت یابد و اگر از چیزی خشمگین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که از علم آن پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر بیند که پیغامبر را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد لقوله تعالی فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی و ولایت یابد بقوله تعالی وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ و اگر بخواب بیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا و اگر بیند که آدم ع دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بیند که آدم را طاعت نبرد دلیل که عاصی و بدبخت شود حوا علیها السلام اگر بخواب بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد نوح علیه السلام را اگر بخواب بیند عمرش دراز گردد و لیکن از دشمن رنج و سختی بیند و عاقبت بمراد رسد ادریس علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد هود علیه السلام را اگر بخواب بیند دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد لوط علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش بصلاح باز آید و مراد دل بیند صالح علیه السلام را اگر بخواب بیند از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی گشاده شود ابراهیم علیه السلام را اگر بخواب بیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بد خوئی کند با در و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر بخواب بیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یابد یوسف علیه السلام را اگر بخواب بیند خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب ع را اگر بخواب بیند خصم بروی غلبه کند و بعد از ان بروی ظفر یابد موسی ع را اگر بخواب بیند مبتلا گردد با اهل و عیال و بعد از ان حالش نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد بقوله عز و جل وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا و بعضی معبران گویند که موسی ع بخواب دیدن دلیل که پادشاه دران دیار هلاک شود داود ع را اگر بخواب بیند حق تعالی او را بزرگی و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت گرداند زکریا علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی ورا توفیق دهد در طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب بیند سفری دراز کند با ایمنی و رزق و عمر دراز یونس علیه السلام را اگر بخواب بیند از غمها فرج یابد و در تاریکی روشنائی آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بخواب بیند از همه غمها فرج یابد و اگر وام دار باشد وامش گذارده شود و اگر

بیند و در زندان بود رهائی یابد و اگر ترس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراخی یابد و بعضی گفته‌اند که هر کس که توانگر بود
درویش شود و ابو هریره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده‌ام هر که مرا در خواب دید حق دیده باشد
که مَنْ رَآنِي فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود و اگر
کسی مرا در خواب بیند غم و اندوه بوی نرسد عجب مدار که تاویل دیدار من بر سعادت آن حضرت بشیر باشد اما اگر محمد صلعم را ترش روی
بخواب بیند دلیل سستی دین و آشکارا شدن بدعت در آن دیار بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند که در
جای بانگ میکرد دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزی میخورد دلیل که صدقه و زکوة باید داد
و اگر وی را در جائی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبود اهل آن موضع را نعمت زیاده گردد خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر او را غمناک
یا بیمار بیند دین او ضعیف بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی را صلی الله علیه و سلم در شهری یا جائی بیند دلیل که
در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بیند که اندامی از اندامهای رسول
صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت سست باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد
و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از میوه‌های تر یا خشک بوی داد او را در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود و ابن سیرین
رحمة الله گوید که اگر کسی رسول را صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن بیننده باز گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم
را مردم نیک بخواب بیند و مردم نیک را مژده دهنده بود بچیزها که بوی خواهد رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت
کردن تا از عقوبت رسته گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود و بشیر مومنان و نذیر کافران و اگر او را با خشم
بیند بد باشد عبد الله بن عباس رضی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول را صلی الله علیه بخواب بیند در آن دیار رنج و مصیبت
بسیار بود و اگر دید که از پی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر هوا و بدعت باشد و اگر بیند که او را زیارت میکرد
دلیل که مال و نعمت و ولایت یابد و اگر بیند که رسول الله صلی الله و سلم بروی افسوس میکرد دلیل که کافر شود لقوله تعالی
قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب بر ده وجه بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم
ظفر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم قوت دهم خیر و جهانی و نیکوئی مردم آن موضع که این خواب بیند تاویل رویة
الراشدین اول امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب
بیند دلیل شادی و کرامت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل کند که مردم
آن دیار و آن شهر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را گشاده روی و خوش طبع بینند و اگر ترش روی بینند و خوش طبع نبینند
این بود امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین عمر خطاب را رضی الله
عنه بخواب بیند دلیل که داد کرد و با انصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بینند دلیل که در آن شهر عدل

وانصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در آنشهر عدل و انصاف پدید آید امیر المؤمنین
عثمان ابن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان ابن عفان را رضی الله عنه در خواب
بیند دلیل که ورع و زهد و پرهیزکاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند دلیل که مردمان آنشهر
بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی امیر المؤمنین
علی را رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آنشهر بعدل
وانصاف موصوف گردد ولیکن گاه گاه میان ایشان خصومت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم اجمعین ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند دلیل که در راه دین و اسلام یگانه باشد و در میان مسلمانان صادق
القول گردد و بدیانت موصوف گردد لقوله علیه السلام اَصْحَابِیْ کَالنُّجُوْمِ بِاَیِّهِمْ اقْتَدَیْتُمْ اهْتَدَیْتُمْ ترجمه گفت صلی الله
علیه وسلم یاران من ستاره گانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند
خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهدا یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل که حج و غزا کند ابو هریره
وانس بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند دلیل که بسنتها راغب بود و علم و شریعت دوست دارد سلمان
فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد عبد الله
بن عباس و ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود و فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله
علیه وسلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که بر کارهای
خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما وارثان مصطفی اند صلی الله علیه وسلم و راه نمایان مسلمانان و اگر
بیند که در شهری و یا در محلتی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آنشهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتار و کردار
امر و نهی منکر تمام شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر چیزهای دیگر که بینند
بر حروف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التعبیر آبادانی ابن سیرین گوید
اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خیر و ثواب
آخرت که وی را حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که خیر و فایده
اینجهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آنجایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که
اگر کسی خویشتن بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف بیند
دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کار
اینجهانی دویم خیر و منفعت سیم مراد و کامرانی چهارم برگشایش کارهای بسته آب بدانکه زندگانی همه چیز با آب

قوله تعالی وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ابن سیرین گوید که بر فراز آب همی رفت چون آب دریا و رود و خانه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر قوة ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که از آب صاف خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور همی خورد تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جملهٔ آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همهٔ جهان را بگیرد و بعضی گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بود و یرا بزرگی و مال و نعمت حاصل گردد چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بدو رسد یا رنج و سختی و بیم و ترس بود کرمانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج کشد اگر بیند که بروی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که در آب سقا دلیل کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر بیند که آب بجام یا برداشت دلیل کند که بر مال و زندگانی فریفته گردد و اگر بیند که در کاسهٔ آبگینه بزن خویش داد و کاسهٔ آبگینه را نسبت بجوهر زنان کرده اند و آب که در کاسهٔ آبگینه بود فرزند طفل بود که در شکم مادر باشد اگر بیند کاسه بشکست و آب بریخت دلیل کند که جفت او بمیرد و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بریخت و کاسه بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او بمردم برسد و جایگاه خراب را آبادانی کند و اگر بیند که در خانه که اندر ان آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که آب صافی بپیاله مانند سگی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذراند اما کاری کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال جمع را اندک اندک بمردمان بخشد و بخیرات خرج کند جابر مغربی گوید که آبها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آنسال فراخی و نعمت بود و اگر آبهای بسیار دید که بزمین خورد دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود قوله تعالی وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ و اگر بیند که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آنسال نعمت و فراخی بود در آن دیار قوله تعالی أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا و اگر بیند که در خانهٔ او آب صافی بود دلیل کند نعمت و خرمی و معیشت یابد و اگر بیند که در خانهٔ وی آب تیره ایستاده باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال گوید که آب دادن باغ و کشت از جویها و رودها دلیل کند بر مال و رستگاری از غم و اندوه و آب دادن مرد ما نرا دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای نیک و پسندیده بود و اگر بیند که با آب اندر همی رفت و اندران وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صعب مشغول گردد از قبل رئیسی و قول او اندران مقبول بود خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد و اگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود دلیل بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کار وی و اگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از ان کس خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که آب تیره بروی ریخت تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب خوردن بخواب معبران بر پنج وجه تعبیر کنند اوّل یقین دویم قوت سیم کار دشوار چهارم ندیمی پنجم عمل از جهة رئیس شهر بدانکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب

چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا را بحرف دال و آب رود بحرف را و آب کاریز بحرف کاف و هم برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود **آب بینی** دانیال گوید که آب بینی دلیل بر فرزند کند و اگر بیند آب از بینی او همی آید دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بیند که از بینی او خلط بیرون آمد همین دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او آب فرو می آمد دلیل کند که وامش گذارده شود و از رنج و سختی و غم برهد و اگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب بینی در خواب فرزند بود ولیکن اگر بیند که آب بینی بر اندام او افتاد دلیل کند که ویرا پسر آید و اگر بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بیند که آب بینی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن او آبستن گردد ولیکن فرزند را بیفکند و اگر بیند که زن بروی آب بینی افکند دلیل کند که او را پسری آید و اگر بیند که آب بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند که زن همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب بینی خود را در بستر مردی افکند همین دلیل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که آب بینی خود را همی خورد دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بیند که آب بینی زن خویش را همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بیند که آب بینی او سیاه و تیره بود دلیل کند که فرزند او را اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که آب بینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار گردد **آب تاختن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب غمگین و وامدار بود دلیل کند که از غم فرج یابد و وامش گذارده گردد و اگر بیند در خواب توانگر بود دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تاختن دانیال گوید اگر بیند که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت دلیل کند که او را نقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم میرفت دلیل کند که او را فرزندی آید بس معلول و بعضی معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام بود و اگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند و بیند که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را فرزندی که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بیند که برخی از آب تاختن ریخت و برخی نگاه داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بیند که مردمان از آب تاختن وی مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش هزینه کند نه بر وجه خویش و اگر بیند که جامهٔ وی باب تاختن آلوده گشت دلیل کند که مال خویش بر فرزند خویش هزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش مردم را توانگری رسد اما آنانکه درویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازرگان را زیان بود در تجارت اسمعیل اشعث گوید که اگر بیند که در خانهٔ خویش بموضعش آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ **آبخانه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آبخانه همی ساخت دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حریص گردد و راغب گردد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

دلیل کند که زن جادویه ویرا حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط همی کرد
دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر بیند که در آبخانه بیفتاد یا در چاه آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند
که کسی در چاه آبخانه خود افتد دلیل کند که مال کسی بغصب بستاند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل
کند که بلای سخت بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود اوّل مال حرام دویم
عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار آبدستان ابن سیرین گوید که آبدستان در خواب
خزینه دار و صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی آبدستان بوی داد دلیل کند که خزینه دار
و مدبر پادشاه بود و اگر او بکسی دهد هم برین قیاس بود کرمانی گوید که آبدستان در خواب خادم بود بقول خدای عز و جل
قوله تعالی یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ و اگر بیند که آبدستان او بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که زن از وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از آب دستان آب همی خورد دلیل کند که ویرا فرزندی
حاصل گردد خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن آبدستان در خواب
[پنج] وجه بود اوّل خادم دویم خزینه سیم مدبر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جائی که امید ندارد
ابن سیرین گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون زن آبستن دلیل کند که او را مال و نعمت
و هر چند که شکم بزرگتر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر [illegible] آبستن بیند دلیل [illegible] اگر [illegible] بود [illegible]
نعمت و مال حاصل گردد و اگر بیننده خواب [illegible] نعمت و مال حاصل گردد آبکامه ابن سیرین گوید
که خوردن آبکامه در خواب دلیل که برنج و بیماری تن کند اگر بیند که آبکامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن ویرا
بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند که آبکامه برنجیت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار
بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن آبکامه بر پنج وجه گفته اند اوّل بیماری دویم غم سیم خصومت
چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبگینه دانیال گوید که آبگینه در خواب زن بود و اگر بیند که در
آبگینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند در آبگینه بکسی شراب داد دلیل کند که از هر کسی زن خواهد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آبگینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد
و حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که بر اجلش نزدیک بود و اگر بیند که خود
پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بقدر و اندازه آن خیر و خرمی یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که آبگینه از دستش بیفتاد
و بشکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زنی از خویشان وی رحلت کند و بدانکه آبگینه کر
بتاویل بمنزله خداوندگار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبگینه کسی بود که کارهای زنان گذارد و پیوسته او را
با زنان مخالطت بود آبله ابن سیرین گوید که آبله در خواب زیان مال بود و اگر بیند که بر تن او آبله بود که بقدر آن

خواسته مال او را حاصل کرده کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت
صادق علیه السلام فرماید که آبله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول زیادتی مال دویم زن خواهد سیم پرسش آید چهارم
حاجت روا شدن پنجم از ترس ایمن گردد چون آبله سفید **آبنوس** ابن سیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب
مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما توانگر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب
زنی بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت
که گفته گردید **آتش** دانیال گوید اگر کسی آتش بیند در خواب بیند دلیل که بپادشاهی نزدیک گردد و کار بسته او
گشاده گردد و اگر بیند که کسی ویرا در آتش افکند و آتش ویرا بسوخت دلیل که پادشاه بر وی ستم کند لیکن زود خلاص
یابد و بشارت نیکوئی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى
إِبْرَاهِيمَ و اگر بیند که آتش ویرا نسوخت دلیل کند که روی بکراهت سفری کند و اگر آتش را با تف و موز و سوز بیند
دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و مضرت
رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانهٔ وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از وی سهم و ترس در دل او نیامد
دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد بسبب بیماری و ضعف بود چون سرما و طاعون و آبله و سرخجه ایمن
ماند و اگر بیند که از آن آتش فرا گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را دود بود
دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تیمار حاصل گردد با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و تبش بوی رسید
دلیل کند که کسی وی را از دور غیبت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعلهٔ آتش بمردمان همی انداخت دلیل کند که درمیان مردم
عداوت و دشمنی افکند و اگر بازرگانی بیند که آتش در دکان و کالای او افتاد دلیل کند که کالائی که دارد بها [illegible]
بدرمی ارزد بسه درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانهٔ کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ و فتنه
و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامهٔ او را بسوخت دلیل کند که با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب بلا
اندوهگین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی را سوخته بیند دلیل
کند که از جهت زنان ویرا با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محلی یا در سرائی آتش افتاد و چنانکه هر چه بود همه را بسوخت
آن آتش زبانه میزد و آواز سهمگین همی داد دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود یا بیماری صعب افتد و اگر بیند که آتش
برخی چیزها را بسوخت و برخی رها کرد و آواز سهمگین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ
نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و دود بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان
بیفتاد در شهری یا محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهمگین نداشت
و زبانه همی زد و در جائی افتاد لیکن گزند و زیانی نکرد دلیل بود که درمیان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد بزبان و اگر بیند

که از زیر زمین آتشی سهمگین برآمد و سوی آسمان شد دلیل بود که آنموضع دوستان با حق تعالی حرب کنند بدروغ و بهتان گفتن بر وی
بقدر و قوة آن آتش که دیده بود و اگر ببیند آتشی از جائی بجائی همی رفت و آن آتش هیچ گزند نمیکرد بلکه دلیل بود که دران منفعت
یابد و اگر درویش بود توانگر گردد و اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی ببیند که از آسمان مانند باران آتش میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن
بود از جهت پادشاهان در آنموضع و اگر ببیند که آتشی از آسمان بیامد و چیزهای خوردنی که از آن او بود بسوخت دلیل کند که طاعتهای
وی نزد حقتعالی پذیرفته گردد قوله تعالی بِقُرْبَانٍ يَأْكُلُهُ النَّارُ و اگر ببیند که از آسمان آتش همی آمد و کسی را نسوخت بیم عذاب
حقتعالی باشد قوله تعالی عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ و باشد که از پادشاه ویرا بیم بود و اگر ببیند که بر سر آتشی بزرگ
گرم میشد دلیل کند که بپادشاهی بزرگ نزدیک گردد و اگر ببیند که بر آتشی چیزی همی پخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام گردد و اگر ببیند
که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که دران دیار نعوذ بالله مرگ مفاجات بسیار بود و اگر ببیند که آتشی بر
قبه یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آنموضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی ببیند که آتشی از زمین برآمد و فروغ
پیدا دلیل کند که در آنموضع گنج بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر ببیند پارهای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان خورد
قوله تعالی الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا
و اگر ببیند که از دهان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر ببیند که هر جائی آتشهای سوزنده میگرفت دلیل کند که از
هر جائی میانجی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر ببیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او را زیان نداشت دلیل کند که بدو
خیر و نیکی رسد قوله تعالی أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ و اگر ببیند هیزم آتش عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند دران یا
قوله تعالی كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ و اگر ببیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر ببیند که آتش وی را
بسوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر ببیند آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان
و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بر وی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در رزمگاه آتش ببیند دلیل کند
بر بیماریهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مفاجات نعوذ بالله و اگر آن آتش را با دود ببیند دلیل کند که از پادشاه
او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار ببیند دلیل کند بر بدبختی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارة انصاف ندهند و بر خریده و بر
گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده ببیند دلیل کند که در مردم آنجا مصادره بود از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول
آتش ببیند دلیل بیدینی بود و اگر آتش در جامه کسی افتاده ببیند دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر آتش
ایستاده ببیند دلیل که او را رنج رسد آتش افروختن ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و آتش بی دود
فروغ قوت بود و خواسته و آتش با دود پادشاه ستمکر و غم و اندوه و زیان بود و اگر ببیند که آتش برافروخت تا گرم گردد یا کسی
دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر ببیند که بفایده آتشی برافروخت دلیل کند که بی سببی
جنگ و خصومت کند و اگر ببیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردان

تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که ازان بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزیی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بزیر دیگ
آتش می افروخت و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که ازان کار کدبانوی خانه را منفعت رسد
و اگر بیند که دران دیگ هیچ طعام نبود دلیل کند که ازان کار او را غم و اندوه بود و اگر بیند که آتشی برافروخت حلوا پزد دلیل کند
که او را سخنی نیکو بیند و اگر بیند که آتشی برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کاری را بحجت و برهان روشن گرداند کرمانی گوید اگر
بیند در جایگاهی آتشی برافروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل آنموضع را غیبت کند بدی گوید و اگر بیند آتش
در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و یا اهل بیت او را جنگ و خصومت
افتد و اگر بیند که خواست تا آتش برافروزد و از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی نمیداد دلیل کند که از
علم خویش بهره خورداری یابد و اگر این کس پادشاه بود عز و جاه و دولتش افزون گردد و اگر بیند که آن آتش که افروخت ببرد
دلیل کند که هلاک گردد جابر گوید اگر بیند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس بموضع
و مقام خویش میرفتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرومیرد و نور او
زایل میگردد دلیل کند که احوالش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در بیابان افروخت نه بر راه راست
همی درخشید دلیل کند که علم او مردمان را براه ضلالت برد و اگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آنموضع را بسوزد و آتش
آنرا نسوخت و آن بازرگان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش
همی برد دلیل کند که مالی حرام بدو رسد روشنائی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه
بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت
او همانجا بود و اگر اخگر افروخته دلیل کند که دران دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود اخگر دید چنانکه از نور آن خانه
روشن بود دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن اخگر را کشت دلیل که در خاندان او
خصومت و داوری بود آتش پرستیدن دانیال گوید اگر بیند که آتش را میپرستید و سجده میکرد دلیل که پادشاه ستمگر را
سجده کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را نشکید اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان
مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه همی داد و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که درمیان
آتش هر اوقات همی گردد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازرگانی کند ولیکن عاقبت کارش بر خطر بود خاصه که از آتش بوی
او گزند رسد و اگر از آتش بتن او را هیچ گزند نرسد دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت یا روز کار او از پادشاه
و اگر بیند که درمیان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او
روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد و وجهانی حاصل گردد و قوله تعالی وَأَدْخِلْ
يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث

روشنائی آتش

آتش پرستیدن

گوید که اگر کسی در خواب بیند که آتش سپید دلیل کند که بازداری و عوانی کند و آن آتش که سپید اگر شکل اخگری بود که
عرض و از دین جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند

شراره آتش

ابن سیرین گوید که شراره آتش در خواب سخن
باشد که بوی رسد و اگر بیند که شراره آتش در وی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلای سخت گرفتار گردد و کرمانی گوید
اگر بیند که در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد دلیل کند جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بیند که شرارهای آتش
سخت بزرگ بودند دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ
كَالْقَصْرِ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ و اگر بیند که شراره آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر
جنگ و خصومت کنند و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخن زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاره آتش
در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در آن کار او را
بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر بیند
که از آن آتش پاره مردم راهی واد دلیل کند که از کردار وی مردمان را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند
که چیزی از خوردنی بر وی بآتش پخت و میخورد دلیل کند که سخنهای خوش شنود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش
در خواب بر بیست و پنج وجه بود اول فتنه بود دوم کارزار سیم فساد چهارم مرتبت پنجم خصومت ششم سخنهای
هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم
راه هدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس و بیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم
سرسام بیستم بلا بیست و یکم گشایش کارها بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی
بیست و پنجم منفعت آتشدان ابن سیرین گوید که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتشدان
آهنین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان
اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان از گل بود دلیل بود که آن زن اهل دین کیشان باشد و از مشرکان نیز
بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتشدان بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه دوم کنیزک آتش زنه ابن
سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتش زن این هر دو انبار باشند که از ایشان یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو را
بر شرف و کارهای بزرگ در آورند کرمانی گوید اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون می آورد و از او شمع یا چراغ بر افروخت اگر بیننده
پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او بهره
یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی
منفعت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا بشغل
او مشغول گردد و از رشوت مال بدست آورد و اگر بیند که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد

آتشکده
ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب جایگاه مکروه بود کرمانی گوید که آتشکده جایگاه مردم احمق و خالی بود و اگر بیند که بر آتشکده رفت
و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آن مقدار مذلت و خواری بوی رسد لیکن زیانی بر بدو و سرانجام پشیمانی بود. و آرد گون [illegible]

آرد گون
آرد گون شکوفه است و دیدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری بود آرد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بدو رسد و دانیال
گوید اگر بیند که آرد چون برف از هوا می آمد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد و از آنجا که امید ندارد ابن سیرین گوید آرد
جو بنا و دلیل درستی دین بود و آرد گندم مالی بود از تجارت که بسیار فایده بود و آرد گاورس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید که آرد

آرد فروش
فروش بخواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدنیا [illegible] بود آرد بیز کرمانی گوید که آرد بیز بخواب مردی باشد که در میان دوستان
و خویشان بهی کرد ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب زنی بود فضول یا خادمی بود و اگر بیند که آرد بیز بزرگ نو فرا گرفت یا کسی
بوی داد دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار دوست وی گردد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت او مقیم
بود دوست وی شود حضرت صادق ع گوید آرد بیز در خواب بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دوم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت

آروغ
اندک آروغ کرمانی گوید که اگر بیند که در خواب آروغ بر می آورد دلیل بود که سخنی گوید که او را از ان حرمتی بود و اگر بیند که با آروغ طعامی
بود و از گلویش بیرون آمد دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش بر آورد دلیل کند که سخنی گوید
که از ان مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ بچون دود بر آورد دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که از ان او را عیب گویند و ملامت کنند

آزاد شدن
و سرانجام از ان پشیمانی خورد آزاد شدن دانیال گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد کرد دلیل کند که اگر بیمار بود شفا یابد
و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر حج نکرده باشد بگذارد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر غمگین بود شادمان

آستانه
گردد و از غم فرج یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد و علی الجمله آزادی در خواب بغایت نیکو و پسندیده است آستانه کرمانی گوید آستانه
بالایین در خواب کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه و اگر بیند که آستانه بالایین در رو بیفتاد و خراب شد دلیل کند که شوی خانه بمیرد و اگر بیند
خانه که آستانه زیرین خانه بیفتاد و یا بسوخت دلیل کند که کدبانوی خانه بمیرد ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانه زیرین با آستانه بالایین نو و بدل
کرد دلیل کند زن را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و اگر بیند که آستانه بالایین را بکند دلیل که خود را هلاک کند و اگر بیند که هر دو آستانه خویش بکند و خراب کرد دلیل

آسمان
کند که کدبانو و کدخدا هر دو هلاک گردند آسمان دانیال گوید که اگر کسی خویش را در آسمان اول بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک
آمده بود و اگر خود را بر آسمان دوم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و اقبال جهانی یابد
و اگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه او را دوست و مقرب گردد و اگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که هیبت و ترس و بیم یابد و اگر
بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد و اگر بیند که بر آسمان نخستین بر شد و لیکن در را بسته دید دلیل کند که
کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان بسیار سست نگاه کردن و سر را فرو افکنده بود دلیل که از دیدار مردی
بزرگ جدا گردد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرو آمدند و بر وی بگذشتند دلیل کند که درهای علم و حکمت بر وی گشاده گردد ابن
سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا شود و در ان سفر او را مرتبت دنیا و عز حاصل گردد و اگر بیند که بر آسمان

آسمان میپرد هم سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که همچنان راست میپرید تا بآسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج بیند و اگر
بیند که بآسمان رفت بدان نیت که بزمین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیابد و اگر بیند که از
آسمان بانگ و ندا می شنود دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن گفت دلیل بود که شادمان گردد و کرمانی
گوید اگر بیند که او در آسمان بنیاد و بست چنانکه مردمان در زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که بنیاد دی
چون بنیاد دنیا از خشت و گل و گچ و آجر دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انگبین همی بارید دلیل کند که
مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک میبارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار
بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان گژدم یا مار یا سنگ همی بارید دلیل بود بر عذاب خدای عز و جل اندران دیار و اگر بیند که خود را از
آسمان فرو آویخت دلیل کند که کار او بلند گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که وهم آنجا نگنجد و فرو نیامد
دلیل کند که اجل او نزدیک آمده بود و خاتمت کار او پسندیده بود و اگر خداوند خواب مستور بود و مصلح و بیند که در آنجا فرود آمد دلیل که در راه
دین زاهد گردد و اگر خداوند خواب مصلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد دلیل کند که از رنج
و بیماری بسر حد هلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیاد می بود چون قبه یا کوشکی که نه از سنگ و آجر
بود دلیل بود که خداوند خواب و اصل عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که درهای آسمان گشاده شده دلیل کند که دعا در آن سال مستجاب گردد
و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود دو قوله تعالی فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ
أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ و اگر بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم آنجا گشاده گردید دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آن دیار
که با گشادن آن در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان بیفتاد دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشم بود امام جعفر صادق علیه السلام فرماید اگر بیند
که آسمان بگونه سبز بود دلیل بود که در آن دیار خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود دلیل که در آن موضع رنج و بیماری بود و اگر
بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود
و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که او را حقتعالی روشنی تمام در دین حاصل گردد و اگر بیند که برابر او در آسمان گشاده
شد دلیل کند بر خیر و روزی بر او گشاده گردد و عالم و حکیم گردد و از وی روزی بسیار بمردم رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود
یا گرد و عمودها دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت نصرت بود و اگر بیند که آسمان را همی پرستید دلیل کند که بیدین و گمراه گردد اسمعیل
اشعث گوید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلای سخت و عذاب باهل آن موضع رسد قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا
عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ و اگر بیند که از آسمان گندم و جو میبارید دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان بقیاس بود و خلق را
ایمنی و کسب و معیشت بود آستانه ابن سیرین گوید اگر بیند که آستانه خانه وی بلند گردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد
و شرف و منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او بیفتاد دلیل که از شرف و منزلت بیفتد و نزد مردمان خوار گردد و اگر بیند که از آستانه
خانه وی آب صافی چون باران همی بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که از آستانه خانه وی مار و گژدم همی افتاد دلیل که

پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که آستانهٔ خانه بروی بیفتاد و وی در زیر آن گرفتار گردید دلیل کند که او را بیم
هلاک بود و قوله تعالی فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ و اگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او برنگهای ملوّن و منقّش بود دلیل کند که بزینت
و آرایش دنیا مشغول گردد **آسیاب** دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غلّه برد و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب بدو
خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک گردد و اگر بیند که سنگ آسیاب
بشکافت تا خللی در وی پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بدزدید
دلیل که خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود و ابن سیرین گوید که دیدن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود و اگر کسی خود را
در آسیاب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد اما اگر داند که آسیاب ملک وی بود آسان تر بود و اگر که در آسیاب غلّه نداشت دلیل [illegible]
که آسیاب چگونه میگردد دلیل که بسفر شود و اگر بیند که سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر
بیند که سنگ آسیاب از آبگینه بود دلیل کند که خصومتش با زنان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غلّه آرد میکرد دلیل
کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسیاب را بدست میگردانید دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود
و بواسطهٔ او کارش بنظام نباشد حضرت صادق ع فرماید که آسیاب در خواب دیدن دلیل بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم رئیس
سیم توانگری چهارم مرد دلیر جلد پنجم خوانسالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای رئیس بزرگ بود و اگر بیند که آسیا را خراب کرد دلیل
که اندران چیزی که با آسیا منسوبست خراب کرده **آسیابان** در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگرداند چیزی
بدست می آورد تا اهل آن خانه بدان تعیش کنند ابن سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بتاویل مردی بود که مردم را از دست
روزی بود و چون آسیابان جوان بود بتاویل نیکو باشد و اگر بیند که آسیا بخر میگردید یا باشتر و آرد
نیکو فرو می آید دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت گردیدن آسیابان بانگ سنگ آسیاب بشنود دلیل کند که
کار وی قوی گردد **آشتی کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز گردد و اگر بیند که در آشتی کسی را
بفساد دین خواند دلیل که وی را بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسی را بصلاح دین میخواند دلیل که وی را بفساد و راه شر
خواند حضرت صادق ع میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر دوم بر قوّة سیم بر سیرت اعتقاد
پسندیده **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود مصلح از وی خیر
و دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خواستگار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر را در آغوش گرفت دلیل بود
که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان
فرا گرفت یا وی را بملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب شد
دلیل کند که پادشاه گردد بر قدر روشنائی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قدر و همت و اصل خویش بزرگی و حشمت یابد
و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که با پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماه مقیم

شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بروی مقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب ببست دلیل که ملک از پادشاه بزرگ بستانند
و اگر بیند که آفتاب را فرا گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها
فرج یابد و اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین گوید
که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه وزیر او و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستارگان
دیگر لشکر او بود جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کلام خود در وصف
یوسف عم یاد کرده است قوله تعالی إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه بر آمد و در خانه
وی تافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشاند دلیل که حال بر پادشاه مقرر گردد
و احوالش بد شود خاصه وقتی که بیند آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن
زود به شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسنی یا رشته فرو هشته بود و او دست بدان رسن زد دلیل که از پادشاه او را قوت و یاری بود
و اگر بیند که آن رسن بگسست و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد
و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و جمله را بگرفت و نور ایشان ببست دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان
جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را بگرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بیننده خواب هلاک گردد خاصه
که ظالم و ستمکار بود کرمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو
پادشاه را باهم جنگ و خصومت بود دلیل که دو پادشاه را باهم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین هیچ نور نداشت
دلیل بود که پادشاه آزرده یا معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی بزرگ
رسد و اهل شهر نیز از آن بهره بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عامه مردم را غم و اندوه
رسد و اگر بیند که ابر آفتاب و ماه و ستارگان را همی بپوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن منهزم شوند و اگر بیند که آفتاب را همی
پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی به آفتاب کرد و پس دیگر بار
روی از آفتاب بگردانید دلیل که اگر نخست کافر بود و پس مسلمان گردد و بعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب باز دید دلیل بود که از پادشاه
اندیار را جهت چیزی جزئی رنجی رسد از جائیکه امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت
و بزرگی یابد حضرت صادق عم میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اوّل خلیفه دوّیم سلطان بزرگ سیّم رئیس چهارم عالم
بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مرد از زن و زن را شوی هشتم کار زوس نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده
کرد دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف و رئیس و امیران و یار بد پدید آید و شعاع
آفتاب بخواب دیدن ضد آن بود که گفتیم آفتابه ابن سیرین گوید که آفتابه در خواب زن خادمه بود یا کنیزک که چراغ خانه بود

تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتابه خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گرد آیند و از معصیت پرهیز کنند و اگر بیند که آفتابه نو
داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتابه بشکست دلیل که خادمه یا
کنیزک بیمار گردد و یا بمیرد و اگر بیند که آفتابه او ضایع گردید دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و بر
نهم راحت از جهت زنان **الج** بدانکه الج را بتازی زعرور گویند اگر کسی در خواب بیند که الج همی خورد دلیل که او را رنج و بیماری رسد بقدر آن
کرمانی گوید اگر بیند که الج داشت یا بکسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت و از او نخورد دلیل که از رنج و بیماری ایمن گردد و علی الجمله خوردن
الج در خواب ویرا هیچ خیر و منفعت نباشد **آماس** ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن او آماس پدید آمده
بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل گردد خاصه چون که در آن آماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آماس بود
چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام فرماید
که دیدن آماس بر تن پنج وجه بود اول مالش زیاده گردد دوم زنی با منفعت خواهد سیم پسر آورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم
ایمن گردد از غمها و اگر همه تن خود را آماس بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد **آهک** دانیال گوید که اگر کسی
بیند که با آهک موی از تن بسترد دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل گردد و اگر غمگین بود از غم فرج
یابد و اگر وام دارد وامش گذارده گردد ابن سیرین گوید آهک کردن در خواب توانگر را زیادتی مال بود و درویش را گذاردن وام
و کافر را نشان مسلمانی باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آهک در خواب بر سه وجه بود اول خبر بد بود دوم سخنهای زشت با خویشان
سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آهک در تاویل بد بود **آهن** ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن نادم بود و اگر
نامعمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن و اگر بیند کسی که آهن بوی داد دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی
گوید که هر آهن که کسی بخواب بیند که آن بسبب صلاح دارد از منسوب بپادشاه بود چنانکه خدای عز و جل در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی وانزلنا
الحدید فیه باس شدید و منافع للناس و اگر بیند که آهن از سنگ بیرون می آورد دلیل کند که او را سختی پیش آید
قوله تعالی قل کونوا حجارة او حدیدا او خلقا مما یکبر فی صدورکم جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که **آهنگری**
میکرد و نه از اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از معبران گفته اند که آهنگر
بتاویل پادشاه بزرگ بود و داود گر ابن سیرین گوید که دیدن آهنگر بخواب چون معروف بود دلیل پادشاه بود و اگر معروف نبود تاویل
نیک و بد آنچه دیده بود با آهنگر باز گردد و اگر بیند که آهن با مس همی گداخت دلیل کند که این کس مردمان را غیبت کند و زشتی
گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند که از سوزن بود و آن همه منفعت و قوت و ولایت و توانائی و ظفر یافتن بر دشمن بود **آهو** دیدن
گوید اگر بیند که آهو را از گرفت دلیل که کنیزک خوبروی او را حاصل گردد و اگر بیند که گلوی آهو را ببرید دلیل که دوشیزگی دختری را ببرد و اگر بیند که آهو را
گلو ببرید دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل که با زنی غریب زنا کند

و اگر بیند که پوست آهو را همی خورد دلیل که او را از زنی خوب روی مالی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهو یا گوشت یا پیه او را
عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهو را بکشت دلیل که از قبل زن اندوهگین گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که پی آهو
گرد آهو رود و بیفکند دلیل کنیزکی یا زنی را دوشیزگی ببرد و اگر بیند که آهو را وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهو
در خانه او بمرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که آهو را سنگ یا تیر زد دلیل که سخنی ناسزا گوید زنی را جابر مغربی
گوید اگر بیند بچه آهو را فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل که وی را از کنیزکی فرزند آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن آهو در خواب بر چهار وجه
بود اول زن دوم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت از زنان

آواز

ابن سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل
کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و بانگش بلند گردد و اگر بیند که
آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف گردد چنانکه کس یاد او نکند کرمانی گوید بلندی آواز مردان را دلیل شهرت
و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود و بسیاری

آویختن

دانیال گوید اگر کسی
بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاویزند دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در دینش خلل افتد و اگر بیند
که هنگام آویختن مردمان نظاره وی میکردند دلیل که بر عدد آن قوم مهتری و فرمان روائی یابد اگر بیند که گروهی جمع شدند و وی را بیاویختند
دلیل که بر آن قوم مهتری و فرمان روا گردد و اگر بیند که پیری مجهول وی را بیاویخت و مردمان بنظاره او همی بودند دلیل که بر خلق
جهان فرمان روا گردد و چون بیند که خویشان بنظاره او همی بودند و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد
بلکه خود را آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطیع او نگردد جابر مغربی گوید چون وی را آویخته
بودند ریسمان ببرید و بیفتاد دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیفتد

آیینه

ابن سیرین گوید که آیینه در خواب جاه و ولایت
بود اگر بیند که آیینه داشت یا کسی آیینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی آیینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر
بیند که آیینه بکسی داد دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آیینه سیمین نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه خویش
کراهت بیند زیرا که معبران آیینه سیمین را مکروه بینند و دانند کرمانی گوید که اگر مردی در آیینه آهنین همی نگرید دلیل که اگر زن
وی حامله بود پسر آورد که بهمه چیزها مانند پدر بود و اگر زن بیند که در آیینه مینگریست و آبستن بود دلیل که دختری آورد که بهمه
چیز مانند مادر بود و اگر زن آبستن نباشد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پسر بیند
که در آیینه نظر میکرد دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند وی را خواهری آید و اگر پادشاه یا عاملی نگاه کند معزول
گردد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب که در آیینه دید چون معروف
بود پادشاه بود و اگر معروف نباشد تاویل نیک و بد هرچه دیده باشد با آیینه باز گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که
دیدن آیینه بخواب شش وجه بود اول زن دوم پسر سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست پنجم انباز ششم کار بزرگ
و هم او گوید اگر مردی عزب آیینه در خواب بیند دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز شود

وگرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آیینه بدو داد و در روی نگریست دلیل که بدیدن دوستی غایب شادمان گردد
ابر دیدن در خواب دانیال گوید که ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اول ابر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر بارنده و نابارنده
و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید بارنده دید دلیل که خدای عزوجل ورا علم و حکمت ارزانی داد
و مردمان را از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل که بیمار گردد و بعضی از معبران گفته اند که زنی خواهد
و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر ابر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد زیرا که خدای عزوجل بر قومی که عذاب
فرستادی نخست ابر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز بر سر راست بایستاد دلیل که بقدر آن فرمان روائی یابد و اگر
بیند که ابر بر سر وی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل گردد و ابن سیرین گوید
اگر بیند که ابر را در هوا همی راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل که در ولایت خویش
رسولان و صاحب خبران فرستد و اگر بیند که ابر را از هوا بگرفت و بزمین آورد دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم و حکمت
و اگر بیند که ابر بر سر وی سایه همی کرد دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا
عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا اگر بیند که از ابر جامه دوخت بود و در پوشید دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را
نبود و اگر بیند که ابر همه جهان را بپوشید و هیچ باران نبود دلیل که بد بود کرمانی گوید که اگر بیند که ابر را جمع کرد یا برداشت یا بخورد
دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یگانه گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که ابر را میخورد دلیل کند که معیشت او از
حکمت بود و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز موضع جای گسترده بود دلیل بر خشم و عذاب حقتعالی بود در آن دیار پس هر کرا اندران ابر نزدیکتر بیند عذاب
حقتعالی نزدیک بود و اگر با ابر باران بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل که بقدر آن وی را رحمت و نیکوئی رسد و اگر
با ابر باران و رعد سخت بود دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با رعد برق بیند این عذابها سخت تر بود و اگر بیند با برق
صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن ابر گسترده شده است دلیل کند که فرزند و اهل بیتش
حکمت بود و دانش نیز حاصل کرد و بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که ابر بخواب دیدن بر نه وجه بود اول حکمت
دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرهیزکاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث
گوید که ابر سیاه بخواب دلیل بیم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنار
دریا آرند که بتازی آنرا سفنج خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود ابروها ابن سیرین گوید ابروها
دیدن بخواب دین بود و اگر بیند که ابروهایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود دلیل کند که زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند
که ابروهایش فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که ابرو نداشت یا موی ابرویش فرو ریخت دلیل که آهنگ
چیزی کند که از آن چیز وی را بدنامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که وی را نیکنامی و صلاح
دین حاصل آید و اگر بیند که ابروهایش سفید گشته بود دلیل که علم و آهستگی وی زیاده گردد و لیکن مالش را نقصان بود جابر مغربی گوید

اگر یک ابروی تو بیشتر ریخته دید و یک دیگر اکنده دید دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل
بر نقصان زینت و دین وی کند **ابریشم** بدانکه تاویل ابریشم همچو تاویل قز بود و در حرف قاف گفته میشود و خواهد شد **ابلیس** لعنة الله
دانیال گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بد دین و دروغ زن و فریبنده و بیشرم و نومید از نیکی و مردمان را همه بدی آموزد
و شر و فساد و اگر بیند که با ابلیس در جنگ شد و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که ابلیس بر وی غلبه کرد دلیل کند
که براه شر و فساد مایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس
او را نصیحت میکرد وی را خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن مضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست او بگرفت و بجائی میبرد
و او گفت لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بگناه بزرگ مبتلا گردد و بعد از آن بنصیحت کسی از آن گناه باز ایستد
و اگر بیند که ابلیس را بر گردن غل نهاده دید که اهل دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که علما
و مردمان مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که بهوای نفس مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس چیزی بدو داد
و او اگر آن چیز نیک بود دلیل که مال حرام یابد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که کار
مردمان بفساد قوی گردد و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشمشیر زند و هلاک کند و بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل
و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح ورزد **ارزیز** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز بسیار
داشت دلیل که بقدر آن وی را چیزی از متاع دنیا حاصل گردد که در زیر آن البتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و دانند که ملک آنست
دلیل که بقدر آن وی را خدمتکاره و چاکر بود کرمانی گوید اگر بیند که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی حضرت صادق ع
فرماید که دیدن ارزیز در خواب سه وجه بود اول منفعت دویم خدمتکار سیم متاع خانه **ارش** ابن سیرین گوید اگر بیند که با ارش
یا چیزی دیگر بارش همی پیمود او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جامه پشمین بود دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بدست آورد
اره ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که باره درختی را بکشید دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفارقت جوید و او را بیازارد
و تاویل هر درختی در حرف دال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را باره بدو پاره ببرید دلیل که مانند آن وی را فرزندی
دیگر بیاید یا برادر یا خواهر کرمانی گوید اگر بیند که اره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر آید
و اگر دختر دارد وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد چهارپایی دارد دلیل که چهارپائی مثل آن وی را حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که اره
در خواب دیدن بر سه وجه بود اول فرزند دویم خواهر یا برادر سیم انباز **ازار** ابن سیرین گوید که ازار در خواب زن بود و اگر بیند
که ازار در میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که ازار وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد و اگر بیند که ازارش
بدرید دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ازار وی بآتش بسوخت دلیل آفت و بیماری زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ازار
پشمین یا پنبه بود دلیل که زن او ستیزه و دین دار بود و اگر بیند که ازار کهن و چرکن داشت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ازار
قزین یا ابریشمین داشت دلیل که وی را زنی معاشر یا متکبر بود **پیغمبری** دانیال ع گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران و خلق

بخدا

بجذامیخواند ورا او توحید همی بنود دلیل که نخست محنت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که ورا بمصلح و ا
همین دلیل کند لکن محنت و بلای وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او محتشم و توانگر گردید نعمت دنیا بر وی فراخ گردد اما دین او
تباه گردد و کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
و مثل این دلیل بود که او را بذکر خیر و نیکی یاد سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان وی را بشر و بدی یاد کنند و اگر بیند که او پادشاه یا امیر
یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بخلل
صلاح بفساد مبدل شد دلیل کند بر بخشی و ادباری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیای وی اژدها
ابن سیرین گوید اژدها را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که اژدهائی داشت دلیل که با بزرگان پیوند
اگر بیند که با اژدها جنگ و نبرد میکرد و بر او چیره شد دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند اگر بیند
که اژدها را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و هزیمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اژدها وی را فرو خورد
دلیل که بیم از دشمن بود که دشمن وی را هلاک کرده اند اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها مطیع و فرمان بر او بود دلیل که دشمنی
بزرگ وی را مطیع و فرمان بر گردد و کارهای او بنظام گردد اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود و اگر بیند که اسپندان
همی خورد دلیل که بقدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد دلیل که غمی از آن کس بر دل وی حاصل گردد و اگر بیند که
اسپندان و بخشی داد غمی از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکسی داد
یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپ دانیال علیه السلام گوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی
و عز و جاه بود اگر بیند که بر اسپ تازی نشسته بود و آن اسپ مطیع و فرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر
نیکوئی و قیمت اسپ اگر بیند که اسپ را فرا گرفت و نه تازی بود یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل که شرف و بزرگی یابد
لیکن کمتر از آن که در اسپ تازی گفتیم و اگر بیند که از آن اسپ چیزی کم بود یا زین یا نمد زین یا لگام دلیل که بر قدر آن نقصان
در بزرگی او بود و اگر بیند که اسپ وی را دنب بنبوده و دراز بود دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که دنب
اسپ او بریده بود دلیل که وی را خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و شرف
او نقصان بود اگر بیند که با اسپ جنگ و نبرد همی کرد و اسپ غالب بود و فرمان بر وی ببود دلیل که معصیت و گناه کند محمد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسپ برهنه نشسته بود دلیل که معصیت و گناه او بیشتر بود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود آنچه گفتیم
خداوند اسپ را بود و اگر بیند که اسپ برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسپی نشسته بود و آن
اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه گفتیم از گناه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند بر اسپی نشسته بود و آن اسپ در هوا
همی پرید یا بیند که آن اسپ را پرها بود چون مرغ همی پرید دلیل که وی را شرف و بزرگی بود در دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند
کرمانی گوید اگر بیند که بر اسپ ابلق نشسته بود دلیل که کاری کند که بر وی گواهی دهند و اگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کا

اژدها

اسپندان

اسپ

باب الالف

کند که ویرا مال و مهتری حاصل گردد و اگر بیند که بر اسب کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسب
اشقر بود دلیل کند بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بیند که بر اسب زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسب سمند همین
دلیل بود و اگر بیند که بر اسب جرمه بود دلیل کند بر خیر و صلاح و اگر بیند که بر اسب سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بیند که از اسپ فرود آمد
دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و اگر بیند که از اسب برهنه فرود آمد دلیل که از گناه و معصیت باز ایستد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و سلاح
تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که اسب را همی تاخت تا
جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و بیمی بدو رسد بر قدر تاختن اسب و اگر بیند که بر اسب نشسته بود
و اسب او را در مسجد برد دلیل که هیچ خیر اندر این نبود مگر بیند که اسپ او را از آنجا بیرون آورد و اگر بیند که اسب او را مراعضه
همی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسپ با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان را از آن شگفت آید
و اگر بیند که اسپ بیگانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دار در سرا یا در کوچه وی درآید بقدر
و قیمت اسب و در آنجا مقام سازد و اگر بیند که اسپی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نامدار در کوچه
او غایب گردد یا بمیرد جابر گوید اگر بیند که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل کند که زن
خواهد و بر وی مبارک بود و اگر بیند که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بیند که آن
مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب
روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرهیزکار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن
عزیز و خداوند جاه بود و اگر کمیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بیند که آن مادیان کره داشت
دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود
اگر بیند که گوشت اسپ همی خورد دلیل که پادشاه او را خواستار گردد و بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که در پس کسی
با اسپ نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بیند که اسبان بسیار پیرامن سرا یا کوچه او بود
دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن
توانگر با صلاح بزنی بخواهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکوئی یابد و اگر بیند که گوش
اسپ او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده گردد و اگر بیند که اسپ بسر درآمد و زد و برخاست دلیل کند که در
بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار بصلاح باز آید و اگر بیند که اسپی خرید بی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی
بخواهد و اگر بیند که با اسپ بهوا بر شد و بعد از آن از هوا فرود آمد دلیل کند که بر دست پادشاه هلاک گردد و اگر بیند که اسب
ویرا لگد زد یا بگزید دلیل که عیالش بهانه مشغول گردد و اگر بیند که کسی اسپ ویرا بدزدید بیم بود که عیالش هلاک گردد و اگر بیند
که اسپ وی گم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسپ خویش را بفروخت دلیل که عز و جاه او کم گردد یا عیال از وی جدا

بود و اگر بیند که بر اسب باژگونه نشسته بود دلیل که از وی بعقه کاری منکر پدید آید که در آن وی را مضرت و ملامت بود جابر
گوید که اسپ در خواب هوای بیننده نفس خواب بود و اگر اسپ خویش را سرکش بیند دلیل کند که هوای نفس و سرکش باشد و اگر بیند
که اسپ خویش مطیع و فرمان بردار بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود بیدی و بدانکه هر اندامی از اندامهای اسپ را نشانی
بود از پادشاه و اگر چون پادشاه را بر اسپ بیند عز و رفعت او بود و مردم عامه را اسپ بخواب دیدن عز و بخت بود و اگر
بیند که اسپی مجهول از محلی بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالد اصفهانی گوید که اسپ پالانی بخواب
بخت مرد بود و هر چند پالانی فرمان بردارتر باشد بخت او مطیع تر و فرمان بردارتر بود اگر بیند پالانی در شهری یا روستایی یا در سرا نشسته دلیل که مردی
عجمی در آنجا پدید آید و اگر بیند که بر اسپی دراز دم نشسته بود دلیل کند که وی را تبع زیاده گردد بقدر درازی دم اسپ و اگر بخلاف
این بیند دلیل که حال بر وی بد گردد و عیش بر وی تنگ گردد حضرت صادق ع فرماید دیدن اسپ در خواب بر پنج وجه
بود اول عز دوم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث الخیر معقود بنواصی
الخیل والبرکت الی یوم القیمة والذل فی ادبار البقر و اگر بیند که جهودی بر اسپ او نشسته بود دلیل که جهودی با زن وی
فساد کند و اگر بیند که سگی بر اسپ او نشسته بود دلیل کند که مغی با زن وی فساد کند استر ابن سیرین گوید که چون استر در
خواب بیند اگر مطیع نبود مردی بدخوی و چون مطیع بود و نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که استر ازان
کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند که بر استر زین یا پالان یا
عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر ملک او بود یا کسی بوی بخشیده بود کرمانی گوید اگر بیند که بر
استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال
و خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پرهیزکار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب
دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمارگون و زرد روی بود و اگر استر را بی بهنه و رام کرده بیند دلیل
کند بر مردی ضعیف جابر مغربی گوید که استر ماده در خواب مولا زاده بود و اگر استر نر بود سفر بود و بعضی از استادان این
صناعت گفته اند که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و اگر بیند که استر را
بفروخت دلیل که کنیزک بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز وی را فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر نشسته
بود دلیل که عمر وی دراز بود و مراد خویش حاصل کند و اگر بیند که استر از پس وی میدوید دلیل که وی را غمی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند استر
دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که استر وی سخن گفت دلیل کند که کار عجیب وی را پیش آید که مردمان را از آن شگفت آید اگر بیند که استر
دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استر وی بمرد یا ضایع شد دلیل کند یا از زن یا از کنیزک [illegible] دلیل که از صحبت مردی
جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت [illegible] که ماده شتر [illegible] دلیل کند
کند بر دشواری و ترس و بیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق ع فرماید که [illegible] جدا شود یا [illegible]

دوم زندگانی دراز سیم ظفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود و استر ماده ... قوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسب
و یافتن مراد بود و **استخوان** ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان معیشت ... بهاری یابد و بر اسب
و بران استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که بی گوشت بود دلیل که ... و اگر بیند که از اسب فرود آمد
کرا و بکسی استخوان داد دلیل که از او بدان کس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند که استخوان کسی را شکسته بود می ... بیند که بر اسب نشسته بود و سلاح
گوناگون یابد و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بینوائی از او بنوا گردد حضرت صادق ... که اسب را همی تاخت تا
هفت وجه بود اول اهل و مال دوم خویشان سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم ... بیند که بر اسب نشسته بود اسب او امر اعظم
استغفار بدانکه استغفار کردن استغفر الله بود و معنی آمرزش خواستن از خدای عزوجل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب ... آمرزش
که ایزد تعالی برا مال و فرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ
السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ حضرت صادق ع فرماید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان **اسطرلاب** کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل اصحاب سلطان
بود و مهتر بزرگ اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بدو داد دلیل که از اصحاب سلطان گردد و مهتر قومی گردد و اگر بیند
که اسطرلاب او ضایع گردید یا بشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که در اسطرلاب با آفتاب نگاه
میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب
در خواب مردی بود که ویرا ثباتی نباشد و بر کارها پاینده نبود **اسفاناج** ابن سیرین گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل غم و اندیشه
بود و خوردن وی دلیل بر مضرت و نقصان مال بود اما اگر بیند که بگوشت پخته بود و روغن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت
کند بر قدر آنچه خورده بود **اشتر** ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر اشتری مجهول بیند که بشتاب همی رفت دلیل کند که بسفر برود
و اگر بیند که بر اشتری جولان همی کرد دلیل که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده حیران و ندانست
که راه راست کجاست دلیل که در راه خویش فرو ماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر بیند که ماده اشتری یافت دلیل کند که زنی
خواهد و اگر اشتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بیند که اشتر از پس او همی دوید دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که اشتر از وی رو گردان
و مطیع او نشد دلیل که اندوهگین گردد دانیال گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند
که با اشتر جنگ و نبرد میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را با وی خصومت افتد و اگر بیند که رمه اشتران را همی چرانید
و دانست که از آن او بود دلیل کند که ویرا ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا گردد و اگر بیند که اشتر را همی بدوشید دلیل که
از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بیند که بجای شیر از پستان اشتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر بیند
ویرا الله زد یا کسی بدو بخشید یا از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که ماده اشتری که از آن او بود بگریخت یا دزد ببرد دلیل که از زن
که اسپ ... میان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده اشتر او بمرد دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که اشتر بچه آورد دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده گردد و اگر

باب الالف

بود و اگر بیند که بر اسب یا زگوی یا پلیدی که دار د بر سد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی گوشت اشتر بسیار بدو داد
دلیل که اسپ درخواب هوای بر گوشت اشتر و اگر بیند که اشتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان گردد یا میرد
که اسپ خویش مطیع و فرمان بر مجهول و رئیس او بهمی آمد دلیل که سرگشته و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر را قهر و زبون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور و زبون
بود از پادشاه و اگر خون یا بیند که رمه اشتران در زمینی یا در وهی جمع میکردند دلیل که در آنجا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری در
بیند که اسپی مجهول از محلّه مستولی گردد و اگر بیند که اشتران بار گندم و جو داشتند دلیل که ازان دشمن در آنجا خیر و برکت بود جابر گوید اگر بیند که
بخت مر بود و هر چند بالا نشسته بود دلیل که اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام شتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر
عجمی در انجا پدید آید و اگر بیند که مهار اشتری میکشید دلیل که با مردی فرمان بردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت دلیل
که بزرگی و فرمان روائی یابد بر جماعت بیان کرده و اگر بیند که دو اشتر بیافت دلیل که مال یابد و اگر بیند که کسی وی را اشتری داد
دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی شتری بکشتند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی
بزرگ بمیرد و مال وی را قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک وی است
و اشتران اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر را
بخورد دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست اشتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر
با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسید حضرت صادق ع فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه بود اوّل پادشاه عجمی دویم مردی امیر
سیّم مرد مومن چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم عرب کند

شترمرغ

و اشتر عجمی دلیل بر مردم عجمی و بدانکه اشتر بانی بتاویل خداوند تدبیر و ولایت بود و راست کننده کارها بود و همچنین است اشترمرغ
ابن سیرین گوید که اشترمرغ در خواب مرد بیابانی بود و اگر اشترمرغ ماده بود زن بیابانی بود و اگر بیند که اشترمرغ ماده گرفت یا کسی بدو
داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشترمرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران
گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب گردد و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشترمرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی
دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که خایه اشترمرغ یا پر یا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که
اشترمرغ داشت دلیل کند که فرزند مرد بیابانی او را حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با اشترمرغ بنشست و آن اشترمرغ او را مطیع بود
و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بزمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر دور شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بیند

شترغاز

بد بود اشترغاز ابن سیرین گوید که دیدن اشترغاز بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که اشترغاز فرا گرفت یا کسی بدو داد و از او همی خورد
دلیل کند و بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی آنرا بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که اشترغاز داشت

اشک

و بخورد و اشتر همی داد دلیل که آنکس از بهر آن اشتر اندوهگین گردد اشک کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم او همی بارید دلیل کند
که شادی و خرمی یابد اگر بیند که اشک بارید دلیل که غمگین و دردمند گردد و اگر بیند که بی گریستن اشک بر روی او بود دلیل که

بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد و خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که اشک
بر روی او فرود آمد دلیل که مال خویش را هزینه کند حضرت صادق ع فرماید که در خواب دیدن اشک که از چشم آید بر سه وجه بود اول شادی
و خرمی دویم غم و اندوه سیم نعمت بود **اشنان** ابن سیرین گوید دیدن اشنان بخواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن او دلیل
بیماری **اصلع** بدانکه اصلع بتازی لغ سر بود ابن سیرین گوید اگر کسی اصلع سر بخواب ببیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی اندک
حاصل گردد و اگر بیند که او اصلع شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد اما اگر زنی بیند که اصلع شد دلیل که در زینت و آرایش او نقصان
پذیرد کرمانی گوید که اصلع دیدن بخواب بازرگان را فایده بود و پیشه کار را کسب و صناعت و پادشاه را تفکر و زنان را نقصان زینت
بود **افروشه** ابن سیرین گوید که افروشه آن بهتر بود که در وی زعفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب و لطیف و خوش بود
و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که اندک افروشه کسی باو داد و بخورد دلیل کند که از آن کس سخن لطیف
شنود چنانکه موافق طبع بود اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد حضرت صادق ع فرماید
که خوردن افروشه بخواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دویم مال سیم مراد یافتن که در دل بود **افسرده** کرمانی گوید که خوردن افسرده
در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که چیزی افسرده همی خورد دلیل که بقدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که افسرده کسی بدو داد و
وی بخورد دلیل کند که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد اندوهی بوی نرسد جابر مغربی گوید که خوردن افسرده
در خواب دلیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الجمله هیچ خیر در خوردن افسرده نباشد **افسون** ابن سیرین گوید که افسون کردن
در خواب فریفتن مردم بود مگر آن افسون که بنامهای خدای عز و جل و بآیات قرآن بود و چون افسون گر در خواب بیند که از آن وی را
یا کسی دیگر را شفا و راحت پدید آمد دلیل که از غم و راحت بکام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید که افسون
کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عز و جل را نگوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حقتعالی کند دلیل که آن کس کاری
کند بحق و راستی و از آن وی را خیر و صلاح دو جهانی رسد **افیون** ابن سیرین گوید که دیدن افیون بخواب دلیل کند بر غم و اندیشه و خوردن
وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند **اله** دیدن دانیال گوید که اله در خواب پادشاه قوی با هیبت و ستمگر بود چنانکه همه کس از او
ترسد اگر بیند که اله را فرا گرفت یا کسی بوی داد و آن اله فرمان بردو مطیع او بود دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرر گردد و اگر بیند
که اله او را برگرفت و بهوا برد دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن بزرگی و ناموری یابد ابن سیرین گوید اگر بیند
که اله بکوچه فرود آمد دلیل که پادشاه در آن کوچه فرود آید اگر بیند که مردم آن کوچه اله را بکشتند آن از مملکت معزول گردد یا هلاک
شود و اگر بیند که اله وی را برگرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود و اگر بیند که اله از دهان چیزی بدر آورد و بدو داد دلیل کند که بقدر
آنچه از پادشاه عطا یابد و اگر بیند که اله از دست او بپرید و برفت یا چیزی دیگر در دست او بماند دلیل که پادشاه بر وی خشم
گیرد و او را از خود دور گرداند و چیزی از مال او بستاند کرمانی گوید اگر بیند که از اله شکار همی گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه
در تصرف او در آید اگر بیند که اله وی را بمنقار یا بچنگال بزد دلیل که او را از پادشاه زحمت و بلا رسد و مالش بستاند و اگر بیند که با

جنگ و نبرد همی کرد دلیل که او را با پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که اله بجوید یا بپاورا بکند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت
یابد و اگر بیند که اله بر سر و روی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه گردد حضرت صادق ع فرماید که اله در خواب دو وجه
بود اوّل پادشاه ظالم و ستمکر و خونخوار دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که اله داشت دلیل که عمر او دراز بود
آلوی سرخ ابن سیرین گوید اگر در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و آلوی زرد دلیل بیماری کند
اگر بیند که آلوی زرد یا سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود فرا گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته بیابد اگر بیند که آلوی
زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود و ابن سیرین گوید امامت کردن اگر بیند
که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مهتر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی
انبوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با وی که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که در آنجا
میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر رکوع و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان
کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود و ابن سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود
دلیل که بیمار گردد و اگر بر پهلو نشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود بمیرد و آن قوم بر وی نماز کنند و اگر امام را بخواب دید
دلیل که شرف و منزلت یابد بر قدر و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همی داد یا با امام در خانه رفت یا با امام او را چیزی
بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که با دولت
و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل اشعث گوید هر چیز که در امام در خویشتن زیادت بیند در ولایت
و بزرگی او زیاده گردد و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت و نقصان گردد حضرت صادق ع فرماید که امامی کردن در خواب
بر شش وجه بود اوّل فرمان روائی دوم پادشاهی بعدل و انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن
و اگر بیند که امامی زنان کرد دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند
که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یابد امرود ابن سیرین گوید که خوردن امرود
بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار
گردد که نه هنگام او بود و اگر امرود بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی گوید
امرود سبز و شیرین بوقت خود دیدن یافتن مراد بود و اگر بیند که امرود را همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن
امرود در خواب بر پنج وجه بود اوّل مال حلال دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امرود میخورد
دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود انار دانیال گوید که اصل انار بخواب مال بود و لیکن بقدر هزار درم خاصه
که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بیند که انار از درخت ببرید و بخورد دلیل کند که از زنی با جمال منفعت یابد ابن سیرین
گوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیابد و انار

امامت کردن

امرود

انار

انار ترش غم و اندوه بود و اناری که نداند ترش یا شیرین بود و تعبیرش چون انار شیرین بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت همی
خورد دلیل کند که هزار درم بیابد یا اینکه کمترش پنجاه دینار بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم بیابد پس معبر باید که بقدر همت و بزرگی
مردم تاویل کند و اگر بیند که انار بر بوستان همی خورد دلیل که بعدد هر دانه او را چوبی بزنند در همه چیز انار ترش خوردن در وقت و بیوقت
بد بود و حکم انار شیرین میانه بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر بازرگان بود قماش و متاع او رواج گردد و اگر
مسافر بود دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل که بوقت آن ویرا گنج
رسد اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین با پوست و پیه آن میخورد دلیل که از همه چیز برخوردار یابد حضرت صادق ع فرماید که خوردن
انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کرده بود دوم زن پارسا سیم شهر آبادان ولیکن انار ترش غم بود اسمعیل اشعث گوید
اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایت یا شهری بدو رسد و درویش را دهی بود و بازرگان را ده هزار درم و بازاری را هزار درم و مردم درویش را
ده درم یا یکدرم بود و **انجیر** ابن سیرین گوید که خوردن انجیر بخواب اگر بوقتش بود و اگر بیوقت بد بود و اگر بیند که انجیر همی خورد و یا جمع
میکرد یا کسی بدو بخشید دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از آن پشیمانی خورد کرمانی گوید که انجیر زرد بخواب دیدن
و خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود زیانی ندارد و **انجیل** ابن سیرین
گوید اگر بیند که انجیل همی خواند دلیل بود که از حق بباطل فریفته گردد و خود رای شود ابن سیرین گوید اگر بیند از کتاب انجیل همی خواند دلیل کند بر او
کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بدو رسد و اگر از بر میخواند دلیل که از حق بباطل گردد و دوستدار ترسایان شود و **انداختن** مردم ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که کسی را بینداخت دلیل که بر خصم خیره گردد و اگر بیند که کسی او را بینداخت دلیل که خصم بروی خیره گردد و اگر بیند که بر کسی
سنگ انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی گوید و بعضی از معبران گفته اند که دلیل که او را بزنا یا بگناهی متهم گردانند و اگر کسی بیند که سفال
انداخت هم سخن درشت بود که بکسی گوید و معبران گویند اگر کسی بیند که شکر یا بادام یا قند بینداخت اگر آنکس معروف بود دلیل کند از و بدان مقدار
عطا یابد و اگر مجهول بود بدان مقدار که بکسی انداخت صیت و عطا یابد و اگر کسی بیند از زین خورد و بنها که گفتیم سوی چهار پایان انداخت دلیل
که مال خویش بر جاهلان بیهوده کند **اندامها** ابن سیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد دلیل کند که خویشان و اهل بیت او
زیاده گردند و در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او بیفتاد دلیل کند که بسفر رود و خویشان او پراکنده
گردند و اگر بیند که اندام خویش میبرید و پراکنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهرها پراکنده کند کرمانی گوید اگر کسی بیند
که پاره گوشت از اندامش ببرید دلیل کند که آنکس را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی
بستاند بزور و اگر بیند که گوشت از اندام خویش میبرید و پیش مرغی می افکند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامهای
از تن وی با او سخن گفت دلیل بود که میان خلق رسوا گردد و قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقَنَا الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ اگر بیند که اندامی از اندام
خویش براهی همی رفت دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد دارد اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بغربت [illegible]
و اگر بیند که اندامهایش آزرده بود دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت ببرد دلیل که مال و چیزی بزور بستانند و اگر

بیند که گوشت از اندام خویش همی برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندامها ملخ
شاد گشت دلیل کند که برراست نبوده ام فضل گوید که برسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی منکر دیده ام فرمود چه دیده عرض
کردم بخواب دیدم که پارهٔ از اندام تو ببریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که فاطمه را پسر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه
حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورید **انگبین** کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و نیکی بود از کردارها
زیرا که در وی شفای دردها است و شهد روزی بسیار بود چنانکه حقتعالی در کلام مجید خویش فرموده است قوله تعالی فِیهِ شِفَاءٌ
لِلنَّاسِ حضرت صادق ع فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن و ترانگبین
روزی بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى **انگشتان** ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست
در تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از معبران گفته اند که انگشت مهین دلیل نماز بامداد و انگشت مسبحه در نماز
دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز دیگر و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت خنصر دلیل بر نماز خفتن و صلاح در نمازها
بود و اگر بیند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی گوید
اگر بیند که انگشتان را در هم گذاشته داشت دلیل که سال وست گردد و اگر بیند که انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزندان خویش
را بصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را بکردار مشت در هم بسته بود دلیل کند که کارها بر وی بسته گردد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید
که اگر بیند که انگشت مهین او بریده است دلیل که قوة مالش بود و اگر بیند که انگشت مسبحه او بریده است دلیل که در فریضه نمازها تقصیر کند
و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی پادشاهی یا بزرگی بمیرد و اگر بیند که انگشت بعد از میان او بریده است
دلیل کند که وی را در مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزندزاده او بمیرد اسمعیل اشعث گوید که انگشتان
پای در خواب دیدن دلیل بود بزینت و آرایش و اگر انگشتان پای درشت و قوی بیند دلیل کند که کار کدخدائی او ساخته گردد و اگر بخلاف این بیند کار وی ناساخته گردد
اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که وی را غمی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست و پای
کسر بیند دلیل کند که کار وی باژگونه شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم برادران
سیم خادمان چهارم یاران پنجم قوة ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتاد و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را
مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد خلف اصفهانی گوید اگر بیند که از انگشت مهین
او شیر می آمد یا از انگشت سبابهٔ او خون همی آمد دلیل که آنکس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشتان او آواز برآمد دلیل کند
که در میان خویشان او گفتگو رود **انگشتری** دانیال گوید که چون بیند نقش و صفت انگشتری دلیل که از خداوندش بدو خیر و نیکی رسد
و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر چیزی بیابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد
پادشاهی بیابد و اگر توانگر بود مال یابد بقدر قیمت انگشتر اگر بیند که در مسجدی یا در نماز یا در غزا کسی انگشتری بوی داد اگر آنکس
زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم برین قیاس بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد

دلیل کند که از مملکتی سلطان بوی رسد یا دلیل که از مملکت سلطان بدی بدو رسد یا بجز ایشان وی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که انگشتری او ضایع شد یا دزد ببرد دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتری او بشکست و نگین او
بماند دلیل که بزرگی او و جاه او برشود و آبروی و هیبتش برجای بود و اگر بیند که انگشتر نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و هیبتش
بشود و جاه او برجا ماند و اگر بیند که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملک برخی از آن ببخشد و اگر بیند که
انگشتری خویش را بفروخت و بها بستد دلیل کند که از آنچه دارد جمله بفروشد و هزینه کند و اگر بها نستد آنچه دارد برخی از آن
بفروشد کرمانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود و پادشاه
بروی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتری از زر بیند دلیل که آنچه
دارد از مال مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود و اگر بیند که انگشتر از مس چیش یا از
سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتر او از زیور بود بهتر بود و حقیرتر از آن جمله بود که گفتیم جابر مغربی گوید
اگر بیند که در انگشت وی انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا از مس بود دلیل کند از
مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدو رسد و اگر بیند که از سیم است از جا[illegible]
[illegible] و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی با مانت نهاد یا وی را بخشید و آنکس هم انگشتر بدو رد کرد دلیل کند
[illegible] اگر بیند که بخلاف وی خواند دلیل بود [illegible] ... بدو بد بیند و اگر بیند که انگشتری [illegible] از انکشت [illegible] در میان او
چیزی بدو رسد [illegible] و اگر از سر میخ [illegible] اند دلیل [illegible]
که زن [illegible] بیکاه بخواهد و اجابتش نکند و اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین موافق یکدیگر اند دلیل که خداوند انگشتر
جدائی افتد و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند که از دو گناه یکی را توبه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و با
غلام مهر بوده بود و اگر بیند که نامه گشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکار بدو رسد حضرت
خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه گشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکار بدو رسد حضرت
صادق علیه السلام فرماید که انگشتری دیدن در خواب بر چهار وجه بود اول مملکت دوم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین
نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف کرد و اگر
بود معزول کردد و اگر زن بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال علیه السلام گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بی وقت
بود معزول کردد و اگر زن بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال علیه السلام گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بی وقت
ترس و بیم بود و معبران گفته اند بعد دهر دانه انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه برا و زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت
و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امیدوار بود و بغیر وقت دلیل کند که از دهان خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر صرف مال
و اگر انگور سرخ بیند همین دلیل کند ابن سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری بدست آید و اگر انگور
خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که پوست
وشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بدیدار سرخ نماید دلیل بر
کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال و جاه نماید

کرد و جابر گوید اگر کسی بیند که انگور بر معصر چوبین همی فشرد دلیل که خدمت پادشاه شکر کند و اگر بیند که آن معصر از خشت و گل بود دلیل که
خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر معصر از خشت پخته یا از گچ و سنگ و آهنگ بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بیند
که انگور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انگور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخصی خسیس کند و اگر بیند که انگور همی فشرد و شیره
آن در خمها همی جمع کرد دلیل که از جهة خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انگور در معصره با اهل و عیال همی فشرد دلیل که او را و عیال او را از خدمت
پادشاه منفعت رسد و اگر بیننده خواب مضر خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب مردی حاصل کند و کرد و حضرت صادق ع فرماید که انگور سیاه و سفید
بوقت خود و بیوقت بر سه وجه بود اوّل فرزند نیک دوم علم فرایض سیّم مال حلال و فشردن انگور در خواب بتهم آنحضرت گوید که بر سه وجه بود اوّل مال با خیر و برکت
دوم فراخی نعمت سیّم از قحط امان یافتن قوله تعالی عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ افتادن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که بروی در افتاد دلیل تشویش او بود خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بزیر افتاد چنانکه از کوهی یا از بامی یا از
دیواری دلیل کند که آرزوی مرومی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل نگردد و کرمانی گوید اگر کسی بیند که از جایگاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بر نیاید و نا امید گردد
و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش بد گردد و بقدر افتادن از تن او رنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسید و خون از آن عضو روان شد دلیل که بقدر آن
زخم و یرا زیانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که رنجی و المی بدو رسد و اگر بیند که بیفتاد و رنجی بدو نرسید
دلیل کند که سهل و آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کژدم و گزندگان بیفتاد دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ
غم و اندوه رسد و اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر او افتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب خرّم
و شادان گردد و کارش گشاده شود و الله اعلم بالصّواب حرف الباء من کتاب کامل التعبیر ✿ بادام ابن سیرین
گوید که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام فرا گرفت دلیل بود که بقدر
آن و یرا نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معبّران گویند که تأویل بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او
بیند بهتر بود و کرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست داشت با کسی بوی داد دلیل که از مرد بخیل چیزی یا بدبختی اگر بیند که از مغز بادام
تلخ روغن بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل و یرا بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن بادام در خواب مال
و نعمت بود اما اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون بادام با پوست بیند دلیل که
مال بآسانی بدست آورد و حضرت صادق ع فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اوّل مال پنهانی حاصل گردد دوم
از بیماری شفا یابد بدانکه ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بیننده خواب را دلیل بر پادشاهی بود اوّل آنکه بیند که پیغمبر
او را امام کرد دوم آنکه بیند که علم شریعت ورزد سیّم آنکه گوشت پیغمبر بیش او خود بیند یعنی بنظر او است و نماز بود چهارم آنکه بر منبر
او خطبه کرد پنجم آنکه جامه رسول پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماهتاب گردید
هشتم آنکه بیند که تن او در خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر گشته است دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع
شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاوی شده است این دوازده چیز

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد دلیل که بر مردمان
خویش رئیس و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بیند که بر سر
پادشاه کلاه چرکن و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر صحابه
بود دلیل بود که بپادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را با و برگرفت و بفرمان او شد دلیل که مملکت جهان بگیرد و بر آن
قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه گردید دلیل که بیننده خواب توانگر گردد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او درآمد چنانکه در آمدن
او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً
اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْٓا اَعِزَّةَ اَهْلِهَآ اَذِلَّةً و اگر بیند که در آمدن او انجا چیزی منکر نبود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باهل
آن موضع نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بمرد و وفنش نکردند و بروی نگریستند و کفن نساختند و جنازه او برنداشتند دلیل
که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود دلیل
بود که هرگز مملکت او را زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که بکسی سلام میکرد و یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه
و غلو و مراد چنانکه حقتعالی فرموده سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ و اگر پادشاه بیند که رسن در دست داشت
یا دست در رسن زده بود دلیل بود که براه راست رود و بر جاده عدل و انصاف اقامت نماید قوله تعالی وَاعْتَصِمُوْا بِحَبْلِ اللّٰهِ
جَمِيْعًا جابر مغربی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو
بیند در سرائی یا در کوچه که منسوب با وی بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه وی و خدم و حشم و مال و خزانه
او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی بماند
و اگر پادشاه بیند که بزمین فرو شد دلیل که از مروی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید حضرت صادق فرماید اگر کسی پادشاه را
روی تازه و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاه بیند دلیل
که از شغلها فرو ماند و بعاقبت مراد برسد و اگر ندیم پادشاه را بیند دلیل که او را از کسی ملامت رسد و اگر ملازمان پادشاه را بیند دلیل که شغل و عمل او بصلاح آید و اگر
ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند و چیزیکه از دست او رفته بود
بدست او باز آید و اگر چاکران و کنیزان دلیل کند که کسی او ملامت کند که از شغل دون عاجز گردد و اگر پرده دار پادشاه را بیند دلیل بود
که کار بسته او گشاده گردد و اگر مقنعه زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد دروغ و اگر زندانبان پادشاه را بیند دلیل بود که
غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل کند که آنچه میجوید بیابد
و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکابدار پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ و بیحاصل شنود و اگر علم
دار پادشاه را بیند که او را غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاه را بیند دلیل
که او را از زنان چیزی حاصل گردد و اگر خوانسالار پادشاه را بیند دلیل که خرم گردد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه

بشهری درآمد و بر پادشاه آنشهر غلبه کرد دلیل کند که کار آنشهر نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانهٔ او بخفت
دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید پاتیله ابن سیرین گوید که پاتیله در خواب دیدن کدبانوی خانه بود
و اگر بیند که پاتیله نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که کدبانوی خانه را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند که در پاتیله چیزی بود از خوردنی
دلیل بود که او را از کدبانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیله چیزی ناخوش بود از طعامها دلیل بود که او را از کدبانوی خانه
ضرر رسد ابن سیرین گوید که دیدن پاتیله در خواب چیزی زیاده نبود باد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی جست دلیل بود که
مردم آندیار را بیم و ترس بود و اگر بیند که باد چنان سخت بود که درختانرا همی کند و خرابی همی کرد دلیل کند که اهل آندیار را بلا و مصیبت
از علت طاعون و سرچه و مانند این کرمانی گوید که باد سموم در خواب دلیل بر بیماریهای سرد کند و باد معتدل سرد دیدن در خواب دلیل
بیماریهای شوریده بود دوران و باد و باد معتدل دیدن دلیل بر تن درستی بود و از مردم آندیار و موجب نیکوئی و کسب اندیار کند و اگر بیند
که باد او را از جائی بجائی میبرد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را باد بر زمین برده باشد و اگر بیند که باد
با گرد و تاریکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آنقوم جابر مغربی گوید اگر بیند که او را بادی سخت بسوی آسمانها برد دلیل که اجل او نزدیک
بود و اگر بیند که او را باد از آسمان بزمین آورد دلیل بود که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه
بود اوّل بشارت دویم فرمان روائی سیّم مال چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بیند که بر باد
نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که باد مغرب نرم جست دلیل که مردم آندیار را مال و نعمت
زیاده گردد و اگر بیند که باد شمال نرم همی جست دلیل کند بر شفا و راحت آندیار و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باد
همی شنید دلیل که خبر پادشاه بزرگ در ان دیار گسترده گردد و اگر بیند که باد مردم آندیار را بر گرفت و بر هوا برد دلیل بود که آن مردمان شرف
و بزرگی یابند باد در باکردن ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان باد در باکرد چنانکه مردمان آواز آنرا بشنیدند
دلیل که سخنی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا گردد و اگر بیند که باد نرم رها کرد و آواز آنرا نشنیدند
تاویلش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی هنود بیند دلیل که او را فرجی رسد کرمانی گوید اگر بیند که بادی رها کرد و آواز بلندی بود
ناخوشی و زشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی او گویند و اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش
نداشت دلیل کند که آن کاری بنیاد نهاده جدا گردد و خیرش در ان بود و اگر بیند که بر قصد بادی رها کرد و مردمان بر او بخندیدند و او شرم
میداشت دلیل بود که از کاری یا شغل معیشت او ساخته گردد حضرت صادق ع فرماید که باد در باکردن در خواب بر چهار وجه بود اوّل سخنی
زشت دوّم تشنیع سیّم کاری بملامت چهارم رسوائی اگر بیند که باد در اعضا رها کرد دلیل بود که آنکس بد دین و بد مذهب بود باد در وک
نوعی است از تره ابن سیرین گوید اگر بیند که بادروک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد او بیاید زیراکه رسول خدا فرمود
الحدیث مَا اَحْبَبْتُ وَمَا اَطْیَبَ رَیْحَانَكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بوئی تو حضرت صادق ع فرماید که خوردن بادروک
در خواب سه وجه بود اوّل حاجت روائی دوّیم کام یافتن سیّم دیدار غایب دیدن باد ریسه بدانکه باد ریسه مهره دوک بود کرمانی گوید

اگر بیند زنی که با دریسه بیافت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند زنی که با دریسه از دوک او بیفتاد دلیل
که مهر او از شوهر بریده گردد **باب بادنجان** ابن سیرین گوید که بادنجان خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر پخته بود و اگر خام دلیل
بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک و یکسان بود کرمانی گوید اگر بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را بخشید
یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد **باب بار کشیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر
پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر و جنس آن بار وی را منفعت رسد و اگر بیند که بر پشت بار گران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار
کند قوله تعالی لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دانست که از
ملک او است دلیل بقدر و جنس بار وی را خیر و منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بیند که آن بار ملک آن بود خیر و شر آن بخداوند خواب
باز گردد **باب باران** دانیال گوید که باران در خواب رحمت و برکت بود از خدای تعالی بر بیندگان چون باران عام بود و بهمه جا برسد قوله تعالی
وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ و خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود و بوقتی که مردمان
باران خواهند بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسر آن کوچه آن باران سخت ببارید و جز آنجا جای دیگر نبارید چنین دلیل کند
بر رنج و بیماری بر اهل آن موضع و سختی و قحط که بایشان رسد و اگر بیند که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل آن موضع و اگر بیند که اول
سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده پیدا گردد و اگر بیند که باران تیره و سخت بود که ببارید دلیل کند
بر بیماری که در آن دیار هلاک گردد و ابن سیرین گوید اگر بیند که باران سخت نه بوقت خویش ببارید دلیل بود که در آن دیار از لشکر رنج و بلا رسد
و اگر بیند که با آب باران مسح میکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران بر سر وی ببارید دلیل بود که بسفر رود و با سود
و منفعت باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان میبارید دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات نعوذ بالله پدید آید و اگر
بیند که از هر قطره باران آوازی همی آمد دلیل کند که آواز جاه او زیاده گردد و اگر بیند که با آب باران مسح همی کرد دلیل بود که از ترس و بیم
ایمن گردد و اگر بیند که باران عظیم می بارید چنانکه جویها از آن روان بود و زیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه تعصب کند و شر وی
از خود باز دارد و اگر بیند که از آن جویها نتوانست گذشت دلیل که شر پادشاه از خود دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا همی آمد بکردار
باران دلیل کند که عذاب حقتعالی و بیماری در آن موضع پدید آید کرمانی گوید اگر بیند که بجای باران انگبین همی بارید دلیل که نعمت و غنیمت
در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بیند که از آسمان می بارد تاویلش از جنس آن چیز بود و اگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و روشن
بود دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش بود دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری کشد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود اول رحمت دویم برکت سیم فریاد خواستن چهارم رنج و بیماری پنجم بلا ششم کارزار هفتم
خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن یازدهم کفر دوازدهم دروغ **باب بارانی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن او بارانی بود
داد و دهش پادشاه بود و دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش گردد و اگر بارانی او از جهت جامه بود دلیل
است که او را خاص دین و دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که بارانی او از پشم بود یا از کتان یا از پنبه و بگونه سبز بود دلیل بنیکوئی

بود اما بارانی زرد دلیل بر رنج و بیماری بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و مصیبت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت
که از جائی بدو رسد باروی ابن سیرین گوید که باروی شهر و قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باروی شهر دلیل بر پادشاه
بود و باروی ده دلیل بر خداوند ده کند اگر بیند که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوة و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر
بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد دلیل بر هلاک پادشاه کند و اگر برخی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که بارو را نو کردند
دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بیند دلیل کند که والی نو در آنجا مقیم گردد کرمانی گوید که باروی
شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود تاویلش عیش و امنی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر نکبت و بدی و زیاده و نقصان که در باروی
بیند دلیل بر این پنج گونه بود که گفته شد باز ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آن باز مطیع او بود یعنی بر دست او می نشست
دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل که از پادشاه قدر و منزلت یابد
و اگر بیند که باز از دست وی بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بدرویشی و بیچارگی افتد کرمانی گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از
مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشید
دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و از او خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که باز بگریخت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان گردید دلیل که آن زن را پسری خوب روی بدید آید و اگر بیند که بر
پای آن باز زنگله زرین یا سیمین بود دلیل که آن زن را دختری آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بازی بیافت و او را بکشت دلیل که اگر
آن کس از حرم پادشاه بود معزول گردد از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنجی و غمی رسد از جهت اهل بیت و اگر بیند که باز از دست
او بپرید و باز نیامد و اگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز بیامد و بر دست او بنشست تاویلش
آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق ع فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود تاویلش بر پنج وجه بود اول رامش دویم شادی
سیم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مراد و مال بقدر قیمت باز از دو هزار درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود
و چون باز مطیع نباشد تاویلش بر چهار وجه بود اول پادشاه ستمگر دویم حاکمی که میل کند سیم فتنه خائن چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر
نبرد بازوی ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که بیننده را
از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی
بازوی او را ببرید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جوید حضرت صادق ع فرماید که دیدن بازو
در خواب بر شش وجه بود اول برادر دویم فرزند سیم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه بازوبند کرمانی گوید که بازوبند
زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین دارد معبران گویند اگر بیند
خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بوقت خویش دیده بود
داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف بر بانند اینها و بالا ز فاع دلیل

نردبان

کنند که آنچه جوید بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همی رفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیابد
واگر بیند که بر نردبان بالا میشد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان او از گل بود و اگر بیند که نردبان از گچ و سنگ بود
دلیل بود که در دین او خلل باشد کرمانی گوید که از نردبان بر بالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد در اینجهان و اگر بیند که از خشت
خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آنجهان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد
واگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیمار گردد و سرانجام شفا یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بر بالا شدن بر پنج
وجه بود اوّل روائی حاجت دوّم زن خواستن سیّم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا رفتن کار

پالان

پالان ابن سیرین گوید که پالان
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی به بها بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بروی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا
گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نو داشت دلیل بود که زن مستور سازگار بخواهد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند
که پالان درشت و چرکین داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی مضرّت بیند

بالش

بالش ابن سیرین گوید که بالش
در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالشی نو فرا گرفت و آن بالش سبز بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکاری
مصلح پارسا پیدا گردد و اگر بیند که بالش او کهنه و چرکین و زرد و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید
یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا
گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالش ببرد دلیل بود که کسی از پی زن او میگردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی معبران
گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آنخانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالشها او را
خادمان و کنیزان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالشها بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او بروند یا بگریزند حضرت صادق ع فرماید که دیدن
بالش در خواب بر پنج وجه است اوّل خادم دوّم کنیزک سیّم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزکاری و عدل بام واگر بیند که بر بام خانه مجهول بود دلیل بود که بزرگی
خواهد بر قدر بلندی بام با قدر و رفعت اگر بیند که بام آنخانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش بر نظام گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که بر بام
پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد

بانگ داشتن جانوران

بانگ داشتن
جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آنموضع و اگر بیند که او را بانگ
میکردند از جائی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نشنید دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن میآید
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیزی ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که
حاجت او روا گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ و دشنام شنود کراهیتی بوی رسد و زود زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ
میکند دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند که خر
بانگ میکرد از دشمنی جاهلی فریاد و شناعت شنود قوله تعالی إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و اگر بیند که شتر بانگ میکرد
[illegible]

دلیل

ودلیل کند که بحج رود یا به تجارت رود و از آن ویرا سود و منفعت یابد و اگر بیند که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی ویرا خیر و منفعت رسد
و اگر بیند که از بزغاله بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند
که شیر بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند
که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بر وی خشم گیرد و بر وی کبر کند و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل
بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که روباهی بانگ میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود
که او را از دزد و بیم بود و اگر بیند که اشتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلیر بیابد و اگر بیند که کرکس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ غمگین
گردد و اگر بیند آله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرهنگان پادشاه شنود و اگر بیند که خروس بانگ
میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود و اگر بیند که کلاژه بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بیند که چغل بانگ میکرد دلیل که خبر
اندوه و مصیبت شنود و اگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بیند که تذرو بانگ
میکرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بیند که طاوس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجمی شنود و اگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی
درویش شنود و اگر بیند که لکلک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقانی شنود و از آن خرم گردد و اگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر
زنی نیکو شنود و اگر بیند که بانگ کبکان میشنود دلیل کند که خبر زنی مستور شنود و اگر بیند که بانگ کلاغ میشنود دلیل که خبر مردی حرام
خواره شنود و اگر بیند که گنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود و اگر بیند که بلبل یا هزار دستان بانگ میکرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود و اگر بیند
که سار بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که مرغ آبی بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که بط بانگ میکرد خبر مصیبت کسی
از اهل و شنود و اگر بانگ بچگان مرغ شنود ماتم و مصیبت است حضرت صادق ع فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را الفال
که بانگ او اندوه و مصیبت بود و بانگ مار ترس و بیم بود از دشمن اما بانگ زنبور و ملخ دلیل بر ترس و بیم بود و بانگ وزغ دلیل کند که در موضعی فرود آید
جابر مغربی گوید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه کند و هر چه معتبر
خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دابه جنبنده با من سخن میگفت ابن سیرین
گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ
و چون یکهفته بر آمد آنمرد از دنیا رحلت کرد **بانگ نماز** ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بیند که در جایگاهی
معروف بانگ نماز شنود و یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد و قوله تعالی وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا
و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود مکروهی و ناپسندیده بدو رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بدزدی بگیرند
و اگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مردمان را بحج بخواند و اگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که با
زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش گردد و گویند کسی از اهل بیت وی اگر
و اگر بیند که بانگ در چاه یا در سر راه میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود و اگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل بر جا

بنده گرد فی گوید اگر مردی بیند که با زن خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر بیند که در کلیسا ها بانگ نماز داد زیادت
و نقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم و بیداد کند و اگر بیند که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر را دروغ گوید و اگر بیند که بانگ
نماز در گرمابه میداد دلیل بد حالی او بود در دین و دنیا و اگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تاویلش بد بود و اگر بیند که
مجوسی در زندان بانگ نماز میداد و اقامت کرد از زندان رهائی یابد و اگر بیند که بانگ نماز بلهو و بازی میداد دلیل که هلاک گردد
و اگر بیند که بر سر کوهی بانگ نماز میداد دلیل بود که پادشاه سخن راست که بداد و را بخدای تعالی خواند و اگر بیند که در مناره بانگ نماز
میداد دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد و اگر بیند که در کنج خانه بانگ نماز داد دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سرداب
بانگ نماز داد دلیل بود که بسفر زود شود و در آن سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند و اگر بیند که در میان کوهی بانگ نماز کرد دلیل بود که در
میان قومی ستمگر گرفتار آید و با وی خیانت کنند و اگر بیند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلهو و بانگ نماز میکرد دلیل بود
که عقل از او زایل گردد و اگر بیند که دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کاهل بود و کسی او را بنیکی
خواند و اگر بیند که بانگ اقامت شنود دلیل بود که در کارها حق توفیق یابد جعفر صادق ع فرماید که بانگ نماز در خواب بر دوازده
وجه بود اول حج دویم سخن سوم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم دین هشتم مفلسی نهم خیانت
دهم جاسوسی یازدهم منافقی و بددینی دوازدهم بریدن دست پایند ابن سیرین گوید که یکپاره پایند در خواب دیدن نعمت خوش
و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یا بدر یا بدوستی دهد و اگر پایند بسیار بیند نعمت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و اگر
بیند که پیره زنی تخم دارها پایند بدو بخشید دلیل بود که مال و نعمت دنیا بیابد و بقدر آن کارش نظام گیرد و اگر بیند که پایند بسیار
داشت و جمله را ببخشید یا از وی ضایع شد دلیل است که اگر نعمت دارد جمله را نفقه کند یا از وی ضایع گردد پای دانیال
گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع گردد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل
بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند
که پای او آهنین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش آبگینه بود دلیل بود که عمرش زود سپری گردد
و مالش نماند زیرا که آبگینه را بقا و قوة نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود به سستی و ضعف حال او با آنچه طلب کند
ذخیره شر ابن سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او قوله تعالی فلا علی الاعرج حرج و اگر
بیند که پایهای او بر سن بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نبود و بچوب راه میرفت دلیل بود که اعتماد
بر کسی کند و از آنکس وفا نیابد و اگر کسی عامل یا پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد و مالش تلف
شود و اگر بیند که پای او آهنین بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پایش سیمین بود و کعبش زرین همین دلیل کند و اگر
بیند که پای او دردمند بود دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او بستونی بسته بود این تاویل بهتر بود زیرا که درخت چون
بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جائی فرو رفته بود دلیل بود که در مکر و حیلتی گرفتار گردد

بقدر آنکه پای وی در ان سخت شده بود اگر بیند که پای در جایگاهی یا در گوری بلغزید دلیل بود که از کار دین و دنیا بازماند یا کسی سخنی بد گوید که از آن رنجور گردد و اگر بیند که پای بر سلوری همی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب آنکار که میجوید کرمانی گوید که هر دو پای تباه دیل مادر و پدر باشد و هر ضعفی و نقصانی که در پا بیند همین دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بیند که پای بسیار داشت دلیل که سفر شود و اگر درویش بود توانگر گردد و دیدن نقش پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت که کرده بود جابر مغربی گوید که اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوة و مالش زیادت گردد و اگر بیند که پای او چون پای اسپ بود یا پای خر دلیل بود که قوت و جاه او افزون گردد و اگر پای خود چون پای درندگان یا ددگان بیند چیزی حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون چنگال مرغان بیند دلیل بر قوة و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دویم عمر سیم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوة ششم سفر هفتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت بود پای ابرنجن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بیند که پای ابرنجن در پای داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بیند که سیمین بود رنج و سختی او کمتر بود کرمانی گوید که پای ابرنجن زنان را شوی بود و زنان را نیک بود و پیرایهای زرین زنان را مالک بود و مردان را حرام و اگر بیند که ابرنجن از پای بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی رنجور دل گردد بند نهادن ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاده بیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر بیند که بر پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که او را در دین ثبات بود یا در نماز یا در غزای یا در کاری که در ان صلاح دین بود کرمانی گوید اگر بیند در خواب بند را که در پای خویش بند بود و او را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بیند دلیل که اقامتش در آنجا بیشتر بود و اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بیند که بندش از مس بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود بر آنچیزها که گفته یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بیند که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل بود که از ان زحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه بیند که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بر وی پایدار بود حضرت صادق ع فرماید دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود اول ثبات در دین دویم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب بیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود همچنین پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بیند مال بود و چون بر پای پیچیده بیند سفر بود و اگر بیند که پای تابه بر پای پیچیده است چنانکه مسافران آهنگ بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابه خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع گردد حضرت صادق ع فرماید که پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال و خواسته بود دویم سفر سیم مرگ بود کسیکه بر پای پیچیده و تنها عزم بیابان کرده پاچه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پاچه گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که پاچه گاو همی خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود بر اندازه خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب

وظالم میکرد دلیل بفساد و باطل کردد و مال حرام یابد پرستو ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی داد دلیل بود
که از کسی که از او جدا شده بود موانست گیرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو از انگشت یا از دست بیفکند دلیل بود که با کسی
که موانست دارد جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب مردی توانگر باخرد بود و اگر پرستو ماده بیند زنی توانگر
باخرد بود و اگر بیند که پرستو از وی بپرید دلیل بود که از مردی توانگر جدا گردد و اگر بیند که پرستو در دست او بمرد دلیل بود که یار او
بمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستوی را فرا گرفت دلیل که از غمها فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد برف
ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود و گرانی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجایگاهی که پیوسته در آن جا
برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر هزیمتی بود خاصه که با برف بیند حضرت
صادق ع فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی دوم زندگانی سیوم مال بسیار و ارزانی نرخها چهارم لشکر بسیار
پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل کند که بعیش خوش گذراند
و منفعت بسیار یابد کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سرد سیر دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرم سیر دلیل بر غم و اندوه و قحط و بیماری بود
و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد بهتر از آن بود که بیوقت بود برق ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه بود و بعضی
از معبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود بیم مرد طماع را بطمع وی اگر بیند که برق از هوا یا از ابر فرا گرفت دلیل که کار
کند که در آن خشکی و خیر آن بود و اگر بیند که برق همی درخشید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود خاصه که با برق باد آهسته بود حضرت صادق
فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دوم وعده سیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر کشودن
ابن سیرین گوید که گشودن در خواب استواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر اسپی یا بر برگستوان نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و استوار
گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اسپ وی با برگستوان در میان رزم میرود دلیل بود که کار بر او و بخت
و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که برگستوان از اسپ او در افتاد یا ضایع گردید دلیل بود که نامرادی یابد و در دست خصمان مغلوب گردد
برنج ابن سیرین گوید که برنج دیدن بخواب مالی بود که برنج حاصل کرده بقدر آنکه دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد دلیل بود که
حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت پخته همی خورد بهتر و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بغایت نیکو بود و اگر
بیند که برنج با دوغ پخته همی خورد دلیل بر غم و اندوه کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم حاجت
سیم خیر و منفعت که بدو رسد پرنده ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او بپرید و دیگر باره بدست او آمد دلیل بود که حاجت
او روا گردد و اگر بیند که بپرید دلیل بود که بعضی از مال او برود پریشان بدانکه پریشان در خواب چون تاویل دیبا بود شرح آن در حرف
دال بیان کرده شود بره ابن سیرین گوید که بره در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود فرزند بود و اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بوی
داد دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بر وی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره
را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بره نر

ولوچکی او و اگر بیند که بره داشت او را مال و غنیمت رسد بقدر آن و اگر بیند که بره یا بزغاله را بکشت و آنرا بخورد و نه از بهر گوشت کشت
دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صادق ع گوید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال
سیم معیشت چهارم غم و اندوه برهنگی محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند
دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیننده خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو کرده و اگر مفسد و بدخواه بود صالح نباشد دلیلش بد بود کرمانی گوید
اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت جهد کند
جابر مغربی گوید برهنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق ع
فرماید که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مرد مفسد را بدی و رسوائی و بیحرمتی بود پروانه ابن سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن
مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید و انعکس و را نگرفت دلیل
که بکنیزکی و دوشیزه دراز کند و از وی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک گردد
بروت در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت او را بمقراض بیاراست بتاویل نیکو بود و او را منفعت رسد
و اگر بیند که بروت او در وقت پیراستن از تن ببرید یا بستر دلیل نقصان هیبت مرد بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت او دراز شده بود دلیل
که او را قوی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناکردنی
باز ایستد و اگر بیند که او را بروت بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند بروج دانیال گوید
که دیدن حمل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله وجدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب
پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرط و شراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مردی
محتشم او را کاری افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی جاهل و نادان او را کاری افتد و حاجت او روا کرده و اگر جوزا را بیند او را با مردی فصیح
و زبان دانا کاری افتد و حاجتش روا کرده و اگر سرطان را بیند او را با مردی جاهل کاری افتد حاجتش روا کرده و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله را بیند او را
با مردی کشاورز بیوفا کاری افتد و مرادش بر نیاید و اگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد و بر وعده که داده وفا کند و اگر عقرب را بیند او را با مردی
مفسد بدکاری افتد و او را زحمت رسد و غمگین گردد و اگر قوس را بیند او را با مردی سالار مهتر کاری افتد و حاجت او روا کرده و
او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل و نیکرای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او روا کرده
بدانکه … ست و بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند بخت است … ابو هریره گوید از رسول خدا
… پری در خواب دولت و بزرگی بود و دست در دست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید
…ب دیدن که خوشخوی و شادمان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را زشت و غمگین بیند دلیل بر غم و اندوه
کند و اگر پری خویش را مرده بیند کار او شوریده گردد و اگر با پری جنگ بیکرد دلیل که کار او آشفته گردد کرمانی گوید پریان بعضی مسلمان
در خواب دیدار دوست و بخت و دولت بود و آنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن و وبا و اندوه بود دانیال گوید اگر کسی در خواب

دوم بزرگی و رفعت سیم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم ثنا بقدر بزرگی بدانکه چون بساط و فروش چون بها بسته نه خلاف
این بود بستر ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن بود و نیک و بدآن تعلق بزن دارد و اگر بیند که بستری خرید یا بستر را بدل کرد یا از
بستر به بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او از حال
بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستری بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر
خویش ابقیر جنبت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را بر بستر
مجهول بیند دلیل که بقدر قیمت آن او را زیانی رسد و اگر بیند که بستر وی بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بزرگی
و منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود قوله تعالی مُتَّکِئِینَ عَلَیٰ فُرُشٍ
بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ و اگر بیند که بستر را از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق رجعی
افتد و اگر خویشتن را به سه بستر چهار بستر یکی افتاده بیند دلیل کند که بشماره هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک خرد و اگر بستر خود را در خانه
بیند یا در مغاک که از آنجا بیرون نتوانست آورد دلیل بود که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خویش را بر بستر نرم
گسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آن سال بر وی مبارک گردد و اگر بیند که بستر او ابریشم اکنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر
بستر او دریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او ابریشمین
بود یا بستر کرباسین بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را دست بداده زن مستوره بخواهد و اگر بیند که بستر او موش سوراخ کرده بود دلیل
بود که میان زن او و کسی ناسزا معاملتی اتفاق افتد و بفساد در
طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا پسری حر کرمانی گوید اگر بیند که بعنان آسمان بپرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند که از سرای خود بسرای مجهول
بپرید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بیند که پر داشت لیکن بخلاف پر مرغان دلیل کند که بیمار گردد و نزدیک
هلاک رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که از جائی بجائی می‌پرید از هیکل دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت صادق فرماید که پریدن بخواب بر پنج
وجه بود اول سفر دوم حج سیم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری و مرگ نعوذ بالله بریان محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب خداوند
سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پخته بتاویل بهتر از گوشت خام بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بریان از گوشت گوسفند خورد
دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن بود و اگر بیند که بره
بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل گردد و بعضی از معبران گفته‌اند که خوردن بره پخته در خواب دلیل آمدن پسری کند جابر مغربی
گوید اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل بود که او را از مهتری منفعت رسد و اگر بیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بمکر و حیلت
بدست آورد و اگر بیند که ماهی بریان کرده میخورد دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحبت مردی بزرگ پیوندد اگر خداوند خواب مستور
بود و اگر مفسد بود دلیل برنج و غم و اندوه بود و دشمن و ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود
و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگران را فراخ روزی گردد بهتر از بقالی جامه فروش بود و دیدنش مردی بود
عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دینار بود که به هندوستان شده تاویل درم و دینار گفته شد و اندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن

گوید اگر بخواب بیند که بست میخورد یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که بست بکسی داد یا بفروخت دلیل بود
که از وی بدانکه غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از
غم رسته گردد و از آن خلاصی یابد **بستان افروز** ابن سیرین گوید که بستان افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین پاید و اگر بیند که
بستان افروز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرم و شادی بود که خرم گردد و اگر بیند که بستان افروز بکسی داد دلیل بود که اندر اندوه گرفتار گردد
کرمانی گوید که بستان افروز چون بوقت خود بیند مهتری بود و بعضی از معبران گویند که زن با زرگان توانگر بود با جمال و خوش طبع اگر
بیند که بستان افروز در خواب در جایگاه خویش میکرد دلیل که وی را با زرگانی دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بر کند دلیل که از
صحبت مردی جدا گردد **پستان** در خواب دختر بود و آنچه در پستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند
که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون میشد
بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستانها وی بیش از اندازه فربه و آویخته بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که در پستانها
شیر جمع گردیده بود و اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد توانگر گردد و اگر این خواب را عجوزه بیند دلیل بود بدرویشی وی
و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری بیند دلیل بود که هم در خوردی بمیرد کرمانی گوید اگر مردی بیند که پستانها
مردی میمکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پسر آورد و اگر زن بیند که از پستان میمزد دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته گردد
جابر مغربی گوید پستان مرد در خواب زن او بود و پستان زن دختر وی و اگر زنی بیند که پستانها بر بریده بود دلیل بود که دخترش
بمیرد و دلیل کند که بیمار گردد و زود شفا یابد و پوست تن بسیم و شیر ... اگر زنی بیند که در زیر پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود که دختر آورد
یا بیافت یا بخرید دلیل کند که وی را فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله ریخت دلیل که فرزندان هلاک گردد و اگر بیند که گوشت بزغاله میخورد
دلیل که از مال فرزند چیزی بخورد حضرت صادق ع فرماید که بز در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند که بز بیافت و بر وی نشست دلیل بود که این
مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر گردد حضرت صادق ع میفرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود
که هرکه بز را بخواب بیند که بخرید یا بخانه خود برد بخیل و درویشی از وی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند کرمانی
گوید که بز ماده در خواب دیدن و گوشتش خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از معبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل گردد جابر مغربی
گوید که بز ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه کند بذر
قطونا ابن سیرین گوید که دیدن بذر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
بساط بدانکه بساط در خواب شادی روان بود و اگر بیند که بساطی بگسترد و بر وی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و عمرش
دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ و فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد خاصه که گسترده بیند
اگر که بساط خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی
بسته گردد و حالش بد شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول عز و جاه

رسد و اگر بیند که پشت او درشت و با قوّه بود دلیل بود که او را فرزندی متّقی و دانا و عاقل بود و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل بود
که بقدر آن گرانی و غم و اندوه بوی رسد اگر بیند که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که مؤنت کسان مرده بوی بود و اگر بیند که پشت او
بشکست دلیل بود که حال او بد گردد جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل گشتن
دنیا بود و اسمعیل اشعث که پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که برادرش بمیرد و اگر بیند که پشت
او درد همیکرد دلیل بود که وی را از برادر یا از مهتر غم و اندوه رسد و اگر بیند که بسبب علّتی پشت او را داغ کردند دلیل بود که بر صلاح دین
و دنیای وی و اگر بیند که پشت به دیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت بخواب دیدن
بر دوازده وجه بود اوّل قوّه دوم برادری سیم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجّت هفتم پدر هشتم برادر نهم پسر دهم مال یازدهم
یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معبّران گفته اند که دیدن پشت کافر را ایمان بود و فاسق را توبه و جاحد را اسلام و منافق را
اخلاص پشته ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند در پشته زمین هامون نشسته بود یا بر پشته کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار که شرف و منزلت
یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرامن کوه هست و اگر بیند که بر سر آن پشته ایستاده بود دلیل که نزد یک مردی بزرگ
شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بیند که آن پشته ملک و موضع او بود دلیل بود که مردی بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند
و بجای او مقیم گردد و اگر بیند که بعضی از آن پشته ملک اوست دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر بیند که از آن پشته بزیر افتاد
یا کسی او را بزیر انداخت دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بی حرمت گردد و مضرّت بیند و اگر بیند که بر آن پشته بدشواری و زحمت بالا
همی رفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشته دیدن بخواب بر چهار وجه بود اوّل بلندی دوم مال سیم
قوّت چهارم تندرستی پشم ابن سیرین گوید که پشم در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پشمی که بافته نباشد بهتر بود
و پشمینه نیز و اگر بیند که پشم داشت یا کسی بدو داد یا بخرید یا بموضع خویش برد دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد قوله تعالی و من
اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَا اَثَاثًا وَمَتَاعًا اِلٰی حِیْنٍ کرمانی گوید که پشم از خویشتن دور همی انداخت دلیل بود که
مال خود را تلف کند و اگر بیند که پشم همی سوخت دلیل بود که مال خود را هزینه کند و اگر بیند که بر تن وی جامهٔ پشمین بود دلیل بود که او را
از زنان مال حاصل گردد و اگر بیند که جامهٔ پشمین یا پنبه بخرید یا بستری از پشم داشت دلیل کند که زنی توانگر بخواهد جابر مغربی گوید که
پشم اشتر در خواب مال بود و از قبل پادشاه و معبّران گویند که میراث بود پشه ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف و خوار و ناکس
بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بیند که با پشه جنگ همیکرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی او فرو شد
دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول گردد و او را اندک چیزی بدو رسد و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند
دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی مضرّت رسد و باشد که او را زیان رسد زیرا که پشه خون مردم اکند و اگر بیند که پشه در
گوش یا در بینی او فرو شد و او را درد و رنج و گزند یافت دلیل بود که از مردم ضعیف بدو رنج و گزند رسد کرمانی گوید اگر بیند که پشه بسیار گرد او درآمدند دلیل بود
که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پشه گان غلبه کردند و در جانها جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یابد اگر بیند که پشه در بینی او شد و بیرون

پشت

پشته

پشم

پشه

نیابد دلیل بود که در محنت و بلا گرفتار گردد **بط** ابن سیرین گوید که بط در خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دیده بود خاصه
که در خانه و ملک خود دیده بود و اگر بیند که بطان بسیار در سرا یا در کوچها جمع شده بودند و بانگ همی داشتند دلیل بود که در آن موضع
مصیبت افتد اگر بیند که با وی سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یابد کرمانی گوید بط در خواب
مردی بود بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد
حضرت صادق ع فرماید که بط سفید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه در خواب کنیزک بود و اگر بیند که بط را بکشت و از گوشت وی بخورد
دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و هزینه کند **بغل** ابن سیرین گوید که بغل دیدن بخواب دلیل بر علامت و زشتی بود که بدو رسد و موی
بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بر وی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال حرام یابد
جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل بود بر یافتن
مراد و قهر دشمن قوله تعالی وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر دشمن بهر وقت
و جوانمردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی نشست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بر وی غالب گردد و اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش
می آمد دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که از زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان
گردد **بقالی کردن** ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهة معیشت اگر بیند
که بقالی همی کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت و ترا از متاع دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای
بقالی را بزر و درم میفروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم بتاویل غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که بقالی کردن در خواب
بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه چون بیند که متاعها را میفروخت بزر و درم **بلانکبین** ابن سیرین
گوید که بلانکبین در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت حاصل شود و اگر بیند که بلانکبین از چوب نرم جسته بود تاویلش بخلاف
این بود که گفته شد **پلاس** در خواب دیدن درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی پوشیده
داشت دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن
او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زن پارسای توانگر
بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد و از او خیر و منفعت یابد **بلبل** دانیال
گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود و اگر بیند که بلبلی بپرید دلیل بود که فرزند یا غلام
او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل در دست او بمرد دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلبلان بسیار داشت دلیل بود
که بقدر آن غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلان را بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیراث یابد **بلبله** کرمانی گوید که بلبله در خواب
دیدن کنیزک بود و ابن سیرین گوید زن او بود و اگر بیند که بلبله خرید یا کسی بوی داد دلیل بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اگر بیند که از آن بلبله
آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت کند و اگر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد **حکایت**

کنند از ابو طلحه که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبله آب میخوردم و آن بلبله را دو در بود از یکی
آب شیرین خوش میخوردم و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار میداری توبه کن و از خدای تعالی
بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی توبه کردم و بخدا بازگردیدم بلغم دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که بوجه صلاح
آن مال را نفقه کنند اگر کسی بخواب بیند که بلغم بجای گاهی بجرکه انداخته تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بلغم سفید از گلو بر انداخت بجای
پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند کرمانی گوید اگر بیماری بیند که بلغم را بیفکند دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بلغم سیاه
بیفکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان کند و اگر بیند که بلغم بدرون خانه
بیانداخت دلیل بود که مال بر بیگانگان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد بیفکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر بیگانگان نفقه کنند
برگ ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برگ درخت بر درخت خلق و خوی بیننده خواب بود خاصه بهنگام وی و اگر بیند
که برگ سبز از درخت پاره فرا گرفت یا کسی باو داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرمانی گوید اگر
بیند که از درخت برگ تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل گردد جابر مغربی گوید که برگ درختان میوه
شیرین دلیل بر خلق نیکو بود و برگ درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برگ درختانیکه بار نیاورند دلیل بر درم و د
بود و معبران گویند که برگ درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند پلنگ ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب
دشمنی قوی و توانا بود و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و اگر
پلنگ بروی غالب گردد دشمن بروی غالب گردد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که گوشت
پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظفر گردد و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که پلنگ
نشست دلیل بود که بر عز و جاه وی دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند
دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد
دلیل بود که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن گردد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را فرا گرفت
یا کسی بدو داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیابد و اگر بیند که پلنگی را بکشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در او
هیچ خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن از دشمن سیم
ترس از پادشاه بلور بدانکه بلور در خواب زنی بی اصل بود و اگر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بی اصل
بزنی بخواهد و اگر بیند که بلور داشت یا ضایع شد دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و اگر بیند که بلور بسیار داشت
دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلور میفروخت دلیل بود که دلالگی زنان بی اصل کند
و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالگی دختران دوشیزه و زنان
بیوه بی اصل کند بلوط ابن سیرین گوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که در خانه و

و انبانها و نهانی بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را در آن سال حاصل گردد و چون داند که آن بلوط ملک وی هست و اگر بلوط در خانه دیگران بود دلیل که مردمان بخیل وی را منتها نمند حضرت صادق ع فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اوّل روزی حلال دوّم منفعت سیّم معیشت نیکو پلیته کرمانی گوید که پلیته افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامن وی گروند و مخالفت کنند اگر پلیته افروخته نباشد تاویلش بخلاف این بود بناکوش در خواب دیدن پسری خوب روی مبارک بود و هر دو بناکوش دو پسر بود کرمانی گوید که دیدن بناکوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت و نقصان دیدن در بناکوش دلیل بر قدر و جاه صاحب خواب بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن بناکوش در خواب بر چهار وجه بود اوّل پسری نیکو روی دوّم قدر و جاه سیّم دین و چهارم منفعت از سبب فرزند پنبه ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه دانه بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد بی رنج و تعب حضرت صادق ع فرماید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اوّل مال حلال دوّم منفعت سیّم ستر بودن پنبه دانه ابن سیرین گوید پنبه دانه در خواب بهر و با خصومت و بیهوده گو بود بنجشک دانیال گوید که بنجشک در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب مستور بود و اگر مستور نبود و ببیند که او را بدام یا بحیلتی بگرفت دلیل بود که با مردم سفید ریا کر و حیلتی سازد و او را قهر کند و اگر ببیند که بنجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر بروی ظفر یابد و اگر ببیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که مال آنمرد بدو رسد ... اگر گوشتش همی خورده بود بدو رسد و اگر ببیند که بنجشک از آشیانه بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی گوید و ابن سیرین گوید اگر ببیند که بچگان بنجشک را صید کرد و گردن ایشان را فرو میشکست و در انبان می نهاد دلیل بود که معلمی کند و کودکان بکشد و اندام ایشان را بچوب خورد کند و اگر ببیند بنجشک سرخ را صید کرد دلیل بود که زنی خوب روی خواهد یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر ببیند که بنجشکی زرد یافت دلیل بود که زنی بیمارگونه زرد رنگ کند و معبران گویند که بنجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر ببیند که بنجشکی گوشت دلیل بود که با مردی هوا دار بد فعل دوستی کند و گفته اند که یافتن بنجشک در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شش درم بیابد و اگر توانگر بود شش هزار درم بیابد و خانه بنجشک در خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود اگر ببیند که بچگان بنجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب که بنجشک آواز میکرد و آواز او را می شنید دلیل بود که سخنهای شنود که او را از آن شگفت آید و معبران گویند که آواز بنجشکان در خواب تسبیح کردن بود اگر ببیند که بنجشکان بسیار او را حاصل شدند دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بنجشک در خواب دیدن یکی فرزند بود و اگر ببیند که بنجشکان بسیار بانگ و صدا میکنند دلیل بود که او را با مردمان غوغا کاری افتد و اگر ببیند که بنجشک در دهان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را لغزندی آید اگر ببیند که بنجشک بسیاری بدو بخشیدند دلیل بود که بقدر آن مال یابد اگر ببیند که بنجشک از دست او بپرد دلیل کند که زیانی بدو رسد و فرزندش بمیرد و اگر ببیند که خانه بنجشک را فرو گرفت دلیل بود که او را فرزند آید درست ... اندام حضرت صادق ع فرماید که دیدن بنجشکان در خواب بر نه وجه بود اوّل پادشاه دوّم والی سیّم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد را و زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجماع کردن مولع بود حکایت ابو تلنده حکایت کرد

که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که در آستین گنجشکان داشتم و یک یک را بیرون می آوردم و میکشتم و شهپرشان
میکندم و آنرا در چاه می انداختم تاویلش چگونه بود ابن سیرین گفت خانه کجا داری گفت فلان محله و فلان کوچه ابن سیرین گفت که یکیست آنجا
بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در این ایام مردم بسیار گم شده اند
پادشاه را در خانه او در آورده و در آنجا جست و جو کردند و دیدند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بودند دانستند که آن مرد ایشان را
بحیله بدانجا میبرده و مال ایشان را میگرفته و ایشان را میکشته و در چاه می انداخته پادشاه وقت بفرمود تا او را کشتند و مردم از تعبیر ایشان شگفت
ماندند تعبیر گنجشک در خواب کودک خورد بود تاویلش از نیک و بد آن بهر کودک خورد بود

پند دادن ابن سیرین گوید که اگر مردی
بیند که کسی مصلح را پند میداد و که وی آن پند او را اصلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل بود بر بشارتی که وی را از خیر دین و دنیای او بود و اگر
بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود جابر مغربی گوید که پند دادن در خواب کسی را که در او صلاح دین بود و نیک بود و پند
دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند دادن کسی که در او فساد دین بود
پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میدهد از تباهی و فساد کار او و را توبه باید کردن و بخدا باز گشتن تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از
عذاب حق تعالی رسته گردد

بند نهادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین بر پای داشت دلیل بود که دین او بخلل بود و او دعوی مسلمانی
کند بدروغ و مردی بخیل بود و از او چیزی بکسی نرسد و بعضی از معبران گویند که چون مردی مصلح بر دست خود بند بیند دلیل بود که از کارهای
بد و ناسزا باز ماند و از دست بدارد و اگر بیند دستهاش بچوب بسته اند که گفتیم کمتر و آسان تر بود کرمانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از چوب بیند
دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نگذارد و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود بر طاعت حق تعالی و اگر اینکس در سفر بود
بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و زحمتش از جهت
مال بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل بود که بسبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بیند که بند را بشکست بیم خلل بود او را در امور دنیا
خاصه که بند او بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او برداشتند دلیل بود که از غمها و بلاها خلاصی یابد و اگر بر پای خود کند نهاده بیند دلیل بود که او را
با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را به رسن بسته بیند دلیل بود که از کسی بوی منفعت رسد دانیال ع گوید که اگر امیری بیند که بر پای خود بند
آهنین داشت دلیل که از ولایت خویش بسفر شود و در آن سفر بماند و اگر بیند که بر هر دو پایش بند نهاده بود دلیل بود که ولایت یابد و اگر بیند که
بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او برداشته اند دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر اسیری بیند که پای او
در بند و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کار روی آسان گردد و اگر بیند که بند او از سیمین بود
دلیل بود که زنی بنکاح خواهد یا بر زنی عاشق گردد و اگر بیند که بند او زرین بود دلیل که بسفر شود و بیمار گردد و اگر بیند که بند او آهنین بود دلیل که
دور کند جابر مغربی گوید که بند در خواب ثبات دین بود بقول جناب پیغمبر صلعم که فرمود احب القید فی النوم و لا احب الغل لان القید
ثبات فی الدین یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بند نیکو بود در دین حضرت دانیال ع فرماید که
بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دوم نفاق سیم بخل چهارم از معصیت دست بداشتن و بعضی از معبران گویند که غل در گردن

آزاد کردن بنده
بنفشه
بنیاد نهادن

بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوتاه دستی بود از ظلم بنده ابن سیرین گوید که هرکه بنده نابالغ را بخواب بیند که بالغ شده است دلیل بود که
آزاد گردد و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بیند که خواجه را بفروخت دلیل بود که غمگین
و مستمند گردد و اگر بیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان گردد بنفشه محمد بن سیرین گوید که بنفشه در خواب دیدن بوقت
خود دلیل بود که از زنی یا کنیزکی چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از درخت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خورد کرمانی گوید
اگر زنی بیند که بنفشه از درخت بکند و بشوهر خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی دسته بنفشه بدو داد دلیل بود که میان
ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب کنیزکی بود بدخوی و ناسازگار بنیاد نهادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که بنیاد نو نهاد فایده و بنای وی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهادی نهاد در جائی مجهول چنانکه ندانند که از آن
کیست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد را بر زمین و ملک خود نهاد دلیل بود که فایده و روزی حلال یابد کرمانی
گوید اگر بیند که بنیاد از خشت پخته و گچ نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل گردد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر هوا نهاد دلیل بود
که همت او بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد دیوار از خشت پخته نهاد و برآورد دلیل بود که در امل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند
خواب بنا کرده بود و مزد ستاند دلیل بود که منفعتی یابد و اگر بیند که بنیاد را از خشت پخته برآورد دلیل بود که منفعت یابد از پادشاه
و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و گل برآورد دلیل بود که منفعت از مردم عام یابد جعفر صادق فرماید که اگر کسی بیند که شهری بنا کرد دلیل بود
که جماعتی از مردمان را در پناه خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد دلیل بود که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد دلیل بود که بکار
دنیا مشغول گردد و اگر بیند که سرائی بنا کرد و در وی بنشست دلیل بود که نفعها و خیرها بیند و اگر بیند که مسجدی را بنا کرد دلیل بود که
جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بخیرات منتشر گردد و اگر بیند که طرازی بنا کرد دلیل بود که
خواهد و اگر دیه بنا کرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد دلیل بود که زنی توانگر پارسا بخواهد و اگر بیند که گورستانی را بنا کرد
دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه بنا کرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنیادی که بنهد و تمام کند دلیل بود
که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد کارش ناتمام ماند پنیر محمد بن سیرین گوید که پنیر در خواب اگر خشک بود مالی اندک باشد که از سفر حاصل
گردد بیننده خواب را و پنیر تر مال بسیار بود که در حضر بدست آید جابر مغربی گوید که پنیر تر مال و نعمت بود که بآسانی بیاید و پنیر خشک سفری بود با
منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان با پنیر میخورد دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل گردد و بعضی از معبران
گویند که علتی بدو رسد لکن از آن زود خلاص گردد به بدانکه استادان این فن در تاویل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که
مهتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم بیماری کرد
چنین گوید که آن چون بگونه زرد است دلیل بر بیماری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود با رنج تن بدان معنی که گفت جبرئیل ع آدم را در
وقت بیرون آمدن از بهشت به بوی داد حکم به سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت به دنیا بود با چندین غم و اندوه
که بدو رسید و آنکه حکم بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام بدنیا آمد از خوردن آن به منی وی زیاده شد لاجرم

ازوی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنانکه گفتند که از مهتر بزرگ خیر و منفعت بیند یا ثنای نیکو بدان معنی گفتند که وهب
آن جبرئیل علیه السلام بود دوستان شده او و آدم علیه السلام را از بوی خوش ثنای نیکو بود و چنان دانید که هر خوابی که استادان تعبیر آن کرده اند از گزاف نگفته اند

بهار

ابراهیم گوید که بهار در خواب بیماری بود خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگونه زرد تر بود بیماری صعب تر بود حضرت صادق علیه السلام
فرماید که دیدن بهار بخواب چون بوقت خود بود بگونه سبز بود بتاویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگونه زرد بود بیماری بود و بعضی
ابن سیرین گوید که بهار در وقت بهار پادشاه بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نا معتدل چنانکه از گرمی و سردی مردمان را
مضرت و رنج رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند و اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته
از گل و شکوفه و مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود باعتدال بیند
دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فصل بهار

بهشت

همین بود و بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدایتعالی قوله تعالی ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ
و اگر بیند که از میوه های بهشت فرا گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموزد و سیرت
وی بدانند لیکن سود ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت همی بود دلیل بود که نزع بر وی آسان کرده و اگر بیند که در بهشت مقیم شد لیکن وی را
نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میکوشد بفساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر روی او بسته کردید دلیل بود که مادر و پدر از وی
ناخوشنود باشند و اگر بیند که به نزدیک بهشت شده و بازگردید دلیل بود که بیمار گردد بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که
فرشتگان دست وی گرفتند که در بهشت برند و آن بهرفت و در زیر درخت طوبی بنشست دلیل بود که مراد دو جهانی یابد قوله تعالی
طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی قوله تعالی
وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بوی داد دلیل بود که آنکس را از علم وی
بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر
دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کوشکهای بهشت را بکی بوی دادند دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد جابر مغربی گوید اگر بیند که رضوان
در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان گردد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوندد
یا با توانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم دوم زهد سیوم منت چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم
سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات دو جهانی بود و بدست او خیرات بسیار رود اما چون مصلح بیند دلیل بود که بیمار
یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و عالم گردد و مردمان از علم او منفعت یابند

پهلو

پهلو ابن سیرین گوید که پهلو در خواب
زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آماس کرده بود دلیل بود که زن و کنیزک او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود

و پاره گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بهنگام بیفکند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که ویرا
غمی سخت رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند
که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بیفتاد دلیل بود که مال عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که
عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن گوهری یا لؤلؤئی بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید پارسا و اگر
بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود بر درستی دین
و قوة عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تأویلش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوها در خواب دلیل بر زنان
بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر خیر و شر که در پهلو بیند تأویل آن بر زنان بازگردد و اگر بیند که او را پهلوهای
بسیار بود دلیل ... بردند و اگر بیند که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید حضرت

بوتیمار

صادق ع فرما[ید] ... وجه بود اول زن دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیرزنی که در خانه بود بوتیمار
ابن سیرین گوید که ... بود و مال حلال که از زن بدو رسد و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن
از زن مال بخورد ... بیند که بوتیمار را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد کرمانی گوید که بوتیمار
دیدن در خواب ... بود بر بزرگی و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت و بخانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از او مال و منفعت
حاصل کند

بوریا

ابن سیرین گوید اگر کسی بوریا کند دلیل کند بر مردی که سفله و خسیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف
حال و از مردم ملامت یابد و اگر بیند که بوریا ببافت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوریا از خانه ... بیرون آمد دلیل بود که
دلیل کند که بکد خدائی خود مشغول گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را از زنی منفعت
کوچکی و بزرگی بوریا حضرت صادق ع فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دوم خواستن زن سیم بکدخدائی خود مشغول بودن

بوزینه

بوزینه ابن سیرین گوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبنده ملعون بود اگر بیند که با بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود دلیل بود
که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که با بوزینه نبرد میکرد و بر وی چیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی بر تن او
پدید آید که از آن خلاصی نیابد کرمانی گوید اگر بیند که بوزینه را بکشت دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت او بخورد دلیل بود که
در رنجی و عیبی گرفتار آید و اگر بیند که کسی بوزینه بوی بخشید دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی بیند که بوزینه را بکشت
دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد اگر بیند که بوزینه بر اسب نشسته بود دلیل بود که جهودی با زن او فساد کند و بوزینه ماده زنی مفسده
جادو بود و اگر بیند که بوزینه بخانه در آمد دلیل بود که در آنخانه زنی او را جادو کند و اگر بیند که بوزینه با وی سخن گفت دلیل بود که زن
با وی در آن زبانی کند و اگر بیند که بوزینه او را گزید دلیل بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود و اگر بیند بوزینه بوی چیزی داد یا بخورد دلیل بود

پوست

که مال خویش را بر اهل بیت هزینه کند پوست دانیال ع گوید که پوست تن مردم در خواب آرایش و کدخدائی مردم بود ابن سیرین گوید اگر بیند
که پوست مردم ستر ... مال و برکت بود و اگر کسی پوست تن خود را برخواسته بیند و افتاده دلیل بود که ستر و راز وی گشاده گردد و مال او تلف

کرده واگر پوست تن خود را کبود یا سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بیند که پوست پایش روشن بود دلیل بود که کار خاسته کرد دکرمانی گوید که پوست جمله چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی بزرگ و پوست گوسفند صاحب را توانگری بود واگر پوست درخت سبز بیند خداوندش روزه دار بود واگر بیند که پوست از سلوخ باز کرد دلیل که از آنکس که بدان منسوب بود مالی بستاند واگر بیند که سرائی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که اگر آنکس قصاب بود در سرای او دیوار نهند واگر معلم بود بر کودکان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بیند که پوست گوی باز میکرد دلیل بود که آنکس شغلهای کهن و چیزهای تباه شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میانجی کند چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار

پوستین ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه معیشت او بود واگر در وقت تابستان بود همین دلیل کند لیکن سرانجام غمناک گردد کرمانی گوید اگر بیند که پوستین بره یا بزغاله داشت دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن مال یابد واگر بیند که پوستین سمور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخواهد که توانگر و مالدار بود واگر بیند که پوستین روباه از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبنده و حیله گر بود واگر بیند که پوستین خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار بدفعل بخواهد و از او زحمت بیند واگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود که زنی ناسازگار بد زنی بخواهد واگر بیند که پوستین گربه پوشیده بود دلیل بود که زنی بدخو بزنی بخواهد و در دزدی امانت بود واگر بیند که پوستین وشق پوشیده بود دلیل بود که زنی اصیل و دین دار بزنی کند واگر بیند که پوستین موش پوشیده داشت دلیل بود و شلیده بزنی بخواهد واگر بیند که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود

بوسه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بوسه داد دلیل بود که آنکس را دوست و خواستگار بود واگر آنکس مجهول بود دلیل که از جائی که طمع ندارد خیر و منفعت بیند واگر بیند که معروفی او را بوسه میداد دلیل است که از آنکس خیر و منفعت بیند کرمانی گوید اگر بیند که مرده ویرا بوسه میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بدعائی خیر یاد آورد واگر بیند که مرده ویرا بوسه میداد دلیل بود که طالب و خواستگار وی بود واگر بخلاف این بیند دلیل بود که مراد و مقصود دنیا یابد حضرت صادق ع فرماید که بوسه دادن بخواب دلیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت دوم حاجت روائی سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش شنیدن

بوق زدن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد و بوق زدن را میدانست دلیل بود که مردم را از سر خود آگاه کند واگر بیند که بوق میزد دلیل بود که در میان مهتران دروغ گوید و اندروغ را بسو کند راست کند و بعاقبت ظاهر گردد که آن دروغ بود جابر مغربی گوید که بوق زدن بتاویل مردان ره مصیبت بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق ع فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار وجه بود اول خبر دروغ دوم سخن بکرده سیم ظاهر شدن راز چهارم معصیت بود

پل ساختن ابن سیرین گوید که پل در خواب پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او براد برسند کرمانی گوید که پل در خواب تاویلش آن بود که نیکو باشد اگر بیند که از پل بگذشت دلیل بود که از پادشاه او را عز و جاه رسد و از او منفعت بیند واگر بیند که بنیادی پل مینهاد و عمارت میکرد دلیل بود که ولایت

و پادشاهی یابد و مال بسیار او را جمع گردد قوله تعالی وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق ع فرماید که پل در خواب بر چهار وجه
بود اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس روا کند دوم پادشاه سیم نیکویی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کردن
اگر بیند که پل شکسته و خراب شد دلیل بود بر تباهی حال پادشاه و نقصان ملک و بوم بخواب دیدن مردی دزد نابکار مفسد بود و حسود
اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر
بیند که بومی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که مردی دزد را قهر کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی
دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک دزد یا شاگردی از دزد او را حاصل گردد و بوی های خوش ابن سیرین گوید
که بوهای خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح و ذم و سخن ناصواب بود اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکوهش کنند و اگر در خواب
بوی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند دلیل بود
که او را ستایش کنند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او بزشتی منتشر گردد پی
ابن سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر بخواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بگسست دلیل بود که دوستی
که جمع کننده کار و حال او بود از او غایب گردد یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که پهلو بر تن او خشک شد دلیل بود که از دوستان
مفارقت جوید کرمانی گوید که پهلوی تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود و اگر بیند که پهلوی او درشت و قوی بود دلیل بود
که خویشان و اهل بیت او بدحال و ضعیف گردند بیابان دانیال گوید که بیابان در خواب قسمت و روزی بود بقدر بزرگی و فراخی
آن اگر بیند در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت دلیل بود که
مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی گشاده گردد و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون آمد دلیل بود که از
غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بیابان در خواب
بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت دوم حیرت و سرگشتگی سیم عنا و رنج چهارم بیم و خطر و هلاک اگر از وی زود بیرون آید پیاز
کرمانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت و اگر بیننده خواب مصلح و مستور بود و بجهد خود را
از خوردن آن دفع کند و اگر بیننده خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند خاصه
چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و بخدا تعالی باز گردد حضرت صادق ع فرماید
که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام دوم غیبت و سخن زشت سیم پشیمانی در کارها پیاله محمد بن سیرین گوید
که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا جلاب میخورد دلیل بود که با کنیزی بحلال جمع شود
و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که آن جلاب یا آن آب از پیاله بریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد حضرت صادق ع فرماید
که پیاله در خواب بر دو وجه بود اول کنیزک دوم خادم پیراهن دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب دین مرد بود و بعضی از
معبران گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح

کار و نیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از پیراهن او دریده بود تاویلش میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهن و چرکن بود
دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بدو رسد و هرچند پیراهن را کهنه تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت بیشتر بود که خداوند
خواب هلاک گردد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیراهن خود داد و بپوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستانند کرمانی گوید اگر کسی بیند
که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و بباطن بد و اگر بیند که پیراهن و شلوارش جمله چرکن بود و کهن دلیل بود که اگر توانگر
بود درویش گردد و در غم و اندوه گرفتار گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده داشت دلیل بود که عیشش خوش
فراخ گردد و اگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بروی تنگ گردد و اگر بیند که پیراهن او دریده بود دلیل بود که رازش آشکار
گردد و اگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بی آستین و بیکدرز بود و پوشیده دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیراهن
در بر داشت دلیل که کارش بد گردد و مرادش بر آید و اگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود دلیل بود که او را بدروغ تهمت
نهند قوله تعالی وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آنکس پیراهن را بروی فرو مالید
دلیل بود که بنعم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالی اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ
بَصِيرًا اگر بیند که پیراهن خون آلود داشت دلیل بود که روزگار دراز در غم و اندوه بماند و اگر بیند که پیراهن دریده پوشیده بود دلیل
بود که کارش پراکنده گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیراهن در خواب چون نو و فراخ بود دلیلش بر شش وجه بود
اول دیدن مردم دوم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم رامش و خرمی ششم بشارت **بیت المعمور** خانه است
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم با
بالعلم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته گردد
و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخفت دلیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد
دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بکردار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او روا گردد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه گشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که
بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین منتظم شوند و عز و جاه یابند **پیرایه** ابن
سیرین گوید که پیرایه در خواب دلیل بر مال و زینت زنان و کنیزک کند بقدر و قیمت پیرایه که دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه و
آراسته بود بجواهر و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل گردد و اگر بیند که پیرایه او ضایع گردید دلیل بود که او را
غم و اندوه رسد و اگر مردی بیند که پیرایه زنان داشت دلیل بود که غمگین گردد **پیروزه** ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب دیدن
ظفر و قوت و حال روائی بود و اگر بیند که پیروزه از وی ضایع گردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی گوید اگر بیند که پیروزه
بجزوار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیروزه در خواب
بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دوم حاجت روائی سیم عزت چهارم ولایت **پیر شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند

که پیر گردید

که پیر گردیده و محاسن او سفید شده دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مرادهامی او بر آید و از
غم رسته گردد و اگر پیری معروف را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین ببیند دلیل
بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر پیر را ببیند که جوان شده دلیل بود که در عز و بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی
یا کودکی ببیند که پیر شده دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد **پیسی** ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود
و اگر ببیند که تن او پیس گردیده دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب پیرایه بود
حضرت صادق ع فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دویم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی
گوید اگر ببیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد
بود دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد **پیشانی** ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری
تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت و توانگر گردد و اگر ببیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که بخداوند
ورع پاک دینی و پرهیزکاری مشهور گردد و اگر ببیند که کسی زخم بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و اگر ببیند
که پیشانی او کوچک گردیده تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که پیشانی او از حال خود بگشت دلیل بود که زیانی بدو رسد و اگر ببیند که بر پیشانی
او موی رسته است دلیل بود که وام دار گردد و اگر ببیند که آن موی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن وامش از جهت عیال بود و اگر ببیند که پیشانی
او آماس داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر ببیند که از پیشانی او ماری یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را
المی و گزندی از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی ببیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار کدخدائی او بیدار گردد و اگر ببیند که بر
پیشانی چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او در مصالح خود بیداری تمام بود و اگر ببیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل
که او را فرزندی آید عالم و پرهیزکار و اگر ببیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگ او بر شهادت
او بود و اگر ببیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید
که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر دویم عز و بزرگی سیم فرزند توانگر چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکی
پیشی گرفتن ابن سیرین گوید اگر ببیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزا و آنچه بدین ماند دلیل بود
که در آخرت رستگاری یابد و او را نزد خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیائی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت
صادق ع فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح دو جهانی بود و اگر ببیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد
دلیل کند بر فساد دو جهانی **پیشه** ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر ببیند که پیشه خود را رها کرد و به پیشه از آن بهتر مشغول گردد
دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی پدید آید و اگر ببیند که پیشهای گوناگون همی کرد اگر آن پیشها نیکو بود دلیل
بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر ببیند که بعضی از پیشها بد بود و بعضی نیک هر کدام قوی تر بود حکم بدان کند
بیشه درختان ابن سیرین گوید که بیشه درختان در خواب زنی بود بیابانی اگر ببیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه دار در آن بود دلیل

در وقت آن و از میوهٔ آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اهل و بها یابی بود یا کنیزکی خرد که ذریات او را پرورده باشند و از آن
زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بیشه را خالی از اینها دید دلیل بر شر و مضرت کند و اگر بیند که در آن بیشه بجای درختان خار بود و از خار
او را گزند رسد دلیل کند که او را غم و اندوه بجهت زنان رسد حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن بها یابی
دوم کنیزک سیم منفعت چهارم غم و اندوه بود **بیع** ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل بود که
دین او نزد او حقیر بود و خوار و اگر بیند که بندهٔ خویش را بفروخت دلیل بود که کار بر وی تنگ آید و ستمکار گردد و اگر بیند که زن خویش را
بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی او زایل شود و زشت نام گردد و گر بخلاف این زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح
باز آید کرمانی گوید هر چیز که در دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود **پیکان** در خواب دیدن مردی بزرگ پر
خطر بسیار بود و اگر بیند که پیکانی تیز یافت یا کسی بوی بخشید دلیل بود بر درستی کار که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان در خواب
قوة بود در سختی که بیننده خواب با خصم گوید خاصه که پیکان از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تاویلش بخلاف این بود
پیغمبر بدانکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کردیم از آنجا مطالعه باید کرد **پیکر** ابن سیرین گوید که پیکر بخواب زن بود و اگر بیند
که او را پیکری بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که پیکر از کسی ببها بخرید دلیل بود که کنیزک خرد بخرد و اگر بیند که پیکری داشت و از وی
ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهرهٔ پیکر خود را بصورت
دیگر بیند دلیل بود که احوالش بگردد و هم بران هیأت که آن چهره رسیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویشرا بصورتی زشت بدل کرده بیند
دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بجمال و صورت خود گردید دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا بازگردد و اگر پیکر خویش با شکوه بیند
دلیل بود که همه روی از وی بگردانند و بروی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر حیوانی بدل همی گردد دلیل بود
که آنکس بد مذهب و دروغ گو بود یا در صفات خدا تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر کسی بگونهٔ دیگر که نه از جنس او بود بگشت دلیل بود
که بیننده را کار صعب پدید آید و در آن متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدا تعالی دروغ گوید **پیل** ابن سیرین گوید
که معبران گویند که فرق نیست بهیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود که
زنی خواهد نابکار و اگر این خواب را بروز بیند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهی
بر دست او کشته گردد و یا حصاری محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد و او را بکشت دلیل بود که بهلاک نزدیک گردد و حالش
بد گردد و اگر بیند که بر سر پیلی نشسته بود و آن پیل دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی
گوید اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک مطیع او بود دلیل کند که پادشاه عجم گردد یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بیند
که از گوشت پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی بخود
داشت همچنین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بهنگام رزم بر وی نشسته بود دلیل بود که دشمنی بزرگ را قهر
کند و خبر اینقول قصهٔ اصحاب الفیل را دلیل آورده اند و اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در بلای سختی افتد اگر بیند که پیل در میان

جهان

ملکت بیفتاد و بمیرد و دلیل بود که پادشاه اند یا ربیعه و جابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود و قادر بود دلیل بود که زنی
بنکاح خود بخواهد و آن زن بر وی قادر گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیل صلاح پوشیده بود و از
شهری بشهر دیگری میرفت دلیل بود که بر مملکت آید یا از پادشاه بپادشاهی دیگر افتد تا او را هلاک کند حضرت جعفر صادق علیه السلام فرماید که دیدن
پیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم جهود ششم ستمکاری خون
خواره پیلگوش گیاهی است که برگ بزرگ پهن دارد و آن را شکوفه زرد است دیدن آن در خواب زنی بود خادمه بی اصل و قوت
اگر کسی بخواب بیند که پیلگوش داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از او منفعت بیند پیلور ابن سیرین گوید
که پیلور در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه زیرا که طبیب بیمار را معالجه کند و فقیه مردمان را راه دین نماید و اگر بیند که پیلور دارو بدو داد و از وی بیمار
راحت رسید بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیلور را بهمکاری گرفت دلیل بود که از آن کس خیر و منفعت بهر کس برسد
و نامش بنیکی در آن دیار منتشر گردد بیل ابن سیرین گوید که بیل در خواب خادمی بود که کارها کند کرمانی گوید که بیل در خواب خادمی بود
که کارها باتفاق کند و بعضی گویند که بیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند که بیل دارد و از آن کاری کند دلیل بود که کاری
تمام کند و اگر بدان کار نکند دلیل بود که از آن کار بریده گردد بیماری ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بیمار است دلیل بود که دین
او ناقص بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تن درست شده بود در خواب دید بود
سخن بشکفت دلیل کند که بیماری بر وی دراز گردد و بر خطر بود باشد که بمیرد و اگر بیند که با مردمان بمجالست بیکرد و سخن همی گفت دلیل
کند که زود از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند از بیماری وی برهنه بود دلیل بود که زود بمیرد و بسیاران گفته اند که بیماری در خواب دلیل
بر فسق و فجور کند و غم و اندوه و گفته اند بیماری سلطان را دلیل جابر مغربی گوید که بیماری پیامبران در خواب دلیل بود بر
فرایضها و سنتها حضرت جعفر صادق علیه السلام فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و از علت خویش بنالید دلیل بود که از غم ایمن گردد و اگر از بیماری حق تعالی را
راضی و شاکر بود تاویلش بنیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی لقد جئتمونا
فرادی کما خلقناکم اول مرة پیمانه ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون پیمانه
در خواب صحیح بود و اگر بیند که پیمانه بستد یا کسی بدو داد دلیل بود که راستی و انصاف کند در معامله و داد و ستد و اگر بیند که پیمانه
او بشکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از پیمانه چیزی همی پیمود و اگر اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر از اهل
علم نباشد دلیل از بهر داوری بقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب مردی بود راستگوی که منصف که داد مردمان دهد بینی دانیال
گوید که بینی در خواب دلیل بر جاه و منزلت بیننده بود و بهر زیادت و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیننده بود و اگر بیند که بینی او کوتاه
شده بود دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن اگر بیند که بینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی او
فراخ شده بود دلیل بود که معیشت وی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود دلیل که معیشت بر وی تنگ گردد و ابن سیرین گوید اگر بیند که
از بینی او بیرون آمده بود دلیل بود که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون آمد چون کرم و کیک و مانند این دلیل کند

پیلگوش
پیلور
بیل
بیماری
پیمانه
بینی

که او را فرزندی آید و اگر بیند که در بینی او سوراخ بود و چهار در بینی او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا با زنی بزرگ جمع گردد
و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که سر بینی او بسته بود چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی
میگوید دلیل بود که دولتش زایل گردد و اگر بیند که پوست سر بینی او رفته بود دلیل بود که او را زیانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب بیند که از بینی
او خون می آمد معبری را گوید که بخواب دیدم که از بینی من خون می آمد دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بینی من میرفت دلیل که
مالش برود باید که چون سائل سخن گوید معبر بلفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شده
بود دلیل بود که با زن عاقله جمع گردد و اگر بیند که سر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را ختنه کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت
او نقصان شود جابر گوید اگر کسی بیند که چیزی کراهیت در بینی او شده دلیل بر خشم و تنگی بود و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد چنانکه
جمله تن او خون آلود گردید دلیل بود که مالی حرام بوی رسد و اگر بیند که خون بسیار اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود که او را فرزندی از شکم
مادر بیفتد بقول معبران درویش گردد و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود گشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون کنند
یا با ایشان گزند رسد و اگر بیند که بینی او بر زمین افتاد دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که او بینی خود را همی شست دلیل بود که
مردی زن او را بطفر ببیند و اگر بیند که از بینی وی مرغی بیرون آمد دلیل بود که چهارپای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از معبران خون
آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آید یا بوی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطومی بزرگ شده بود مالش
زان دلیل بود که بقدر آن بر عز و جاه وی بیفزاید و از آن خویشان نیز یاد کرد و اگر بیند که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که
او را فرزندی مصلح بود و اگر بیند که در بینی او بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بیند که بینی ندارد دلیل بود
که کسی از خویشان وی بمیرد و اگر بیند که او را دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند که کسی بوی خوش فرا
بینی او داشت دلیل بود او را که از آن کس منفعتی رسد و اگر بیند که خواب زن بود دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بیند که شخصی
بوی ناخوش در زیر بینی او داشت دلیل بود که از آن کس خشمی فرو خورد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول عز
دوم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش پیه خوردن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه میخورد دلیل بود که خیر و نعمت
و فراخی یابد و اگر بیند که پیه گوسفند داشت و میخورد دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری میخورد که گوشت او حلال نبود
دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیه در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی دوم مال و منفعت سیم گشایش
کارهای بسته بیهوشی کرمانی گوید اگر کسی بیند که بیهوش گردید چنانکه عقل او زایل گردید دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن کار
متحیر گردد ولیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق ع فرماید که بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کارها دوم متحیر و سرگشتگی
و فرو ماندگی و بیچارگی حرف التاء من کتاب کامل التعبیر باب تاب دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رسن یا
ریسمان تاب میداد دلیل بود که بسفر شود و سفرش بقدر درازی و کوتاهی رسن یا ریسمان بود اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود سفرش کوتاه و درود بود اگر
چنبر و خفتن ریسمان را تاب میداد دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشد حضرت صادق ع فرماید که تاب دادن

رسن و ریسمان بر سه وجه بود اوّل سفر و تحویل دوم ریاضت نفس سیم گشایش کارهای فروبسته تابستان ابن سیرین گوید که دیدن تابستان
بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر گرمای سخت بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح
و تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بخواب بیند بوقت خود چنانکه جهان خرم بود و درختان بربار
دلیل بود که عز و دولتش زیاده گردد و کار دنیاش براو رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
تابستان را نه بوقت خویش بیند تاویلش بخلاف این بود تاج محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک بود و ولایت
بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی حال و اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد و لیکن
در دین و راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب حشمت و جاه و در شغل دنیا کرمانی
گوید اگر بیند که پادشاه بر سر وی تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روائی بود و اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد دلیل بود
و او بر سر نهاد دلیل بود که زنی توانگر خوب روی بخواهد و از او کام دل و داد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست
دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفتند دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که
تاج از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت صادق ع فرماید
اگر زنی بیند که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی
بیند که تاج از سر او برگرفتند دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بگوهر بر سر داشت
بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بیفزاید تاراج ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی را بتاراج برد دلیل بود
که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق ع فرماید که تاراج کردن دلیل بود بر چهار وجه اوّل
شغب دوم زیان سیم غم و اندوه چهارم ارزانی نرخ و مرگ و غنیمت باید تاریکی ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت
بود در راه دین اگر بیند که تاریکی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی
بود و آن تاریکی بروشنائی مبدّل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی بود
و آن تاریکی باز بروشنائی شد و دیگر بار بتاریکی شد دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قَامُوا و لو شاء
جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل بود که مردم آن دیار را غم و اندوه رسد و کار
ایشان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و تاریکی ابر ناگاه پدید آمد دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد و حضرت
صادق ع فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اوّل کفر دوم تحیر سیم فروبستن کار چهارم تهمت پنجم ضلالت افتادن
اسمعیل اشعث گوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری افتد و از غم فرج یابد و کار
بر وی گشاده گردد و از راه ضلالت دور بود تازیانه دانیال گوید اگر کسی بیند که تازیانه بخط گرده داشت دلیل بود که کار
بر مراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او بخط نگرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی گویند که تازیانه

تابستان
تاج
تاراج
تاریکی
تازیانه

تازیانه

در خواب دلیل بر مال اندک بود بر قدر بیننده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد دلیل بود که بکاری مشغول گردد و از آنکس کسب فایده بدو رسد اگر بیند
که تازیانه از دست بینداخت دلیل بود که انکاری که در دست دارد بگذارد و اگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی
روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی برفت دلیل بود که هر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر
بیند که او را بتازیانه بزد دلیل بود که از آنکس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند
که زخم تازیانه بر تن او بماند دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی زد دلیل بود که
ناگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر
بیند که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوة حال وی و اگر بیند که تازیانه او چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد
و اگر بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و بتازیانه
میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون بر آمد دلیل بود
که آنکس مال حرام یابد از بیننده و او را متهم کند بجایی و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس زد دلیل بود که
دنیای او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که اهل متفرق گردند و اگر کسی را بی اندازه تازیانه
زد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه کوتاه بود دلیل آن بود و دراز
گردید دلیل بود که زبان او بر خصم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت جعفر صادق ع
فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شوکت دوم جدل کردن سیم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی

تاوه

و مال تاوه ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه برگ خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند اگر
که تاوه نو داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل گردد و یا از وی جدا گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که در تاوه
چیزی میپخت دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بیند که از تاوه چیزی میخورد دلیل بود که از آن خدمتکار خیر و منفعت بدو رسد
بقدر خوردنی و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه وی

تب

تب ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانی رها نمیکرد دلیل کند که پیوسته بفساد و گناه مشغول بود و توبه باید کرد تا از عقوبت نجات یابد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبش دراز بود دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که ویرا تب اندک بود تاویلش بخلاف
این بود

تبر

تبر ابن سیرین گوید که تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر او را کاری فرماید بخواهد که آن را گستاخ کند و آن گزارد
تا دیگر کارش فرماید جابر گوید که تبر در خواب مردی ترسنده بود و اگر یاری خواهد از مردم منافق بود و در میان مردم جنگ و جدال
افکند و اگر بیند که تبری داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او بشکست یا ضایع
گردید دلیل کند که آن مرد را اجل فرا رسد

تبیره

تبیره بفارسی طبل بود و دیدن آن در خواب خبر مکروه و سخن دروغ بود و کاری بیهوده

و بر وی‌ش و این جمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین گوید اگر بیند که با تبیره پای کوبد و رقص کند دلیل بود که بر غم و اندوه و مصیبت
و اگر بیند که او تبیره منفرد همی زند دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره زدن
آواز خویش بود ولکن باطل بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارهای باطل کند با شغلت که در آن هیچ اصل نباشد و با
مردمان هر وعده که دهد جمله دروغ باشد حضرت صادق فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که بنا دانی کرده شود و عاقبت آن کار
ظاهر گردد که باطل است و تبیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را غیبت کند و سخنان
زشت گوید تتماج ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا با گوشت گوسفند و ماست شیرین میخورد دلیل کند که بقدر آن
از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت گاو و یا با گوشت خرگوش کشک و ماست ترش میخورد دلیل بود که منفعت
اندک از مردم سفله دون بدو رسد جابر گوید که تتماج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود تخت محمد بن سیرین گوید
اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی گسترده بود دلیل کند که بسفر شود اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی گسترده
بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر و قیمت تخت دشمنان را قهر کند اما از این غافل بود و اگر این کس از اهل فساد بود دلیل بود که بر دار کنند
خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بد گردد حضرت صادق
فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اوّل عز و جاه دوّم سفر سیّم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه هفتم عالی
شدن کارها تخم کاشتن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از
آنجا که کاشته بود میخورد دلیلش از این نیکوتر بود و اگر بیند که از آنچه کشته بود چیزی حاصل نگردید و یا ندانست که باران چیست و نیز اندک
و بسیار آن را ندانست دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت
دلیل بود که او را مال جمع گردد و اگر بیند که گاورس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن میکاشت
دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته گردد و اگر زمین کشته خویش را
ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجائی مجهول تخم همی کشت و برآمد دلیل بود که غزا کند و غزا بروی آسان گردد
و خیر یا کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین کشته خود
دلیل که جاه و عزّ او زیاده گردد و بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اوّل جاه و بزرگی دوّم فساد
سیّم مال حرام چهارم نفع در بازرگانی تخمه ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل بود که او را مال ربا خورد و فساد کند باید که از این
گناه توبه کند تا از عقوبت حق تعالی نجات یابد و اتفاق معبران آنست که در خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق فرماید که تخمه در خواب
بر چهار وجه بود اوّل مال ربا دوّم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند تخمها کرمانی گوید که تخمها در خواب دیدن آنچه
ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بذر و صعبتر بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب
منفعت اندک بود جابر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که پوسیده یا کرم خورده بود تعبیر او

ابن سیرین گوید که تذرو مرغی است و بخواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی نو بیننده بود و معبران گویند که تذرو مال حرام بود که بحیله
بدست آورد و اگر بیند که با تذرو در نبرد بود دلیل بود که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند که تذرو ماده او را حاصل گردید دلیل
کند که زنی خواهد که در وی هیچ خیر نبود و اگر خانه تذرو بیند دلیلست که زنی خوب روی بنکاح خواهد بر قدر سفیدی و یا کنیزکی از انجا
کرمانی گوید که اگر بیند که تذرو در خانه داشت و بمرد دلیل کند که زن او هلاک گردد و یا بجهة زنان او را مصیبتی افتد و اگر بیند که تذرو از خانه
او بپرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید که تذرو در خواب زن پارسا بود با جمال و مال و اگر بیند که تذرو یافت یا بگرفت دلیل
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تذروی در کنار او فتاد و بخفت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او را
می فریبد حضرت صادق ع فرماید که تذرو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم مال حرام سیم معیشت چهارم کام دل حاصل شدن ترازو
ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود و اگر بیند که ترازوی نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیهی یا که
دین و کفه ترازو دو سمع قاضی بود و درمها که در آن بود خصومت بود که نزد قاضی کنند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان
خصمان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو او را ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو درست
نبود دلیل که قاضی راست و منصف نبود و در حکومت میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که قاضی اندر آن
بمیرد و اگر بیند که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید بلکو کردن ترازو
در خواب رستن قاضی بود و از عذاب دوزخ ترازوی کر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و ترازوی راست قاضی راست حکم بود
یا وزیر عادل حضرت صادق ع فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دویم پادشاه سیم فقیه چهارم
میانجی پنجم حکم راست ششم حج اگر بیند که کردار نیک وی در ترازوی قیامت بیش از کردار بد وی بود دلیلست که بهشت یابد
و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب
عقوبت دوزخ بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ترب
کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورند اگر بیند که میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر
بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آن کس غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او ترب بکسی داد و یا از خانه بیرون افکند و هیچ از آن
نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد ترتیزک ابن سیرین گوید که ترتیزک در خواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خورد دلیل
بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود ترخون ابن سیرین گوید که مردی بدگوی هر بدکردار بود زیرا که اصل وی سپید است و سپید
بسرکه تیز میاغازند و مدتی رها کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد و بعد از آن وی را بکار برند چون بر آید ترخون بود و اگر بیند که ترخون
داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که از آن مرد و پیر مضرت و زیانی رسد و اگر بیند که ترخون بکسی داد و یا از خانه بیرون انداخت
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از او دور شود ترسائی کرمانی گوید اگر بیند مسلمانی ترسا شد دلیل بود که او را
راهی بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانی ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمنی دارد بروی نصرت یابد زیرا که ترسا نصرانی

بود و او مشتق از نصرت است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که با ترسایان
صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و هواخواه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود **ترسیدن** ابن سیرین گوید که
ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که در خواب بیند که می ترسد از کسی و نداند که ترس وی از کیست دلیل بود که گروهی از آن ترسانند بوی
رسد حضرت صادق ع فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصرة بالرعب یعنی نصرت یافتم بترسانیدن و اگر
بیند که از دزدی یا از جانوری همی ترسید دلیل بود که از کسانی که بدو منسوب اند وی را مضرت رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید که ترشیها
خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوه‌های ترش و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج و غم و اندوه
رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب او غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردنی ترش هیچ خیر نباشد **ترف**
ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که ترف همی خورد دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد
که ترف بطعم ترش و بدیدار تیره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن او غم و اندوه بود **ترنج** دانیال گوید که ترنج
اگرچه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوه‌های بهشت است و دیدن او بخواب نیکست دانیال ع
گوید اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تاویلش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج سبز دیدن در خواب
بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب مردی بود توانگر و با جمال و بمردمان نزدیک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر بیند
که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوب روی
آید و اگر بیند که ترنج را بگزد دلیل بود که او را از مال خود یا از مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که زر نهفته
هلاک کرد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او را
فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین او بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن ترنج در خواب
بر چهار وجه بود اول زن نیکوروی دوم کنیزک پاک دین سیم دوست توانگر چهارم فرزند شریف صالح **ترنگبین** ابن سیرین گوید
که ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود و قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
و اگر بیند که ترانگبین بسیار داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که روزی بسیار یابد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود حضرت
صادق ع فرماید اگر ترانگبین در خواب دید یا خورد دلیلش بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت خلق دوم معیشت و گشایش
کارها سیم کام دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید که خوردن تره دوغ بخواب دلیل بر غم و اندوه کند **تره** ابن سیرین گوید که از تره‌ها
آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند **تره فروشی** اگر کسی بخواب بیند که تره فروشی کردی تاویلش نیکو بود زیرا که بدست او
کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مفلسی و غم و اندوه بود **تریاک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تریاک
از بهر بیماری خورد دلیل بود که از رنج برهد و کارها بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود
تزویج ابن سیرین گوید اگر بیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر عزب بود دلیل بود که زنی توانگر خواهد و اگر بیند

که زن را طلاق داد دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و اگر مرده زن را بزنی کرد و با وی جمع گردید دلیل بود که از ملک و مال آن زن
او را چیزی حاصل گردد و اگر بیند که با آن زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او او را حاصل گردد و اگر زنی بیند که او را مرد مرده او را زن
کرد و در سرای زن با وی جمع گردید دلیل کند که مال زن نقصان شود یا حال وی متغیر گردد و اگر بیند که زن خواست لکن زن را ندید و نشناخت
را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را بیند و سرای مجهول بود و آن زن از آن شخص مرده بود و آن مرده با وی جمع گردید
دلیل بود که آن زن بمیرد و اگر آن زن معروف بود دلیل بر نقصان زن کند کرمانی گوید اگر زن شوهری دارد و در خواب بیند که دیگر شوهری دارد
و عروسی را ندید دلیل کند بر شرف و عزت و زیادتی مال او و اگر بیند که عروسی خواست کردن و عروسی را ندید و نشناخت بیم مرگ
بود او را و بعضی گویند که شخصی بر دست او هلاک گردد و اگر بیند که بیمار بود و زنی مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن شوهر
را بخانه برد دلیل بود که مالی بسیار از این شوهر او رسد و اگر بیند که زنی نابکار بزنی بخواست و با وی جمع شد دلیل بود که کاری شود او را
بر وی آسان گردد و اگر با وی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دختری دوشیزه را بزنی کرد و دوشیزگی او را
بستد دلیل بود که اندر آن سال او را زنی یا کنیزکی حاصل گردد و از پادشاه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بحرام دوشیزگی دختری بستد دلیل بود
که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق ع فرماید که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگی دویم زیادتی مال سیم رنج چهارم
خرمی و شادی **تسبیح کردن** ابن سیرین گوید که تسبیح کردن بخواب مطیع بودن بود بر فرمان حق اگر بیند که تسبیح میکرد دلیل بود
که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که تسبیح بخواب با خود داشت غم و اندوه بدو رسد و لکن او را در آن
اجر و ثواب بود و اگر بیند که با تسبیح شکر حقتعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی گردد و مالی یابد و این خواب را والی بیند دلیل
که او را آبادانی ولایت رسد قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **طشت** کرمانی گوید که طشت در خواب زنی خادمه بود
[illegible] خانه بدو تسلیم کنند و اگر بیند که طشتی فرا گرفت یا کسی بدو داد یا بخانه
و اگر عقوبت [illegible]
ابن سیرین گوید که طشت در خواب کنیزکی بود [illegible] و اگر بیند که طشت بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن [illegible]
دلیل بود که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که [illegible]
کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طشتی خرید دلیلست که زنی خادمه را بزنی خواهد یا کنیزکی حضرت صادق ع فرماید که دیدن طشت
در خواب بر سه وجه بود اول زن خادمه دویم کنیزک سیم منفعت از زنان **تشنگی** ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب
بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که بغایت تشنه بود و آب نیافت دلیل کند که رنجی و زحمتی بدو رسد از بهر دین یا از بهر دنیا و اگر
بیند که تشنه بود یا آب یافت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که از رنج و بلا رسته گردد و سرانجام بمراد رسد جابر
که تشنگی در خواب فساد بود در دین و اگر بیند که در تشنگی آب یافت و بخورد دلیل کند که گناه کند و سرانجام توبه کند و صلح
و پارسا گردد **تعویذ** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تعویذ با خود داشت از نامهای خدای تعالی دلیل کند که از سختی
و غم برهد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر زندانی بود رهائی یابد و اگر در سفر بود بسلامت
باز آید کرمانی گوید اگر کسی بیند که تعویذ مینوشت و بمردم میداد دلیل بود که از او بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تعویذ

پشیوشت و بمردم میداد و بهائی ستد دلیل بود که اندوهگین گردد و متفکر تغار دیدن تغار زنی بود غمگسار و صالحه
که خانه او را اصلاح دارد و راه خیر بمردم آموزد و از شر و فساد توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که تغار او بشکست یا ضایع گردید
دلیل کند که آن زن از او جدا گردد یا از دنیا رحلت کند و بقول بعضی معبران تغار کنیزک بود و خادمه تفشله بدانکه تفشله با
عدس پخته بود اگر کسی آنرا بخواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که تفشله همی خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد
یا او را با کسی خصومت افتد و بدان سبب بجزع گردد و علی الجمله در تفشله خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد تکبیر کردن ابن
سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن گردد و در خیرات بروی گشاده گردد حضرت
صادق ع فرماید که دیدن تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت
چهارم گشایش کارهای بسته تکرگ ابن سیرین گوید که تکرگ در خواب دیدن عذاب و تنگی دنیا بود و اگر اندک بود و بوقت
خود بود دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تکرگ دیدن نه بوقت خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را
حضرت صادق ع گوید دیدن تکرگ در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری تل
بفارسی پشته بود و شرح و تاویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کار ابن سیرین گوید که هر که بخواب بیند که کار
دنیائی او بنظام گشت و کامکار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد قوله تعالی حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا
وَازَّیَّنَتْ و هر که بیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغیر حال او بود و بیم بود که عمرش سپری گردد و هم شاید که بود که از او تمام
گشتن تن مردم ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان
که در تن بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر درویشی و بستگی کارها و اگر تن او فربه
بیند دلیل کند بر توانگری و گشایش کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمده و دراز میگردید دلیل کند که زندگانی او بعیش
و فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آهنین یا روئین
یا سیمین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن او آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک
باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن او قوی و درست بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او برهنه
است دلیل بود که درویش گردد و رازش آشکارا گردد حضرت صادق ع میفرماید که اگر بر تن خویش زیادتی بیند دلیل کند بر قوت و قوت
و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آماس داشت دلیل بود که
گرد و تندر بلغت پارسی رعد بود و دیدن او در خواب ترس بود از عامل و از عوام ابن سیرین گوید اگر بیند که غریدن تندر را با
باران دلیل بود که مردمانرا ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بارد و تندر سخت بارید دلیل بود بر
ترس کاری که بیننده خواب از دعای پدر و مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن باران اندک دلیل بر ترس کاری از آن
از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق ع فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دوم حکمت سیم رحمت چهارم

پنجم خشم پادشاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران و رعد و برق
بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله همی بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب و هلاکت
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق
و هوا تاریک بود دلیل که پادشاه ستمگر پدید آید **تندیسها** ابن سیرین گوید که تندیسها که سایهٔ آن بر زمین افتد چون بخواب بیند
غم و اندوه بود خاصه که بکوه سیاه بیند و آنچه در دیوار نگاشته بیند حضرت صادق ع فرماید که تندیسها در خواب بر سه وجه بود اول
غم و اندوه دوم نقصان قدر و جاه سیم بی امانتی در کارها **تنگی** ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی و بیم
بجایگاهی ایمنی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود جابر گوید اگر
بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیش و روزی
بر او تنگ گردد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد **تنور** ابن سیرین گوید که تنور در خواب مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی معبران
گویند که بانوی خانه بود و اگر بیند که تنور در دست داشت دلیل کند بر تندرستی و نظام کار کدخدائی خانه و اگر بیند که تنور بشکست و
و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت کدخدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها
روزی حلال بیابد و کار بر وی نیکو گردد و کرمانی گوید اگر بیند که در تنور لختی آتش است بی روشنائی و بر بالای تنور شعاع آتش می تافت
دود نبود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و یا حج کند قوله تعالی مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ
یعنی مکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند که آنرا خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول
خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دوم مرد را هیبت شود و شفقت **توبره** ابن سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت بود
خاصه که نو بود و اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبره ای از ضایع
کرد تاویلش بخلاف این بود **توبه کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناه و معصیت پشیمان گردد
و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی خدا تعالی بود و دست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که توبه کردن
در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دوم رضای خدا سیم راه آخرت چهارم سعادت **توتیا** کرمانی گوید که توتیا در
خواب دیدن مال بود و اگر کسی بیند که توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود
وی بخلاف این بود دلیل کند که خود را بنفاق بدینداری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا بدو داد
دلیل کند که بقدر آن وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق ع فرماید اگر بیند که توتیا
در زیر بغل داشت از بهر دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ثنا و نیکوئی گویند **توت** توت شیرین خوردن
در خواب روزی بود و خوردن خرتوت غم و اندوه بود و ابن سیرین گوید که توت شیرین بهنگام خود خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب
خویش روزی یابد و اگر بخواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند

که توت شیرین همی خورد دلیل بود که از مردی جوانمرد صلت و عطا یابد اگر بیند که خرتوت همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت
صادق ع فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود اوّل مال دوّیم منفعت از کسب خویش سیّم منازعه بهر زن **توریة** ابن سیرین گوید
اگر بیند که توراة همی خواند بظاهر دلیل کند که وی را قوتی پدید آید از مردم محتشم و اگر بیند که توراة خواند بظاهر دلیل آید که با کسی خصومت
کند و بر وی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که کسی را تعلیم توراة میکرد دلیل کند که از آنکس خیر بدو رسد **تیر** دانیال گوید
که تیر در خواب دیدن مرد ریست راست گو که از آنکس خیر بمردم رسد بقول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی می انداخت
دلیل کند که پیغامی بدو فرو رسد خاصه چون بیند که بغرض انداخت اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نام بد آنکس فتاد والله اعلم
بالصواب **حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر** **چادر** ابن سیرین گوید که چادر در خواب دیدن ستر پوشش زن بود اگر بیند
که چون زنان چادر پوشیده بود دلیل که دران کار خیر و شر بود ولکن انکار را زنان مکروه دارند و اگر کسی بیند که چادر را بدرید یا بسوخت
دلیل بود که دران وقت ستروی دریده گردد کرمانی گوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بیند که چادر شب فرا گرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزکی بخرد و از او فرزند آید و اگر این خواب را زنی بیند دلیل کند
که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق ع فرماید چادر در خواب
بر سه وجه بود اوّل قدر و جاه دوّیم مرد را زن و زن را شوهر سیّم کدخدای سرای **جادوئی کردن** ابن سیرین گوید که جادوئی
کردن در خواب کار باطل بود و اگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل کند که کاری کند بیهوده و باطل و بقول بعضی از معبران جادوئی
فتنه بود و آنکس را که از بهر او جادوئی کنند جابر مغربی گوید که جادوئی کردن در خواب از بهر کسی تعهد بود و بدروغ که مردمان را بدو فتنه
و جادوئی در خواب دشمن فریبنده بود حضرت صادق ع فرماید که جادوئی کردن در خواب بر شش وجه بود اوّل فتنه دوّیم فریب
سیّم مکر چهارم سگالش پنجم باطل و دروغ ششم کاری که دران اصلی نبود **چهارپای** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپائی را
فرا گرفت و آن چهارپای مطیع و فرمان بردار بود دلیل بود که بقدر قیمت آن چهارپای از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند
که رمه چهارپایان وحشی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که گروهی که مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی گوید
اگر بیند که چهارپایان وحشی را میپرستید دلیل کند که مردمان دانا را خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپائی شده بود دلیل
کند که او را عقل زایل گردد و اگر بیند که چهارپائی با او سخن میگفت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که از چهارپائی گوشت میخورد دلیل بود
که بقدر آن مال یابد **جاروب** ابن سیرین گوید که جاروب بخواب دیدن خادم و خدمتکار بود و جاروب در شب خادمی بود
که تقاضای چیزها کند و اگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع گردد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال
کسی بدو رسد خاصه که ببیند خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق ع فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود اوّل خادم
دوّیم منفعت سیّم متقاضی چیزها که با مردم بود **جام** کرمانی گوید اگر بیند که جام پر آب یا شراب فرا گرفت یا کسی بدو داد
و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک بخرد و او را فرزندی پارسا آید که از راحت بیند و اگر بیند که آب از جام بریخت و جام بماند دلیل

که فرزندش بمیرد و مادرش بماند و اگر بیند که جام او بشکست و آب بماند دلیل کند که زنش بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب بریخت
دلیل بر هلاک فرزند بود و مادر هم بمیرد و جابر مغربی گوید اگر بیند که جامها در خانه آورد و دیوار نشانده بود دلیل بود که بعد و آن جامها او را
کنیزکان و زنان بود و اگر جامه سفید یا سبز بیند دلیل بود که او را زنان مصلح پارسا باشند و اگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان
معاشره مفسد بود و اگر جامها زرد بیند دلیل بود که زنان او بیمار و زرد گون باشند و اگر جامها سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اند و لکین مصیبت زده
باشد جامه و نهال ع گوید که جامه در خواب کسب کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بیند دلیل که کسب کار او نیکو گردد و اگر جامه را بد بیند دلیل که
کارش بد شود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بیند دلیل غم و اندوه بود و جامه زرد در خواب
بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان نیز خوب بود قوله تعالی عالیهم ثیاب
سندس خضر واستبرق و جامه سفید شسته ساختگی کار مرد بود و جامه کبود دلیل بر مضرت بود و جامه سوخته دلیل زیان
بود از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشمین و نمدین و پلاس از پشمین بجمله دلیل بر مال و خواسته او را
حاصل گردد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چرکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل
بر ملامت و شناعت کند و جامه که از پوست چهار پایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بید رنگ شکل کهن دلیل که
شغلهای دینی و دنیوی تمام گردد و لکن عمرش به آخر رسیده باشد و اگر بیند که پوست خر پوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد ابن سیرین
گوید اگر بیند که جامه عسکری پوشیده است اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است
دلیل که مال بسیار یابد اما از خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجبی پوشیده بود دلیل بود که از عطای بزرگان محروم ماند اگر بیند که
جوالی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد بعطار ساختن بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیلست
که منفعت یابد و اگر بیند که جامه صاحب دیوان پوشیده است دلیلست که با امانت و زبان آور گردد و مهمات ساختن خلق مشغول گردد
و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده گردد و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت
بود و اگر بیند که جامه بازرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که
کار دینش بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل قضا و پوشیده است دلیل بود که او را از اهل قضا غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه مزدورکار
کن داشت دلیل بود که متفکر و بیکار گردد و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر
بیند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بمکر و حیله کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند
که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشتی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میان کفر
و ضلالت بود و اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددینان و جاهلان بود و اگر بیند که جامه سپاهیان پوشیده
است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که کسی سلطانی بدو دهد و بدو باز رسانند
و اگر بیند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول گردد یا خدمت حضرتی و اگر بیند که جامه زنی پوشیده داشت دلیل بر

بود

بود که از مهتر خویش دور گردد و اگر بیند که جامهٔ مردان زندانی پوشیده داشت دلیل بود که بسبب کاری غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که
جامهٔ حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و انگشت نمای گردد و اگر بیند که جامهٔ کودکی داشت دلیل کند که بخدمت مردی سفله
دون همت مشغول گردد و اگر بیند که جامهٔ کشتیبانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال باو رسد و اگر بیند که جامهٔ قصابی
داشت دلیل بود که ویرا زیانی و اندوهی رسد و اگر بیند که جامهٔ باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد نه براستی کرمانی
گوید اگر بیند جامهٔ نو داشت و او را قصاره نکرده بود نه نیکو بود و جامهٔ تنگ و دون دیدن و جامه جام از جامهٔ کازری کرده بهتر بود و جامهٔ
زربفت زن خردمند و کنیزک با فرهنگ بود و جامهٔ برد مخطط خیر و منفعت بود و جامهٔ رسنی که مجهول بود خصم تازیانه بود یا غمی سخت
که بدو رسد و جامهٔ معین مال و خواسته بود جابر گوید که تاویل دیدن جامه بر دو گونه است یک گونه بدین تعلق دارد و یک گونه دیگر بدنیا
و جامهٔ سفید دین است و جامهٔ نو عمامهٔ دنیا اگر کسی بیند که جامهٔ سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامهٔ تنگ تیره
بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامهٔ سرخ زنان را نیکو بود در دنیا
و مردان را هم نیکو بود و پیراهن و ازار و طیلسان و قبا و دستار را بجمله مردان را غم و اندوه بود یا جنگ و خصومت و جامهٔ زرد مردان را بیمار
بود و بقول بعضی از معبران اگر بیند زنی که جامهٔ زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دارد بیمار گردد و جامهٔ سبز زنان و
مردان را دین بود و اگر بر زنده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل رستگاری آخرت بود و جامهٔ سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشد نیکو بود
اما آنکه پیوسته سفید پوشد جامهٔ سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامهٔ سیاه بقول بعضی از معبران خطیب و قاضی و پادشاه را
نیکو بود اما رعیت را غم و اندوه بود و جامهٔ کبود بهتان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامهٔ ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل بود
که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بیند که جامهٔ داشت از رنگی هم
از رنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بمنزلت زندگانی کند اگر بیند که از جامهٔ خویش همی خورد دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر
و اگر بیند که جامهٔ ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری ویرا بزندان کشند و اگر بیند که جامهٔ او ضایع
گردید یا از وی بستدند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد و اگر بیند که جامهٔ خویش را بدریدند دلیلست
که اندوهگین گردد و با زن خویش خصومت کند و اگر بیند که جامهٔ وی بدرید دلیل کند که از آنکس بشود و اگر بیند که جامهٔ خود را
با جامهٔ اهل خود را موحی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامهٔ کسی بر بود و برهنه بماند دلیل
کند که از حرمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد دلیلست که بسفر شود و اگر بیند که جامهٔ باز کرده را در نوشت
دلیل بود که غایبش از سفر باز آید و اگر بیند که جامهٔ زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده گردد اما ترسی عظیم بدو رسد
او را غم و اندوه رسد و بی حرمت گردد و اگر بیند که جامهٔ مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامهٔ
در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید
که بهترین جامها در خواب جامه ایست که از پنبه بود و در وی قز یا ابریشم نباشد و جامهٔ عتابی از پنبه و ابریشم بود و جامهٔ خز

بود و دلیل بر مال حرام و فساد کند در دین و جامه و پیراهای حریر و ابریشم مردان را بد بود و زنان را نیک و جامهٔ کهن غم و اندوه بود
از قبل پادشاه و اگر کسی ببیند که جامهٔ کهنه فروشد نیک بود و اگر ببیند که جامهٔ کهن بخرید دلیل بد بود و جامهٔ کهن پوشیدن
بد است و جامهٔ کهن از تن بیرون کردن نیک است جابر مغربی گوید اگر ببیند که جامهٔ شسته بود و بپوشید دلیل بود که تایب گردد
و اگر ببیند که جامهٔ چرکین داشت درویش گردد و اگر ببیند که جامهٔ رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود
و اگر ببیند که جامهٔ با شکوه داشت دلیل بود که او را مهتری پدید آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامهٔ نو در خواب بر چهار
وجه بود اول زن دوم پادشاه سیم مال چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر کسی ببیند که جامهٔ خود را بمقراض ببرید دلیل کند
که چیزی بد و رسد و اگر ببیند که دزدان جامهٔ او را بیرون کردند دلیل بود که فسادی در میان زنان وی افتد جامهٔ خواب
ابن سیرین گوید که جامهٔ خواب دیدن بتاویل زن بود و اگر ببیند که جامهٔ خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که عیالش دین دار بود
و مستور و اگر ببیند که جامهٔ خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از معبران گویند که جامهٔ سیاه در خواب
پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و اگر جامهٔ خواب را کبود بیند دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر ببیند
که جامهٔ خوابش چرکین و دریده بود دلیل بود که زن او چرکین و پلید و ناسازگار بود و اگر ببیند که جامهٔ خوابش ضایع گردید یا بدزدید
دلیل بود که زن را طلاق بدهد یا او مفارقت کند و اگر ببیند که جامهٔ خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد حضرت صادق ع فرماید
که دیدن جامهٔ خواب بر سه وجه بود اول زنی نیک دوم راحت و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین
گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر ببیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش
تلف گردد یا خود هلاک گردد و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو ببیند دلیل بود که وی را فرزندی نیکو بیاید و حالش نیکو گردد یا بجهت
پادشاه خوش طبع جوانمرد پیوندد و حالش نیکو گردد و اگر جان خود را بصورت مردی زشت ببیند تاویلش بخلاف این بود که گفتیم حکایت
در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا دیدار گرفت بعد
از آن بآسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بمکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی
که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که بکار مخاطره مشغول گردد که در آن وی را بیم جان بود و اگر ببیند که جان از کف او بآسمان شد دلیلست
که زود بمیرد و اگر ببیند که رنگ جان او زرد بود که در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگونه سرخ و یا سفید ببیند عاقبتش نیکو بود و از غم رهایی
یابد و اگر ببیند بگونه سیاه بود دلیلست که مستوجب عذاب حق تعالی بود جابر مغربی گوید اگر ببیند که مرده جان تهی کند و خویشان او
بر وی نوحه و زاری میکردند دلیل بود که اهل بیت مرده را غم و اندوه رسد و اگر ببیند که خویشان وی آهسته میگریستند دلیل که خویشان مرده را
از وی شادی و خرمی رسد حضرت صادق ع فرماید چون ببیند که مرده در خواب جان میکند دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه ابن
سیرین گوید که چاه در اصل تاویل زن بود اگر ببیند که در جایگاهی چاه میکند دلیل بود که زن خواهد و اگر ببیند که بکندن چاه کسی او را مدد میکرد
دلیل کند که میان او و آن زن کسی متوسط است و خواهد که بمکر و حیله آن زن را بزنی وی دهد زیرا که کندن چاه مکر و حیله بود و در امثال گویند

که فلان چاه برای فلان میکند یعنی با وی بدی و مکر خواهد کرد و آب چاه در خواب مال زن بود اگر کسی بیند از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد و اگر از چاهی چرخ و دلو
که از خشت پخته برآورده بود هم دلیل بر مال زن کند و اگر بیند که کسی چاه کند و آب بر نیاید دلیل بود که زنی درویش خواهد گرفت یا کنیزکی
اگر بیند که آب چاه خوردن بطعم خوش بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند و اگر بیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که
مال زن جفا یابد و بقول بعضی از معبران بیمار گردد و اگر بیند که آب چاه خنک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند
و اگر بیند که آب چاه بسیار بود دلیل بود که زن جوانمرد و سخی بود و اگر بیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفله و دون بود و اگر بیند
که چاه بکند و آب زود برآمد دلیل بود که زن بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم
و اندوه بدو رسد و اگر بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یابد و اگر بیند که آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ نماند دلیل بود
که زن هلاک گردد و مالش تلف شود و اگر بیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی گوید اگر کسی بیند که دلو
در چاه کرد تا آب برآورد دلو در چاه افتاد و ریسمان گسسته شد دلیل بود که او را فرزندی آید نا تمام حکایت در خبر است که مردی
از عبد الله بن عباس پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب برآرم ریسمان بدو پاره گشت و آن دو پاره را یکی برآوردم
و یکی در چاه بماند عبد الله گفت که تو از عیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمد شش ماهه که وی را دفن کردند آن مرد گفت که مرا
از این سخن عجب آمد دانیال ع گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد
و بقول بعضی از معبران کندن چاه و برآمدن آب حکم نکاح دارد و اگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط
بود کسی را بنکاح کردن جابر گوید اگر بیند که آب از چاه میکشید دلیل بود که بمکر و حیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کنده باشد اگر بیند که
بدلو آب همی کشید و در سبو میریخت دلیل بود که مال خود نیکو نگاه دارد و اگر بیند که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را
نفقه کند بخیر و اگر که در چاه افتاد دلیل کند که در مکر و حیل افتد و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که مالی که حاصل کرده است
زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که در آن باغ میوه بود دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل
کند که با زن خود مجامعت کند و اگر بیند که آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که زنی توانگر بزنی خواهد و از آن زن او را مال و نعمت
حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم عالم چهارم توانگری پنجم
مکر ششم مکر و حیله و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود جبه ابن سیرین گوید که جبه در خواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه داشت دلیل
کند که زن او نیک رای و نیک سیرت بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت
دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق ع فرماید که دیدن جبه در خواب که بیند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار
وجه بود اول زن دوم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه کهن و چرکن غم و اندوه بود جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی بدو
داد و برنگ سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند زنی بیمار گون
بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سازگاری کم کند جعفر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بربالا

چتر

سر او چتر میبرند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی یابد و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اوّل سلطنت دوّیم عزت سیّیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان

چراغ

چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند که کدبانوی خانه بود و اگر در خواب بیند که در خانهٔ او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود و اگر بیند که چراغ تاریک یا سوخت دلیل بود بر رنج کدبانوی خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه یا کدبانوی خانه بمیرد جابر گوید اگر بیند که از آتش نه چراغ بر افروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر عزب بود زن کند یا کنیزک خرد و اگر در سفر غایب دارد بسلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه و والی ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بیند در خواب فاسق بود دلیل که بخدای تعالی باز گردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد بقوله تعالی وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا و اگر بیند که چراغ بمرد دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا عمر و دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیای او ساخته و اگر بیند که در دست چراغ داشت که در روی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیلست که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آیند حضرت صادق ع فرماید که دیدن چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اوّل پادشاه دوّیم قاضی سیّیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم مهتر هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند همچنان بود

چراغ پایه

چراغ پایه ابن سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بیند که چراغ پایه داشت یا کسی باو داد دلیل بود که خادمهٔ او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خودبین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه سفله و دون بود و بر قول او اعتماد نبود

چراغدان

چراغدان در خواب زن بود و معبران گویند که خدمتکار خانه بود و قبیله و چراغدان کارفرمای بود کرمانی گوید اگر بیند که چراغدان آهنین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گبر بوده باشد و اگر سفالین بیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود اگر بیند که چراغدان از دست وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد

چرغ

چرغ ابن سیرین گوید که چرغ در خواب پادشاه بود و اگر چرغ وحشی بیند دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بیند که چرغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه برو ستم و بیداد کند و اگر بیند که پادشاه چرغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران ستم کند و اگر بیند که چرغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید نافرمان اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی میخورد دلیل بود که از فرزند رنج و بدی بیند کرمانی گوید که چرغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بیند که چرغ در خانهٔ وی یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد و بعضی از معبران گویند که چرغ مردی دزد بود که بشب کار کند

چرک

چرک ابن سیرین گوید که هر که در خواب بیند که جامه چرکن داشت دلیل کند

فساد کار بود و اگر کسی بیند که جامه او بچرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بیند که چرک جامه او بسبب
مردکان بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود و کرمانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن ایچ
خیر و منفعت نباشد جرع در خواب زنی بود و مختلف حال و پراکندگی احوال و مولی زاده اگر بیند که جرع داشت یا کسی بدو داد دلیل بود
که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و اگر بیند که جرع او ضایع دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که جرع سفید روشن
بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوب روی بخواهد اگر بیند که جرع تیره و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود جستن ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که از جائی بجست دلیل بود که از حالی که دارد بحال دیگر شود و اگر جستن دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی
یا نیزه در دست داشت و بدان از جائی بجائی بجست دلیل بود بر مردی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا آنکار برادوی
برآید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر ستور نشست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت
و بمرد دلیل بود که زن از او جدا گردد و باز پیش وی آید و اگر بیند که از زمین بهوا بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن حج و زاد در حرم دید
یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرائی مجهول بسرائی مجهول جست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که با شکوه
همی جست و معلق همی زد دلیل بود که کار وی با شکوه نه بود و عیش بر وی تباه گردد و اگر بیند که بهوا بر جست و مرغی را بگرفت دلیل کند
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعصائی از جائی بجائی همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برهد و کارش نظام شود
چشم ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن مرد بینائی بود که بدان راه هدی یابد و چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود
و اگر بیند که نابینا شده است دلیل بود که از راه هدی گشته بود یا فرزند وی بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین او
رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود و بیکدست یا بیکپای یا بیک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کارهای از آن وی کرمانی گوید اگر
بیند که در چشم سرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشتن را با امانت
و دین دار بمردمان نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا در چشم کشید دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی
چشم او ضعیف بود بظاهر و باطن دو روی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز بار ایکمال میدید دلیل بود
بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او برکند دلیل بود که چیزی که چشم او
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم او از آهن است
دلیل بود که پرده او دریده گردد و اگر بیند که هر دو چشم او آماسیده بود چنانچه چشم باز نمیتوانست کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت
کند و اگر نور چشم را ضعیف بیند دلیل بود که او را طاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین شریعت
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن
است و مردمان پندارند که او کور است یا شب کور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق
شد دلیل بدی و برگشتن حال او بود قوله تعالی وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شده و دیگر باره سیاه

گشت دلیل بود که بیمار گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که هر دو چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که سنگدل گردد و
اگر بیند که یک چشم او آفت رسید دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست دراز کرد و یک چشم او را برکند دلیل کند
که فرزند او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را ببست یا بدست بگرفت دلیل بود که فرزند او را زیانی رسد یا مالش ببرد یا گناه
کند و اگر بیند که از دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهة فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال و شود اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که چشم
کف دستش بود دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وَابْیَضَّتْ
عَیْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ حکایت چنین گویند که مردی پیش دانیال ع آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بود
چشم چپ من سید او گفت ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد ازین با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حقتعالی ایمن گردی
مرد گفت که توبه کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق ع فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دویم دین
سیم سیلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب مهتری
بود و جوانمرد بخشنده چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فِیهَا عَیْنٌ جَارِیَةٌ و اگر آبش تیره و گنده و ناخوش
بود دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه مسح همی کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب
چشمه زیاده شد دلیل بود که جاه و عزت و دوران و یار جوانمردی زیاده گردد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تأویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که مهتری جوانمرد از آن دیار رحلت کند کرمانی گوید اگر بیند که در خانه او یا
دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود برقدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بیند
غم و اندوه بود صعب تر و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی بشست دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود
از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر گناهکار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند
جابر گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بانقدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست در آن آب زند و آب
ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح
دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول مهتر
جوانمرد دویم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر و زندگانی یافتن چغانه ابن سیرین گوید که چغانه در خواب
سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را
چغانه داد دلیل بود که از پادشاه وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که چغانه در بشکست و بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل
توبه کند و اگر بیند که چغانه بر سر میزد و چغانه نداند زد دلیل بود که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از آن علم فایده
بمردمان رساند و باشد که از نشکونه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر این کس جاهل بود شغلی پیشه کند که از آن شغل در اسرارش
کند

کنند و اگر بیند که با جغانه چنگ و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند جغد در خواب مردی بود نابکار و بی‌سامان
و حرام بود و اگر بیند که کسی جغدهی گیرد دلیل بود که او را با چنین مردی خصومت افتد و دیگر بهمه حال دیدن جغد در خواب مبارک
نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آواز جغدهی شنید دلیل بود که در آنجا نوحه و شیون بود بقدر بانگ جغد و اگر بیند که بچه جغد بود
دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت جغدهی خورد دلیل بود که از مال مردی دزد و نابکار بقدر آن چیزی
بخورد چغندر ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چغندرهی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
خورد و اگر بیند که چغندر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود و از جهة زنان و چغندر
پخته هم از زنان منفعت یابد اندکی چاک محمد بن سیرین گوید که اگر بیند که چاک جهره بوی داد یا جهره کرده بیافت دلیل بود که مال
و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی بر وی چاک یا خط و قباله می‌نوشت دلیل بود که مجامعت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چاک جهره
کرد یا داشت جهر از وی برگرفت دلیلست که در مال او نقصان افتد اگر بیند که چاک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی
ضایع کرد چکاوک بفارسی قبره خوانند و تأویلش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکاوک نر بگرفت یا کسی بوی
داد دلیلست که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام را دختری آید کرمانی گوید که چکاوک
در خواب مردی بود شیرین سخن غریب و کم از وی چرب زبانی اگر کسی بیند که چکاوکی وی را عطا داد یا بگرفت دلیل بود که با چنین مردی
او را صحبت افتد جگر ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم بود دلیل بود که مال پنهان کرده بیابد
و هزینه کند اگر بیند که بسیار جگر پخته یا بریان کرده او را حاصل گردید یا خام دلیل کند که گنج بیابد و جگر گاو و گوسفند هم دلیل بر مال
و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول ع فرمود اولادنا اکبادنا کرمانی گوید
که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال پنهان بود که پیدا گردد و جگر بسیار اگر پخته یا خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم جعفر
صادق ع فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود اول فرزند و مال دوم دوست که بجای فرزند بود سیم علم و اگر بیند که از خانه
او جگر بیرون میکردند یا آتش جگر او را بسوخت دلیل بود که پادشاه گنج و مال وی بستاند و اگر اینخواب را عالمی بیند دلیل بود که علمها
جمله فراموش کند مجامعت دانیال ع گوید که مجامعت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی
جدا گردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجتش روا گردد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد دلیل بود که خانه
او توانگر گردد و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت
بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل که مردی مبتدع بود و بر طلب کار ناسزا و در آنکار او را
مصلحت نباشد و سنت رسول ع را نگاه ندارد و اگر بیند که [illegible] مجامعت کرد دلیل بود
که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از معبران گویند که اگر زنده بود و از وی خیر و نیکی
بیند و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زنی که مرده بود مجامعت کرد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه

جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن نومید شده باشد بتمامی بنیاید مرده که بیگانه بود و اگر بیند که با جوان مجهول مجامعت کرد و میان
ایشان خصومت بود دلیل بود که صحبت انجامد و از او خیر و نیکی بیند و اگر آن مرده جوان معروف بود بر وی ظفر یابد اگر بیند که جماع
با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود بیند کرمانی گوید اگر بیند که دختری به دوشیزگی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد
یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با دو دی جماع کرد همین دلیل کند و کارش
براو شود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان منسوب باشد
ظفر یابد اگر بیند که با ترسائی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام شود و اگر مردی پیر که بکلی
شهوتش زایل شده بود در خواب بیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود دلیل کند که در کار دین نیک راغب گردد
و اگر بیند که با زنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی بیند همین تاویل دارد جابر مغربی
گوید اگر بیند که با شتر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بیند که با پادشاه
جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بیند که با زن پادشاه جماع کرد دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر بیند که با زن حایض مجامعت کرد دلیل بود
که کارش بد شود و اگر بیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش نیک گردد یا با خویشان او پیوندد و وصلت کند و اگر آن زن زنده بود از
خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیائی بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند
که با زن او که کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که با مردی معروف جوان جماع کرد دلیلست که از او خیری بدو رسد
و اگر بیند که با مردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت روا گردد و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی یا خیرات
کند و اگر زنی بیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل بود که از او نیکی بیند و حاجتش روا گردد و حضرت صادق ع فرماید که در خواب جماع کردن که از او غسل واجب گردد تاویلش نیک
جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک بود و اگر کسی بیند که او را جلاب دادند دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد
و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بیند که کسی با او جلاب داد دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد اگر بیند که جلاب
بخورد و بر زمین بریخت تاویلش بخلاف این جنازه اگر کسی بیند که جنازه میبردند دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا گردد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که او بمرد و او را بر جنازه نهادند و او را میبردند و مردمان از پس
جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لکن دین او بفساد بود و با آن قوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازه
مرده برداشت و میبرد دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی از پس جنازه او میرفتند و مشایعت
دلیل که مردی بزرگ از آن شهر در سفر بمیرد و اگر خویشتن را در جنازه بیند که آن جنازه بر زمین همی رفت دلیل کند که بسفر شود و کرمانی گوید
اگر بیند که [illegible] جنازه او کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که مردمان در پس جنازه
او بودند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر جنازه گران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد و با کسان که او را میبردند از جنازه بینداختند دلیل بود که از عز و جاه

بیفتد

بیفتد و کار او بسته گردد حضرت صادق ع فرماید که جنازه در خواب دیدن بر سه وجه بود اول بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه و رفعت
جنب بودن اگر بیند که جنب بود دلیل بود که در حرام آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد دنیا بیابد
و کارش تباه گردد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام از آنکار رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بیند که خود را
تمامی نشست دلیل بود که کارش بر تمام نکرد و بعضی که تمام بر نیاید کرمانی گوید اگر کسی در خواب جنب بیند خود را و برهنه دلیل بود که در کار
متحیر و عاجز گردد و اگر بیند که خود را در کرمابه بشست و بیرون آمد و جامهٔ پاکیزه در پوشید دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند **چنگال**
اگر کسی خود را چون مرغان چنگال دار بیند دلیل کند که او را قوة بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت
دلیل بود که بقدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که چنگال در خواب بر سه وجه بود اول قوة و توانائی در کارها
دوم معیشت سیم کسب کردن **چنگاله** در خواب مردی بود بدکردار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق خوانند اگر بیند چنگاله
داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی افتد و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخست دلیل بود
که او را از مردی بدکردار مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگاله از او ضایع گردید یا به بخشید دلیل بود که از صحبت مردی بدکردار جدا گردد
چنگ زدن ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب سخن دروغ بود و اگر بیند که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از آن
غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگ داد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و اندوه
فرج یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او سماع میکرد دلیل
بود که شنونده دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ میزد
دلیل بود که بزرگی از مهتران پیوسته گردد و او را عز و جاه یابد هم بمال و هم بسخن روائی و آخر کار آن فتنه را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنگ
و چغانه و نائی و رقص هم اینجمله دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چغانه میزد دلیل بود بر وفات
جنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او جنگ کرد با مردمان یا حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه غالب
بود بر دشمن ظفر یابد **جهود شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد دلیل بود که بر راه بدعت بود جهود ان را یاری دهد و قول الشیاطین
راست دارد ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد یا ترسا یا مشرک یا بت پرست دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدای تعالی بهتان و دروغ گوید اگر
بیند که از آن کیش برگشت و مسلمان شد دلیل کند گناهی بزرگ از او در وجود آید و سرانجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز گردد و اگر بخواب بیند که نداند از کدام دین است
یا از کدام قبله نماز می باید کرد دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرو ماند حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که جهود شد دلیل بود که صاحب
خواب را کاری مشکل پیدا گردد و بر مخالف شریعت سنت باید زیرا که یهود مشتق است از هدی و اگر مغی را بخواب بیند دلیل
بود که صاحب خواب با کارهای دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار آخرت جابر گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد
دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان گردد **جو** کرمانی گوید اگر بیند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل بود که چیزی اندک
بوی رسد و اگر کسی بیند که جو داشت یا کسی بوی بخشید دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکوئی بدو رسد و دلیل بر تن درستی بود

و اگر بیند که جو در زمین میکشت دلیل بود که وی را مال جمع گردد و کاری کند که خدای تعالی از او خشنود گردد حضرت صادق ع
فرماید که جو در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کند
جوالدوز ابن سیرین گوید که جوالدوز در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد خاصه کارهای کوچک را اگر بیند
که جوالدوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم وی را صحبت افتد و اگر جوالدوز او شکست
یا ضایع شد دلیل بود بر هلاک آن مرد جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان گردید و محاسن سفید و سیاه گردید
دلیل بود که فرومایه گردد و اگر جوان مجهول را ببیند دلیل بود که از دشمن خواری بیند و مرادش بر نیاید و اگر بیند که جوانی پیر شده است
دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز در این معنی چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی در خواب بیند که پیر گردیده
بود دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حرف میم بیان کنیم چوب کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق بود
و بعضی از معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر بیگانه دید آنکس با وی نفاق کند و چوب کج
در خواب دیدن تاویل آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق و دروغزن بود
جوراب ابن سیرین گوید که جوراب در خواب خادمی بود و از شمار زنان اگر بیند که جوراب نو از ابریشم یا از ریسمان پوشیده بود
دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او برخوردار گردد و اگر بیند که جوراب پشمین یا نقشین داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی
بخرد یا زنی با جمال بخواهد و اگر بیند که جوراب زرد داشت دلیل که او را خادمی بیمارگون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب او سرخ
بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بیشرم بود و اگر بیند که جوراب او سیاه بود و اگر ببیند مصلح بود و نیکو بود و اگر معفن بود بد بود
اگر بیند که جورابش کهن و چرکن بود دلیل بود که خادمش را به فساد متهم کنند و اگر بیند که جورابش ضایع شد یا بسوخت دلیل بود
بر مرگ خادم و بعضی از معبران گویند که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب بوی دهد دلیل بود که زکوة مال بدهد
و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل که زکواة مال ندهد و زبان مردم بروی دراز گردد کرمانی گوید اگر بیند که جوراب او از پوست
بود و نبیند که از کدام پوست است اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست گوسفند
بود دلیل بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسب بود دلیل بود که خادمش از اصل مهتر و سپاهیان بود و اگر بیند
که از پوست نخچیر بود خادم او از مردم بیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاه دارد
اگر بیند که جوراب سفید پاکیزه در پای داشت دلیل بود که زکواة مال داده بود حضرت صادق ع فرماید که جوراب پای مال مرد بود و
دار مال زکواة بود و اگر بیند که از جوراب او بوی خوش می آمد دلیل بود که در مرگ و زندگانی او را ثنا گویند و اگر بوی ناخوش کند
او را ملامت و نفرین کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل بود که زکواة ندهد و مال او ضایع گردد جوشن محمد بن سیرین
گوید که پوشیدن جوشن در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بیند که جوشن داشت دلیل است که او و اهل
بیت او ایمن شوند از دشمنان و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصار تن و از شر دشمنان که بر وی ظفر نیابند

و اگر

واگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصار تن او از شر دشمنان که بروی ظفر نیابند واگر بیند که با جوشن دیگر صلاح داشت
دلیل بود که از مکر منافق و شر عامه ایمن گردد و بعضی از معبران گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بود و هر که جوشن در خواب
پوشیده در حفظ خدای عزّ وجل بود حضرت صادق ع فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه بود اوّل بزرگی دوّیم پناه سیّم قوّة چهارم
پنجم زندگانی ششم زندگانی و زیادتی در دین و جوشن در خواب دیدن مونس مردم بود چوگان دیدن ابن سیرین گوید
اگر بیند که چوگان در دست داشت و گوی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد اما در دین و طاعت سست بود
کرمانی گوید اگر چوگان را در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست مردم عامه بینند
دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل زنان و معبران تشبیه کرده اند بدان و چوگان را بزبان چوگان
ابن سیرین گوید که جولاه در خواب مردی مسافر یا پیک بود که در عالم همی گردد اگر بیند که جولاهی جامه همی بافت با کسی او را جنگ
خصومت افتد زیرا که کرباس بافتن تا و پیل جنگ و جدل بود کرمانی گوید بافتن جامه در خواب در صرف بافتن چیزها بیان کردیم
اگر بیند که جامه را تمام ببافت دلیل کند که اندوه کین کم گردد گوهر بفارسی گوهر فروش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که گوهر و مروارید
میفروخت و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین نباشد دلیل بود
که خداوند غلامان گردد و بقدر و قیمت گوهر او را مال حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که گوهرها میفروخت
دلیل بود که او را علم و دین حاصل گردد جوی آب ابن سیرین گوید که جوی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه
دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بیند که از جوئی مجهول آب صافی میخورد و اینکس در سفر بود یا در جایگاهی بیگانه دلیل بود که در کاری
مجهول مشغول گردد و عمر خود را در از گذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش بود
دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوی در خواب دیدن اصل جوی وکیل بود که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی
روان و صافی بیند دلیل که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان گردد شود و اگر بیند
که آب جوی تیره بود دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و هر جای که آب جوی بیند دلیلش بر وکیل ناحیه بود و هر زیاده و نقصان
که در جوی بود بوکیل باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال و جهانی او نیکو گردد و قوله تعالی تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُنَ و اگر بیند که در
جوی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر در سفر بود
زود باز آید جابر گوید که جوی در تاویل مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی
محتشم مال یابد و جوی خورد زندگانی بود والله اعلم بالصواب حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر تمّت حرف الحاء حبه
ابن سیرین گوید که حبه در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود اگر بیند که حبه بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت
بروی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که حبه بیخت یا از وی ضایع شد دلیلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که حبه

برجامهٔ او رحمت دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر دبیر بود او را زیان ندارد و اگر بیند که بحبر چیزی مینوشت اگر آنچه نوشت از قرآن
یا از نام خدای تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند **حب خوردن** ابن سیرین
گوید حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورده و دیده که در خوردن او شفا و منفعت یافت دلیل بر خیر و منفعت کار او کند و اگر بیند که او را از خوردن
او را منفعت نبود تاویلش بخلاف این بود **حج گذاردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او روزی گرداند
و اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر وام دار بیند وامش گذارده شود و اگر سفری بیند بسلامت بمقام خود برسد
و اگر بخواب بیند که بحج رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و کارش بنظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که بحج رفت و در حرم لبیک میزد دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نمیکرد
دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانهٔ کعبه نماز میگذارد دلیل که از بزرگان
منفعت یابد و کارش نیکو شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی تزویج کردن دویم
کنیزک خریدن سوم زیارت پادشاه داد کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی نمودن در کار خیر ششم مزد و ثواب یافتن هفتم صحبت اهل
علم رسیدن **حجر الاسود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر اسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بیند
که حجر الاسود را بر کنده و داشت دلیل که بد مذهب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل
باز براه صلاح آید و اگر بیند که آب زمزم میخورد دلیل که چیزی که از وی گم شده باشد باز بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح و دین وی زیاده شود و با علما پیوندد **حجامت کردن** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجامت او حجامی بیگانه در جائی بیگانه کرد دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت
کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر دشمن ایمن شود و از غم فرج یابد اگر جوالی این خواب بیند همین تاویل دارد
و اگر پیری بیند بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیر را حجامت کرد دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت
کرد دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد و خون از وی نیامد دلیل که زن از وی ناکام جدا گردد و یا او را طلاق
دهد یا بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید که حجام پیر بخت بیننده خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر بیننده خواب خداوند علمست
دلیل که مستوفی شود یا وزیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود در قرض غرق شود جعفر صادق ع فرماید حجامت کردن در خواب بر هفت
وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت پیغامبر علیه
السلام هفتم آنکه اگر عامل بود از عمل معزول گردد و بعضی از معبران گویند اگر حجام جوان بود دلیل که محاسب خرج بود یا پیمایندهٔ چیزها
و کار مردم بدست وی گشاده گردد **حد زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حد زدن در خواب دلیل بر فراهم آمدن کار زنا
باشد اگر بیند که او را حد میزدند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او را کسی حد زد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کسی را از بهر گناهی حد زد و اگر بینندهٔ خواب مصلح بود بشغل دنیا مشغول شود و اگر بینندهٔ خواب مفسد بود دلیل که

و اندوه بود و حربه نیزهٔ کوتاه بود و اگر بخواب بیند که حربه داشت دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حربه سلاحی
تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حربهٔ خود بکسی داد
دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود بشکست دلیل که از دشمن نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حربه در خواب دیدن بر شش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت حرم جای امن بود
اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را حج روزی شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی
رفت دلیل که از همه شرها ایمن گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معبران گویند که او را حاجتی فتد با اهل آن حرم و اگر بیند که
پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و اگر
بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد حریر و خز و دیبا در حرف دال بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی وی را حساب
حساب با وی آسان میکرد امید هست که رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در زحمت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حساب قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم اندوه ششم
عمر کوتاه حصار اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد بخلاف
این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که نعمت و روزی بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی حال
او و فرو بستگی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند
که حصیر میبافت دلیل که بزنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که میبافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر
قیمتی یا پاکیزه بود دلیل که زنی محتشم با اصل بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میبافت و میفروخت دلیل که او را
غمی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دویم منفعت سوم خواستگاری که از آن
او را نعمت بود حقنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقنه در خواب درخشم شدن باشد و از جائی بجائی شدن چنانکه
از رنجی آن بیهوش شود و بعضی از معبران گویند حقنه در خواب کاری بود که بر بیننده دشوار گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت یابد حقه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک اگر بیند که حقهٔ نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که
حقه بشکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حقهٔ بزرگ منقش است دلیل که
زنی توانگر بخواهد و از و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخواهد حکمت ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بسوخت دلیل بر تباهی دین وی بود

حصار

حصیر

حقنه

حقه

حکمت

کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق مسجد بود
دلیل که بیننده خواب نماز نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند **حلاج** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بر دست وی گشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل که با
مردی چنین که گفتم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت دوم کشایش
حلیت انگوزه بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود **حلوا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حلوا در خواب مالی
بود که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلوا در خواب مال بسیار بود و دین خالص
و یک لقمه از حلوا بوسه بود که بفرزند دهد و یک لقمه لوزینه نیکو بود و حلوائیکه مغز بادام یا مغز جوز در وی باشد منفعت بود که بوی
رسد از مردی بخیل مغربی رحمة الله علیه گوید حلوا کردن در خواب دلیل که بقدر آن مال حلال و روزی حلال یابد و اگر بیند که در وی
زعفران بود بهتر بود و حلوا فروش در خواب مردی شیرین سخن بود **حمال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حمال در خواب
خداوند جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سنگ داشت و آن بار ملک او بود دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر و منفعت
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار گزند میرسید دلیل که گناهکار و عاصی شود و قوله تعالی لیحملوا
اوزارهم کاملة یوم القیمة مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حمالی از بهر دیگران میکرد بی اجرت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان
کند و اگر بیند که حمالی میکرد و مزد میگرفت تاویلش غم و اندوه بود **حنا** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای
حنا نهاده دلیل که خویشتن را بیاراید و لیکن در دین کراهیت بود و بعضی معبران گویند که حال خویشان از وی پوشیده نماند
و اگر این خواب کسی دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه **حنوط** بوی خوش باشد که بر مرده کنند
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکنده دلیل که تایب گردد و در پناه حقتعالی باشد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم
و اندوه فرج یابد و از ترس ایمن گردد کرمانی رح گوید که حنوط خوشبوئیدن ستایش مردم بود با خطر بجهة آنکه بعضی از معبران گویند
که نیکنامی بود و بر اهل وصیت بر اندازه حنوط **حوض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند که از
حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را با آب حوض بشست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان
باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد دلیل که عمر بسلامت گذراند و مالش زیاده شود کرمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در حوض
بشست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی بشست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار
کند و اگر بیند که بکناره حوض سبز نشسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض ملک او بود
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جائی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض تیره
و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل که مال یابد از مردی توانگر و عاقبت وی محمود

بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دویم مردی توانگر سوم مال جمع کردن چهارم
عالمی که مردم از علم وی نفع یابند **حوض کوثر** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که قیامت برخاسته است و خلق را بنزدیک حوض کوثر طلب
میکردند دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر بخواب بیند که از حوض کوثر یک جام آب خورد دلیل که مرگ
وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که پیرامن حوض کوثر میگشت و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه وسلم باشد
و اگر بیند که پیغامبر صلعم او را از حوض کوثر آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغامبر صلی الله علیه وسلم بهره یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که امام وی بر حوض کوثر نشسته بود و جامی بستد و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت دو جهانی یابد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر بخواب بیند
که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او جمله آب کوثر بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد
و از جمله بزرگان دین گردد **حیض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مرد را زلتها باشد و در معیشت و زنان را زیادتی مال اگر بیند
که حایض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معبران گویند اگر بخواب بیند که حایض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی بیند که حایض
شد دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنش حایض شد دلیل که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر بیند که صاحب
خواب مستور بود دلیل که در دین متحیر گردد و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد و غسل کرد دلیل که کارهای دنیاوی بر وی گشاده گردد والله
اعلم **حرف الخاء** **خاج** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خاج بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در دین وی خلل باشد و میلش بکافران
بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش نادرست بود و اگر بیند که خاج سپید بود دلیل که در ذات خداوند تعالی مشکوک
گردد و اگر بیند که خاج بدو دادند و او بشکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل که دین اسلام در دل وی محکم و استوار گردد و کافر از دشمن
گردد و اگر بیند که خاج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود **خار** در خواب وام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری
بوی زد دلیل که از کسی وامی بستاند و بقدر رنج خار از وی سخن تلخ شنود و اگر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل که او کسی را وام دهد
و سخن تلخ آنکس را گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار داشت و پایش را از آن خارها گزند میرسید دلیل که وامدار شود
و عاقبت وام بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خار در خواب بر سه وجه بود یکی وام دوم دشنام سوم دشواری کارها **خارپشت**
جابر مغربی رحمة الله علیه گوید خارپشت در خواب دشمنی زشت دیدار بود و اگر بیند که خارپشت را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خارپشت او را بگزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد
خاصه چون بیند که از آن زخم خون میرفت **خارش تن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که
طلب خویشان کند و از بهر ایشان غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید خارش اندام دلیل بر جستن حال خویشان و اهل بیت
و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خارش تن اگر خست بود او را از خویشان مضرت رسد **خاشاک**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

و او در میان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک او را باد ببرد یا بآتش بسوخت دلیل که پادشاه
مال وی را بستانند و اگر بیند که خاشاک در زیر دیگ یا زیر تنور میسوخت دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که خاشاک از صحرا می آورد و
بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر بیند که در شهری یا در کوچه یا در خانه خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن
خیر و منفعت رسد خاک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاک در خواب دیدن اندک و بسیار درم بود و اگر بیند که در خانه او خاک بود
دلیل که بقدر آن خاک درم یابد و لیکن برنج و بلا رسد و اگر بیند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر میداشت بجمله
دلیل بر مال بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاک از خانه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند که خاک از دست
می افشاند دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال تهی دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خاک در خواب بر پنج وجه بود
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل پادشاه پنجم فایده از قبل رئیس خاکستر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاکستر در خواب
مال باطل بود از قبل سلطان که بر کسی باقی نباشد و معبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید خاکستر در خواب بر نه وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم مکر و حیلت
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که در آن خیر نبود قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ
بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ خامه قلم باشد اگر بیند که قلمی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که علم حاصل کند و کارش راست شود
و مرادش برآید اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت اگر آن نبشته خیر بود دلیل بر نیکوئی کند و اگر شر بود دلیل بر فساد کند و اگر بیند که بدو
قلم می نبشت دلیل که غایبی که در سفر دارد زود باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در دست خود قلم نبشتن بیند اگر از اهل علم بود
دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت و میخواند دلیل بر مرگ وی بود قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر آنچه نبشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که قلم در دست وی
بشکست اگر عالم بود دلیل که حرمتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر بیند که بقلم شکسته می نبشت و اگر آنچه نبشت از شمار چهارپایان
بود یا از شمار پرندگان تاویل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه بود
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید خانه مرد را در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که خانه با ستونها از جای برداشت دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر بیند که
خانه نو شد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر بیند که خانه مفرد بگچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب
آن خانه از دنیا برود و اگر بیند که در خانه گریخته بود و در آن خانه غلق کرده بود و آن خانه بجایهای دیگر پیوسته دلیل که از رنج و سختی
رسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل که مال هزینه کند و اگر بیند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود دلیل
مال و نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود دلیل که مال و نعمت بر وی تنگ گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه
بیفتاد یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانه وی بی سببی خراب شد دلیل که مال و درمش حاصل شود و اگر بیند که خا

آهنین است دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که در خانهٔ او سیمین بود دلیل که او را توبه باید کرد قوله تعالی لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم
سقفا من فضة و اگر توانگر بود نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانهٔ وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباه گردد خرابی
ابن سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بزیر شد نیست اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد
و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمها فرج یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرائی یا در خانه خانهای بسیار پدید آمد دلیل که در
انجا غم و اندوه و مصیبت بود خایسک مطرقه بود دلیل دیدن خایسک در خواب بر قومی مهتری کند اگر بیند که خایسکی بسیار
داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مهتر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خایسک کسی را بزد مهتری را
مقهور کند و اگر بیند که خایسک او ضایع شد دلیل که از مهتری جدا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بیند
که خایسک بر سندان میزد دلیل که میانهٔ دو مهتر سخن چینی کند و دشمنی فکند خایهٔ مرغ دانیال علیه السلام گوید خایهٔ مرغ در خواب
کنیزک بود و اگر بخواب بیند که ماکیان پیش او خایه کرد مجهول بیند و نداند که خایهٔ چیست دلیل که زنی خواهد و روزگاری دراز با آن
زن بماند و اگر بیند که خایهٔ مرغ پخته میخورد دلیل که مال حرام خورد و رنج و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد دلیل که
کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد دلیل که زن بسیار بخواهد و بجماع حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشسته
چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند
دلیل که کار مردهٔ او زنده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه بشکست دلیل که دختری او را دوشیزگی
بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایهٔ بط فرزند درویش و بیچاره بود و خایهٔ
گنجشک دلیل برخوردن بود خایهٔ آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایهٔ او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت
شود و اگر بیند که هر دو خایهٔ او کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که خایهٔ او بریده است دلیل که دشمنان بر وی
ظفر یابند و اگر بیند که خایهٔ خود بکسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسبت وی از کسی دیگر باشد و اگر بیند
که خایهاش آماسیده بود یا باد برشده بود دلیل که مال بسیار یابد ولیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایهاش دراز شد
چنانکه بر زمین میکشید دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایهای کسی بکشید دلیل که هر دو با زنان یکدیگر فساد میکنند
و اگر بیند که پوست خایهٔ خود بکشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایهٔ وی سخت بگرفت دلیل که خبر مرگ
فرزند شنود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن ببرید دلیل که قولش بریده شود و اگر
بیند که خایهای وی بر ریسمان یا بچیزی دیگر بسته بود دلیل که کارها بر وی بسته گردد مغربی رح گوید خایهٔ مردم در خواب دلیل
بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که خایهٔ
وی بیرون کشیدند دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند
دوم مال سوم اهل بیت چهارم عز پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایهٔ مرغ آبی بر چهار وجه بود یکی

مرادیافتن دوم زن خواستن سوم کنیزک خریدن چهارم فرزندان آوردن

خبه کردن

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خبه کرد دلیل که غمگین شود و از عملی معزول گردد و اگر بیند که او کسی را خبه کرد دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از معبران گویند تنگ عیشی بود

ختنه کردن

ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که ختنه کرد دلیل که سنتی بجای آورد که او را پاک گرداند از گناهان و اگر بیند که بهنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توبه کند و اگر بیند که چون ختنه میکرد و نظر بر ختنه داشت دلیل که غم و اندوه وی را بسیار رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که او را ختنه کردند دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر ختنه کرده باشند دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ختنه کردن در خواب برپنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم رامش پنجم جدائی از زن و فرزند

خربزه

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبز و شیرین عافیت و منفعت بود و چون بوقت خود بیند و خربزه خورد نیکوتر از بزرگ بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خربزهٔ سبز در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل که باندوهی گرفتار گردد مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب برپنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که چون خوش و شیرین بود

خرچنگ

خرچنگ در خواب دلیل بر مرد دون همت بود و اگر بیند که خرچنگی بگرفت دلیل که با کسی دون همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بیند که خرچنگی را بکشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوئی دون همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرچنگی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشنودی باشد که از وی نیکی باشد

خر

دانیال علیه السلام گوید خر در خواب دیدن بخت و بزرگی بود و نیکی و بدی خر به بینندهٔ خواب بازگردد و اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خر را بگرفت و ببست دلیل که در خیر بروی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خر بسیار بیند دلیل که نعمت و مال او زیاده گردد و بهترین خرهائی که بخواب بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که مهتری و بزرگی یابد و اگر بیند که بر خر سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر ماده آبستن نشست دلیل که خیر [illegible] و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که از نشست و خر بمرد دلیل که او بر وی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش بیفتاد دلیل که درویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از خری که ملک او نبود بیفتاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرود آمد و دیگری بر خر نشست دلیل که مال خود را نفقه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرود آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند زود مهیا گردد کرمانی رح گوید اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد دلیل که راحتی یابد بسبب سختی که بار

بگوید و اگر بیند که خر وی یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بدشواری طلب معیشت کند و اگر بیند که خری داشت و آن خر
هر دو چشم نداشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بیند که دست و پای خر وی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را ضیاع بسیار شود
و اگر بیند که خر وی بمرد و او بر خری دیگر نشست یا خری که داشت بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل که معیشت وی از حالی
بحالی گردد و اگر بیند که خر وی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود و لیکن بظلم و اگر بیند که خری گوسفند شد دلیل که مال
حلال یابد و اگر بیند که خر وی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب بود و اگر بیند که خر وی دزد برد
دلیل که زن وی بفساد و شهوت یابد و کار او با زن بفراق انجامد و اگر بیند که خر وی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بروی
آسان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و کسب دنیا بروی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بیند که بر خر خرواری بار نهاد
و او بالای بار نشسته بود دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که با خری مجامعت [کرد] دلیل که مرادهای خود بیابد و اگر بیند که خر را بر پشت
بگرفت و از آبی بگذرانید دلیل بر قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بیند که خری بانگ کرد دلیل که نیکو نباشد قوله تعالی
إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ مغربی رح گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بد خو
باشد و اگر بیند که خری داشت و با خر دیگر بدل میکرد و از خر وی بدتر بود دلیل که حالش بتر گردد و اگر خر وی بهتر بود حالش نیکوتر شود
و مالش زیاده شود و اگر بیند که خر خود با اسبی بدل کرد دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بیند که با آدمی بدل کرد
دلیل که از پادشاه ستمگر چیزی بوی رسد و اگر بیند که خر خود با مرغی بدل کرد دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق
گوید که دیدن خر در خواب بر ده وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن پاکیزه
هفتم شادی هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کننده کارها
و مهیا دارنده معیشت خر گور ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خر گوری بوی رسید دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بیند که خر گور نشسته
بود و آن خر گور مطیع او بود دلیل که عاصی و گنهگار بود و اگر بیند که خر گور با وی جنگ و نبرد میکرد دلیل بر سختی کار و رنجی بود که بوی
رسد و اگر بیند که خر گور بشکار بگرفت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دو خر گور با هم جنگ میکردند دلیل که دو مرد فاسق از بهر
با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که خر گوری بخانه آورد دلیل که فاسقی را بخانه آورد و کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن خر گور در خواب مردی
مردی جاهل احمق بود و را علم و خرد نباشد قوله تعالی أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ اگر بیند که گوشت خر گور میخورد دلیل که
مال بسیار یابد و اگر بیند که بر خر گوری نشسته بود و بیفتاد دلیل که کاری طلب کند و نیابد و اگر بیند بر خر گوری نابینا نشسته بود دلیل که
مالی بی اندازه یابد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن پوست و گوشت خر گور در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه اگر بیند که مغز خر گور
یافت دلیل که هزار درم یابد یا او را با بهتری صحبت افتد و از خیر و منفعت بیند و اگر بیند که سر خر گور می خورد دلیل که عبادت بسیار میکند
و راه دین ورزد و اگر بیند که خر گور از وی میگریخت دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید خردل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن خردل
دلیل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بیند که خردل خورد دلیل که نقصان مال بود یا برنج و بیماری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن

خرول در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود **خرس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن دزد و احمق بود و اگر بیند که بر خرس نشسته بود دلیل که از پادشاه خواری یابد و اگر بیند که خرس را بجنگ دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل که بهمی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که خرس نر در خواب مردی بدبخت و دیوانه باشد و خرس ماده زنی بهمین شکل و خصلت بود و اگر بیند که خرس ماده بگرفت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد و اگر بیند که خرس بخانه در آمد اگر نر بود مردی بدین صفت در خانه او درآید و دیدن خرس در همه حال نیکو نباشد **خرگاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرگاه بخواب دیدن نیکو بود و اگر بیند که بخرگاه نشسته بود دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بیند که خرگاه ملک او بود دلیل که زنی خواهد و اگر خرگاه سبز یا سفید بود دلیل بر خیر و نیکوئی بود و اگر خرگاه معروف بود و سبز بود و در آن نشسته بود دلیل که دیندار گردد و اگر خرگاه مجهول بود دلیل که شهید گردد و خرگاه سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بلهو و طرب مشغول گردد و اگر بیند که خرگاه کبود بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه از آن او بود تاویل بدو بازگردد **خرگوش** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدبخت بدکاره یا کنیزکی نابکار بخرد و اگر بیند که پوستین خرگوش پوشید یا گوشت او خورد دلیل که چیزی از زنی بوی رسد و اگر بیند که بچه خرگوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که در آن خیر نبود و بعضی گویند که رنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود مغربی رح گوید خرگوش [illegible] پارسا و خاموش بود و اگر بیند که خرگوش او بمرد یا بکشت دلیل که سبب هلاک زن او بود [illegible] او را خبه کرد دلیل که [illegible] سبب عیال او را زحمتی برسد و اگر بیند که گردن خرگوش از روی قفا بپیچید چنانکه [illegible] یا به روی [illegible] سبب [illegible] برود و اگر بیند [illegible] خود را از راهی دیگر مجامعت کند **خرما** ابن سیرین رح گوید که خرما در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که خرما خورد اگر از اهل علم است دلیل که علمش زیاده گردد و اگر از بازرگان باشد دلیل که مالش زیاده شود و اگر بیند که خرما خورد و دانه بیرون انداخت دلیل که احکام شریعت بجای آورد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که خرما خورد دلیل که میراث یابد و اگر بیند که خرما نارسیده خورد دلیل که میراث فرزند خود خورد و اگر بیند که در خانه او درخت خرما بود و بار بسیار داشت دلیل که با بزرگی پیوستگی کند و از وی منفعت یابد و اگر بیند که آن درخت خرما از بن خشک شد دلیل که میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که در سرای او خرما خشک بود و سبز اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که بن خرما ببرید دلیل که کسی از اهل او بیمار گردد و رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرما تازه داشت دلیل که مال بسختی حاصل کند و معبران گویند که خرما در خواب منفعت باشد که از مهتری بوی رسد و اگر بیند که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند و اگر بیند که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که حلاوت ایمان یابد و کارش بنظام گردد و اگر بیند که بن خرما میبرید دلیل که کاری که در دست دارد از دستش بریده شود مغربی رح گوید اگر بیند که خرما داشت دلیل که زنی توانگر خواهد و بقولی دیگر مال یابد و اگر بیند که از خرما انگور بسیار بود و فرا گرفت دلیل که از کنیزکی سیاه فرزندی آرد و اگر بیند که از خرمای خشک خرمای تازه فرا گرفت دلیل که سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن مفید شنود و اگر صاحب خواب غمگین بود از غم فرج یابد قوله تعالی بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب مال حلال از قبل ...

کریم بود و خرماء خشک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند و نیکی بود حکایت
شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت فردا ترا همانجا چهل چوب بزنند و همچنان بود
و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی
گفت پارسال تعبیر این خواب بگونه دیگر بود و امسال چونست که بخلاف آنست گفت پارسال خرما بر درخت نبود و تاویل آن چوب بود
و امسال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یکهفته آن شخص هزار درم یافت خرمن کرفتن
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و تعب مال حاصل کند و آن مال بگذاف هزینه کند و اگر بیند که گشت
و درو در خرمن درآرد دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد
و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و تعب حاصل کند خرنوب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرنوب در خواب
مردی باشد که مال بسختی و رنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرنوب خورد دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بیند
که خرنوب از درخت جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که خرنوب با آتش بسوخت دلیل که پادشاه
مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست دلیل که مرد عجمی که
بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس جنگ میکرد دلیل که با مرد عجمی
خصومت کند و اگر بیند که از خروس او را گزندی رسید دلیل که از آن عجمی او را مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه یافت دلیل که غلامی
کوچک یا پسری از کنیزک او را حاصل آید و اگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل که نیکی و خیرات گزیند و اگر بیند که خروس سر بریده بود
دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروس بچه بوی داد دلیل که غلامی بوی بخشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروسی داشت دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود اَلدِّيكُ يُحِبُّ وَهُوَ يَدْعُو اِلَى الصَّلٰوة یعنی خروس دوست منست که مردم را بنماز میخواند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخواب بیند
که تخم خروسی یافت و بشکست دلیل که بر مهتری و یا خوردی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرید
و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دینار کنند و اگر کالای بکالائی معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خز
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خز در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردان را پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر
برنگ صورت بود و اگر سیاه بود غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خز در خواب
کسی را که سزای خز بود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم قیمت
ریاست و بزرگی کرمانی رح گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم در خواب دیدن جایز
و نا روا نیک باشد و در خز و پشم کسی باشد که دنیا را بدنیا اختیار کند خسته کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن او را

خستگی

کسی بجنبت و از وی خون بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سخنی رسد گویند چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بیند که از آن جراحت
خون نیامد دلیل که او را سخنی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ برو دو نیم کرد او را دلیل که پیش وی سخنی گویند
و برو طعنه زنند و اگر کسی در خواب خستگی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید خستگی بسیار
بر تن نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خستگی در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن
ناخوش **خشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم نهاده اند اگر بیند که خشت
بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیوار بریخت دلیل که مال خداوند
دیوار ببرد و اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پراکند دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت

خشت پخته

پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشم از بهر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و به دنیا مغرور شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که پدر او مادر بروی خشم گرفتند دلیل که از جای بلند افتد قوله تعالی وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ
هَوَىٰ **خصومت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و برو غالب شد دلیل که سرانجام
کار غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که دشمن برو غالب شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که رنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود مغربی گوید [illegible]
او بر دو ملک [illegible]
بیند که با والی آمد یا خصومت کرد و برو غالب شد دلیل که از والی بد و خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از والی
رنج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که حاجتش روا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم [illegible]
خصومت کرد دلیل که مردم از وی اندوهگین گردند زیرا که آزار مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود
را خصی کرد دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی معبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی راغب باشد و
توانگر شود و اگر کسی مجهول خصی بیند دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را براه خیر و صلاح خواند
یا بخیرات مژده دهد زیرا که فرشتگان را شهوت نیست و اگر بیند که در سخنش علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس که دید خصی بود
و معروف بود آنچه از نیک و بد دید تاویلش بروی باز گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه وی بریده شد و یا بشکافت
دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معبران گویند بریدن خایه در خواب بریدن دختران بود یعنی پس از آن او را دختری نشود زیرا
که خایگان دختر بود و اگر بیند که خایه خود ببرید و بکسی داد دلیل که دختران بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بی
سببی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیبش از تن بریده شد همین تاویل دارد و نامش از میان مردم
گم شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت
خضاب کردن دانیال علیه السلام گوید خضاب کردن بر ریش پوشیدن کارها باشد اگر بیند که سر را یا ریش خضاب
کرد و رنگ نگرفت دلیل که ظاهر مردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میکرد که مردم آنرا میکردند دلیل که خود را بچیزهای محال کارهای ناپسند [illegible]
دهد و اگر بیند که دست و پای بحنا خضاب کرد دلیل که مال از دست ضد او بازآید و اگر بیند که هر دو دست را بحنا خضاب کرد
دلیل که فرزندان خود را بیازارد یا بآرایشی که خلاف شرع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نگار کرد و بحنا خضاب
کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب عمل خویش و اگر بیند که نگاری بهم شده بود دلیل که او را عزیزی بمیرد و یا خود هلاک شود
و اگر این خوابها زنی بیند شادی و خرمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پای خود بحنا خضاب کرد
دلیل کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سر انگشتانرا خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف
شدن بدروغ خطبه خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند و از اهل خطابت بود دلیل که
عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بسفر رود و درنگ بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود درویش گردد
و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میخواند اگر پادشاه مصلح
بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم را پند میداد دلیل که شوهر او
رسوا شود و فضیحت شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه تزویج میخواند دلیل که با همه کس خیر و احسان کند خیر و صلاح
و منفعت یابد خطمی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن
آن مضرت و نقصان بود و سر شستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود خفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن در خواب مرده
را و کسی را که پوشیده بود راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد و از راه دین و پرهیزگاری [illegible]
زیرا که خفتن غفلت بود در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید خواب ترسنده را ایمنی بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را خلاصی بود و مغربی رح گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود و مردم او را [illegible]
دلیل که در میان مردم شهرت یابد قوله تعالی وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ خلال کردن ابن سیرین رح گوید خلال کردن در خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها [illegible]
اهل بیت بود و خلال مانند جاروب که مال اهل بیت میبرد و اگر بیند که خلال میکرد دلیل که بقدر آنکه از دندان بیرون می آید
نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخلال از بن دندان بیرون آورد و بکسی داد دلیل که از مال
اهل بیت خویش بناحق بستاند و بکسی دهد خلعت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل
عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیزک و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی رح
گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد دلیل که از آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد دلیل
که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو داد و سفید بود دیبا
دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دیبا یا جامهٔ ابریشمین بود دلیل که عز و جاه دنیا یابد خرقه جامهٔ کهنه و پوشیدن آن غم و اندوه

بود و اگر بیند که جامهٔ خلقان از تن خود بیرون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نو بخواب دیدن نیکو باشد مگر موزهٔ کهنه
که از نو بهتر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جامهٔ نو خود بفروشد نیکو باشد و خرقه فروشی
در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند خلم مخاط باشد که از بینی بیرون می آید اگر بیند که از بینی وی خلم می آید دلیل که وامش گزارده
شود و از غم و اندوه رسته گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود و اگر بیند که خلم بر جامهٔ وی افتاد دلیل که
ورا پسری آید و اگر بیند که خلم از بینی وی بر زمین افتاد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنش آبستن
گردد و فرزند از شکم بیندازد و اگر بیند که زنش خلم بروی انداخت دلیل که بر زن همسایه فساد کند و اگر بیند که خلم خورد دلیل که مال از فرزندان
خورد بوجهی نیک خلیفه ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی گشاده بیند دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بیند که خلیفه
او را کاری فرمود از کارهای خاص دلیل که عز و بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه او را ولایتی داد اگر از مسلمان بود دلیل که
شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل که از مقربان وی شود و اگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد دلیل که
منزلت یابد و میان بزرگان نامدار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از هر کاری که بشرع تعلق دارد
دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در بسترگاه خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزکی یا مال دهد و اگر بیند که بر
اسپ خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم در شغلهای وی
باشد و اگر بیند که خلیفه با وی ترشروی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است و او
از اهل آن نباشد دلیل که او را بکاری فرستد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عز و دولت یابد و اگر خلیفه را
غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود خم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خم در خواب زنی بود که از قبل او فایده بخانه برسد بقدر بزرگی
خم کرمانی رحمة الله علیه گوید خم سنگی یافتن در خواب گنج بود و خم آب زن بود اما زن توانگر باشد و اگر بیند که در خانهٔ خود خم پر آب بود
و از آن آب میخورد دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خم سرکه بخواب مردی پرهیزکار بود و خم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی
مال حلال بود و خم آبکامه دلیل بر مردی بیمار بود و خم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و خم در خواب دیدن دلیل سلطان
کند و ریاست اصحاب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد بنا و اصل درستی دین باشد و سرشتن آرد
گندم مالی بود که از تجارت حاصل شده باشد و آنکه خمیر برخاسته بود و اگر خمیر برنخاسته بود دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد گاورس در خواب نفع
اندک که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خمیر فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد و اگر خمیر جوین بود دوستی دین و صلاح
بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر گاورس بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال خنبره در خنبره سه دولت
بعضی گویند خادمه بود و بعضی گویند پیغامبر شهر را هر دو آورد و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خنبره آبگینه در خانهٔ او است دلیل که

زن را طلاق دهد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خنجره داشت با کسی لوبی داد دلیل که زنی خادمه یا کنیزکی بقدر خنجره او را

حاصل شود یا او را با زنی خادمه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خنجره او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود خنجر ابن سیرین

رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر او بشکست یا ضایع شد

دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت

باشد در آن کار که خواهد [illegible] دلیل که بر دشمن ظفر یابد و کارش بنظام گردد خنده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

خنده در خواب غم بود [illegible] زیاده گردد قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا

کثیرا و اگر بیند که [illegible] خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت

باشد قوله تعالی [illegible] در خواب دلیل بر فرزند بود قوله تعالی

فَضَحِكَتْ [illegible] قوله تعالی أَفَمِنْ

هَذَا الْحَدِيثِ [illegible] بود و از آن [illegible] دلیل

که بقدر آن غنیمت [illegible] باشد [illegible]

خوردن طعام دلیل [illegible] قوله تعالی رَبَّنَا أَنْزِلْ

عَلَيْنَا مَائِدَةً [illegible] در خواب [illegible]

[illegible]

و چه بود دلیل غنیمت [illegible] دلیل که [illegible]

بیند که خود [illegible] بیماری

از مهتری عزت [illegible]

که عمرش نقصان [illegible] در خواب [illegible]

[illegible] پنجم خورد [illegible] ستگاری [illegible]

بود و اگر بوی [illegible] بود و اگر خون و ریم [illegible]

بر درویشی و بیچارگی [illegible] دماوی [illegible] سخن زشت باشد [illegible]

بود و خوردنی فروش در خواب [illegible] و ثنا باشد و بعضی معبران گویند

فرزند بود و برکت [illegible] مال و چون [illegible] در خواب منع زکوة بود و مشغولی با [illegible]

بهتر بود خاصه چون بوقت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید [illegible] الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که داس در دست داشت

خوشها زرد و خشک [illegible] دلیل که قحط و تنگی بیند جعفر صادق [illegible] داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال و بود مغربی رحمة

تعالی سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ الخ و خوشه خشک قحط و مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان داس [illegible]

[illegible]

دیده بود دلیل که مال و نعمت حاصل کند دام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دام در خواب مکر و حیلت بود و اگر بیند که پای
او بدام گرفتار شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جانوری را بدام گرفت آنکس که بدان
جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست آورد دانها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دانها در خواب اگر پخته یا خام بیند
دلیل غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دانها بر زمین ریخته بود دلیل که نرخش ارزان گردد و هر
چیز از دانها که دیده بود در خانه خود برد یا در جوال کرد دلیل که آن چیز گران گردد و اگر بیند که مردگان دانها بمردم میدادند دلیل
که آن دانها ارزان شوند دباغی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دباغی کردن در خواب گذاردن شغل و فرمان
بود و اگر بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل که پیشه دباغی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید دباغی تاویل والی بود و پوست در خواب
میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دباغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد دبه ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید دبه روغن در خواب مردی امین بود و اگر بیند که دبه روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی امین او را
صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد بقدر آن دبه روغن و اگر دبه چرکین و کهنه بود دلیل که بیننده را مضرت رسد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه بود یکی مرد امین دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین پنجم سخن
صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان دبیری ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد
دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد اگر بیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردم بدست آرد و اگر بیند نابود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت
بسیار یابد و اگر بیند در خواب عملدار بود دلیل که معزول شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می نبشت
دلیل که خیر و منفعت آن جهانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت
و مدار او نیک بود دلیل که قباله ای بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود دبیر زن
بخواب دیدن جای اندوه بود ولیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود دجال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
دجال را در جائی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زنان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد
دختر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دختر بخواب دیدن فرح و شادی بود و اگر بخواب بیند که او را دختری آمد یا کسی دختر
بوی داد و یا بخشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او را مال و خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بمرد تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختری چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر در بر گرفته بود دلیل
دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دختر خود بکسی داد دلیل که از وی خرمی بر آنکس رسد دخنه اگر بیند که در زیر خود دود
عود میکرد یا از بوهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بیاموزد و از آن منفعت یابد و با مردم عیش خوش گذراند

وا

واگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وخنه در خواب بر سه وجه بود یکی کسب و معیشت دوم
منفعت سوم بنامی نیک دکان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دکان داشت جمله خر شدند یا یکی خر شد
ویکی گاو ویکی گوسپند دلیل که روزی بروی فراخ شود ولیکن ورا زیان دارد واگر بیند که چهارپایان وی در دکان شدند
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه
ظالم سوم زنان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت دکان میخورد دلیل که مال مردم بحیلت بستاند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بصورت ددی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد واگر بیند که دکان با وی سخن گفت
دلیل که پادشاهی یابد واگر بیند که دکانرا بشکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد دراج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دراج در
خواب زنی خوب روی بود بدمهر که با شوهر سازگاری نکند اگر بیند که دراجی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین
صفت خواهد واگر بیند که گوشت دراج بخورد دلیل که بمقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراج
بسیار داشت و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن زنان و کنیزکان او را حاصل آید اگر بیند که دراج از دست وی
بپرید دلیل که زنرا طلاق دهد دراعه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دراعه نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیده
بود دلیل که بقدر آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود واگر بیند که دراعهٔ چرکین و تنگ پوشیده بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراعهٔ سپید پوشیده بود دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد واگر دراعه سرخ بود
دلیل که مصیبت بود واگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعهٔ سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد واگر بیند
که دراعه از تن وی بیرون کردند دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت
وجه بود یکی فرح دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کارها هفتم زن در بخواب دیدن
زن بود واگر بیند که درهای بسته از جای معروف یا مجهول در برابرش گشادند و آن درها که گشاده شد بر جانب راه بود
دلیل که مالی که دارد خرج کند واگر بیند که در سرائی در برابرش گشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیابد و بر عیال نفقه کند
واگر بیند که در سرای او بشکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کنده
بردند و کس ندانست که کجا بردند دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او انباشتند دلیل بر
مصیبت اهل سرای بود واگر بیند که دری کوچک بود دلیل که آفت بعیال او رسد واگر بیند که در سرایش چنان فراخ
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بعقوبت و مصیبت با خصومت اگر بیند که حلقه
در سرای او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل که دعای او مستجاب گردد و باشد که گنجی بیابد واگر بیند که چون حلقه بجنبانید
ندادند و در آنسرای را بگشادند دلیل که خدایتعالی البته دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در نیز محکم ببست و قفلی بر وی نهاد دلیل که زنش بمیرد یا زنرا طلاق دهد واگر بیند که درودگری را فرمود تا در نو بر

دکان
دراج
دراعه
در

خانه او شما ونده دلیل که کنیزکی و دوشیزه بخرد و اگر بیند که در خانه دیرا غلق ننهد دلیل که زنی بیوه بخواهد معبری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
دوان بر در خانه وی مهچیده و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بیند که در آسمان گشاده شد دلیل که بر مردم
آن دیار در خیرات بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرای دوم زن سوم خادم
دروازه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که دروازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب
دیدن مردی بزرگ بود دربانی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد زود روا شود
و از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که دربانی میکرد و در نبود دلیل که حاجت بر وی بسبب کسی بود روا شود اما او جاه نیابد معبری
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد در بر گرفتن شرح بر گرفتن در حرف الف گفته ایم
درختان دانیال علیه السلام گوید درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بیند که پیش
مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی
که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخداوند
باغ اگر بیند که درختی از بن بکند دلیل که مردی را از جاه و نعمت افکند درخت خرما اگر درخت خرما بخواب بیند دلیل بر مردی شریف
و عالم بود و اگر بیند که درخت خرما در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرما چون بباغ بیند دلیل که تاویل بخداوند خواب باز
گردد درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کنیزک درخت آلو مردی طبیب بود
که از وی نفع بهر کس رسد درخت بادام زنی خوبروی صاحب جمال بود درخت انار مردی توانگر بود با منفعت درخت
بلیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند درخت بید دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود درخت ترنج دلیل بر مردی مخالف و خود
رای کند درخت زیتون دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد درخت حنظل دلیل بر مردی درویش بددین کند درخت زردآلو
دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند درخت سنجد دلیل بر مردی سبک روح
و محتشم باشد درخت سیب دلیل بر مردی بسیار گون باشد درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود هلاک
شود درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشرم باشد درخت عود دلیل بر مردی نیکروی و خوش زبان باشد
درخت عشق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود درخت گل دلیل بر مردی شادکام باشد درخت فندق دلیل بر مردی بی خیر
سخت دل بود که لهو دوست دارد درخت بلوط دلیل بر مردی بی خیر منافق بود درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد
بود درخت جوز هندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای درخت بود دلیل که با مردی
بزرگ پیوندد و از و منفعت و بزرگی یابد درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود درخت مورد دلیل
بر مردی گران طبع و ناسازوار بود درخت بی دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر قیاس
میوه او بود اگر بیند که از درختی میوه دار میوه میخورد دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و معبران گویند دیدن در

خانهٔ خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانهٔ پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربزه تاویلش بر مردمان دون بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زرگیاهی درخت قوی بیند دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بیند که درخت برگها بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارها اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوهٔ درخت دلیل بر خداوندش که پرهیزکار و دین دار بود و اگر بیند که درخت ببرید و بیفتاد دلیل بر مرگ خداوندش بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند درختی بوی خوش دارد و میوهٔ خوش طعم دلیل بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر بیند که در سرای او یا در سرای دیگران کوتاه درخت بود دلیل بر مصیبت بود که در آن سرای افتد و اگر بیند که در سرای خود تخمی میکشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خود درختی می نشاند دلیل که واقع آورد و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشد دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل که بقدر آن درم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میکرد دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان میوه دار بسیار بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرید دلیل که بیمار گردد یا از آن وی کسی بمیرد و اگر بیند که در وقت خزان در باغ مجهول بود و میدید که برگ از درختان می افتاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند دلیل که بیمار شود یا از آن موضع گذر کند کسی بمیرد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بد دین باشد و هر درختی که نیکوتر بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هرچه در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایهٔ درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل که در سایهٔ مردی رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر ده وجه بود یکی پادشاه دوم زن سوم بازرگان چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شبهت

درد اندامها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اندامهای وی درد میکرد دلیل که مال از دست وی برود و اگر بیند که سرش درد میکرد دلیل که گناه بسیار کرده بود توبه کند و صدقه دهد قوله تعالی فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ و اگر بیند که پیشانی وی درد میکرد دلیل بر فساد دین و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را درد کرد دلیل که او را کسی راه نماید بحق و اگر بیند که گوش درد میکرد دلیل که از هر کس سخنهای زشت شنود و اگر بیند که بینی وی درد میکرد یا در زبان وی نقصان بود دلیل که سخنی گوید که بوبال باز گردد و اگر این خواب بازرگانی بیند دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خود بریده بیند دلیل که بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کامش درد میکرد و آماس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دندانش درد میکرد دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او درد میکرد دلیل که امانت

درگردن وی باشد و نگهدارد و اگر بیند که شکمش درد میکرد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که پشت او درد میکرد دلیل که از مهتر خود آزرده گردد
و اگر بیند که پهلوی او درد میکرد دلیل که بسبب خویشان دردمند و رنجور شود و اگر بیند که جگر او درد میکرد دلیل که بر فرزندش مشفق بود و اگر
بر دو دست بیند دلیل که برادر و همسایه را جفا کند و اگر بیند که درد انگشت داشت دلیل که کینه دار بود و اگر درد ناف بیند دلیل که عیال از وی رنجانند
و اگر بیند که عورت او درد میکرد دلیل که بفساد در آید و اگر بیند که مقعد او درد میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرین او درد میکرد دلیل که
بر خویشان و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر زیردستان شفقت نکند و اگر بیند که تن وی را داغ میکردند دلیل که
مال یابد درم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردی باشد که درم را بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن آن
است در بیداری و بعضی معبران گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن خوش شنود یا توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم سفید
بود دلیل که خوبتر و اگر درم سیاه باشد و بدان نقش و صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم کوچک
یافت دلیل بر فرزند کوچک بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم ضایع شد یا کسی از وی بدزدید دلیل که از فرزندی خورد یا بر دل
او آید و اگر بیند که درم کوچک گم کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود کرمانی
رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که در خانه
با عیال خود درمها در دست قسمت کرد دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه بسیار داشت بقدر آن مال یابد
و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد قوله تعالی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ اگر
یک درم سپید در کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بدرهای درم و دینار
یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یابد و بسیار مردم در خواب درم
بینند و در بیداری همان یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر
بیند که پادشاه او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یازده وجه بود یکی
درست دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم
کنیزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب مستور بود و اگر مستور نبود دلیل که زحمت فرزندان و غم و اندوه بود و اما درم
شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت سوم بند و زندان چهارم گفتگوی درشت درمنه ابن سیرین رح گوید درمنه
در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود دروغ گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن
در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوهش و بدی او گویند و حرمت و آبروی او برود درودگری کردن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری در خواب نیکوخواه مردم بود ولیکن صحبت با مردم منافق و بدمذهب باشد و بمراد ایشان
رود زیرا که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ جعفر صادق علیه السلام گوید درود

درخواب

در خواب معلم کودکان باشد که مرد جاهل و نادان را دانش و فرهنگ آموزد و مدبر و مصلح کارهای مردم باشد و راه نفاق و فساد از ایشان
زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید درود گر معلم کودکان باشد و درویشی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درویشی در خواب بهتر از
توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر بیند که درویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر بیند که توانگر شده بود تاویلش
بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با درویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم و رنج رسته گردد و اگر بیند که بر درها گشت
و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد دریا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دریا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر
بیند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و داد گر بود و اگر بیند که آب دریا خوش و تلخ بود
دلیل که پادشاه مفسد و ظالم بود و اگر بیند که آب دریا بجزر دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یابد یا از عالمی بهره مند گردد و اگر بیند
که آب دریا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر بیند که در دریا فرو شد چنانکه تن او
بگل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند که تن خود را از گل بشست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد
و اگر بیند که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر بیند که از دریا بشنا بیرون آمد دلیل که از زندان خلاصی یابد
و اگر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بیند که از دور دریا دید و نزدیک نرفت دلیل که بدانچه امید
دارد برسد و اگر بیند که فراز دریا میرفت و پای او تر نمی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد و کارهای دنیاوی بروی آسان شود
گردد و اگر بیند که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و مطیع و فاضل گردد و اگر بیند که در میان
دریا رفت دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بیند که از دریا بیرون آمد دلیل که بی غم شود و اگر بیند که از دریا آب خورد و سیر شد
بود و بیننده خواب عالم بود دلیل که بهرهٔ تمام یابد و اگر بینندهٔ خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالی قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا
لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي و اگر بینندهٔ خواب از مردان پادشاه بود دلیل که از حشم
پادشاه گردد و اگر بیند که با آب دریا خود را بشست دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر بیند که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که
گناهی کند قوله تعالی وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ و اگر بیند که آب دریا بخورد و گنده و ناخوش بود دلیل
که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود قوله تعالی يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت گذارد و اگر بیند که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر
بیند که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بیند که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند
و اگر بیند که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جای دلیل که پادشاه آن دیار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بیند
که از جهان موج برخواست و جهان از ابر تاریک شد دلیل بر گناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالی مِنْ فَوْقِهِ
مَوْجٌ وَمِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ اگر بیند که از دریا شکار میگرفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش بر عیال او فراخ گردد
قوله تعالی أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ اگر بیند که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از وی شکار میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ
حَاضِرَةَ الْبَحْرِ و اگر بیند که از دریا مرجان و یاقوت برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و از اهل علم باشد و علمش
زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم
کارهای بزرگ دژ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دژ بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که دژ خود را
خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دژ در خواب اگر بگچ و آجر میکرد دلیل که صاحب دوزخ
بود و اگر بیند که از گل و خشت میکرد دلیل که از عامل اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که بزبان
از دژ بیرون آمد و یا از درون نشد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی دلیل بر
صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود دزدی کردن اگر بیند که مال کسی دزدید
و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که بدزدد و اما نه دزدید دلیل که بکسی مکروهی رساند و بعضی گویند که بیمار
شود اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدیدند دلیل که رنجی و آفتی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که او در دست دزد اسیر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دزدان بر وی راه زدند دلیل که غم
و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالای کسان برد دلیل که عیش بر خداوند خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود و معبران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل دامادی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند خواب
غایبی دارد بسلامت باز آید دانیال علیه السلام گوید دزد در خواب دیدن خیانت و حیلت بود دستارچه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دستارچه از کتان بر دست داشت دلیل که او را از مردی پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستارچه
از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستارچه در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت
دوم کنیزک سوم عطاء اندک دستار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که دستار سفید
یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود دستار قز
و ابریشم دلیل نکوئی حال این جهان بود و اگر بیند که با دستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و منزلتش بیشتر گردد و اگر بیند که دستار
از وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بیحرمتی او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دزدیده بیند دلیل بر نقصان
قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری پیچیده خوب داشت دلیل با صحاب دین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که دستار طراز داشت
دلیل که میان سفر در مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه‌اش جمله سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود مغربی رحمة الله
علیه گوید هرچند که دستار بزرگتر باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خورد و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر
دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی ستم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر کبود بیند دلیل که او در مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که زنان

دست

و مضرت بیند مگر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار را پیشین بیند دلیل که منصف و داوگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار در ازپیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حمامی در حرف میم بیان کنیم ان شاء الله تعالی

دست آس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بیند که دست آس داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دست هلاک یا در محنت افتد و اگر بیند که سنگ آس دست بدزدیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که با آس دست حنا و غیره خورد میکرد دلیل بر خصومت بود

دست

دانیال علیه السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که کار برادرش یا ایثارش نیکو گردد و اگر بیند که هر دو دستش باز کوتاه شد دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بیند که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا شوند و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان گروهی بود و دست میزدند دلیل که در انجا عروسی کنند و اگر بیند که بتنها دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که قاضی یا سلطان دست راست او ببریدند بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش بمیرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب و مراد خود باز ماند و اگر بیند که بیک دست از دست دیگر پوست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیداد کند و اگر بیند که دست خود را بکار دمی برید دلیل که با کسی خصومت کند یا دل وی بکسی مشغول بود قوله تعالی فقطعن ایدیهن و اگر بیند که کف دستها بر یکدیگر میشوید دلیل که خویشی بنکاح آرد و اگر بیند که یکی دستش ببریدند و او را بردار کردند دلیل که امیران آن موضع معزول گردند و اگر بیند که مانند چهارپایان بچهار دست و پای میرفت و باژگونه روی باسمان داشت دلیل که آرزوی محال طلبد و بدشواری بر آید و اگر بیند که دست وی مادرزاد و خشک بود دلیل که از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که بهتر تعلیم علم بود و اگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بیند که چون دستش بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از معصیت باز دارد و معبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند که دست راست از بهر گناهی بریده اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خویش چون چنبر در گردن کرده بود دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت و حج و غزا کردن و کردار نیک بجای آورد و اگر بیند که دست راست او ببریدند دلیل که سوگند بدروغ خورد و اگر بیند که دست از تن وی تحویل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بیدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بیند که یک دست وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیابد و اگر بیند که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد نماند و معبران گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای سخن گفت یا دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بیند که از بهر دو دست خود و مردان

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل که
بزرگی و پادشاهی یابد و اگر بیند که دست راست او زرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بیند که دست خود با شنان
و صابون می شست دلیل که نا امید شود و اگر بیند که جانوری که در تاویل نیکو باشد از دست چپ بیرون آمد و بدست راست
بدر شد یا از دست راست بدر آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور بتاویل بد
باشد دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت
یا دست در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست مشرکی دستینها میکرد دلیل که آن
مشرک بدست وی مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خواهر
سوم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم صنعت و پیشه

دست اورنجن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست اورنجن در خواب زنانرا شوهر بود و مردانرا غم و اندوه بود و اگر بیند
که دست اورنجن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست اورنجن بدو داد دلیل که
اورا فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که هر دو دست
اورنجن داشت دلیل که اورا مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اورنجن در خواب
بر پنج وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند

دست و روی شستن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دست و روی باب صافی بشست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود
و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز میگذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بهر دو دست روی همی شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی همی شست
و اورا حدثی پدید آمد و وضویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که اورا حدث افتاد و دیگر دست و روی
شست و نماز آغاز کرد اما نماز تمام نکرد دلیل که عمرش باخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست
و روی او را بشست و او تامل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید

دستینه در خواب مردانرا بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که دستینه از آهن در دست داشت دلیل که اورا توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود
و اگر دستینه زرین یا سیمین باشد تاویلش چون دست اورنجن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی

دشمن اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد
دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن اورا بگزید دلیل که در بلا و مصیبت
افتد توبه باید کردن تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بستگی کارها
دوم غم و اندوه سوم خسران مال

دشنام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی اورا دشنام میداد دلیل که اورا

نیکو بود

نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بر وی چیره و کامکار
شود دعا کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روائی حاجت بود و اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش میخواست
دلیل که خاتمه و کارش بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بیند که مصلحی را دعا کرد دلیل که بظلم و فساد نگراید و امر معروف بجای آورد و اگر
بیند که حلقه دعا میکرد دلیل که نیکخواه خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بیند که دعاء خاص میخواند دلیل که فرزندش آید قوله تعالی
اِذْ نَادٰی رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِیًّا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که حق تعالی او را
بیامرزد و حاجت وی روا گردد و اگر بیند که آن خواب مفسد بود او را توبه دهد و اگر کافر بود اسلام آرد دف زدن ابن
سیرین رضی الله عنه گوید دف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دف میزد دلیل که ترک کار صلاح کند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دف زد و استاد وار دلیل که زنی بدکردار بخواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف
در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کنیزکی و زنی شنود بهتر بود و اگر از مردی شنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی شنود
دلیل ظاهر شدن کارها باشد دلالی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت
کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلالی مردی بود که رهنمای مردمان
باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود
که بالا ذکر رفته است دل بدانکه دل پادشاه شهر تن است و تن بفرمان او قائم است و دل خزانه عقل است در نهان و آشکارا
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دل بخواب دیدن جمع کردن مالیست که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر
صلاح و نکوئی بود قوله تعالی حَتّٰی اِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوْبِهِمْ قَالُوْا مَاذَا قَالَ رَبُّکُمْ قَالُوا الْحَقَّ اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کار
بر وی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود دلیل که کارها بر وی گشاده گردد و اگر دل را فروبسته بیند دلیل که از گناه توبه
کند قوله تعالی اَفَلَا یَتَدَبَّرُوْنَ الْقُرْاٰنَ اَمْ عَلٰی قُلُوْبٍ اَقْفَالُهَا اگر دل را بر دست نهاده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر بیند
که دل بهر دو دست گرفته بود دلیل که کارهای وی بر آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش درد میکرد دلیل که مالش زیاده گردد
و اگر بیند که چشمهای دل وی گشاده بود دلیل که بکارهای هر دو جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون می آمد
دلیل که از کار ناکردنی توبه کند و بخداوند باری تعالی باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بر دل وی
خستگی رسید دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهن بیفکند دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین گرفت
و بخورد دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل بر آورد و کرد او مروارید بسته بود و مروارید بر زمین بریخت و گوهر فرو خورد دلیل که ترک
پنج نماز بگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل او را بهوسهای محال مشغول گرداند و اگر بیند که دل وی
روشن و منور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
دل در خواب بر ده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص هفتم قوت هشتم نصرت نهم شهوت دهم نهان شدن

دنبال

احوال خویشتن دنبال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چون اسب و خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده گردد و زندگانی او
براحت گذرد اما در راه دین سست بود و اگر بیند که دم او چون دم سگ یا چون دم گرگ یا شغال بود دلیل مال حرام یابد و مردم او را ملامت
کنند و اگر بیند که در دست دم اسپ یا گاو یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت
او حرام بود دلیل که مال حرام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبال بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیع دوم یاران سوم مال
چهارم راحت و عیش دنبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دنبل داشت دلیل که مالش زیاده شود بقدر دنبل و اگر بیند که دنبل
وی بشکافت و خون آمد دلیل که چیزی از مال وی تلف شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دنبل خون و ریم می آمد و می مکید دلیل
که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که دارو بدنبل نهاد و جامه از خون بشست دلیل که از حرام توبه کند دنبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دنبه
در خواب بدره مال بود که یکی نگه میدارد یا مال زن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر بیند که دنبه خام میخورد دلیل که مال شبهه خورد و اگر
بیند که دنبه پخته میخورد دلیل که دشمنش از مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را چون گوسفند دنبه بود دلیل که او را فرزندی آید
که خداوند دولت و اقبال بود و روزی فراخ گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبه در خواب دیدن بدره زر بود دندان دانیال علیه السلام
گوید دندان در خواب دیدن اهل خاندان بود و دندانهای بالا دلیل بر نرینه بود و دندانهای زیرین دلیل بر مادینه بود و دندانهای پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و دندانهایی که بر جنب آن باشد دلیل بر عم و عمزادگان بود و دندانهای پسین
دلیل بر خویشان دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی معبران گویند که دندانهای پیشین آنچه
از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر بیند که دندانهای پیشین
می جنبد دلیل بر این جماعت که وصف کردیم یکی بیمار گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دندان پیشین آمد بر کف دست یا بر
کنار یا بر زمین افتاد و بخاک آلوده نگشت دلیل که او را فرزندی آید یا برادری یا خواهری و اگر بیند که دندان وی در خاک افتاد
یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر بیند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد دلیل از اینها که گفتیم یکی را آفتی
رسد و اگر بیند که دندان پیشین او کوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر بیند که از دندان یکی بجنبید دلیل که آنجماعت
او را سختی زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر بیند که دندان پیشین وی زیاده شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی و راحت
باشد و اگر بیند که در جنب دندان از دندان دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او را دختری آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر بیند
که دندان پیشین خود بر کند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر بیند که جمله دندان بیفتاد و در حال بدید شد دلیل بر هلاک اهل
خاندان او باشد و اگر بیند که دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد دلیل که اهل خاندانش بسیار گردند و اگر بیند که همه دندان او از سیم و
زر بود و اگر بیننده خواب اهل صلاح بود دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر بیند که دندانهای او از آهن
یا از آبگینه بود یا از سفال دلیل بر هلاک او بود و معبران گویند که افتادن دندان گذاردن وام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید دندان بالا که در مقابله چشم است دلیل بر نرینه کند و دندان زیر دلیل بر مادینه کند و اگر بیند که جمله

دندان

دندانهاش درکنار افتاد وجمله درکف دست گرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند ونگذارد که از وی جدا شوند واگر ببیند که از
دندانها بوی خوش می آمد دلیل که خویشانش ثنا گویند واگر بخلاف این بیند دلیل که غیبت وی کنند واگر ببیند که دندانهاش دیگر
دلیل بر غم واندوه بود واگر ببیند که دندانهاش زرد بود دلیل آنکس که بدان منسوب بود بیمار گردد واگر ببیند که دندانهای او سیاه شد
دلیل که او را غم واندوه رسد واگر ببیند که دندانهاش افتاده بود وزکوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد چنانچه همه خویشان خود بگور
کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که دندان وی درد میکرد وبدست خود برکند وبهر دو دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد
واگر ببیند که از دهان کسی دندانی خون آلوده بدست بگرفت دلیل منفعت وی را بود که دندان برگرفت اما او را مصیبت رسد واگر ببیند
که بعضی از دندانها پدید شد دلیل که بعضی از خویشان وی بغربت روند وبسلامت باز آیند واگر ببیند که دندانهای او درمیان زبان
جمع شدند ودیگر هر دندانی بجای خود باز شد دلیل که از خویشان متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان درخواب شش وجه

دهان

بود یکی اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم واندوه پنجم مفارقت ششم مضرت دهان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهان
درخواب کلید کارها وخاتمه کارومی وهرچه از دهان بیرون آید دلیل بر جوهر وکلام بود واگر نیک باشد واگر بد باشد نتیجه
درو همین بود ودنیاوی بود واگر آن بکراهیت دردهان بود دلیل بر محنت ورنج بود در معیشت وآنچه در دهان شیرین بود وبا سانی
فرو رود دلیل بر معیشت وراحت وعیش بود وابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک شود
واگر ببیند که دهانش از آرد جو یا گندم آگنده بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد واگر ببیند که دهان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار
دروگنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت وروزی برسد واگر ببیند که دهان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو شنود واگر ببیند که گوشت دهان
او بیفتاد دلیل که وی را زیانی رسد واگر ببیند که از دهانش خون بیرون آمد دلیل که باکسی گفتگوی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر ببیند که از دهانش کرم ویا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال وی جدا شود واگر ببیند که از دهان وی پلیدی بیرون آمد دلیل
که هرچه بجای برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود واگر ببیند که از دهان وی مروارید بیرون افتاد ومردم برمیگرفتند دلیل که
مردم از علم وی بهره یابند واگر ببیند که از دهان خود پلیدی می انداخت ومردم از ان میگریختند دلیل که شاعر بود ومردم را هجو گوید
واگر ببیند که کسی دردهان وی مهر نهاد وندانست که کیست دلیل که رسوا شود وقوله تعالی اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که چیزی خوب از دهان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گوید
نیکو معنی دار واگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود واگر ببیند که چیزی در دهان نهاد وآن چیزی نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد

دهل زدن

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دهان درخواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم گشایش کارها چهارم مال پنجم
حاجت ششم وزیر هفتم دربان دهل زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهل زدن درخواب کلام باطل وخبر مکروه ودروغ
وکارهای پیدا وروشن بود وتاویل این جمله زننده دهل بد باشد اگر ببیند که با دهلها میزدند وپای کوفتند دلیل بر غم واندوه بود
واگر ببیند که دهل تنها میزدند دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دهل زدن درخواب خبرهای مختلف بود ودران

هیچ فایده نبود دهلیز کرمانی رحمة الله علیه گوید دهلیز در خانه خادم بود و اگر بیند که دهلیز آبادان بود و نیکو بود دلیل به تندرستی بود و نظام
خادم خانه بود و اگر بیند که دهلیز خراب است تأویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهلیز خانه را دیوار از خشت
و گل بود دلیل که اگر از گل بود خادم خانه مفسد و بیدین بود دوال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند دوال را دلیل خیر
و منفعت بود و بقدر قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود یابد و اگر بیند که دوال پاره پاره کرد یا ضایع شد دلیل که بقدر آن
مضرت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است
دلیل که مال حلال یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یابد دوختن جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند
که جامهٔ خود میدوخت دلیل که کارش بمراد شود و حالش بصلاح آید و اگر جامهٔ عیال خود میدوخت همین تأویل دارد و اگر بیند
که جامهٔ زنی بیگانه میدوخت دلیل که غمی و زیانی بدو رسد و اگر بیند که جامهٔ مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بیند که
سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل هر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش
وی فراخ گردد و مال تمام از میراث یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار
بود و اگر بیند که شلواری بدوخت و نیفهٔ آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبای بدوخت دلیل
که بخدمتی مشغول گردد و اگر بیند که جامهٔ عیال میدوخت دلیل که بگفتگوی عیال درمانده شود و اگر بیند که از بهر جامه رشته میتافت دلیل که
عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از بهر عیال خود جامهٔ ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و بتهمت گناهی اندوه یابد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید درزی در خواب دیدن کسی بود که کالای پراکنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید دود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دود در خواب پادشاه ستمگر بود و اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود دلیل که مردم آن دیار
از دست پادشاه جور و ستم کشند و اگر بیند که دود در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود دود بود دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بیند که از
خانه یا از دهان وی دودی آمد دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصادره کند و مال وی بزور بستاند دوزخ ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد توبه باید کردن و اگر دوزخ را دید و از آن
گزندی بوی نرسید دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بیند که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت
دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب اهل دوزخ میخورد و در آتش میسوخت دلیل که در دنیا کردار بد
و در آخرت وبال بود و اگر بیند که فرشته از موی پیشانی او را بگرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بینندهٔ خواب را علامت بدبختی
باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ بیند دلیل که بر گناه کردن دلیر بود و اگر بیند که از زقوم و حمیم خورد دلیل که بعلمی باطل
و بجهول مشغول گردد و اگر بیند که شمشیر بکشید و در دوزخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بیند که در دوزخ چیزی میخورد دلیل
که مال یتیم و ربا خورد و اگر بیند که نزدیک دوزخ آتش می‌افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

اگر بخواب بیند که او را کسان بدوزخ میبرند دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ و اگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند و اگر بیند که او را در دوزخ میبرند و فریاد نمیتوانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ و اگر بیند که بانگ از دوزخ می‌شنید دلیل که هیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان چهارم [illegible] ششم مصیبت و رنج **دوشاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوشاب در خواب مال و نعمت بود ولیکن [illegible] و اگر بیند که دوشاب میخورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد و اگر بیند که دوشاب میساخت دلیل که کاری کند که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشاب سپید و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید **دوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوش در خواب زینت مرد بود و اگر بیند که دوش راست او ضعیف شد یا شکسته بود دلیلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و مال یابد از جایی که امید ندارد **دوشیزگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشیزگی زنی بنکاح بسته دلیل که مال حرام یابد و اگر زنی [illegible] نباشد و در خواب بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر و عفت وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشیزگی بستد دلیل که در آن سال زن خواهد یا کنیزکی خرد **دوغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن دوغ در خواب اندوه بود و بعضی از معبران گویند که خوردن دوغ در خواب مال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده‌اند و اگر بیند که دوغ بکسی داد دلیل که آنکس غمناک گردد **دکان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند که دکانرا خراب کرد دلیل که زنرا طلاق دهد و اگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنش بمیرد اگر بیند که بر رضای خداوند دکان وار بر دکان نشست دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود مرتبت باشد **دوک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوک در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی دو مهره بود دلیل که دختر بشوهر دهد و اگر بیند که دوک وی بشکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید دوک در خواب مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند و اگر بیند که مهره از دوک وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک میرشت دلیل که اندوهگین شود و اگر این خواب زن بیند دلیل که بیغم گردد و نیز گویند که دوک دلاله بود **دولاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دولاب در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دولابی میساخت [illegible] آن بود دلیل که خزانه از در خانه [illegible]

یا از اهل آن باشد که خزانه خود بسازد و اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی ویرا دولابی داد دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بدو بسیار
و اگر بیند که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دارا ورا منفعت رسد **دلو** کرمانی رحمة الله علیه گوید دلو در خواب مردی
بود که مالها ناشناخته بیرون آرد و اگر بیند که دلو پر آب کرد یا بدلو آب میکشید دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر
و اگر بیند که دلو پر آب صافی داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بیند که بدلو آب از چاهی بر میگرفت دلیل
که بقدر آن مال یابد و آن مال بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بچیزی خرج کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد
دوات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند
و اگر بیند که بدوات چیزی نبشت دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بیند که دوات بشکست یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل
که زن بیوه بکراهیت بخواهد و اگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او را فرزندی نرینه بشود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که دوات زرین بود دلیل که متفکر شود و اگر بیند که دوات سیمین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که دوات برنجین
بود دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهنین بود دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل که چیزی کمتر بوی رسد
دویدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که میدوید یا ستور میدوانید دلیل که بسفر رود و هر چند دویدن او بیشتر
بود سفرش دورتر بود و اگر بیند که بر اسپ یا لاغی سوار بود و میدوانید دلیل که با عیال بسفر رود و مال یابد مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق گرفت دلیل که بجز مال از وی سبق گیرد و اگر بیند که در دویدن مانده شد
و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک گیرد و قانع گردد **دیبا** ابن سیرین گوید دیبا در خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان
بینند بهتر بود و اگر مردی بیند که قبای دیبا و پرنیان پوشیده بود و غزا کرد دلیل که عز و جاه یابد در دین و دنیا مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر زنی بیند که جبه و لباچه اطلس سبز پوشیده بود دلیل که آن زن دیندار و با امانت بود و اگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل که پارسا
او کند و اگر اطلس کبود بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که اطلس سیاه بود دلیل که اندوهگین گردد و دیبا بافت در خواب مردی
مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پرنیان چون تاویل دیبا بود **دیگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگ در
در خواب زن بود و معبران گویند که دیگ کدخدای خانه بود و اگر بخواب بیند که دیگ فرا گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد
و خوردنی می پخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بیند که دیگ مسین یا دیگ سنگین داشت
دلیل که بقدر قیمت دیگ فائده یابد و اگر دیگ سفالین بود دلیل که کاری کند که بدان کار از مهتر خانه چیزی بوی رسد
و اگر دیگ بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود دلیل که مردی را کاری بدارد که در آن کار او را کراهیت باشد کرمانی رحمة الله
علیه گوید دیگ در خواب کدخدای خانه یا کدبانو بود و اگر بیند که در دیگ گوشت و خوردنی بود دلیل که روزی بی رنج بوی رسد
و اگر بیند که دیگ وی بشکست دلیل که کدخدا یا کدبانو بمیرند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیگ در خواب

دیدن

پنج وجه بود یکی کدخدائی خانه دوم کدبانو سیوم رئیس چهارم خادم پنجم متوکل بر حوایج **دیگدان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگدان
در خواب بر دو وجه بود یکی کدخدا دوم کدبانو اگر بخواب بیند که دیگدانی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوئی بخانه آورد و اگر
بیند که دیگدان بشکست دلیل که کدخدای خانه بمیرد و مغربی رحمة الله علیه گوید دیگدان کدخدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی
نه اندیشد **دینار** دانیال علیه السلام گوید که اگر بیند در دست دینار ها داشت که عدد بیش از چهار بود دلیل که او را کراهیت رسد یا سخنی
شنود که وی را دشوار آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر پنج عدد درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر با وی یک دینار بود
یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار بکسی داد یا ضایع شد
دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت رسد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبران گویند که دینار در
خواب امانت بود گذاردنی قوله تعالی وَمِنْهُم مَّنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ اگر در کف دست خود پنج دینار بیند
دلیل که پنج نماز فریضه بجای آرد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بیند که دینار
قسمت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک دینار یافت دلیل که بروی
قباله نویسند از بهر امانتی که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش نکرده باشد و اگر بیند که دینار داشت و یک رویش
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دینار در خواب بر پنج نماز بود و اگر بیند که عدد جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که عدد طاق
بود تأویلش بخلاف این بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیزک بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود که برنج
و خصومت بدست آرد **دیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام آن دیه نداند دلیل خیر و نیکی بود
و اگر نام آن دیه داند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل بر نیکوئی باشد و اگر بیند که در دیه رفت دلیل بر بدی
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از شهری بدیهی آبادان شد که در وی نعمت بود دلیل بر خیر و برکت و غنا و اقبال
کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار بود و اگر بخواب بیند که در دیهی گمشده بود دلیل بر خیر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که کسی دیهی مجهول بوی داد یا بخرید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت دیه خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل که
مضرت یابد **دیوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکوئی
حال او بود در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میکرد دلیل که مال یابد و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میکرد دلیل بر غم و اندوه بود
بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که بر دیوار بر پا می بود دلیل که
حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار او بیخته بود دلیل بر پراگندگی احوال و زوال عیش وی بود و اگر بیند که دیوار بیفتاد دلیل که از زیست
و صنعت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بیند که

دیو را از گل و خشت کرد بقول جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گچ و آجر بود دلیل بر تباهی حال او بود و در دین
و اگر دیوار از آهن و سنگ بود دلیل که بدنیا فریفته شود و طالب آخرت نباشد و دیو را ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بزرگ
باشد فریبنده و مکار و اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن بروی ظفر نیابد قوله
تعالی اِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوا اِذَا مَسَّهُم طَائِفٌ مِنَ الشَّیطَانِ تَذَکَّرُوا فَاِذَا هُم مُبصِرُونَ و اگر بیند که با وی جنگ کرد
و او را غلبه کرد دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دیو را
خرم بیند دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین بیند دلیل که بعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند که دیو جامه
از تن وی بکشید اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب دهقانی بیند دلیل که او را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که دیوان بر وی فراز شد دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که او بدست دیو اسیر شد و او را ببرد دلیل که برسوائی مشهور گردد
و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن باصلاح یکی شود
و ایزد تعالی جل و علا مراد ایشان بدهد قوله اِنَّمَا النَّجوَی مِنَ الشَّیطَانِ لِیَحزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَلَیسَ بِضَارِّهِم شَیئًا
اِلَّا بِاِذنِ اللهِ اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که براه فسق و فساد در آید سلطان
دیو کند و اگر بخلاف این بیند دلیل براه خیر و صلاح باشد و فارغ راه دین بود و اگر بیند که دیو را بگرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل که
از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی
دشمن دوم فساد سوم شهوت و معصیت و هوای نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری جستن ششم
چیزهای حرام دیوانگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بر بیننده خواب بقدر دیوانگی کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود دلیل که بحرام افتد و ربا خورد قوله تعالی اَلَّذِینَ یَاکُلُونَ الرِّبوا لَا یَقُومُونَ اِلَّا کَمَا
یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیطَانُ مِنَ المَسِّ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی
رباخوار مفسد مصاحب گردد و او را ملامت و بدنامی حاصل گردد **حرف الذال** ذکر دانیال علیه السلام گوید قضیب در
خواب فرزندی مبارک و نامآور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را دو قضیب بود دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی میان قوم
یابد و اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که قضیب وی خود ببرید دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب
وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نامآوری بود و کوچکی
قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند
زادگان باشد و اگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید از زنیکه آن زن از کنار دریای مشرق باشد و اگر بیند
که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر بیند که از قضیب او مرغی بیرون آمد تاویلش از جوجه
آن مرغ باشد و اگر بیند که از قضیب وی موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که در وی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او باد

بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که او را دشمن باشد و اگر بیند که از قضیب او کژدم بیرون آمد همین تاویل دارد و اگر بیند که از قضیب او کژدم
و مور بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید دون همت فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر بیند که از قضیب او نان بیرون آمد دلیل که فرزند
و عیال او گرسنه و تنگدست شوند و اگر بیند که از قضیب او گنجد بیرون آمد دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بیند که از
قضیب او ریم بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از قضیب او منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر بیند
که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر بیند که از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب
دلیل که او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق و مغرب کند و اگر بیند که از قضیب او سرگین بیرون آمد دلیل که میلش بلواطت بود و اگر
بیند که قضیب وی برخاست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال او قوی گردد و اگر بیند که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را
فرزندان بسیار شود و اگر بیند که پیرامن قضیب وی پرها رسته بود دلیل که نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش بیفزاید و اگر بیند
که بدست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بمیرد و او را فرزندی دیگر آید و اگر بیند که قضیب خود در دهان
نهاد و همی مکید دلیل که از وی بدانکس منفعت رسد و اگر بیند که بر قضیبش موی رسته بود دلیل که بجهت فرزند شادمان گردد و مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قضیب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب در خواب دلیل بر قوت
و فراخی نعمت کند و اگر بیند که قضیب وی بشگافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بیند که قضیبش
آماس گرفت دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که کسی بر قضیب وی زد دلیل بر تباهی عیش وی بود و اگر بیند که قضیب بر میان
بسته بود دلیل که گواهی که دارد بدهد و اگر بیند که زنی قضیب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل که پسری آ[illegible] ین بمیرد و اگر آبستن نبود
[illegible] اگر بیند که قضیب او باریک بود همین تاویل دارد و اگر بیند که قضیب وی برخی بریده بود دلیل که فرزندش بمیرد
[illegible] مروارید یا جوهری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید جعفر
[illegible] در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم اهل خانه سوم مال چهارم محمد پنجم بزرگی
[illegible] نیکوئی حال

حرف الراء

رازیانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رازیانه در خواب
[illegible] غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود رازیانه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه
[illegible] شود راسو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راسو در خواب دزد بود و اگر بیند که راسو را بگرفت یا بکشت دلیل که [illegible] بر دزد
پیروزی ظفر یابد و اگر بیند که گوشت راسو میخورد یا چیزی از اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال دزدیده از دزد بستاند کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راسو او را بگرفت و بگزید دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که با راسو جنگ میکرد بر وی غالب
آمد که بر دزد چیره گردد و او را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید راسو در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی دزد دوم غم و اندوه
ران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر بخواب بیند که ران او بشکست
[illegible] خویشان جدا شود و تن ضعیف گردد و بغربت هلاک شود و اگر بیند که ران کسی بدید آنکس را همین تاویل باشد

رازیانه

راسو

ران

ران

کرمانی رحمة الله علیه گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند اگر بیند که ران وی پاره شد
دلیل که کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خویشان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی بشکست
دلیل که از جهت وی ذل و خواری بدو رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمه
گوید اگر بیند که رانهایش بر یکدیگر پیوسته بود دلیل که از خویشان جدا نشود و پیوستگی بنکاح کند و اگر بیند که گوشت ران خود میخورد دلیل
بقدر آن مال خویشان بخورد **حکایت** چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران من سراحی
شده بوده بر وی موی رسته بود و بکسی گفتم که موی ران من بتراش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان
تو کسی وام ترا بگذارد و هم در آن ماه کسی از خویشان آن شخص پیدا آمد و دویست دینار وام بگذارد جعفر صادق رضی الله
عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که بر ایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم حشم

راه

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بیند که در شاهراه
میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین ارشاد
کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که دزدان کالای
او را از راه ببردند دلیل که بقدر آنچه بردند غرامت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نشد دلیل که حق خود بدشواری
از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که
بشب تاریک میرفت و راه بر وی مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر
راههائی بیند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بد دین دارد و اگر بیند که راه
بر وی مشکل شده نداند که کجا میرود و بقول پیغامبر صلی الله علیه و سلم جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بر وی
پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست بیکسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که براه راست میرفت و از برای
حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بمحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت
و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیکسو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدنیا فریفته شود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و بناهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده پنهان میرفت دلیل
که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود و قوله تعالی إِنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ و اگر بیند که کسی او را از راه
ببرد دلیل که بر فساد دین وی بود وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید راه راست در خواب
مسلمانی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا دوم [illegible] و اگر بیند
سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت

راهزن

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راهزن در خواب مردی بود [illegible]
کند اگر بیند که راهزن مال وی ببستد دلیل که با مردی بپیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فایده یابد و اگر بیند که از تعصب او با وی

بیرون آید

و اگر بیند که راهزنان بر وی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که راهزنان از وی چیزی بدزدیدند دلیل که از بهرزن با وی دروغ گوید و اگر بیند که رهزنان کالاه او را بردند دلیل که مصیبتی آلوده گردد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالائی کسی را برد دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد
دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سه وجه بود یکی جنگ دوم خصومت سوم
دروغ گفتن سیوم تباهی عیش و بیماری ریباس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریباس در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوشبوی
بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مضرت و رنج و اندوه بود و پختن ریب در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر
و منفعت بود و چون ترش بود تاویلش بخلاف این بود رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن
باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر بخواب بیند که رباب میزد دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مدح و ستایش بدروغ کند و اگر بیند
که در پیش وی رباب میزدند دلیل که سخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با رباب جنگ و چغانه و نای بود
و اینجمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب بشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بیمار بیند که رباب میزد دلیل که بمیرد
یا بیماری بر وی سخت شود رخسار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر بخواب
بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و کدخدای بود و اگر رخساره چینی بیند دلیل که نقصان کدخدائی بود
و اگر بخلاف این بود دلیل نیکی کدخدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم
بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل زنی کریمه نیکوکار بود و اگر
بیند که رزی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود و در هنگام وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختان
رز را هیچ برگ نبود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند برگهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملک او نبود تاویلش بخداوند
رز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سیوم رنج و اندوه
و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود رستخیز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آستاده و قیامت
برخواسته دلیل که حقتعالی جلّ و علی در آن دیار عدل بگسترد و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر
مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خدایتعالی استاده اند دلیل که خشم خدایتعالی بدیشان
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد دلیل که خلاص
یابد که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا یاجوج یا دجال علیهم اللعنه پیدا شدند تاویل
الی آخر گردد و اگر بیند که بشمارگاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ
... و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیادتی رسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا

وعلی بناه علیها تکلان و اگر بیند که کردار وی میکشیدند و نیکی او زیادت برآمد دلیل که سر انجام او نیکو شود قوله تعالی فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بیند که بدی وی زیادت شد دلیل که جایش دوزخ باشد قوله تعالی فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا الآیه و اگر بیند که نامه کردار بدو دادند و بدست راست گرفت دلیل که بدست راست بدو دادند راهش در راه دین راست باشد قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ و اگر بیند که نامه کردار را بدو دادند و نتوانست که آن را بخواند چون از اهل صلاح بود دلیل که کارش نیکو بود و اگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر خود را بر صراط دید دلیل که بر راه راست باشد و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود گردد رسن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود و اگر بیند که دست در رسن زده بود و از هوا معلق آویخته بود دلیل که بقدر بلندی رسن منزلت یابد و اگر بیند که رسن در دست او بماند و او بیفتاد دلیل که از قدر و منزلت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رسنی از آسمان آویخته بود و او دست در آن زده بود دلیل که پیمانی بود میان او و حق تعالی چنانکه مثلا اگر بیمار بود و گوید اگر خدای تعالی مرا شفا بخشد چنین کنم و اگر بیند که رسن بر پای ایستاده بود دلیل کند آن پیمان بود که با وی حق سبحانه و تعالی کرده باشد و اگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل که دست در دین زده باشد قوله تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که با حق سبحانه و تعالی کرده باشد و هم با خلق خدای و اگر بیند که رسن در گردن وی کرده بودند دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در گذاردن وی تاخیر میکند و اگر بیند که مشعبد بازی میکرد دلیل که در اعتقادش خلل بود و اگر بیند که از بام یا از جائی بلند خود را بر رسن فرو هشت دلیل که بترک مقصود و حاجتی که دارد بگوید از رسن جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روائی حاجت رضوان بدانکه رضوان دربان بهشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رضوان بخواب دید دلیل که از عذاب ایمن گردد و اگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا برود و بعضی معبران گویند که رضوان در خواب دلیل خزینه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیراکه رضوان خازن بهشت است و اگر بیند که رضوان او را یاقوت و گوهر و مروارید بداد دلیل که او را فرزندی آید دانا و عالم چنانکه نامش بعلم مشهور گردد رفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت و ندانست که کجا میرود دلیل که بیچاره و سرگشته گردد و اگر زن و فرزند همراه داشت دلیل که مجموع سرگشته و حیران گردند اگر بیند که مانند مشتری میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر بیند که مانند دزدی میرفت دلیل که تاویلش بد باشد و اگر بیند که مانند کژدم میرفت تاویلش همین بود و اگر مانند مرغان شکاری میرفت دلیل خیر و نیکی بود و اگر مانند کسی که از تاریکی بوده بروشنائی میرفت دلیل که از راه باطل براه حق گراید و اگر از خرابی بآبادانی شد و اگر بیند که از تنگی بفراخی رسد و اگر بیند که از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود و اگر بیند که بجایگاهی بدر بیرون آمد تاویلش از جهت نیک میرفت دلیل خیر و نیکی بود در رفو کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رفو کردن در خوا ... و اگر بیند که از قضیب او با ...

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعهٔ خود را رفو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا با دوستی که در وی خیر نباشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامهٔ خود را رفو میکرد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و رفوگر در خواب جهد او ند[?]
جنگ و خصومت بود و جهد کار خود را باصلاح آرد و از خصومت برهد **رقص کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید پای کوفتن
در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مرد از زندان خلاصی بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را مصیبت اما صوفیان را و کسانیکه رقص بسیار کنند ایشان را غم و اندوه
نبود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله گوید رقص کردن در خواب
غم و مصیبت بود **رگ کشادن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ کشادند دلیل که از دوستی سخنی شنود یا مالش
تلف شود و اگر بیند که رگ کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را زحمتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل
اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عاملی او را رگ زد و خون بسیار آمد و در جائی گرد آمد
دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشاد دلیل زیادتی
مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دوستان بود و اگر بیند که معروفی او را رگ کشاد اگر زنش آبستن نبود
دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که دختری آرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل
که او را سخنی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصومت
چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رگ زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه
در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که به جراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران گویند که رگ زدن
در خواب اگر بینندهٔ خواب مستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد کند **رگها** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید رگهای تن دلیل بر اهلبیت و خویشان بود و اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند
و هر رگی که معین است که بکسی تعلق دارد بر رگهاء پیشانی دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رگهاء شکم
دلیل بر خویشان مادر و رگهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای سرین و ران دلیل بر اهلبیت و زن و دوستان و رگهای
ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که رگهاء بکشاد و بر پهنا رود بریده شد یا خشک شده دلیل که از خویشان وی یکی که بدان
تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معبران گویند که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان
جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ زد دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی گویند که بقدر آن خون از وی رفته باشد
مال یکی از خویشان خود تلف کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که رگ قیفال یا بکشاد دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که رگ
باسلیق کشاد همین تاویل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آید دلیل بر که باشد مال یا بد و اگر گوید که از دست من خون
همی رفت دلیل که او را از زیانی رسد و معبر باید که در لفظ گویندهٔ خواب نگاه کند و تعبیر بموجب لفظ او کند و اگر بیند که رگ دستش گشود

بود دلیل که او را اندوهی رسد رکاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که رکاب از زین جدا بود دلیل بر فرزند یا غلام
بود و اگر رکاب با زین بود دلیل فرزندی بود که در وی هیچ خیانت نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رکاب او زرین بود دلیل که فرزند
خویشتن بین و متکبر آورد و اگر بیند که رکاب سیمین بود دلیل که فرزند بمال دنیا فریفته شود و اگر بیند که رکاب مسین بود یا برنجین دلیل
فرزند دون همت بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب چوبین بود دلیل که
فرزند او بدرای و فرومایه بود و رکاب دار در خواب نیکو بود زیرا که او بمهتران نزدیک است رنگها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
رنگ سفید بخواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را کراهیت و رنج بود و زنان را نیک بود و رنگ سیاه
زنان را و مردان را نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد مگر کسانی که پوشند و رنگ کبود زنان را و مردان را نیک نباشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است روباه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روباه در خواب مردی فریبنده باشد یا زن یا کنیزک دروغ زن اگر بیند که روباه در پی او بود
دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر بیند که روباه بجست از پیرایان دلیل که ترسنده شود و اگر بیند که با روباه بازی میکرد
دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روباهی سانه میکرد دلیل که با کسی
حیلت کند و او را بفریبد و اگر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی میکرد دلیل که غریبی با او مکر و حیلت کند و پوست روباه مالی بود
که بحیلت بدست آرد و شیر روباه بخواب خوردن دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و
بعضی از معبران گویند که شیر روباه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید روباه در خواب
دیدن زن دروغگو باشد اگر بیند که روباه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی فریبنده و دروغ زن خواهد و اگر بیند که روباه
در خانه وی آمد و قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل که وام دار او بگریزد
رود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رود بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رود بزرگ صافی شد دلیل که
با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رود بیرون آمد دلیل که از بلا و غم رسته گردد
و اگر بیند که در رودی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ ستمگر پیوندد و اگر بیند که در آن رود غرق شد
دلیل که تا مرگ از آن ستمگاری یابد دانیال علیه السلام گوید رود بزرگ وزیر بود و اگر بیند که رود بزرگ خشک شد
دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رود زیادت بیند دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رود تیره بیند دلیل که مال
حرام یابد و اگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رود گنده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر آب رود سرد
و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد و اگر بیند که در جوی خون بود و میرفت دلیل که در آن دیار خونریزی بیش
بسیار شود و اگر بیند که آب رود سفید و خوش بود دلیل که مردم عام ثنای وزیر گویند و اگر بیند که آب رود بر زمین فرو
رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد در آن دیار قوله تعالی قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ

صانع متعین و اگر بیند که با آب رود خود را بشست دلیل که از قهر پادشاه و وزیر ایمن گردد و اگر بیند که بزیر آب غوطه میخورد دلیل که در اندوه گرفتار
شود و اگر بیند که جامهٔ خود را بشست دلیل که او را و اهل بیت او را از پادشاه و وزیر ایمنی بود و اگر بیند که در رود میرفت و جامه آلوده
گشت دلیل که از قبل بازرگانی غم خورد و اگر رود دجله بخواب بیند بقول کرمانی رحمة الله علیه خلیفه بود و رود جیحون پادشاه خراسان بود
و رود سیحون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و رود نیل پادشاه مصر بود و رود و دیگر پادشاه
ارمینیه بود و آب خوردن و شستن خود را از آن خیر و منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد و اگر خود را
در رودی از شیر بیند دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سیوم پادشاه
چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر و علم رودبار و وادی اگر بیند که در رودباری شد دلیل که در غم و اندوهی گرفتار شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از رودباری بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید رودبار در خواب حج
اسلام بود قوله تعالی بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ مغربی رحمة الله علیه گوید رودبار در خواب دلیل بر گفتن
شعر بود وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ روده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که روده فرا گرفت و بخورد دلیل که از خویشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که روده‌های وی اندرون پیدا شد دلیل که فرزندی از خویشان
وی مهتر گردد و اگر بیند که روده کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن رودگان در خواب
مال نهاده بود که پیدا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روده‌ها از دهانش بیرون آمد دلیل که مرگ بر فرزندانش بود و اگر بیند که روده
کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را بیابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید روده در خواب بر شش وجه بود یکی
مال حرام دوم سخنهای ناخوش سیوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش روز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که روز آدینه بود و روز شنبه بود دلیل که در کاری شروع کند و پندارد که در آن کار خیر است و آن شر بود و اگر بیند که روز شنبه بود روز
آدینه بود بخلاف آن بود و اگر بیند که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد و اگر بیند که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان باشد
و اگر یکشنبه بخواب بیند دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را آدینه پندارد دلیل که هواخواه اهل نعمت و توانگر باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید بهترین روزها روز آدینه بود و دوشنبه و روز پنجشنبه بعد از آدینه و روز هر چند روشن‌تر و صافی‌تر باشد
بهتر بود روزه داشتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روزه میداشت و تسبیح و تهلیل و قرآن میخواند دلیل که از
گناه و حرام توبه کند اگر بیند که روزه داشت و غیبت مردم میکرد و یا فحش میگفت دلیل که او طاعت بجا میکند و در راه دین بجا و ثبات
نیست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه روزه بود دلیل بر گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از
غم فرج یافتن باشد و گزاردن وام خاصه که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب بر ده
وجه بود یکی بزرگی دوم ریاست سیوم تندرستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزا دهم بسیار کردن نکوئی
بقراستی دلیل بر نیکمردی و روزی حلال بود و چون روزه بمقصد گشاید دلیل بر نیکمردی و روزی حلال بود و چون روزه بمقصد گشاید

دلیل که در سفر بلا کشد یا بیمار گردد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که روزهٔ تطوع میداشت دلیل که از بیماری
ایمن گردد و اگر بیند که یک سال تمامی و پیاپی روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر بخواب بیند که روزهٔ عاشوره داشت دلیل که از غم و اندوه
خلاصی یابد **روستا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول دید دلیل بر حبس بود و اگر
در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر بخواب بیند که از روستائی بشهرستان رفت ان شاء الله تعالی از فتنه
و عذاب ایمن گردد و کارش بنظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت تأویل آن بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بوی رسد و اگر روستا خراب بیند تأویلش
بخلاف این بود **روشنائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روشنائی در خواب دین و هدی بود اگر بیند که روشنائی فرا گرفت یا کسی بوی
داد دلیل که کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بد دینی بود قوله تعالی اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم
مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روشنائی بسینهٔ او افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود قوله تعالی أَفَمَن شَرَحَ
اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ اگر بخواب بیند که پیراهن وی روشنائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین هدی دوم علم سوم راه راست چهارم عقل پاک
روغن دانیال علیه السلام گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر بخواب بیند که روغن گاو داشت
و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن گوسپند بیند همین تأویل دارد اما روغن گاو بهتر
از روغن دنبه و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و روغنهائی دیگر را نماید چون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن
زیتون دلیل که جمله منفعت بود از دهقان و روغن خیری و روغن زیتون منفعت باشد از عرب و روغن نرگس منفعت باشد
از روستا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که همه تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر مالید
دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوئی بود چون بنفشه و یاسمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بود
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و گنده بود تأویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب مال و نعمت
بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر جمال
مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که بروغن سینه چرب میکند دلیل که سوگند بدروغ خورد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید روغنها همه تأویل بد بود مگر روغن زیت که بخوردن دلیل مال و بمالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه او
بروغن آلوده شد دلیل که اندوهگین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بخواب بر شش وجه بود یکی زن خوبروی
دوم کنیزک سیوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن گنده دلیل بر سه وجه بود یکی زن
روسپی دوم فسق سیوم سخنهای زشت **روناس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روناس بخواب دیدن دلیل بر آرایش
دنیا بود و خوردنش دلیل بر مضرت و رنج بود و اگر بیند که جامهٔ خود بروناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

دین فرو گذارد **روی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجمال تر از آنکه هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بیند منزلتش کم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روشناس
گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ
اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق رسوا
گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل که او را دختری آید قوله تعالی وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ
وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ و اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خون آلوده بود یا
زرداب از رویش می آمد و او را بر روی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حال وی بود
و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وام دار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند در آب یا در آینه یا کسی
او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
بکسی مخاطره افتد و خشم فرو خورد و گر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه
و مخاطره کفر بود قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل
که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کدخدائی وی خلل افتد و اگر خود را دو روی بیند دلیل منافق
بود جعفر صادق رضی الله گوید دیدن روی در خواب بر هشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خواری و حقارت سیوم نظام
کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوائی ششم وام هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت **ریحان** اگر بیند که ریحان سبز
و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از زمین دلیل گریستن و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه
خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند دانیال علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب
کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم کنیزک
سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر و منفعت
کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود نیکو بود **ریسمان** در خواب سفر بود و اگر بیند که ابریشم یا موی ریسمان
می رشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر ریسمان بجولاهه برد تا جامه بافد دلیل که در تدبیر کاری باشد
که او را از آن خصومت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از ابریشم یا موی می رشت دلیل که او را غایبی
از سفر بیاید و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان او گسسته شد دلیل که غایبش در سفر دیر بماند و اگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل که عمر
دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر
دوم مزد کار سیوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال **ریواس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریواس
بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریواس بینداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریواس شیرین

بود دلیل که مضرت کمتر بود والله اعلم ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم و کدخدائی او باشد و در خبر آمده
که حق سبحانه و تعالی را فرشته ایست که تسبیح او اینست سُبْحَانَ مَنْ زَيَّنَ الرِّجَالَ بِاللِّحَى وَالنِّسَاءَ بِالذَّوَائِبِ یعنی پاکست
آن خدائیکه بیاراست مردان را بریش و زنان را بگیسو اگر بیند که ریش او دراز شد دلیل که کار کدخدائی او ساخته گردد اما چون بدرازی از حد
گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را بناخن بیاراست دلیل که کدخدائی خود را بیاراید و اگر بیند که ریش خود را خضاب
کرد دلیل که حال خود را بر مردمان بنماید و بپوشد و اگر بیند که ریش خود بزمین میکشید دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او بریده
بود دلیل که زیان مال و خواست و جاه او بود و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و آهستگی او زیادت شود ولیکن غمگین شود
و اگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل که اهل بیت وی را زیان رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ
مفاجات بیم باشد و مال و آبروی ریش برود و اگر بیند که ریش را شانه کرد و بجز [?] و گلاب بر وی ریخت دلیل که شغلی کند که مردم شکر گویند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش او دراز شد چنانکه بحد ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فرا گرفت
و پاره ریش بدست او بماند و آنرا بینداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاه داشت
دلیل که مال نگاه دارد و اگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل
که بی غم گردد و اگر بیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بمیرد و اگر بیند که ریش او کنده شد دلیل که حرمتش بیکبار برود و اگر
بیند که موی سپید از ریش خود برکند دلیل که او مخالفت سنت پیغامبر صلی الله علیه و سلم باشد اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بموسم حج سر تراشیدند اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که
سر و ریش را بیکبار ببسترد دلیل که حرمت و آبروی او ببرود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان
در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شود
و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را ریش برآمد دلیل
که او را پسر فرزند نباشد و اگر فرزند آید محتشم و قوی گردد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بیند دلیل که در غم و اندوه افتد
و اگر بیند که ریش کسی بگرفت و میکشید دلیل که آنکس مال او بمیراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب
بر ده وجه بود یکی [?] دوم عز و جاه سیوم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم ترویج هشتم مال نهم فرزند
دهم گرامی شدن قوله تعالی وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ اما ریش ستردن بخواب حاجبان را و زندانیان را نیکو باشد ریگ
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریگ در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریگ میشد دلیل که او را
بکسب و شغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریگ میخورد و یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
[?] ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل

بلد [?]

که بقدر آن ریم او را مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آمد و باز
بجای می بیشد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم مکید و میخورد دلیل که مال
دلیل که مال حرام خورد فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می آید
دلیل که بقدر آن او را نقصان شود در ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جمله اندام او
ریش بود دلیل که غم و اندوه بود در ریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم
می آمد دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون می آید دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او
بیرون می آمد و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم می مکید
و میخورد و ریم و سیم و آهن و غیره دلیل بر غم و اندوه بود در ریوند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت
دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علاجی ریوند خورد و از آن تندرستی حاصل شد دلیل که بر صحت و تندرستی
و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و بیماری بود و الله اعلم **حرف الزا** در زن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که خیری بوی رسد و از خویشان خرم شود و اگر بیند مرد که
پسری زاد او را فرزند آبستن شود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری زاد دلیل که او را پسری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زن
پادشاهی بیند که دختری بزاد او را دلیل که شوهرش گنجی یابد و اگر بیند که پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری
بزاد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر دوشیزه بیند که دختری بزاد دلیل که تاویل
آن زن دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی بخواب بیند که پسری بزاد و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر [illegible]
بیننده بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که مشهور گردد در زاغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
زاغ در خواب مردی فاسق بد دین و دروغ زن بود و اگر بیند که زاغی را بگرفت دلیل که با کسی بد دین پیوندد که صفت
او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان و فاسدان و فاسقان
گرد آیند و اگر بیند که زاغی شکار کرد دلیل که از جائی مال باطل یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زاغ را بخواب بیند [illegible]
تاویل ان باشد و زاغهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زاغی را پوست بر کند دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر
بیند که زاغی را بکشت دلیل که اهل بیت او بمضرت رسد و اگر بیند که زاغهای بسیار در هوا می آمدند و می گشتند دلیل که
در ان دیار لشکری پدید آید بقدر آن زاغها مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زاغ و تذرو هر دو در شکل بودند دلیل
که با کنیزک فساد کند و اگر بیند که با زاغی طعام میخورد دلیل که مردی دزد را بند کند زاکها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از جمله
زاکها زاک سبز بهتر بود و دیگر زاک سپید و زاک زرد بیماری بود و زاک سیاه مصیبت بود و خوردن زاک دلیل بر مرگ بود
و در نگ جامه و غیره بدین تاویل باشد و دیدن زاک هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاک در خواب

بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان ژاله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در شهری یا در مقامی ژاله می بارید دلیل که مردم آنشهر را از پادشاه رنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برق
و یا ژاله بود دلیل که در آنجا قحط و تنگی و مضرت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراخی
و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی بلا دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم
بیماری زلو جانوریست که در آب می باشد بپارسی آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلو در خواب دیدن
دشمن طماع بود و اگر بیند که زلو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بروی چیره گردد و بقدر خونی که خورده باشد از مال
وی نقصان شود و اگر بیند زلو در گلوی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی مجالست کند و اگر بیند که زلو از
اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید زلو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند
که زلو بسیاری جمع شدند و خون وی را می مکیدند دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمة الله علیه اگر بیند
که زلو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن او را مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل
زانو در خواب معیشت بیننده خواب بود و اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیشش بر وی
فراخ شود و اگر بیند که بزانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانوی
وی ضعیف یا شکسته بود دلیل که کار وی تباه گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او افتاد دلیل که مایه که دارد از دست او برود
کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بود و اگر بیند که زانوی وی سخت و قوی گشت دلیل که کسب
و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد
مغربی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و عنا باشد و جای اندوه و هرچه زیادت و نقصان در زانو
بیند تاویلش چنین بود که یاد کردیم زباد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زباد با خود داشت یا کسی بوی داد
دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان مدح و ثنای او میگویند و اگر که از آن زباد بوی خوش می آمد دلیل که مردمان
نکوهش وی می کنند و اگر بیند که از آن زباد هیچ بوی نیامد دلیل که با کسی نیکوئی کند که از وی هیچ منت ندارد و اگر بیند که زباد [illegible]
دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زباد در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب
دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده شد
و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت در وقت حجت زبانش بسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش در وقت حجت زیادت شود و بر خصم روان گردد و ظفر یابد
و اگر بیند که زبان وی دراز شده نه بجایگاه دلیل که سخن گفتن دراز شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را دو زبان
بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود ببرید قصداً سخن نگوید دلیل که از گفتن باطل

توبه کند

حرف الزاء

توبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطاره‌ئی دلیل که سخنی گوید که حقتعالی اجل و علا دران راضی نباشد و اگر بیند که کسی زبان ور دهان
وی نهاد دلیل که اورا از کسی قوتی و حجتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی می مکید دلیل که از انکس علم و دانش حاصل کند مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود دلیل بر فساد دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان درویشی ببرید دلیل که
چیزی بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی ببرید دلیل که بستر پوش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام گرفته بود
دلیل که وام دار شود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان وی قوی و ستبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش
ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بندد و یا دروغی گوید و اگر بیند که بر زبان وی موی بر آمده بود دلیل که از سبب گفتارش در بلا
افتد و اگر بیند که زبان وی آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از همه شغلها فرو ماند و اگر کسی بیند که
زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست وکیل بر آید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود
دلیل که درنا و بلا باشد جعفر صادق رحمة الله علیه گوید دیدن زبان در خواب بشش وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیوم

زبرجد

ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار و سخن گفتن و در بابها در حرف سین یاد خواهیم کرد زبرجد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند
و اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زبرجد در خواب

زبور

بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند زبور میخواند دلیل که
خداوند تبارک و تعالی بازگردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بریا و نفاق کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور مینوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از ان منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل که

زجر

کار و کردار او نیکو گردد زجر فال گرفتن ببانگ مرغان بود اگر بیند که ببانگ مرغان فال میگرفت تاویلش عز و دولت دنیا با
و در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ببانگ مرغان فال می گرفت دلیل
که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی ببانگ مرغان فال میکرد و اگر فرد باشد

زخم

دلیل که نیکو بود و اگر بعد و زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد زخم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن زخم
داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلوده
شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده نگشت دلیل که زننده او را بگناهی یا تهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد

زدن

و تن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زخم در خواب
دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زدن دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پیدا آمد یا او را بچوب بستند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تاویلش بد باشد

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تازیانه زدند دلیل که مالی حرام بحاصل آید خاصه چون بیند که از اندامش خون آمد و اندامش خون آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از معبران گویند که جامه نو پوشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد دلیل که از آنکس مال حرام یابد و اگر بیند که بر پشت خود تازیانه و بید زد آنست که او را که زد دلیل که شغل دین و دنیای وی نیکو باشد و اگر بیند که تازیانه بر کسی زد چندانکه تازیانه پاره پاره گشت دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر بیند که او را کسی تازیانه بیشمار زد دلیل که او را غمی رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد دلیل که غمگین شود بسبب مردی بد دین و منافق و اگر بیند که محتسب او را بدره بزد دلیل که سلطان او را عمل دهد و کارش نیکو گردد و اگر بیند کسی او را بکلوخ زد دلیل که از آنکس منفعت یابد و اگر بیند که کلوخی بر پشت وی زدند دلیل که کسی او را فضیحت کند و اگر بیند که طپانچه بر روی وی بزد دلیل که از کسی سخنی زشت بشنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده او را میزد دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر بیند که مرده بود و او را میزد دلیل که قوت دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت دوم مجادله سوم روشن شدن کار مشکل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام زر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زر بخواب دیدن مردانرا دلیل غم و اندوه بود و زنانرا نیکی و پسندیدگی باشد و اگر بیند که زر یافت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زر یا سیم میگداخت دلیل که در زبان مردم افتد و اگر بیند که زر میفروخت یا میخرید دلیل که او را غمی و اندوهی رسد و اگر بیند که زر بخروار بخانه برد دلیل که مالش ببرد و اگر بیند که زر میخورد دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید زر دیدن در خواب مردانرا بد بود و اگر کسی زر و سیم بیکجا بهم یابد دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم بیند دلیل که دختری بزرگی خواهد و گویند که زر بخواب مردی باشد دروغ زن و اگر بیند که پیش زرگری نشست و با وی معاملت میکرد دلیل که او را با دروغ گوئی سر و کاری افتد زردآلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زردآلو بوقت خود چون شیرین بود و بیرون وقت زردآلوئی که خورده باشد دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زردآلو ترش بود دلیل بیماری و غم بود و بعضی معبران گویند که زردآلو بخواب دیدن کسبی بود یا مال کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که استخوان بشکست و تلخ بود دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زردآلو بوقت بیماری بود و بیوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زردیها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زردیها در خواب دیدن بیماری بود و از میوه ها خورد و جامها زرشک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرشک در خواب غم و اندوه بود و خوردن آن همچنین و اگر بیند که زرشک از درخت جمع میکرد دلیل که او را با مردی بخیل خصومت افتد زرنیخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که زرنیخ میخورد دلیل بر بیماری و هلاک بود و اگر بیند که زرنیخ فروخت یا کسی داد دلیل که از بیماری ایمن گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زرنیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آرد و به بیماری بگذرد و اگر بیند که زرنیخ در جای جمع کرد دلیل که در سفر بیمار گردد زره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زره پوشیده بود دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر

بیند که زره ضایع شد دلیل که دشمن بر وی چیره گردد و اگر بیند که کسی زرهی بوی داد و او پوشید دلیل که با او قهر کند یا بقهر کردن
دشمن با وی یار گردد و مدد و نصرت وی خواهد و بعضی معبران گویند که زره حصن وین است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که زره داشت دلیل که او را و اهل بیت او را ایمنی بود از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و منافق
ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن بر شش وجه بود یکی ایمنی از دشمن دوم حصن وین سوم قوت چهارم
مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره گر در خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر بیند که زعفران بر تن و جامهٔ او بود دلیل که بیمار شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته بود که بوی داد دلیل که زنی توانگر خواهد و اگر بیند که زعفران بخرد و ار داشت
و میخورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زغن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زغن در خواب دلیل بر پادشاه آموز صنع
کند اگر بیند که زغن مطیع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آبستن بیند دلیل که پسری آورد
که مقرب پادشاه گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زغن از دست بپرید اگر زنش آبستن بود دلیل که فرزند مرده آورد
یا از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زغن در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگواری سیوم فرزند
چهارم مال زفت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زفت در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زفت داشت یا کسی بوی داد
دلیل که برنج و اندوه گرفتار آید و اگر بیند که زفت میخورد دلیل که غم و اندیشهٔ او را از بهر عیال باشد و اگر بیند که زفت را بفروخت یا بکسی داد
یا از خانه بیرون فکند دلیل که از غم و اندوه رستگاری یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زفت در جراحت نهاد و درست شد
دلیل که از کسی خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامهٔ وی بزفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که او را از آن زشتی و بدنامی
حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که زکوة فطر میداد
دلیل که نماز و روزه و تسبیح زیاده کند و رستگاری یابد و اگر وام دار و گنهکار بود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنی دارد بر وی
ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود بقول حضرت رسول صلی
الله علیه و سلم حَصِّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكٰوةِ یعنی حصن سازید خود را بزکوة مال دادن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
زکوة مال میداد دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا اٰتَیْتُمْ مِّنْ زَكٰوةٍ تُرِیْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر هشت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت
سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن زنگار
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسی بستد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند
و اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک افروخت دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی فایده یابد کرمانی رحمة الله علیه
گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر بیند که جامه یا اندامش بزنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد الله اعلم

که زکام میخورد دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد **زکام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
او را علت زکام بود دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را
زکام بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و زود صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
خشم گرفتن سیوم منفعت یافتن **زلابیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلابیه در خواب دلیل بر گشایش و بیرون آمدن از اندوه
و یافتن مال بسیار و شادی بود و اگر بیند که زلابیه داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بیند که اندک زلابیه بوی داد و یا او
دهان وی نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زلابیه زعفران می خورد دلیل که بقدر آن مال یابد
و اگر بیند که با زعفران میخورد دلیل بیماری بود **زلزله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین همی جنبید دلیل که مردم آن دیار
را از پادشاه رنج و ملامت رسد بقدر جنبیدن زمین و معبران گویند که آفت بمردم رسد و ویران و یا بیماری افتد و اگر بیند
که زمین برگردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن دیار فتنه و بلا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید و یک نیمه فرو شد
دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زلزله در خواب و خسف زمین فرو شدن
محنت و بلائی عظیم از قبل پادشاه بود قوله تعالی فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ بهمه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت و ملامت
بود با اهل آن دیار **زمرد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمرد در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمرد داشت
یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که ازو منفعت یابد و اگر بیند که زمردی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مال او
تلف شود کرمانی رحمة الله علیه گوید زمرد در خواب دیدن دلیل بر مذهب و دین پاک بود و هر زیادت و نقصان که در زمرد بود دلیل
آن بمذهب پاک او باز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید زمرد بخواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمرد در خواب
بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کنیزک پنجم غلام نیکو و هر چند که زمرد نیکوتر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر بود
زمستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمستان در خواب پادشاه بود اگر بخواب بیند که زمستان بود چنانکه مردم از آن مضرت رسید
دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که زمستان بود و هوا سرد بود و کسی را مضرت نمیرسید و کسی از زیانی نمی‌ترسید دلیل که
مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت یابند و زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل نصرت و ظفر باشد **زمین** دانیال علیه السلام گوید
زمین در خواب زن بود و اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ و خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بستر و صلاح چنانکه میان اقران
او بفضل و منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین و اگر بیند که در آن زمین سبزه و نبات مجهول بود و داند که از آن او است دلیل که آنکس دیندار و
مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات بود و جائی معروف بود دلیل که
او بفضل و دیانت باشد و اگر در زمین بنائی نهاد و عمارتی کرد دلیل که او بفضل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت یابد
و اگر بیند که او را در میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میکند و میخورد دلیل
که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاکی در آنجا بود و در آنجا ناپدید شد دلیل که بمیرد

کرد زمین

زمین را مانند چاه و سردابه میکند دلیل که ورا بند ه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در زمینی فراخ بود و بزمینی
تنگ شد و میرفت در انجا دلیل که در آنجا از کاری نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زمین با وی
سخن گفت و بخیر و صلاح اورا مژده داد دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین او بر او فراخ
و بزرگ شد دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیمود دلیل که بسفر رود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که زمین از بهر کشت میشکافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکرد
دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بیند تاویلش بخلاف این بود و اورا با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته
بیند دلیل که اورا با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح در آورد و اگر بیند که آبی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تباه کرد دلیل که از
پادشاهی ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت
زنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل اینجهانی و نیز دیدن زنان در خواب بقدر خوبی
و جمال و فربهی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف باشد و زن فربه و معروف فراخی روزی بود و زن زشت
و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شادمان و آراسته مراد اینجهانی بود و پیره زن چرکین دلیل بر نامرادی و بدحالی بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان
بیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بیند که قضیب داشت و مجامعت کرد دلیل که حرمت و بزرگی او
کم شود و اگر بیند که زنی جامه مردانه پوشیده بود اگر آن زن مستور بود دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی رحمة الله
علیه گوید بهترین زنان در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر
بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیند که زن وی بفسا و نزدیک بیگانه رفت دلیل که بسیری
آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل
اینجهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط ششم توانگری زنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زناری در دست داشت دلیل که
در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان بسته بود و اگر بیند مستور نبود دلیل که کافر شود و اگر بیند مستور بود انصاف خصم ستاند
و اگر بیند که زنار برید و بیرون انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدا تعالی بازگردد و راه صلاح اختیار کند زنبور ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زنبور در خواب مردی دون و سفله بود اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از مردی دون او را رنجی رسد و اگر بیند که زنبور بسیار بر وی گرد
جمع شدند دلیل که میان مردم دون گرفتار گردد خاصه چون زنبور او را گزند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنبور گزید دلیل که او را با زنان
دون و سخن چین کار افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که از هوا زنبوران بسیار بیقیاس گرد آمده
بودند دلیل که مردان و یار لشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنبور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مردم دون
سیوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان زنبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبیل در خواب خادمی بود یا کنیزک و اگر بیند

که زنبیلی داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل مال و نعمت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل در خواب
بر هشت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت
زنجبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن مضرت و زیان و بعضی معبران گویند
زنجبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن زنجبیل در خواب دلیل بی نفعی بود زنجیر ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود اگر بیند که زنجیر بشکست و بیند آن دلیل از گناه توبه کند و بخدای تعالی بازگردد مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نپرهیزد و اگر بیند که زنجیر در پا نهاد
داشت دلیل که در خانهای مردم معصیت کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گناهکار بود زنخ در خواب مهتر خانه
بود و خداوند عقل بسیار اگر بیند که زنخ او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی با زنخ
بر زنخ او میزند دلیل که مهتر خاندان با وی سخن گوید که از آن رنجور شود و اگر بیند که از زنخ وی خون بیرون شد دلیل که ابتدا از آن
از مهتران خاندان او را زیان رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد زندان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک او بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که
زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که دارد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیننده خواب مستور نباشد
از شغلهای دینی وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مردی با پای بند بیرون رفت دلیل که کار بسته او بگشاید جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعالی قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ
إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ و چون زندان مجهول بود گور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهتر یوسف علیه السلام فرمود
السِّجْنُ قَبْرُ الْأَحْيَاءِ وَمَنْزِلُ الْبَلْوَى وَتَجْرِبَةُ الْأَصْدِقَاءِ وَشَمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ یعنی زندان بخواب گور زندگانست
و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست و اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آمد
دلیل که مراد تمام بیابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زندان در خواب گور بود زنگله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگله در خواب
جنگ و خصومت بود و اگر بیند که زنگله داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر بیند که آن زنگله زرین یا سیمین بوی داد دلیل که با توانگری
خصومت کند و اگر بیند که زنگله سیمین بود یا برنجین دلیل که وی را با کسی عام خصومت افتد زنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در زنار نگریست و پنداشت که هرگز مومن نبود دلیل که کار بر وی بسته شود و اگر بیند که بر زنار روی بر بحی بود یا دردی دلیل
که بقدر رنج او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنار در خواب بر دو وجه بود یکی زن دوم مال و هر زیادت
و نقصان که در زنار بود تاویل آن به زن و مال بازگردد زهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهر در خواب خوردن مال حرام بود
یا خون بباطل و ناحق ریزد و اگر بیند که از خوردن زهر تن وی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که تن وی زهرآلوده بود دلیل که در کاری که بود سخت حریص بود و بعضی از معبران گویند که سخنی گوید بدان اقرار

واگر بیند که تن او را از زهر گزندی رسید یا آماس داشت دلیل که بقدر آماس او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورد دلیل که از کسی خشم فرو
خورد زهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد و اگر بیند که زهرهٔ چارپائی میخورد دلیل که
بدخوی و خشمناک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی بزهرهٔ مردمان آلوده گشت دلیل که آزار مردمان جوید و اگر بیند که
تن وی بزهرهٔ چارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام بپوشد و اگر بیند که تن وی بزهره دادن آلوده گشت دلیل که صحبت
با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود زوبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زوبین در دست داشت
و چیزی دیگر غیر زوبین با وی نبود دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که با زوبین سلاحهای دیگر داشت دلیل که از پادشاه
او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زوبین انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید
و اگر بیند که بزوبین کسی را مجروح گردانید دلیل که بر کسی بهتان نهد زیتون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیتون
در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد و اگر بیند که روغن زیت می مالید و میخورد دلیل
که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد دلیل که او را منفعتی
حاصل شود زیره باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر
و منفعت باشد و چون میل بترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از معبران
گویند که خوردن زیره باج در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون
گسترده باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل
بر نقصان عمر کند و اگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود
و اگر زیلو بدست خود پیچید و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت خود را تباه کند و اگر بیند که زیلو بر پشت نهاد دلیل که
امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و بکسی دیگر داد دلیل که عمرش باخر رسیده باشد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که زیلوئی کهنه و دریده بود
دلیل که عیش بر وی دشوار شود و اگر بیند که زیلوئی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه در دست دارد از دستش برود و اگر
بیند که زیلوی نو بدو دادند و در خانه بگسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش
ششم گناه زیره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بیند دلیل منفعت دین و دنیای وی باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین اگر
چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد

و اگر بیند که زنی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزکی بخرد یا زنی بخواهد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر
بیند که زین وی بشکست دلیل که زن بمیرد یا بیمار شود و اگر بیند که زین وی نو و سیم آراسته بود دلیل که زنش خویشتن بین
و متکبر بود و اگر بیند که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زین گر در خواب زن دلاله بود
و دلالی کار او بود والله اعلم بالصواب حرف السین ۞ سار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب
بیند که سار می داشت دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مسافر
او را صحبت افتد و اگر بیند که گوشت سار میخورد دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن
سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمع شدند دلیل که میان کافران گرفتار شود
ساطور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی شجاع و دلیر بود اگر بخواب بیند که ساطور داشت دلیل که با چنین
مردی او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که ساطور بشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد
مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب وی آسان گردد خاصه که ساطور بزرگ بود
ساعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست درست و انباز معتمد بود اگر بیند که ساعد دستش قوی بود دلیل که او را از انباز
و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ساعد وی بشکست دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر ساعد دست وی موی بسیار بود دلیل که دوستان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از ساعد خود بسترد
دلیل که وامش گذارده شود ساق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال و معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معبران
گویند که ساق مردم را عز و جاه باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود دلیل که
حال کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش آهنین یا روئین بود دلیل که عمرش دراز شود و مالش
باقی بماند و اگر بیند که ساق وی بشکست دلیل که بر تن او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن ساق در خواب مردان از زن بود
و زنان از شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید دلیل هم هلاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود دلیل که وام دار گردد
و اگر بیند که موی از ساق بسترد دلیل که وامش گذارده شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ساق در خواب بر چهار وجه
بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان از زن و زنان از شوی سایه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب بزرگی
و هیبت بود و سایه پادشاه در تاویل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر دلیل بر فساد کند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی زیر سایه نشسته بود دلیل که مرگش نزدیک بود قوله تعالی اَلَمْ تَرَ اِلٰی رَبِّکَ کَیْفَ
مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاکِنًا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر پنج وجه بود یکی
دوم سیاست سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرومایه
بود و اگر بیند که زیر سایه بان نشسته بود دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بروی افتاد و او را گزندی رسید

دلیل

دلیل که پادشاه بر وی خشم گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سایبان پشمین یا کرباس بود و لون آن سبز یا سپید بود دلیل که خدمت
پادشاه ظالم کند سپر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه او را پناه بود و اگر بیند که با
سلاح دیگر بود دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران را از شر نگاه دارد و اگر بیند که سپر بر زمین نهاد دلیل که او را با مردی جاهل صحبت افتد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم یار سیوم قوت چهارم پسر پنجم امین ششم پشت
و پناه بقدر بزرگی سپر سپرز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپرز در خواب دیدن مال شادی بود و اگر بیند که سپرز گاو داشت دلیل که
او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند که سپرز داشت دلیل که ویرا از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند که سپرز چهارپای [illegible] داشت
دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپرز ددان داشت دلیل که بقدر آن مال از زیر بیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن سپرزهای مجموع در خواب مال بود و سپرز جانوری که گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام
بود سبزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بیند که زمینی داشت
و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح و پاکی دینی وی بود و اگر بیند که در آن زمین گیاه مجهول بود و آن گیاه را نشناخت و تعجب همی کرد و ندانست
و ندانست که در آن زمین ملک وی است یا نه دلیل بر دین و دیانت بیننده کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروف بود دلیل بر فراخی
نعمت و مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب چون بوقت بیند دلیل زهد و ورع بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه زار
در خواب نیک بود و اگر بیند که در سبزه زار مقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سبزه زار مقیم بود دلیل بر عاقبت
ثواب آن مرده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سبزه زار پاکیزه و خرم بیند و داند که ملک وی است دلیل بر دین پاک و ورع و دیانت
او باشد و اگر سبزه زار زرد و پژمرده بیند تأویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سبزه زاری بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت
او با مردمان پارسا و با دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل که صحبت او با مردان مفسد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبزه
در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم پرهیزگاری سبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که چشمهای وی سبل داشت چنانکه نمیتوانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای ازرق بود دلیل
وران بود دلیل که در راه بدعت بماند و اگر چشمهای شهلا دارد و سبل وران بود دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر بیند که سبل از چشم وی برگشت
دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که بسلامت در وطن خود باز رسد سبو
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبو در خواب مرد منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سبو در خواب
کنیزک یا خادم بود و اگر بیند که سبوئی نو فرا گرفت یا بخرید دلیل که کنیزک بخرد یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که سبو ضایع شد یا بشکست
دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بیند که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که سبو از آب صافی پر بود
دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبو در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مرد منافق دوم زن سیوم
خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین سبوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر بخواب بیند [illegible]

این سبوس میخورد دلیل که در آید یا قحط و تنگی افتد و اگر بیند که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل بر نعمت و فراخی بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید سبوس در خواب بر سه وجه بود یکی نیاز مندی دوم قحط سیوم تنگی معیشت سپیداب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپیداب
بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که سپیداب داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر
که سپیداب بر وی داشت دلیل که بقدر او ز متاع دنیا حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سپیدروی خدمتگار بود و بعضی از معبران
گویند که کدخدائی خانه بود و نیک و بد آن بکدخدای خانه باز گردد سپید مهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سپید مهره
بدید دلیل که راز نهان وی ظاهر گردد و اگر بیند که سپید مهره نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آن کار نداند مغربی رحمة الله علیه گوید
سپید مهره در خواب دیدن مرد را از رنج و سختی بود و از ناز رسوائی و ظاهر شدن راز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپید مهره در
خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر مکروه دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی ستارگان دانیال علیه السلام
گوید ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود اگر زحل را بخواب بیند دلیل که او را با مردم
دهاقین شغل افتد و او را مال و نعمت ازو حاصل آید و اگر مشتری را بخواب بیند دلیل که او را با مهتری پارسا و مصلح نیک خواه کار افتد
و اگر مریخ را بخواب بیند تاویل آن بر زنان خوبروی محتشم و خادمان پیوندد و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد را بخواب بیند
دلیل که او را با مردم حکیم متکلم پیوستگی افتد و ازو فایده یابد و اگر بیند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت یابد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ستارگان ناسزا چون عیوق و عقیق و سهیل و کلیل که بعضی از مشرکان می پرستیدند اگر یکی از ایشان
بخواب بیند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که ستارهٔ روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل عالمی نامدار از دنیا برود قوله تعالی
وَعَلٰمٰتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُوْنَ اگر بیند که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بیند که ستاره بدست
گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانهٔ خود ستاره بیند دلیل که او را فرزندان بسیار شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع شدند
دلیل که حالش نیک شود و اگر بیند که ستارگان از خانهٔ وی برآمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بیند که ستارگان
مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت وادگر باشد و اگر خلاف این
بیند دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بیند که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بیند که ستارگان
در آستین خود نهاد دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شد و در کنار
وی افتاد دلیل که وی را فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بیند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش زیاده شود
و اگر بیند که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید ستارگان که مردم در بیابان بدان ره
می برند در خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آنرا می پرستند دلیل بر شر و مضرت بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا پنجم وزرا ششم دبیران هفتم خزانه دار هشتم مردان

جنگی

جنگجوی نهم شاگردان **حکایت** آورده‌اند در بغداد مردی بخواب دید که ستاره روشن بر زمین افتاد معبران گفتند که عالمی بمیرد
دران هفته امام اعظم رح از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر
بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خانه وی بیفتاد و یا بشکست
دلیل بر هلاک او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون خانه بیفتاد و یا بشکست دلیل که خداوند
خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون
در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرد سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کارها پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود قوله تعالی
وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى خاصه چون بیند که در مسجدی معتکف شد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سجاده پشمین یا پنبه داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که سجاده وی ابریشمین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود **سجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باری سبحانه
و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادی که دارد بر نیاید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مهتری را سجده کرد دلیل که او را از سلطان رحمت رسد قوله تعالی فَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ
اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ وَلَا يَضُرُّكُمْ **سختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ترازو در دست داشت و چیزی می سنجید
دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست می سنجید دلیل که حکم براستی کند قوله تعالی وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ
اگر بیند که راست سنجید اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید راست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن و اگر
کج سنجید تاویلش بخلاف این بود **سخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سخن گفتن در خواب و شنیدن تاویل بر زبانها مختلف
بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهتران عز و جاه یابد و اخبار حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهتران او در صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عجمی سخن
گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی اصل و دون همت وی را کار افتد
و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دباغین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که بشغل
مکروه مشغول شود و اگر بزبان سقلابی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او در شغلی افتد و اگر بزبان یونانی سخن
گفت یا شنید دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت والی غم و اندوه
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و شنود اگر خواب خیر و صلاح بود تاویل آن خیر و

باشد و اگر سر و قفا گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که بر اندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خویشتن گواهی
راست دهد قوله تعالی یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٥
و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد باشد **سراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سراب در خواب خصومت و داوری
بود و اگر بیند که سراب داشت با کسی بوی واد دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که سراب میخورد همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سراب زرد شده بود و میخورد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب بکسی واد یا از خانه بیرون افگند دلیل که از جنگ و خصومت خلاصی یابد
و در دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد **سر** دانیال علیه السلام گوید سر بخواب دیدن مهتر قوم بود و اگر بیند که سر بریده است دلیل
که مهتر او را دوست دارد و وازده ی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بزخم تیغ سرش از تن جدا کردند اگر وام دار باشد دلیل که وامش گذارده
شود و از غم فرج یابد و اگر این خواب بنده بیند دلیل که آزاد گردد و اگر رنجور بیند شفا یابد و اگر مهتری بیند ولایت یابد و اگر آزاد بیند دلیل که رنجی
خواهد اما توانگر باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی سرهائی بریده بسیار بیند دلیل که مهتران آنجا بسیار جمع شوند و اگر بیند که از آن سرها
یا پوست یا مغز یا پیه و بشت دلیل که از آن مهتران مال یابد و اگر بیند که پوست سرها میخورد دلیل که از مهتران و رئیسان مال حاصل کند و اگر بیند
که پوست سرها مردم میخورد دلیل که مهتری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر مردی معروف میخورد دلیل که سرمایه خود را بخورد و اگر بیند که سر چهارپا
یائی وحشی میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر مردی مجهول میخورد دلیل که سرمایه کسی بخورد و اگر بیند که سر مرغی میخورد دلیل که بقدر آن مال از پادشاه
بخورد و اگر بیند که مردی سری یا سرها پیش او آورد دلیل که سروران گرد گردد و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر در خواب سر زنی بیند دلیل که از زنان
توانگر راحت یابد و اگر بیند که سر گوسپندی میخورد دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر گاوی میخورد دلیل که انسان را مال و
نعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بیند دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را دو سر بود دلیل که کارش قوی گردد
و اگر سر خود برهنه بیند دلیل که از مشغله وار دهد بیفتد و غمگین شود و اگر بر سر خود جراحتی بیند که از آن خون می آید دلیل که با کسی داوری افتد
و اگر بیند که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد دلیل که سرمایه از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نهاد دلیل که مایه باز بدست
آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود دلیل که کارهای خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی مهتر گردد
و فرمان روا گردد و اگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت دلیل که نیکوکار باشد و در کارها انصاف نگاه دارد و اگر سخن بد گفت تاویلش بخلاف این بود
و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست داشت و یک نیمه در دست چپ داشت دلیل که مادر و پدر وی بمیرند و اگر بیند که
سر خود بدست خود داشت دلیل که از مهتری خیر و منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پیل شد دلیل که ولایت یابد
و اگر بیند که سر وی چون سر اشتر شد دلیل که بفساد و حرام گراید و اگر بیند که سر وی چون سر اسپ شد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که سر
وی چون سر خر شد دلیل که از بخت خود کامگاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد دلیل که بنزد خلق خوار گردد و اگر بیند که سر وی
چون سر گوسپند شد دلیل که جهل بر وی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شیر بیند دلیل که فرمان روائی یابد و دشمن را قهر کند و اگر سر خود
چون سر سگ بیند دلیل که ذل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شد مسلش بکفر باشد نعوذ بالله منها و اگر بیند که سر وی آبگینه شد

دلیل بر هلاک وی بود و اگر بیند که سر او زرین یا سیمین شد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر او آهنین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهتری سفله
کند و اگر بیند که سر او چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن
کند و اگر بیند که سر وی چون سر مرغان شد دلیل که بسفر رود و اگر بیند که سر خود بریده داشت دلیل که او را بردار کنند و اگر بیند که سرش
از تن جدا کردند و باز بر جای نهادند و درست شد دلیل که عاقبت درجهٔ شهدا یابد و اگر بیند که سری داشت و در نشان آبستن بود دلیل
که او را پسری آید و اگر زنی خود را سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر بریان
بخرید یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که از مهتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان بتاویل رئیسی یا مهتری کردن
باشد و اگر بیند که سر خام میخورد دلیل که مهتری را غیبت کند و سر پخته بهتر از خام بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید سر مردم بخواب
بود یا مهتر یا پسر و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوندد و اگر
سر خود را باز بگردن خود بست دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا وام کند و اگر بیند که سرها بریده در پیش داشت و رقص میکرد
دلیل که مهتران را غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر سر پادشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس دوم مهتر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم
نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بخواب بیند که سر بزرگ کرد و جامهٔ پاک پوشیده بود دلیل که او را با مهتران صحبت
افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشید دلیل که از مهتری غم و اندوه یابد و اگر بیند که سر را در تنور نهاد دلیل که از مهتران و خادم کار شکست

سراب تاویلش سخن باطل باشد و علمی که در و منفعت نبود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سراب مقیم شد دلیل
که بعلم باطل و سخنی که در و خیر نباشد مشغول گردد و اگر بیند که از زمین سراب میخورد دلیل که از علم باطل نان بهیچ کند سراپرده ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خود را در سراپرده بیند و داند که ملک او بود دلیل که بزرگی و منزلت یابد و یا شد که مهتر لشکر شود و اگر بیند
که در سراپردهٔ پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه حرمت و جاه یابد و اگر بیند که سراپردهٔ پادشاه بیفتاد دلیل که زوال ملکت وی بود
و اگر بیند که سراپردهٔ پادشاه بسوخت دلیل که پادشاه بمیرد و اگر بیند که پادشاه او را از سراپرده بیرون آوردند دلیل که پادشاهی
و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت
چهارم دولت پنجم سرهنگی سرای دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در سرای بیگانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مردگان دید
دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر بیند که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود و لیکن
شفا یابد و اگر بیند که بسرای معروف شد و بنیادش از گل بود دلیل که روزی حلال یابد و اگر بیند که بنیادش از گچ و آجر بود دلیل که مال
حرام یابد و اگر بیند که آن سرای بزرگ و فراخ بود دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود تاویلش بخلاف این بود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرای خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر بیند که سرای کهنه را میکند دلیل که در
خیرات بر وی گشاده شود و اگر بیند که سرای نو یا کهنه بود دلیل بر تندرستی و عمر دراز او و پدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرای نو

و پاکیزه در شد و دانست که ملک وی است دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و عز و جاه یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای
در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد را زن و زن را شوی دوم توانگری سیوم ایمنی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و عزت
سرب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی دون او را حاصل شود و اگر بیند که سرب
میگداخت دلیل که به بدی در زبان مردم افتد سرخی جامه بدانکه در جامه مردان سرخی کراهیت بود و رنج و اندیشه و در زنان خیر و خرمی
و اگر مردی بیند که همه جامه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند لقد سرخی جامه سرخچه
در خواب دیدن دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بیند که بر تن وی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که سرخچه
از تن او ناپدید شد تاویلش بخلاف این باشد سرفه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرفیدن در خواب بر پنج وجه بود یکی سرفه تر دوم
سرفه خشک سیوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآرد پنجم سرفه که صفرا برآرد و اگر بخواب بیند که بگاه سرفیدن بلغم برآورد دلیل که
پیش کسی شکایت کند از بلائی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت
وی از محال و بیهوده بود و اگر بیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر بیند که سرفه خون داشت دلیل که
شکایت وی از فرزندان بود و اگر بیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بیند که مهتری می سرفید
دلیل که غمخوار دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بیند که سرفه در گلوی او بماند
دلیل که وقت مرگش باشد اگر بیند که او را سرفه بیرون پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که می سرفید دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد سرکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه در خواب
مال حلال بود با برکت و خوردنش بتاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام فرمود نعم الادام الخل
و بعضی معبران گفته اند که سرکه ترش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی خصومت طلب بود سرگین ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سرگین اسپ و گاو در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که سرگین بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود
و اگر بیند که سرگین مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که در آب خانه سرگین می انداخت دلیل که مکروهی بوی رسد و نقصان
مال وی بود و اگر بیند که در بستر پلیدی بکرد دلیل که از مال خود بعضی بعیال دهد و اگر بیند که سرگین بکند و آن سرگین را بخاک بپوشید
دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرگین مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که بجایگاهی
مجهول سرگین افکند دلیل که مال خود بجائی خرج کند و اگر بیند که تن خود را بسرگین بیالود دلیل که در گناه افتد و اگر بیند که اسهال
پیدا شد دلیل که مال باسراف خرج کند دانیال علیه السلام گوید سرگین مردم مال حرام بود و سرگین چهارپایان مال حلال بود
و سرگین ددان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید هر پلیدی که از مردم جدا شود دلیل زیان باشد و اگر بیند که
میان پلیدی همی رفت و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند که پای بر پلیدی نهاد و بیفتاد و جامه و اندامش
آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرگین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم گشایش

سیوم

سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم سرگین گردان یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که جعل بگرفت دلیل که با مردی حرام خوار صحبت افتد و اگر بیند که جعل را بکشت دلیل که مردی حرام خوار بکشد و اگر بیند که جعل بخورد دلیل
که مال حرام خوار بخورد سرما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرما در خواب رنج و مضرت بود و اگر بیند که سرما بیافت دلیل که بقدر سرما او را رنج
و تنگدستی او را بود و اگر بیند که سرما او را مضرت رسانید دلیل که از خویشان او را مضرت رسد سرمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب
مال بود و اگر بیند که سرمه در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که سرمه کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
سرمه در خواب مال و جاه بود مرد و زن را و بعضی معبران گویند که سرمه در خواب یافتن راه حق و صواب بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید سرمه فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سرمه روشنائی باشد سرمه دان ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته با خدای تعالی باشد و مردان را به راه دین خواند اگر بیند که سرمه دان
وی بشکست دلیل که زن وی بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زن دین دار بود و اگر بیند که سرمه دان وی ضایع
شد دلیل که از صحبت وی جدا شود و اگر بیند که سرمه دانی بخرید دلیل که کنیزک و یا بنده بخرد سرنج کرمانی رحمة الله علیه گوید سرنج در خواب
غم و اندوه بود و اگر بیند که سرنج داشت یا کسی بوی داد دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که سرنج میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند
که سرنج بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته گردد سرود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرود در خواب دلیل سخن باطل و مصیبت
بود و اگر بیند که سرود با نواهای دیگر چون دف و چنگ و نای میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر بود و اگر بیند که سرود می شنید
دلیل که سخن باطل شنود کرمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سرود میگفت اگر در بازار بود دلیل که توانگر از رسوائی باشد
و درویش را غم بود معبران گویند سرود گفتن در خواب یا شنیدن بر شش وجه بود یکی کلام باطل دوم غم و اندوه سیوم مصیبت
چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم و حکمت سرونها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرونها بخواب دیدن همه نیک باشد اگر
از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بیند و اگر سرون گاو ماده بیند دلیل که در آن سال او را منفعت بسیار بود و اگر بزرگتر باشد
حاصل بیشتر باشد و اگر بیند که سرونی در هوا معلق آویخته بود دلیل که مردم آن دیار را خیر و منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که بر سر خود دو سرون داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد و اگر بر سر خود سرونهای بسیار بیند دلیل که بر غم و اندوه
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر سرون داشت دلیل که صلاح در کارش باز پدید آید و عمر در خرمی بگذارد و اگر بیند که مردم
بدان سرون میزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرونهای چهار پایان وحشی دلیل بر خیر و منفعت
بود و سرون چهارپایان شهری دلیل بر خلاف این بود سریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سریش در خواب دلیل بر غم و اندوه
بود و خوردن آن مضرت و نقصان باشد و اگر بیند که بسریش چیزی می چسپانید دلیل که کاری کند که با صلاح آورد سریشم
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سریشم داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن وی را راحت رسد و اگر بیند که سریشم میخورد
دلیل که بسبب عیال کاری کند که محکم و استوار باشد سرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرین در خواب دیدن یکی از خویشان

سرین — سطل — سعتر — سفر — سفره — سفوف — سقا — سقنقور — سقمونیا — سگ

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پسر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که
فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی بشکست دلیل که
فرزندش بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سوم باغ چهارم یکی از
خویشان سطل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدمتگار بود و اگر بیند که سطلی نو بخرید دلیل که کنیزک بخرد و اگر
بیند که سطل وی سوراخ شد دلیل که عیبی بر کنیزک ظاهر شود سعتر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سعتر در خواب غم و اندوه بود و
خوردن آن خصومت و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سعتر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این
بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که کجا رفت دلیل که از عیال خود دور گردد یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بوداع
قومی میرفت یا گروهی بوداع او می آمدند دلیل که مدتی حال و کار بر وی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که با برگ و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود سفره
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که کنیزک نشت روی بود و اگر بیند که سفره
بر نان و نعمت بود دلیل که از آن کنیزک منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت بسیار باشد
و اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کنیزکش بمیرد
یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کنیزک دوم خدمتکار
سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقا
مردی بود که بر دست وی خیرات بود خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طمع میداد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که سقائی میکرد بی طمع دلیل که بکار آخرت راغب باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و بکسی نداد دلیل که مال
جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر بیند که آب بخانه کسان میبرد دلیل که بجهت کسان مال جمع کند و از آن
متمتع نباشد سقنقور ماهی ایست که در میان ریگ پیدا شد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سقنقور
داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما در دین ضعیف بود و معبران گویند که ماهی
در خواب مکروه باشد سقمونیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقمونیا در خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود
و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقمونیا مضرت یافت
دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرومایه بود و مهربان باشد
و سگ سیاه دشمنی از عرب بود و سگ سفید دشمنی از عجم باشد و اگر بیند که سگی او را بگزید دلیل که از دشمن گزند یابد

واگر بیند که جامهٔ او باب دهن سگ آلوده شد دلیل که از دشمن بسخن خسته گردد واگر بیند که سگ جامهٔ او بدرید دلیل که در مال نقصان
آید واگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که دشمنی را دفع کند واگر بیند که نان بسگ داد دلیل که روزی بروی فراخ شود واگر بیند که سگی
با وی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند واگر بیند که سگ بروی تکبیر کرد دلیل که بر دشمنی فرومایه اعتماد کند واگر بیند که شیر سگ میخورد
دلیل که ترسی و بیمی بوی رسد واگر بیند که سگ از وی میگریخت دلیل که دشمنی بر حذر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در
خانهٔ وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه بزنی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند
که بسگ شکاری شکار میکرد دلیل که او را از دشمن که دعوی دانش کند خیری بدو رسد واگر بیند که گوشت سگ شکاری میخورد دلیل
که میراث یابد واگر بیند که سگ شکاری از وی برگشت دلیل که از دشمن با منفعت جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرد غماز سکبا ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سکبا اگر بگوشت گوسپند و حوایج نیکو پخته بود دلیل بر عیش خوش و عز و جاه بود واگر بگوشت گاو پخته بود دلیل بر یافتن مال و خواسته
بود واگر بگوشت مرغ پخته بود دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکوره
نو بدو دادند دلیل که سخنی لطیف بشنود واگر بیند که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل شنود و بعضی از معبران گویند
که سکوره در خواب کنیزک بود واگر بیند که سکورهٔ نو خرید دلیل که کنیزک نو می خرد واگر بیند که سکوره بشکست دلیل که کنیزک او هلاک شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم
سخن خوش نهم میراث از جهت زنان سکنجبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکنجبین در خواب چون شیرین بود دلیل بر مال و روزی حلال
که آسان بدست آید واگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سکنجبین خورد واگر شیرین بود دلیل که شفا
یابد واگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز گردد سلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بیگانه بود
دلیل که عوام زبان بروی دراز کنند و لیکن بگروهی بوی نرسد واگر بیند که گروهی آشنا بودند دلیل بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را
با تیر و کمان بیند دلیل که بزرگی یابد واگر بیند که از آن آلتها که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود
واگر بیند که با کسی جنگ میکرد دلیل که در جنگ خصومت افتد واگر بیند که کسی او را بود دلیل که آنکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد واگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال جمع
شود واگر بیند که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از آنکس مال و نعمت رسد واگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را آنکس
سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد واگر بیند که سر یکی ببرید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش
وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و سلاح گر در خواب پادشاه بزرگ دار گر بود [illegible]
سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بیند واگر
بیند که دشمنی بروی سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود واگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی

با وی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که از عذاب حقتعالی ایمن گردد و اگر بیند که پیری آشنا
بروی سلام کرد دلیل که زنی خوب بروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان
ایشان جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام
بجانب چپ داد دلیل که کارش شوریده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی دوم شادی
سوم اقبال چهارم منفعت **سلطان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سرای یا در مسجدی یا در شهری یا در دهی
شد دلیل که رنجی و مصیبتی بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها اگر بیند که در جنگ با سلطان
غلبه کرد دلیل آنکه حاجتی که دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست راستش ببرید دلیل که سوگندش بشکند و اگر بیند که
سلطان از تخت بیفتاد یا تخت بشکست یا اسپ او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا کاوی سرون بروی زد و او را مجروح گردانید
دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان را گر بیند دلیل بر شرف و بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند و اگر بیند که سلطان بساط
بزرگ بگسترد دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کار خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جاهش
زیادت گردد و اگر سلطان مرده را گشاده روی و خرم بیند و با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده گردد
سماروغ گیاهیست که او را کماءغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر با داهش سماروغ بیند دلیل بر مال و نعمت
بود که از زنی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سماروغ بزرگ بود دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید **سماق**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سماق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سماق خورد دلیل که با کسی گفتگو کند در خوردن
سماق هیچ خیر نبود **سمانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب بیند که سمانه بگرفت یا کسی بوی داد
دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بیند که سمانه در دست وی بپرید فرزند و غلامش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب
مال و روزی حلال بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ و اگر بیند که گوشت سمانه بخورد دلیل که روزی حلال یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال **سمور**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کافر ظالم و راهزن بود و اگر بیند که با سمور نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت
کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی
غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سمور را بکشت و گوشت او بر زمین افتاد
دلیل که مال مردی غریب تلف کند **سنان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفکند دلیل که خصم را
بحجت غلبه کند و بر وی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سنان پولاد درفشنده داشت اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند اگر
بیند که سنانش زنگ گرفته بود دلیل که نفعش اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی حجت

سلام
سلطان
سماروغ
سماق
سمانه
سمور
سنان

دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمتشان سنب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنب در خواب فرزند
بود واگر بیند که سنبی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید واگر بیند که سنبی داشت واز وضایع شد دلیل که فرزندش غایب شود
یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سنب حر در خواب مال بود واگر بیند که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
واگر بیند که بر پای او سنب بود دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد واگر بیند که سنب بیفتاد تاویلش بخلاف این بود سنبل ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سنبل داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند واگر بیند که سنبل خشک داشت تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی آیدش که در آخر بار شهره
گردد واگر بیند که سنبل بر آتش میسوخت دلیل بر نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب
و توانگر و ناآمیزنده بود و پوست و موی و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال غریبی بود واگر بیند که سنجاب را کشت
و گوشت او بخورد و بیفکند و پوست او پاره کرد دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا بغصب بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سنجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری ببرد سنجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجد
در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آرد واگر بیند که سنجد خرید یا کسی بوی داد دلیل که مال بسیار حاصل کند واگر بیند که سنجد
میخورد دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی مال برنج دوم مال بیرنج سیوم
منفعت از مردم بدخوی سندان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود واگر بیند که سندان فراگرفت
یا کسی بوی داد و دانست که ملک او است دلیل که از رئیسی خیر و منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل
با مهتری صحبت افتد واز وی راحت یابد واگر بیند که سندانی بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم منفعت سیوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال کارها
سنگها کرمانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر باشد
واگر بیند که سنگی سپید بگرفت دلیل که با مهتری خوش خلق او را صحبت افتد واز وی منفعت یابد واگر بیند که سنگی سیاه بگرفت
دلیل که با مهتری از عرب او را صحبت افتد واگر بیند که سنگی سرخ بگرفت دلیل که از مهتری مفسد او را راحتی باشد واگر بیند که
برفت و سنگهای بسیار در دامن کوه بگرفت و بیاورد و بشکرید اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود دلیل بر منافقی کند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد واگر بیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد دلیل که مال بمکر و حیلت جمع کند واگر بیند که سنگ
از کوه میتراشید دلیل که مال از بزرگی جمع کند واگر بیند که سنگ از بیابان جمع میکرد دلیل که از سفر مالی جمع کند واگر بیند که سنگ بر آب
انداخت دلیل که بکراهیت از مال خود بکسی چیزی دهد واگر بیند که کسی سنگ بر وی انداخت دلیل که بقدر آن مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل که بر وی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال دوم مهتری سیوم سختی در کارها چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیست که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

اگر بیند که سنگ‌خواره گرفت دلیل که در کار دشواری افتد و از آن چیزی نبیند یا او را با مردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنگ‌خواره از دستش بپرید یا در دستش بمرد دلیل که از کاری دشوار به زودی خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت سنگ‌خواره خورد دلیل که از کسب بدشواری چیزی بدست آرد **سواری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سواری میکرد دلیل که از پادشاه اسپ و سلاح و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند دلیل که بر گروهی فرمان روائی یابد و اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی دادند دلیل که او را از کسی غریب منفعت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی بوی دادند دلیل که او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامهٔ کبود و بر سپاهان اگر چیر کین بیند تاویلش بر خلاف این بود **سورهای قرآنی خواندن در خواب سورة الفاتحة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفاتحة میخواند دلیل که عمرش دراز باشد و طاعت کارش با ایمان بود **سورة البقرة** اگر بخواب بیند که سورة البقرة میخواند همین تاویل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید میان خلق راست‌گوی باشد و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بنده بود آزاد گردد **سورهٔ آل عمران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورهٔ آل عمران میخواند دلیل که از همه بدیها ایمن گردد و پاک شود و عاقبت خیر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که آیه شهد الله میخواند دلیل که بقضای حق تعالی راضی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گواهی داده بگذارد و مردم او را عزیز دارند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آیه **قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ** در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد **سورة النسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة النسا میخواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید مال و نعمت او بسیار شود **سورة المایدة** جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که سورهٔ مایده میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورهٔ مایده دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و معبران گویند که خواندن سورهٔ مایده در خواب دلیل بر صحت و سلامتی بود **سورة الانعام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سورة الانعام میخواند دلیل که سعادت دنیا و آخرت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید چهارپایان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که باحسان و سخاوت توفیق یابد **سورة الاعراف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعراف میخواند دلیل که دیندار و مؤمن بود و عاقبتش محمود گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورهٔ اعراف در خواب دلیل که وی طور راز یارت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سورهٔ اعراف در خواب دلیل که همه خلق از وی خوشنود گردند و امانت نگاه دارد **سورة الانفال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود **سورة التوبة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التوبة میخواند دلیل که از گناه توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید سرانجام کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه بود **سورة یونس** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ یونس میخواند دلیل که روزی او فراخ گردد و کارش بمراد شود کرمانی رح گوید که مکر کافران و کید حاسدان از وی دفع شود و بر دشمن غالب گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ و عبادتش نیکو شود **سورهٔ هود** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سورهٔ هود میخواند دلیل که روزی او از کشت و زرع بود کرمانی رح گوید کارش نیکو گردد و در کارها اقبال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین یگانه شود **سورة یوسف** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره یوسف میخواند دلیل که سفر بسیار کند و مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید پس از رنج و محنت عز و بزرگی یابد و کارش بالا گیرد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید راست قول با امانت باشد سوره الرعد ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که سوره الرعد میخواند دلیل که پیوسته بعبادت و قرآن خواندن مشغول
گردد کرمانی رح گوید که بکار خیر و طاعت راغب گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلیل که عمرش کوتاه باشد سوره ابراهیم ابن سیرین رح گوید بخواب بیند که سوره
ابراهیم میخواند دلیل که مدام بطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نزد حقتعالی عزیز و گرامی بود و عاقبتش محمود گردد سوره الحجر ابن سیرین رح
گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجر میخواند دلیل که نزد حقتعالی جل و علا پسندیده بود کرمانی رح گوید که هر امیدی که دارد حاصلش آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت
باری سبحانه و تعالی او را علم روزی گرداند و حاجتش بفزاید سوره النحل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النحل میخواند
دلیل که روزی حلال یابد و دوستدار اهل دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از محنت و آفت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید حق سبحانه و تعالی او را علم روزی کند سوره بنی اسرائیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره بنی اسرائیل میخواند
دلیل که نزد حقتعالی قرب یابد و در دنیا جاه و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که دین و اعتقادش پاک شود سوره الکهف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الکهف
میخواند دلیل که از همه بلاها ایمن گردد و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عمرش دراز گردد و سعادت عقبی
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که چندان عمر یابد که بمراد رسد سوره مریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سوره مریم میخواند دلیل که در قیامت از عذاب در کنف باریتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید راه خیرات گیرد و سنت
پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد سوره طه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره طه میخواند دلیل که با دشمنی
سختی گوید و دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه نامش در دیار بخیرات منتشر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه
و نامدار گردد سوره الانبیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الانبیا میخواند دلیل که حقتعالی جل و علا او را سیرت
انبیا بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اقبال دوجهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم و دانا شود و از مشقت آسانی
یابد سوره الحج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحج میخواند دلیل که مال خود را در راه خدایتعالی صرف کند
کرمانی رحمة الله علیه گوید کردارهای پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در زهد یگانه و در راه دین مجتهد بود
سوره المؤمنون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المؤمنون میخواند دلیل که با مؤمنان در بهشت بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید درجات و بینش قوی گردد و سیرت پسندیده اختیار کند سوره الفرقان ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سوره الفرقان میخواند دلیل که براستی حق از باطل جدا شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میان خلق منصف
و دادگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید از راه باطل براه حق گراید سوره النور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره النور میخواند دلیل که دلش بعلم و حکمت منور گردد سوره الشعرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الشعرا
میخواند دلیل که در پناه حقتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید

باری سبحانه و تعالی ورا از خواصش نگاه دارد سورة النمل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النمل میخواند دلیل که بزرگی
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید دولت بختش مساعد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یابد سورة القصص
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بذکر حقتعالی مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درهای رحمت بروی گشاده گردد سورة العنکبوت ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در امان خدایتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از رنج
و بلا ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت او نصیب بود سورة الروم ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة الروم میخواند دلیل که بر دست وی شهری از روم گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید در کار دین و غزا جهد
مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را از دین و صلاح وی بهره باشد سورة السجده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سورة السجده میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق
علیه السلام گوید که عاقبت کارش محمود باشد سورة الاحزاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاحزاب میخواند
دلیل که مال یابد و بخصم دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند دلیل که صد دینار یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه یابد سورة السبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلحا گزیند
سورة فاطر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در طاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی گشاده گردد سورة یس ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة یس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز باشد از حق تعالی جل و علا
رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود سورة الصافات
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الصافات میخواند دلیل که بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که براه صلاح درآید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید سورة ص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سورة ص میخواند دلیل که مالش زیاده گردد و بزرگ شود سورة الزمر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الزمر میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی گناهش عفو کند کرمانی رحمة الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دینش قوی گردد سورة مومن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة مومن میخواند دلیل که مومن مخلص
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شریعت نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سورة فصلت ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة فصلت میخواند از مقربان حق گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند وی را سورة حم عسق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند

سوره حم عسق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید تا ویش بهین باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عمرش دراز گردد **سورة الزخرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت بسیار
کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود **سورة الدخان** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید راست کوشی باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید توانگر گردد **سورة الجاثیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجاثیه میخواند دلیل که توبه کند
و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بزه کار بود توبه کند **سورة الاحقاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادر و پدر بجای آورد کرمانی رح گوید با مادر و پدر احسان کند و عجایبها بیند **سورة محمد علیه السلام** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید از آفت و بلا ایمن گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد **سورة الفتح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفتح
میخواند دلیل که در همه باب او را فتح و نصرت باشد **سورة الحجرات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحجرات
میخواند دلیل که مردم را بالقاب خواند و غیبت نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید که آزار کس نجوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با
مردم پیوندد **سورة الذاریات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول
گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای جود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر وی روزی فراخ گردد **سورة
قاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بر وی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب خود بهره یابد **سورة الطور**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطور میخواند دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حقتعالی جل و علا
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود **سورة النجم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
النجم میخواند دلیل که حقتعالی جل و علا در رحمت بر وی گشاده گرداند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد **سورة القمر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القمر میخواند
دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید کارهای دشوار بر وی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جهاد و بر وی
کار بکند **سورة الرحمن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در این جهان مال یابد و در آن جهان
نعمت **سورة الواقعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الواقعه میخواند دلیل که از گناهان توبه کند کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند **سورة الحدید** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحدید میخواند دلیل که روزی با رنج و سختی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

گزیند و رضای حقتعالی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین ستوده گردد سورة المجادلة ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المجادله میخواند دلیل که او را با زنان خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید
که در راه دین با خلق مجادله کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با اهل خود خصومت کند سورة الحشر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت
او با دینداران و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد سورة الممتحنة ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الممتحنه میخواند دلیل که آزمایش کار براستی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بمحنتی گرفتار شود که هلاک او دران باشد سورة الصف ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الصف میخواند دلیل که در راه خدای عز و جل غزا کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید که پیوسته در رضای خدایتعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سورة الجمعة
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجمعه میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سورة المنافقون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافقی توبه کند سورة التغابن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید
که دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سورة الطلاق
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطلاق میخواند دلیل که با زنان گفتگوی کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید که سیرت حق نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سورة التحریم ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التحریم میخواند دلیل که در خانهٔ خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید از حرام
توبه کند و دور باشد سورة الملک ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که سورة الملک میخواند دلیل که او را عذاب گور نباشد کرمانی رح گوید که عاقبتش
محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سورة القلم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید با همه کس احسان کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را علم روزی کند سورة الحاقة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
الحاقه میخواند دلیل که فریضهای خدایتعالی بگذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که بر جادهٔ شرع باشد سورة المعارج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المعارج میخواند دلیل که
خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس و بیم ایمن گردد
سورة نوح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة نوح میخواند دلیل که توبه کند و عاقبتش محمود گردد

کرمانی رحمة الله علیه گوید که تاویلش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که امر معروف کند سورة الجن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن ایمن باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و پری مضرت او را نرسانند سورة مزمل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المزمل
میخواند دلیل که نماز شب دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سورة مدثر ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
و راه راست یابد سورة القیمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القیمه میخواند دلیل که بشهادت
از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تایب گردد سورة الانسان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة الانسان میخواند دلیل که درویشان را طعام دهد و رضای حقتعالی عز و جل جوید کرمانی رحمة الله علیه که مستجاب
و شکر نعمت توفیق یابد سورة المرسلات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المرسلات میخواند دلیل که
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد
سورة النبأ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النبأ میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سورة النازعات
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مکر و حیلت و خیانت پاک
گردد سورة عبس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة عبس میخواند دلیل که بر مردم روی ترش
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سورة التکویر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکویر میخواند دلیل که از درد چشم نترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید
که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد ایمن شود سورة الانفطار ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که از خدایتعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که میل
وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سورة المطففین ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمانه راست دارد کرمانی رحمة الله علیه
گوید که راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سورة الانشقاق ابن سیرین رحمة الله
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامهٔ اعمال وی در دست راست وی
دهند کرمانی رحمة الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت بر او صد قضا بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که نسلش بسیار گردد سورة البروج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البروج میخواند دلیل

که در دنیا اندوهگین باشد و عاقبت کارش محمود گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید که از حضرت رفیع اندر حاجت باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از همها فرج یابد سورة الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزندی صالح
آید کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوبروی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل و خرم شود سورة الاعلی
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند کرمانی گوید زبانش بذکر حق مشغول و حج
گزارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد سورة الغاشیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة الغاشیة میخواند دلیل که از هول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای
حق تعالی عز و جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود سورة الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگذارد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که هیبت و شکوه او کم شود سورة البلد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که صدقه
دادن برو واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر
بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که از آفات و بلیات ایمن گردد سورة الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاها ایمن گردد سورة اللیل
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة اللیل میخواند دلیل که سایلان را منع نکند و زکوة مال دهد سورة الضحی ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بخواهندگان بدهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را
عزیز دارد سورة الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد سورة التین
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبروی و خوب کردار گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد سورة العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود سورة القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا برون
رود و ثواب شب قدر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز گردد و مراد یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد
سورة البینة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البینة میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که مردم
را بخیر و صلاح دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ایمان با دلیل دارد سورة الزلزلة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
الزلزلة میخواند دلیل که او را با کسی کاری افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران هلاک کند سورة
العادیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العادیات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

کرمانی رحمة الله علیه گوید که بغزا رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غزا کند و مظفر گردد سورة القارعه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعه میخواند دلیل که در قیامت ترازوی اعمال
وی از کردار نیک گران آید کرمانی رحمة الله علیه گوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مرد مرا گرامی دارد سورة
التکاثر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سورة التکاثر میخواند دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید
که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدارد سورة العصر ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که او را زیانی رسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود سورة الهمزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الهمزه میخواند
دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم روشناس گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بمال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در راه خدای تعالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل
میخواند دلیل که ظالم را یاری دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که بر دوستان فتحی برآید و بر دشمن ظفر یابد سورة القریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند
دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را فضیحت کند در راه دین جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که با خلق احسان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند دلیل که زکاة
گذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حذر باید کردن از صحبت بد دینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد سورة الکوثر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکوثر میخواند دلیل که مال و نعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که از بزرگان عطا
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الکافرون میخواند دلیل که براه بدعت رود و بدنیا مغرور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که اجل او فرا رسیده باشد زیرا که چون این سوره منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة
النصر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النصر میخواند دلیل که در راه خدای تعالی متوکل گردد سورة تبت
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة تبت میخواند دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدای تعالی در خطر
کرمانی رحمة الله علیه گوید که او از نبی بدکردار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گروهی به بدی وی کوشند سورة اخلاص
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند دلیل که در راه دین موحد و یگانه گردد و توفیق طاعت یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که پاک دین و نیک اعتقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد و عیش وی
خوش گردد سورة الفلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند دلیل که جادو بر وی کار نکند
کرمانی رحمة الله علیه گوید که از شر بدکرداران ایمن گردد سورة الناس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که سورة الناس

سورة القارعه
سورة التکاثر
سورة العصر
سورة الهمزه
سورة الفیل
سورة القریش
سورة الماعون
سورة الکوثر
سورة الکافرون
سورة النصر
سورة تبت
سورة الاخلاص
سورة الفلق
سورة الناس

میخواند دلیل که او حقتعالی از خشم بدنگاه دارد و روزی بروی فراخ گردد و اگر بیند که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ میگفت
دلیل که مال و خواسته یابد و اگر بخواب بیند که آیتی از قرآن میخواند تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم ان شاء الله تعالی سوزن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوزن داشت و چیزی دوخت دلیل که شغلهای پراگنده وی جمع شود و حاجتش روا شود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جامه میدوخت دلیل که احوال وی نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او گمشد دلیل که احوالش بد بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشید دلیل آنکس مشفق احوال وی باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و صلاح
کار او بود سوسمار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسمار وی را بگزید دلیل که مضرتی یابد و اگر بیند که سوسمار را بکشت
دلیل که دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند
که سوسمار در خانهٔ وی بانگ کرد دلیل که از خانهٔ وی آواز شیون بر آید سوسن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سوسن در خواب
بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و اورا فرزندی آید و بیوقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن
از درخت بکند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دستهٔ سوسن بوی داد دلیل که
میان ایشان گفتگوی خیزد مغربی رحمة الله علیه گوید که درخت سوسن در خواب بهتر بود سوگند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سوگند خورد دلیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا امانتی گذارد یا خیراتی کند و از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند
که سوگند بدروغ خورد دلیل بر خشم خدای تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در وام غرق شود و از پادشاه زیان بیند کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند راست خورد دلیل که او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار شود و اگر بیند که سوگند دروغ
خورد دلیل که دینش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوگند براست خورد دلیل که اندوه و مضرت بیند سوراخ ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی
بود و از آن چیزی بیرون رفت دلیل که او را زیانی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال
خود ناایمن بود و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در درختی سوراخ میکرد تاویلش
بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود **حکایت** در خبر است که مردی پیش امیرالمومنین
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است و آن گاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نرود سوهان
در حرف میم بیان کنیم سیب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون سرخ
باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان بود و چون زرد و ترش بود دلیل
بر بیماری بود و اگر بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که دارد از وی جدا شود

فصل سین

واگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و بخورد دلیل که او را دختری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب دلیل خیر بود و اگر سیب
ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود دلیل که خبر خوش شنود دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که
سیب داشت و خورد دلیل که نفع یابد و سیب همت بیننده خواب باشد در شغل و صفت وی و اگر پادشاه سیب بخواب بیند
دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر هفت وجه بود
یکی فرزند دوم منفعت سوم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرمان روائی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر

سیر

سیر ابن سیرین رح گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرمانی رح گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بیند که سیر پخته خورد
دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رح گوید که سیر در خواب رنج و گریستن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب
بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم گریستن پنجم سختی

سیری

دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی خود را در خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود ولیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که معصیت
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
از وی مزاج برنج آید

سبزه

سبزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سبزی داشت دلیل که نامش بخیر و نیکی منتشر گردد و اگر بیند
که در زمین او سبزه بود در وقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت باشد

سیکی

سیکی ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیکی میخورد دلیل که بقدر آن
مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می پخت و میخورد دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت
دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آمیخت و میخورد دلیل که مالی یابد که بعضی حلال
باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد و با دیه و در سیکی خوردن خیر نباشد و والی را
دلیل بر عزل بود و سیکی خرما غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم
تشنیع کردن سیوم نعمت اینجهانی و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند

سیل

سیل ابن سیرین رحمة الله علیه
سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود و اگر بخواب بیند که سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد دلیل که بر دشمن ظفر
یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سیل میگریخت دلیل که از دشمن بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب درد پای و
سر غم و اندوه بود و درد پا و گرم سیر دلیل بر منفعت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست
دلیل که حق سبحانه و تعالی عذابی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از معبران گویند که چون بخواب
بیند که سیل جائی خراب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصادره بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب
بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی

سیماب

سیماب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که در معدن سیماب درون شد یا از آنجا سیماب برگرفت دلیل که زنش در کار بد افتد و اگر بیند که سیماب بفروخت یا بکسی داد

دلیل که از مکر و حیلت زنان ایمن گردد و اگر بیند که در چشمه سیماب غرق شد دلیل که زنان بروی جادو کنند سیم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
بسیار مردم باشند که در خواب سیم ببینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب سیم ببینند و در بیداری غم و اندوه بود و بسبب طبیعت
های مختلف کرمانی رحمة الله علیه گوید سیم درست در خواب خبر راست باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل که
کسی پیش او ودیعتی نهد دانیال علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتابه یا طشت سیمین بخواب بیند که بی اندازه آلات سیمین بیافت دلیل که بقدر
آن گنج یابد و اگر بیند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از آنجا یا زنی خواهد و سیم پاره در خواب مردی بود که در حق او سخن زشت گویند
سیمرغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سیمرغ نر بیند دلیل که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند و اگر سیمرغ ماده بیند
دلیل که زنی با جمال و خوبروی بود و اگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیمرغ جنگ میکرد دلیل که
با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سیمرغ ماده گشت دلیل که دوشیزگی دختری بستانند و اگر بیند که سیمرغ از دست وی پرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که بچه سیمرغ
بگرفت دلیل که او را غریبی نزدی اهله آید مغربی رحمة الله علیه گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود و اگر بیند که سیمرغ در کوچه فرود آمد و اهل کوچه
سیمرغ را بکشتند دلیل که پادشاه آنجا را هلاک شود و اگر بیند که از سیمرغ میترسید دلیل که پادشاه او را عطا دهد سینه ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید که سینه در خواب شریعت بود لقوله تعالی أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ اگر بخواب بیند که سینه وی فراخ
شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر بیند که بر سینه وی خطی سبز نبشته
بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینه وی خطی کبود نبشته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت میرد و اگر
بیند که از سینه موی ستره بود دلیل که وامش گذارده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سینه وی دم گرفته بود چنانکه دم نتوانست
زدن دلیل که دین و دنیا بروی گشاده شود و اگر بیند که سینه وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او متعلق بکسی بود دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که سینه او تنگ بود دلیل که تنگدل گردد و اگر سینه خود فراخ بیند دلیل که خرم و شاد گردد و بعضی معبران گویند اگر کافر سینه
خود را فراخ بیند دلیل که مسلمان شود فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم بخل

حرف الشین

شادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان
شد دلیل که از آنکس غم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بیند دلیل که حالش نیکو گردد و خاتمتش بسعادت بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرا رسیده بود لقوله تعالی حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم
بَغْتَةً شادروان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شادروان نو و فراخ در خواب اگر گسترده بود دولتست که ملک اوست دلیل که
بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد و اگر بیند که بشادروان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل بر مال و نعمت
و درازی عمر و روزی بود و اگر بیند که در جایگاهی بیگانه از بهر او شادروان گسترده بودند و ندانند که شادروان از آن کیست دلیل که احوال

دی متغیر گردد و در غربت بمیرد و اگر شادروان کوچک در خواب بیند دلیل که بر روزی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شادروانی پیچیده
بر خود گرفته بود دلیل که از جای خود بجای بیگانه رود و اگر بیند که بر شادروان [illegible] نگاشته بود و آنرا بشناخت و با وی سخن
گفت دلیل که آنرا بدروغ ستایش کند و اگر بیند که شادروان بفروخت یا بکسی داد تاویلش بد بود و دانیال علیه السلام گوید اگر بیند
که شادروان گسترده بود دلیل که بر درازی عمر و ساختگی کار او بود و اگر بیند که شادروان کوچک بود و در زیر او فراخ شد دلیل که روزی
بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود و اگر بیند که شادروانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت
و بکنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که بعشرت
دنیا مشغول گردد و اگر بیند که شادروان سیاه یا کبود بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شادروان زرد بود دلیل بر بیماری بود
و اگر شادروان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروانی مجهول
در جایگاهی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شادروان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خداوند
خانه را روزی و نعمت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شادروانی انداخته بود و او بران نشسته بود دلیل که بسفر رود و دران سفر مال
و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شادروان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر سوم
منفعت چهارم معیشت **شاخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و
فرزندان و خویشان بیننده خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خویشان او بسیار بوند و اگر آن
او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف این بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور
کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی هلاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تاویلش بدیگران
بازگردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی داد و یا بیافت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی
بخورد دلیل که بقدر آن مال فرزند خورد **شانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب بود و دروغ
و نفاق باشد اگر بخواب بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غمها فرج یابد و وامش گزارده شود و بمراد برسد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که ریش را شانه میکرد و یکان موی بیرون می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی رحمة الله علیه گوید شانه در خواب
یاران موافق در کار خیر باشند و موی را شانه کردن یافتن مراد بود و شانه تراشیدن مردی بود که غم و اندوه از دلش ببرد و وامش بگزارد
و بعضی معبران گویند که مردم خوبروی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد **شانه آدمی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه
آدمی در خواب بدن زن بود اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی میخواهد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را
زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی بشکست دلیل که زنش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و میخاید
بود دلیل که دران سال رنج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند دران شانه سیاهی بود دلیل که درانسال
آفت و بلا باشد و اگر دران شانه سرخی و یا سیاهی بیند دلیل دران سال رنجها از آن باشد و اگر دران شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود

باب الشین

واگر بر کناره او خطهای بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ بسیار بود شاه رود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شاه رود در خواب دلیل لهو

شاه رود

وطرب دنیا و سخن دروغ ومحال بود واگر بیند که شاه رود میزند دلیل که بدروغ رضا دهد واگر بیند که با شاه رود وچنگ وچغانه ونای
دلیل بر مصیبت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود بشکست یا بیفکند دلیل که از سخن دروغ توبه کند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که شاه رود میزد دلیل که با زنی بزرگ پیوندد واز وی عز وجاه یابد شاه اسپرغم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

شاه اسپرغم

اگر بیند که شاه اسپرغم سبز و پاکیزه وخوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد واگر زرد و پژمرده بود دلیل بر بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه
شاه اسپرغم در خواب بر شش وجه بود یکی عز و بزرگی دوم فرزند سیوم دوست چهارم سخن پنجم مجلس علم ششم نام نیکو وثنا و مدح

شاهین

شاهین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شاهین را بگرفت یا کسی بوی داد وآن شاهین مطیع او بود دلیل که او را از پادشاه
یا از بزرگی ظالم منفعت وجاه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید شاهین در خواب مردی بسیار دان بود واگر بیند که شاهین بگرفت یا کسی
بوی داد دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد واز وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود

شب

اول قدر و منزلت دوم فرزند سوم مال ونعمت چهارم فرمان روائی شب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند شب تیره و ناخوش
بود تاویل آن غم واندوه بود واگر بخواب بیند که شب روشن ومهتاب بود دلیل که عیش وخرمی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند

شب یمانی

که در شب تیره میرفت و راه بر وی مشکل بود وبه نیت راه راست میرفت دلیل که او را در دین استقامت بود شب یمانی
که آنرا زاک سپید گویند دیدن آن در خواب غم واندوه بود و خوردن آن دلیل بر هلاک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شب یمانی
را روشن چون آفتاب درخشنده بیند دلیل بر خیر وگشایش در کارهای وی بود واگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت وبستگی کارها

شبان

بود شبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که چنانچه شبان گاو و گوسفند واسب وخر و مانند آن کرد هر چیزی را بقدر وی
تاویل بود شبان اسپ دلیل بر ولایت و بزرگی بود وشبان خر دلالت بر محنت کند وشبان گاو دلالت بر سالت ونعمت
وفراخی بود وشبان گوسفند دلیل بر روزی حلال و مال ونعمت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شبانی میکرد وگرگ از گله
وی گوسفندی ببرد دلیل که پادشاه آن دیار را خراب کند واحوال رعیت تباه گردد دانیال علیه السلام گوید شبانی گوسپندان کردن
دلیل که بر عدد آن گوسپندان او را جمعی مهتران مهتری بود واگر بیند که شبانی چیزی بوی داد دلیل که او را از بزرگی فایده رسد و منفعت

شب بازی

یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان در خواب مردی ناصح بود وحافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کارها هر کسی باز
نماید شب بازی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب بازی کردن در خواب لهو وطرب یا دروغ ومحال باشد واگر

شب پرک

بیند که شب بازی یا بربط ونای میکرد دلیل بر غم واندوه بود شب پرک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب پرک در خواب مردی
گمراه ومحروم بود واگر بیند که شب پرک داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد واگر بیند که شب پرک میپرد دلیل که از کار آنکس بوی نفع
رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شب پرک از درخت وی بپرید یا بمرد دلیل که از صحبت مردی گمراه او را جدائی افتد وصلاح او

شپش

در آن باشد شپش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شپش را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند واگر بیند که شپش بیگانه بود

دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر بیند که شپش بسیار بروی جمع شدند و او را میگزند دلیل که در زبان مردم افتد یا او را نقصان مال بود
اگر شپش خون مردم میخورند و خون تباه دیل مال بود شپشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شپشه جانوری بود که در تابستان در جامهٔ
پشمین و پوستین افتد و تباه کند و برسوسن هم خوانند و دیدن وی همسایه بود و اگر بیند که شپشه جامهٔ وی بخورد دلیل که در مال او
نقصان افتد و اگر بیند که شپشه اسباب پشمین تباه کرد دلیل که از خانهٔ وی دزد چیزی ببرد و اگر بیند که شپشه بر تخت دلیل که دزد را انگیزد و
و مال بستاند شبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبه داشت یا بخرید و سوراخ کرده بود دلیل که او را دختری آید
و اگر دختر نباید غمناک شود و دیدن شبه کبود و سیاه خیری نبود و مغربی رحمة الله علیه گوید شبه سپید و سبز بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت
کند و بعضی گفته اند که شبه زرد دلیل بر بیماری بود شتافتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکاری می شتافت دلیل که از
آن کار پشیمانی یابد و اگر بیند که از آن پشیمان شد و شتافتن دلیل که در آن کار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید در همه کاری شتافتن
دلیل درنگ بود و درنگ دلیل شتافتن بود شتالنگ یافتن در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بخواب بیند که با شتالنگ
بازی میکرد و بانگ و شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر بهنگام بازی خاموش بود مال حرام یابد شراب ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهائی که بطعم شیرین بود چون شراب سیب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این بر شش وجه بود
یکی دین دوم منفعت سوم علم سفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حقتعالی اما شرابهائی که بوی آن ترش بود چون
شراب ریواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود و اما شرابهائی که تلخ باشد چون
شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فایدهٔ دین و دنیا بود و اما شرابهائی که بطعم معتدل و خوشبوی
بود چون شراب عود و شراب بنفشه و شراب گل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خرمی بود و ستایش کند مغربی
رحمة الله علیه گوید شرابهائی که از برای دارو خورند در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بجهت دارو بکار ندارند دلیل بر صلاح و خیر
دنیاوی کند شرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شرابی بخرید دلیل که کنیزک بخرد و معبران گویند که شرابی
در خواب خادم خانه بود و اگر بیند که شرابی وی بشکست یا ضایع شد دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح
دنیا ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان شرم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از
ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اَلْحَیَاءُ مِنَ الْاِیْمَانِ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در کاری شرم داشت دلیل که در آن کار خیر و صلاح بود و زیادتی ایمان و شرم داشتن از کاری که در آن شر و فساد بود
دلیل بر نقصان ایمان بود شستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شستن در خواب بآب جوی و کاریز و حوض و دریا دلیل است
بر نجات از غم و اندوه اگر این خواب محبوس ببیند دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر
بیمار ببیند شفا یابد و اگر تن خود تمام نشست دلیل که کارش تمام نشود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده خود را

شستن دلیل که خویشان او از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بیند که با آب شور خود را می شست دلیل که رنجی بوی رسد و اگر بیند که جامه یا کرباس
با آب چرکین بشست دلیل بر تباهی کار و فساد دین بود و اگر بیند که با آب سرد و یا با آب چرکین خود را بشست دلیل که توبه کند مغربی رحمه
شستن با آب سرد بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن با آب گرم غم و اندوه
بود و دوست او روی شستن در خواب بر هشت وجه بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم حج پنجم فرح

شش ششم ایمنی هفتم دین پاک هشتم روا شدن حاجت شش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شش در خواب شادی و خرمی بود و اگر بیند
که کسی شش بدو داد و آنکس معروف بود دلیل که از وی خرمی بیند و اگر او شش بکسی داد دلیل که خبر بد آنکس رساند مغربی

شطرنج رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شش خام یا پخته میخورد و از جانور که گوشت وی حلال بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند شطرنج
ابن سیرین رح گوید شطرنج باختن در خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر بیند که شطرنج باخت و خصم را غلبه کرد دلیل که با جاهل کسی اغلبه کند

شعر و بهتان نهد کرمانی رح گوید اگر بیند که شطرنج می باخت دلیل که جنگ و منازعت کند و معبران گویند که شطرنج باختن خیر و منفعت نبود شعر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شعر یا غزل میخواند یا مدح کسی یا هجو می میخواند دلیل که سخنی باطل گوید قوله تعالی وَالشُّعَرَاءُ

شغال يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ اما اگر توحید یا لغت یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بره کار نشود شغال ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بطلب
شغال میگشت و متحیر بود و نتوانست گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال با وی بازی کرد دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر بیند
که گوشت شغال میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب مال بود

شفتالو شفتالو ابن سیرین رح گوید شفتالو در خواب اگر زرد بود دلیل بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بیند شفتالو سرخ یا سپید بود
زر و نبود کنیزک باشد و اگر بوقت خود بود مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شفتالو در خواب بر پنج وجه بود
کنیزک دوم پسر سیوم علت چهارم مال پنجم منفعت از قبل مردی غریب اگر بیند که استخوان شفتالو بشکست و مغز و تلخ بود دلیل

شکار بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود دلیل که از مردی بی اصل بقدر آن مال منفعت یابد شکار کردن ابن سیرین رح گوید اگر بیند که آهو یا
یا گاو کوهی یا خر گور یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد همه دلیل نیکوئی بود و اگر بیند که شکار بیفکند دلیل که غنیمتی یابد

شکر کرمانی رح گوید شکار ریکه بدام گیرند یا بجاه طلبند دلیل که زیان بود و بعضی معبران گویند که شکار گیر در خواب جوینده معاش بود شکر
ابن سیرین رح گوید پارهٔ شکر در خواب سخنی لطیف بود و یا بوسه که بکسی دهد چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود دلیل بر
مال و روزی حلال بود مغربی رح گوید شکر بسیار مکروه بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق

شکر گذاردن رضی الله عنه گوید شکر در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال شکر گذاردن
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که شکر خدا تعالی گذارد دلیل بر درستی دین و قوت جاه و مال و سعادت دو جهانی بود قوله تعالی

شکستن لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ شکستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بشکست دلیل که بقدر آن ورا زیان رسد و اگر بیند
که شکسته از دیگری بود دلیل که مضرت آن بوی رسد و باز گردد و اگر بیند که اندامی از اندامهای وی بشکست دلیل غم و مصیبت بود

اندام تعلق دارد بود و اگر بیند که از آلات چون چنگ و رباب و طنبور و مانند چیزی بشکست دلیل بر خورمی بود و شکم در تعبیر معبران سه قول است
دانیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خویشان باشد
اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی
نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هرچه در شکم بود جمله بیرون آمد و بشست و باز بجای نهاد دلیل که حال او نیکو
شود و مقصودش حاصل گردد و اگر مردی بیند که از شکم وی فرزندی بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پدید آید که اهل بیت او را حرمت
بیفزاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافته بیند دلیل که
او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل که او را از قبل عیال وام افتد و اگر کسی از شکم خود موی سترده بیند دلیل که
بنیکی گردد و وامش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال او بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکم در خواب
بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینه سوم نظام عیش چهارم فرزند شکنبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنبه در خواب از جانوری
که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکنبه پر سرگین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکنبه پخته خورد دلیل که
خیر و منفعت بیند شکنجه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنجه در خواب دلیل بر خواری و بیچارگی بود و اگر بخواب بیند که او را از شکنجه
المی رسید دلیل بر همین بود و اگر بیند که او را از شکنجه زحمت نرسید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را در شکنجه کرد دلیل
که از پادشاه گزند بیند **شکوفه درختان** شکوفه درختان بتاویل بوقت خویش بهتر بود و شکوفه زرد بتاویل کمتر از سرخ و سپید بود
و گلنار در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه درختان بقدر گوناگونی بلندی درخت سخن لطیف بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هنگام شکوفه
درختان بسیج رود از گروهی که بدان درختان نسبت دارند سخنی لطیف شنود و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شکوفه می بوئید دلیل که مردم
او را مدح و ثنا گویند **شل شدن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که اندامی از آن او شل شد و بیچ خانه افتاده بود و نتوانست خواست دلیل که از
کارهای بد توبه کند و شر خود از مردم باز دارد و اگر بیننده خواب مفسد بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از
اندامهای او خشک بود دلیل آنکس را از خویشی که بدان اندام نسبت دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندوه
بود و اگر بیند که شلغم بکسی داد دلیل که بدانکس رنج رساند مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم پخته در خواب به از خام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **شلوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کنیزک عجمی بود و یا
زن که بخواهد و اگر بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید دلیل که کنیزک عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود دلیل بر زنی ستیزه بود و اگر بیند
که او را شلوار بخشیده اند دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شلواری نو یافت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شلواری چرکین داشت
دلیل که عقوبت از حق تعالی جل و علا یابد قوله تعالی سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت
دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شلوار زرد داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل که مردم او را ملامت کنند و رنگ
شلوار رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو بخرید دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی گم شد دلیل که کنیزک یا خادم بگریزد و اگر بیند که شلوار

شلوار بند — شمار کردن — شمشیر

ور پای داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شلوار در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم
خانه شلوار بند دلیل بر عورت مردم بود و اگر بیند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکمی قضیب کند و اگر شلوار بند کهنه بیند دلیل
بر ضعیفی قضیب باشد شمار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت افتد مغربی رحمة الله علیه
گوید هر شماری که آسان تر بود محنتش کمتر بود و تاویل عددها از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهیم کرد شمشیر دانیال علیه السلام گوید
شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال خواسته و فرمانروائی بود و اگر بیند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر
بیند که شمشیر از نیام بیرون بود تاویلش همچنین بود و اگر بیند که شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل که فرزند
بسلامت بود و مادرش بمیرد و اگر بیند که شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برد تا بکسی زند دلیل از سختی اندیشیده بود که بکسی گوید
و اگر بیند که شمشیر بکسی زد و کارگر نبود دلیل که زبان در حق آنکس گشاده باشد و اگر بیند که شمشیر بکسی زد و کارگر بود دلیل که آنکس را زخم
خورده باشد نسلش منقطع شود و اگر بیند که شمشیر در گردن حمایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود و اگر حمایل شمشیر دراز بود دلیل که
احتمال ولایت ندارد و اگر بیند که حمایل شمشیر کوتاه شد دلیل که آن ولایت بدو بسپارند و اگر حمایل شمشیر کوتاه بود و گسست دلیل که آن ولایت
از دست وی برود و اگر بیند که بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زد دلیل که آنکس مشهور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بدست خود شمشیر
آویخته بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمانروائی یابد و اگر بیند که کسی ورا شمشیر داد دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که شمشیر
با نیام ببرد و بشکست دلیل که فرزند و مادر هر دو بمیرند و اگر بیند که کسی او را شمشیر زد و خون از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت
دلیل که او را بمال حرام تهمت کنند و اگر بیند که شمشیر از وی بستدند دلیل بر عملی که دارد از وی بستانند و اگر بیند که شمشیر بر میان بست
دلیل که عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمشیر آهنین داشت دلیل که کارش قوی گردد و اگر بیند که شمشیر از بلور داشت
دلیل که زنی بزرگ خبر یابد و اگر بیند که شمشیر از مروارید داشت دلیل که از علمهای این دین قوت یابد و اگر بیند که شمشیر از چوب داشت دلیل
که کارش ضعیف شود و اگر بیند که شمشیر سفالین داشت دلیل که از زنان پادشاه قوت یابد و اگر بیند که نیام شمشیر شکسته بود دلیل که یکی از زنان
او بمیرد و اگر بیند که شمشیر وی دو روی بود دلیل که کارش روان گردد و اگر بیند که شمشیر لاجورد بود دلیل که کارش پایدار باشد و اگر بیند که شمشیر
او چون آینه بود و سپید خشید دلیل که از مهتری نواخت و حرمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود اول
فرزند دوم ولایت سیوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر کردن در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان

شمع

شمع ابن سیرین رح
گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب بیند که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و نعمتش زیادت شود و اگر بیند
که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانها از نور روشن بود دلیل که در آنسال نعمت بر وی فراخ گردد و تجارت وی روان شود
و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر بیند که شمعی افروخته او را دادند دلیل که عز و دولت یابد و اگر بیند که او را شمعی
با شمعدان سیمین بود دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر بیند که شمعدان زرین بود دلیل که زنی از نزدیکان پادشاه بخواهد
و اگر شمعدان از ارزیز بود دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد و اگر بیند که شمعدان از مس بود دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر بیند که شمعدان آهنین

بود دلیل

بود دلیل که زنی از اصل کار خواهد و اگر بیند که شمعدان از آهن بود دلیل که زنی از اصل قوی خواهد و اگر بیند که شمعدان از سفال بود دلیل که
زنی از مردمان عامه باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمعی افروخته بر دست داشت ناگاه بمرد لشکر بمیرد و اگر بیند که شمع افروخته
در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد برو برد و اگر بیند که روشنی شمع کم شد دلیل که عز و دولت او کم شود دانیال علیه السلام
گوید که اگر بیند شمع افروخته در دست داشت دلیل که اگر زن دارد او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه
آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف و دانشمند دانا بود و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع
بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم
فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش دوازدهم
سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بیننده **شنا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنا کردن در خواب در آب صافی طلب معیشت
کردن بحیلت و تدبیر بود و اگر بیند که در آب صافی شنا کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در دریا شنا کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شنا کردن بروی آسان بود دلیل که
کار وی آسان گردد و اگر بیند که شنا بروی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کناره دریا نمیبیند دلیل که در حبس افتد
و اگر بیند که آب غلبه کرد و او در میان آب بمرد دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از شغلهای
اینجهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بیند که آب او را بزمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بیند که از زیر آب بزمین
آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا بشنا بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغلهای پادشاه خلاصی
یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تاویلش بازگونه بود و اگر بیند که از رودی بزرگ بشنا بکنار آمد دلیل که از شغلی بزرگ رسته گردد
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آن شغل بماند **شنگرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنگرف در خواب غم و اندوه بود و اگر
بیند که شنگرف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شنگرف خورد دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که بشنگرف چیزی
همی نگاشت دلیل بلهو باطل دنیا فریفته شود و اگر بیند که بشنگرف چیزی می نبشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر
بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **شهادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها
فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت
یابد و اگر بیننده مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیننده خواب مشرک بود دلیل که مسلمان گردد و عاقبت بخیر بود
شاه بلوط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت میخورد دلیل که غمگین گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد **شهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
شهد با موم بود بتاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود و اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهد مردم را میداد

ومیخورند دلیل که مردم از علم او فایده یابند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معبران گویند که شهد دلیل بر قرآن کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهد دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود

شهرستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که وی را در دین استواری بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب
بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر استواری کار

شهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی می گردد و اگر کاری در پیش دارد تمام شود و بمراد
برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تاویلش بخلاف این بود و اگر کسی خود را بر کنگره یا بر دیوار
شهر بیند دلیل بر هلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را گردند دلیل که زن را طلاق دهد و زن وی شوی دیگر کند و اگر بیند
که در شهری مقیم شد دلیل که زن با او زوی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین
باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر برف و یخ بیند دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سردسیر بیند دلیل بر
فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بیند که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت
دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی رَبَّنَا اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ اَهْلُهَا و اگر در شهری گمشده بود تاویلش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد
و اگر بیند که زنان در آراسته شهری رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان
پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و بیداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش رود
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی رح گوید اگر در خواب خود را بشهر هندوستان بیند
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سقلان بیند دلیل
که بروی خیانت بود و کارها بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراء النهر بیند دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود
را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای
خراسان بیند کار او بآسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهر
کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل بر سلامتی
و ایمنی بود و اگر خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در
کارها رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمنیه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند دلیل که کارش نقصان
افتد و اگر خود را در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیای او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای [illegible]
بیند دلیل که کار او نیکو باشد

شهرهای معروف دیدن کرمانی رح گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عز و نصرت یابد و اگر خود را در

الیه

مدینه بیند دلیل که او را با تجار صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر خود را
بطایف بیند دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بصره بیند دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را بواسط بیند
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بکوفه بیند دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بغداد بیند دلیل که توانگر شود و با بزرگان صحبت
او را خیر رساند و اگر خود را بحلوان بیند دلیل که معیشت خوش گذراند و اگر خود را باصفهان بیند دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد
و اگر خود را بموصل بیند دلیل که بمراد رسد و اگر خود را بدمشق بیند دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر خود را بحلب بیند دلیل که از بزرگی
منفعت یابد و اگر خود را بانطاکیه بیند دلیل که از مهتری منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بیند دلیل که عز و کامرانی یابد
و اگر خود را باخلاط بیند دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقیصر بیند دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در [illegible] بیند دلیل که کارش
بسته گردد و اگر خود را به تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بگنجه بیند دلیل که نعمتش زیادت گردد و اگر خود را بخوی بیند
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بمراغه بیند دلیل که امان و راحت یابد و اگر خود را به تبریز بیند دلیل که از رنج رسته گردد و اگر خود را [illegible]
بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را بهمدان بیند دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را بقزوین بیند دلیل که او را با مهتری صحبت افتد
و اگر خود را بری بیند دلیل که او را سوگند افتد و اگر خود را بگرگان دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بدهستان بیند دلیل که مشغول
شود و اگر خود را به بسطام بیند دلیل که خرمی یابد و اگر خود را بنسا بیند دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بمرو بیند دلیل که شغلش
ساخته بود و بجائی بماند و اگر خود را به نیشاپور بیند دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بیند دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر
خود را به بلخ بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را بسمرقند بیند دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بغزنی بیند دلیل که از بزرگان
خیر و منفعت یابد و اگر خود را بکاشغر بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را باسکندریه بیند دلیل که کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان شود
و اگر خود را باندلس بیند دلیل که با وی خیانت کنند و اگر خود را در حصاری بیند دلیل که کارش فرو بندد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
شهرها در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیوم عیش خوش چهارم زینت جهت وی باشد شوربا ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید شوربا در خواب اگر بگوشت باشد و طعم و بوی خوش داشته باشد دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل غم و اندوه بود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شوربا با گوشت باشد و خوب پخته باشد نیکو باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل که غم و اندوه بود شونیز ابن سیرین
گوید شونیز در خواب دلیل غم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر مضرت کند و نقصان بود و اگر بیند که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار
شود شیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر اندر خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بیند که شیر از بقره جست
یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که خرمی بیند کرمانی رح گوید خوردن شیر اندر خواب سخنی بد بود که از آن برنجد شیر دانیال علیه السلام
گوید شیر در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر
بیند که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی
بیند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که شیر میدوشید و عوض وی شیر خون می آمد دلیل که

مال حرام یابد و اگر بیند که از پستان خود شیر میخورد دلیل که در کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیند که کودک شده بود و شیر
میخورد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر زنی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر زنی بیند که کودک از شیر باز گرفته بود و از
شیر وا دلیل که زیان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که شیر چهار پای وحشی در مال اندک بود و اگر بخواب بیند که شیر گورخر میخورد دلیل که دین
و صلاحیت کند و اگر بیند که شیر شتر میخورد دلیل که از بزرگی مال یابد و اگر بیند که شیر آهو میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که شیر زن
میخورد دلیل که از زن مال و نعمت یابد و اگر بیند که شیر پلنگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شیر ببر میخورد دلیل که از مردی
بزرگ مال حرام یابد و اگر بیند که شیر گاومیش میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند
که شیر خرگوش میخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بیند که شیر خوک میخورد دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بیند که شیر روباه میخورد دلیل که
با کسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گوسپند میخورد دلیل که مال حلال یابد
مغربی رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوری که گوشتش حلال بود دلیل بر مال حلال کند و حیوانیکه گوشتش حرام بود
دلیل بر غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم مال و فرزند سیوم غم و اندوه
شیره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیره انگور در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود قوله تعالی یُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ
اگر بیند که شیره انگور می فشرد دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بیند که شیره تازه میخورد دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر
بیند که شیره بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیره داشت دلیل که خیر و منفعت یابد
و اگر بیند که انگور و شیره می دوشید و تلف میکرد دلیل که مال بسیار یابد و شیره هرچند که تازه تر و شیرین بود منفعت آن بیشتر باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت چهارم منفعت
بی رنج شیرینیها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیرینیها در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بیند که کسی شیرینی بوی داد
دلیل که از آنکس روزی یابد و اگر بیند که شیرینی خورد دلیل که منفعت یابد کرمانی رح گوید شیرینی در خواب کنیزک نیکو بود و اگر بیند که شیرینی سپید
بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر زرد بود دلیل که کنیزک بیمار صفت بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شیرینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت و ثنای
نیکو چهارم کنیزک خوبروی شیر ابن سیرین رح گوید شیر در خواب دشمن بود و اگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند
و از هر دو آنکه ظفر بود غالب او باشد و اگر بیند که بر اثر شیر میرفت دلیل که از پادشاه بترسد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را
طلب میکرد دلیل که از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بیند که گوشت
شیر میخورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی رح گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیند که از اندام شیر چیزی بیافت یا کسی بوی داد
و خورد دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل که از سختیهای بد رسته گردد و مراد یابد و اگر بیند که شیر او را
در بر گرفت دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بیند که شیر نر با وی مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خواری بیند و اگر بیند که شیر از پس او درآمد

حرف الشین

وا زپیش وی بیرون شد دلیل که از پادشاه او را مضرت رسد دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سر شیر یافت دلیل که پادشاهی یابد
و اگر بیند که پادشاهی او را شیر داد دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر سر شیر نشست
دلیل که دولت و مرتبت او را زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر بیند
که شیر بمید و بنوشید دلیل که دبیر پادشاه گردد و اگر زنی هم این خواب بیند دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بر پشت گرفته
بود دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که شیر او را بگزید دلیل که از دشمنی مضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که شیر او را در بر گرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خشم پادشاه بود و اگر بیند که با شیر طعام خورد دلیل که [illegible]
پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را باسانی
بدست آرد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه

شیر خورشت

دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی شیر خورشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب
بیند که شیر خورشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند
و عوض باز یابد و اگر بیند که شیر خورشت داشت دلیل که مال از بازرگانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خورشت

شیشه

در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیوم کام دل یافتن شیشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب
زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثبات نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود که بوی دادند دلیل که زنی
درویش خواهد و اگر بیند که دران شیشه روغن بود مثل روغن گل و بنفشه دلیل بر زنی دیندار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن
توانگر باشد و اگر بیند که از آن روغن چیزی بسر مالید دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون آب
سیب یا شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه آبگینه داشت و سپید و پاکیزه بود
دلیل که زنی خوبروی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه بشکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد دلیل که زن را
طلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی سازگار

شیشطرج

خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوبروی
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیزک سیوم خادم خانه شیشطرج
دارو ئیست که در خوردن آن هیچ ضرر نباشد

حرف الصاد

صابون

صابون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کار
بد باز دارد و اگر بیند که صابون میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون بکسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دهد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل گردد و اگر بیند که
خود بصابون بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از فروختن بود و اگر صابون

سفید بود و از آتش بوی خوش می آمد بغایت نیکو بود و صابون گرفتی مهتره بود **صرافی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
صراف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بیند که صرافی میکرد و معتبر نگاه کند تا سایل را چه مراد است اگر بیند مستور و بیدار بود دلیل
کند آنچه که موافقت دین بود آنرا اختیار کند و اگر سایل چیزی نپرسد نداند تا ویلش آنست که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صرافی میکرد دلیل که بخیانت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صراف در خواب مردی خرافات
گوی باشد که همه آن کنند که او زیان دارد **صاروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج کرد دلیل که با مردم سخن لطیف
گوید و صاروج گر در خواب مردی خوش بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج از بهر کسی کرد دلیل که آنکس مدارا کند جعفر
صادق رضی الله عنه گوید صاروج کردن در خواب بر سه وجه بود یکی سخن لطیف دوم مدارا کردن سیوم رضای آنکس جستن
صاعقه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صاعقه آتشی بود که از ابر جهد اگر بخواب بیند که از ابر صاعقه فتاد دلیل که بقدر آن صاعقه
عذاب خدای تعالی باهل آن مقام رسد قوله تعالی وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا اهل آن دیار
توبه باید کرد تا عذاب از ایشان رفع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتشی از هوا مانند باران می بارید دلیل بر بلا و فتنه و خونریختن
از جهة پادشاه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاعقه بیفتاد و او را بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **صبح**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را ایمنی حاصل شود و اگر بیند
که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید و سرخ بود چنانکه زمین از
عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خونریختن شود و اگر رنگ صبح زرد بود دلیل بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن صبح در خواب دلیل بر قوت و صلاح دین مردم آن دیار بود **صبر** در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بیند
که صبر میخورد دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر نخورد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم و اندوه
بود که بوی رسد **صحبت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر صحبت با مردم صلح پارسا سید اشت دلیل بر دیانت و صلاح
زندگانی او باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همراهی
با پادشاه میکرد دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردی عالم میکرد دلیل که علم و دانش
یابد و کارش بنظام شود و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد توبه باید کرد و اگر بیند که با بزرگی همراهی میکرد دلیل که بدو نیاز مند
شود **صحرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خرمی و نیکوئی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر
صحرائی بی اندازه بیند و در آن خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میگشت دلیل که او را با پادشاه ستمگری ظالم
صحبت افتد و مقرب وی شود و اگر صحرائی بیند که در و سبزه بود دلیل که با مرد فاضل و عالم صحبت افتد و فایده
یابد **صحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را کسی راه صواب نماید و از خطا منع کند
خاصه که از کتاب خبا ندو اگر بیند که صحف انبیا را ظاهر میخواند دلیل که صحبت با مردم منافق دارد مغربی رح گوید اگر بیند که مسلمانی صحف ابراهیم کرد

علیه السلام

علیه السلام میخواند دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود و کبران و جهودان را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود صحیفه بمعنی
وارد یکی نامه دوم دوم کاغذ سیوم پرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل که میراث یابد
و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی مینوشت دلیل که از مردی دین دار با امانت چیزی یابد و اگر بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی
نبشت دلیل که از مصیبت زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی ننوشت دلیل که میراث نرسد صدف کرمانی رحمة الله علیه گوید
صدف در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که صدفی داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که صدف ضایع شد دلیل که
خادم او بگریزد صدقه دادن خلاف است معبران در این ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عالمی صدقه میداد
دلیل که از علم وی مردم نفع رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وری صدقه داد
دلیل که شاگردان را کار آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر وامداری بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارده شود و اگر بنده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد
دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه
دادن در خواب بر سعادت دو جهانی باشد صراط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر صراط ایستاده بود
دلیل که کارهای کج بر دست وی راست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلای مرگ و بزرگ ایمن گردد و اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد دلیل که در رنج و بلا و مصیبت
افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفاق
صفه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل که بر
درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل بر هلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش
بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد صلوات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صلوات
بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میداد دلیل که حاجتهایش روا گردد و روزی بر وی فراخ گردد و خاتمت کارش بسعادت
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میداد دلیل که حج کند و گویند که پیغامبر صلی الله و سلم را بخواب بیند دلیل که
سنتهای پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد صمغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که صمغ از درخت آنجا است که فضله آن خشد
و اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر آن از فضله مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضله
مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت منسوب است
اگر صمغ با وام خورد دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زرد آلو خورد دلیل که از مردی بیمار منفعت یابد و اگر صمغ مغیلان داشت

دلیل که از مردی بیابانی منفعت یابد صنج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صنج در خواب مکروه و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند که
در پیش او صنج میزدند دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیند که صنج یا چنگ و چغانه میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که باهل آن موضع
رسد و اگر بیند که صنج بشکست یا بینداخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صنج زدن در خواب
بر پنج وجه بود یکی خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه صندل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او گوید و اگر بیند که صندل سپید داشت دلیل که از مردی بزرگوار عطا
یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت و بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل در خواب بر چهار
وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود صندوق
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صندوق در خواب زن بود و بعضی معبران گویند که عز و جاه بود و اگر بخواب بیند که صندوق
بزرگی نو بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن عز و جاه یابد و اگر بیند که صندوق وی ضایع شد یا بشکست دلیل که جاه وی
کم شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صندوقی پاکیزه داشت دلیل که زنی خوبروی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندوق کهنه بود
تأویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندوق در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم بلندی قدر
و مرتبت سوم زن بود صورت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که
احوالش بدانکه دیده باشد بگردد و اگر بیند که بصورت خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر در خواب صورت
خود بازگونه بیند دلیل که هر کس روی از وی بگرداند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت جانوری
شد دلیل که بدمذهب و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت در خواب کسی بیند که بر خداوند تعالی دروغ گوید
صوف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید جامه صوف در خواب خیر و منفعت دنیا بود خاصه که مردم مصلح را و اگر بیند که … از
صوفیان بیرون آمد دلیل که میل بخطا و گناه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صوفی شده و مرقع پوشیده و در میان
صوفیان مقام داشت دلیل که همین به بیداری بیند و اگر بیند که صوفیان او را از میان خویش … بیند که هم راهی
این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان بنشست دلیل که طاعت بنفاق کند یا عالم میگردد دلیل که علم و دانش
شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره … که با بزرگی همراهی میکرد دلیل که …
چهارم طمع کسی نداشتن صیقل ابن سیرین رح گوید صیقل در خواب … بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی … اگر
بیند که صیقلی میکرد اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشا… انجا میگشت دلیل که او را با پادشاه ستمگری کار
… که صیقلگر در خواب مردی باشد که بدست خود حق … و سبزه بود دلیل که با مرد فاضل عالم صحبت افتد و فایده
بود و اگر صحفی روشن و پاکیزه بیند دلیل که … که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را کسی … صواب نگاه دارد …
و اگر بیند که آلات صحفی داشت یا فرا گرفت دلیل … صحبت و با مردم بنفاق و ریا … مغربی رح گوید اگر بیند که مسلمان مصحف …

گوید صینی آلت و در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم کنیزک سیوم منفعت از زنان **حرف الضاد** **ضرابی** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید ضرابی در خواب مردی باشد که سخنان خود را بیاراید و لفظ باز گوید اگر بخواب بیند که ضرابی میکرد
دلیل که سخنی چند بی اصل بیاراید و لطیف و شیرین بگوید و اگر بیند که درم و دینار میزد دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش
بود که مردم از آن سخنان برنجند **ضعیف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سر وی ضعیف
شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیند که گوشت وی
ضعیف شد دلیل که زنش یا خادمش بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که دهانش
ضعیف شد دلیل که سخنان باطل گوید و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قفای وی ضعیف شد
دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیند که دست وی ضعیف شد دلیل که زنش رنجور شود و اگر بیند که ساعدش ضعیف شد دلیل که مادر یا فرزندش
بیمار شود و اگر بیند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای وی محال گردد و اگر بیند که پستانها ضعیف شد دلیل همین تاویل دارد
و اگر بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پناه او باشد ضعیف گردد
و اگر بیند که سرین وی ضعیف شد دلیل که حال مهتری از خویشان وی بگردد و اگر بیند که ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی
بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین گردد **ضیاع**
ضیاع را مالک بود اگر بیند که در زمین خود تخم میکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضیاع وی بوقت خود رسته بود دلیل که
در راه دین نیکو باشد و اگر بیند که جمله ضیاع خود بفروخت و بها بستد دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح
بود و اگر بیند که ضیاع خود آبادان میداشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال بود
و اگر بیند که سیل ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد **حرف الطاء** **طاس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاس در خواب
زن خادمه بود یا کنیزک خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت یا کسی بوی داد دلیل خادمه بخانه آورد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که
اگر بیند که صفه [illegible] بود یا پسر و کرمانی رحمة الله علیه گوید طاس در خواب کنیزکی با سیرت بود و اگر بیند که طاس آب بوی دادند و بخورد دلیل که او را فرزندی
بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل [illegible] و آب بماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزندی که باشد بماند و اگر بیند که آب بخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد
طالع در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم فرزند چهارم منفعت از زنان **طالع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم سید و [illegible] دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که تاویل طالع بهتر و قوی تر از انگشترین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طالع
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار [illegible] در و سیاه و اگر بیند که منزلوار نبود دلیل که بقدر خود جاه و بزرگی یابد جعفر صادق علیه السلام گوید
منتهای پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد [illegible] سیوم مال جمع کردن **طاعون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که
و اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر [illegible] علت طاعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمة الله گوید طاعون
مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی **طاوس** گوید طاوس در خواب پادشاه عجم بود و اگر بیند که طاوس نر داشت
اگر صمغ بادام خورد دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ [illegible] خورد [illegible]

ضراب
ضعیف
ضیاع
ضیاع
طاس
طالع
طاعون
طاوس

ودلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بیند که طاوس ماده بود و اندک ملک اوست دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بخواهد و از وی مال
و فرزندان حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که قوادگی کند دانیال علیه السلام گوید که
طاوس در خواب زنی مفسده بود و اگر بیند که طاوس نر با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که نر و ماده طاوس با هم بودند
دلیل که بیگانه با عیال او فساد کند و اگر بیند که طاوس از خانه وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که طاوس را بکشت دلیل که از
دختری دوشیزگی بستاند و اگر بیند که طاوس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاوس را بگرفت دلیل که
ورا دختری آید و اگر بیند که طاوس نر از دست وی بپرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس
در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینه و مال **طباخ** در خواب مردی حریص بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که طباخی میکرد و آن طبخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **طبق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس سازد وقت شادی و هر که وی را به بیند شاد گردد و اگر بیند که طبقی بزرگ داشت
دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که طبق بشکست دلیل که خادم او بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند طبق
او در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیزک وی یا پرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کنیزک سوم فایده چهارم هدیه **طبل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید طبل در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که با طبل نای و رقص بود دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بیند که طبل
مصر میزدند دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدو رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبل میزد دلیل که کاری باطل
کند و طبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند **طبیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبیبی بیماری را علاج کرد و درست
شد دلیل که یکی را از راه فساد براه صلاح آورد و اگر بیند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردم
را دارو داد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پند دهد و مردم پند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر دارو وی نافع نبود تاویلش
بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را اصلاح تن و کسب معیشت
بود **طعام** دانیال علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تاویلش بد بود مگر پالوده و غیره زیرا که جوهر حلوا از عسل
روغن و انگبین باشد و این هر دو در تاویل مال بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخوردن دشوار و بیمزه باشد تاویلش
رنج و اندوه بود و هرچه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعام از زر
و سیم بستد دلیل بر زیان مال باشد و اگر بیند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد و اگر بیند که چندان طعام
بخورد که طاقت نداشت که برخیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که درویشی را طعام داد دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بیند که کافر را طعام داد دلیل که در کار دشمنان
حقتعالی او را یاری دهد **طعنه** نیزه زدن بود اگر بیند که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد دلیل که اینکس بقدر آن زخم

دشمنی اینکس در دل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر بیند کسی را طعنه زد و جای او بدرد آمد
دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید او را درد حاصل آید و اگر درد نکرد تاویلش بخلاف این بود **طلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زن را طلاق داد و او را یک زن بود دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود بغیر این زن دلیل که از شرف و جاه بعضی
نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلع کردن در خواب
توانگری بود قوله تعالی وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ **طلع** ابن سیرین رحمة الله علیه طلع بار خرما بود اگر بیند
که یک طلع یا دو یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار
داشت و از آن نخورد و بکسی نداد دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم ستدن مال بغصب **طلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
طلق اندک مایه سختی بود که در کارها زیرا که جوهری از سنگ است اگر بیند که از جائی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بمکر و حیلت
از سفر مال حاصل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طلق محلول بر تن بمالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج بوی نرسید
دلیل که شر پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق میخورد دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی ضایع شد
دلیل که مالش تلف شود **طنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و مصیبت
بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر بیمار بیند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بیند که آواز
طنبور می شنید دلیل که بسخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود اگر
کسی بخواب بیند که طوطی از دست وی بپرید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی
گوید یا کاری کند که مردم از آن عجب آید و طوطی ماده دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد پارسا و
اگر بیند که طوطی ماده را بگرفت دلیل که دوشیزگی دختری ببرد و اگر بیند که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که او را فرزندی
آید که در شأن وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم
دختر دوشیزه سوم شاگرد پارسا **طوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او طوق بود از زر یا از سیم دلیل که تقلد
آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاه دارد و اگر بیند که از آهن بود دلیل بی امانتی و فساد دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
طوق در گردن خود بیند دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زرین بیند دلیل که ولایت
یابد و اگر از مس یا از آهن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب بر شش
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسب خود بیند دلیل که
از پادشاه مال و بزرگی یابد **طیلسان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بیند که طیلسان
نو و پاکیزه بود دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طیلسان بدرید یا بسوخت دلیل که عزیزی

ازان او بمیرد و انبیال علیه السلام گوید دیدن طیلسان در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بیند که طیلسان پاکیزه بود
دلیل که امانت بگذارد و اگر طیلسان چرکین بود دلیل که امانت در گردنش بماند و اگر بیند که طیلسان زر و بیرد دلیل که او را غمی سخت
افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طیلسان سپید در خواب فرزند مصلح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش معاش و طرب دوست دارد
اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طیلسان در خواب بر ده وجه بود یکی
عز دوم جاه سوم ولایت چهارم فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال هشتم منفعت نهم علم دهم دین **حرف الظاء**
ظلم کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر وی ظلمی رفت دلیل که بر ظالم کننده نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد دلیل که
آنکس بر وی ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه بر وی ظلم کرد دلیل که پادشاه بوی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد دلیل که
از پادشاه مضرت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را نفرین کند و اگر خواجه
بیند که بر بنده ظلم کرد دلیل که از خواجه او را بلا و محنت رسد **ظلمات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود
و بر روشنائی بدل شد دلیل که راه دین بر وی گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر روشنائی آمد و باز
در ظلمات رفت دلیل که منافق باشد قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ الایه مغربی رحمة الله علیه گوید
ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در دیار وی ظلمات ظاهر شد دلیل که در اندیار غم و اندوهی عظیم پدید آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم تحیر سوم فروبستن کارها چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر توانگر بیند
که بدرویشی آمد دلیل که مالش زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتوانگری رفت دلیل که کارش بد بود **حرف العین** ❊ **عاج**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عاج داشت دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عاج ازو
ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عاج در صندوقی داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی
بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را کنیزکی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عاج بشکست یا ضایع
شد دلیل که زن یا کنیزک او هلاک گردد و هرچند که عاج سپیدتر و پاکتر باشد مال بیشتر بود **عاریت کردن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که ثابت شود و برود و اگر چیزی بود
که دوست ندارند تاویلش بخلاف این بود **عاشق** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که عاشق است و حریص بود دلیل فساد
و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبروی عاشق شده بود و اگر دران
عشق نیت حرام بود دلیل بر شر و فساد کند و اگر دران عشق نیت حلال بود دلیل خیر و صلاح بود اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از معشوقی کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود **عالم** اگر بیند که عالم یا فقیه شده و در اصل جاهل بود
دلیل که مردم سخن نکنند و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی بگذشت که در آنجا ترس و بیم بود دلیل که مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند و باد

یشان عادل گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت اگر از اهل علم بود دلیل که از اندیار بگریزد و اگر عالم بود
دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که بعلم گفتن عطا بستد دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب چهار
وجه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خطیب **عبادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت خدای تعالی
میکرد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که خیرات جهانی
یابد و اگر بیند که جائی عبادت کرد که مکروه بود تاویلش بخلاف این بود و عجوزه پیر شدن است در حرف کاف بیان کنیم
عدد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از درم یا از دینار یا جامه یا غیر آن بوی دادند دلیل که خیر و نیکوئی بیند
قوله تعالی مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی یک طاعت را ده پاداش است بنا برین معبران گویند
که اصل ده از یکی است کرمانی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوه ولیکن بر دشمن پیروز گردد ثَانِيَ اثْنَيْنِ
إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ و اگر عدد شمار بیند بد باشد و از کاریکه دران بود برخورداری نیابد قوله تعالی قَالَ آيَتُكَ أَلَّا
تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ و لفظ سه دلالت بر فرقت کند زیراکه طاق است و اگر عدد چهار بیند نیکو باشد
چون چیزی دیگر مضاف نباشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و اگر عدد پنج باشد نیکو بود
وقتیکه صاحب خواب پنج نماز بپای دارد و اگر عدد شش بیند نیک باشد خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ و اگر عدد هفت
بیند باشد سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا و چون با هفت با هشت باشد بد بود قوله تعالی سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا و اگر عدد
نه بیند بد باشد قوله تعالی تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ و اگر عدد ده باشد نیکو باشد و مراد دین و دنیا او را حاصل گردد قوله تعالی
تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ و اگر عدد یازده بیند دلیل که شغلهای وی بروزگار بر آید و اگر عدد دوازده بیند
نیکو باشد قوله تعالی إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا و اگر عدد سیزده بیند بد باشد
و کارش بد شود و اگر عدد چهارده بیند نیک باشد و اگر عدد پانزده بیند کارهای پراکنده وی بر آید و اگر
عدد شانزده بیند حاجتش دیر بر آید و اگر عدد هفده بیند بد باشد و اگر عدد هجده بیند امیدش بر نیاید و اگر عدد
نوزده بیند او را با مردم کار افتد قوله تعالی لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ و اگر عدد بیست بیند نیک
باشد و بر دشمنان ظفر یابد قوله تعالی عِشْرُونَ صَابِرُونَ و اگر عدد سی بیند او را با کسی داوری حاصل گردد قوله تعالی
وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ و اگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد و اگر پنجاه بیند
دلیل بر رنج و سختی بود قوله تعالی أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ و اگر شصت
بیند دلیل که او را سوگند بگردن افتد و او را دو ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت درویش را طعام باید داد قوله
تعالی شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ و اگر عدد هفتاد
بیند دلیل که بتاخیر بر آید و اگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تهمت کنند و چوب بزنند قوله تعالی فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ

جلدة واگر عدد نود بیند دلیل که چند زن را از بزرگان بنکاح کند قوله تعالی تسع وتسعون نعجة ولی نعجة
واحدة واگر عدد صد بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی مائة یغلبوا مائتین واگر سلطان خود را
بیند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد واگر کسی بیند که وی را صد درم دادند دلیل که تهمتی بر نا بر وی
نهند واورا صد چوب بزنند قوله تعالی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة واگر بیند که کسی او را
صد دانه گندم یا جو یا چیزی از دانها داد دلیل که او را خیر و برکت بود و عیش بر وی فراخ گردد قوله تعالی فی کل
سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء واگر عدد دویست بیند دلیل که دشمنان بر وی
ظفر یابند واگر عدد سیصد بیند دلیل که بروزگار مرادش حاصل شود قوله تعالی ولبثوا فی کهفهم ثلث مائة
سنین وازدادوا تسعا واگر عدد چهارصد بیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که خیر الجیوش اربعة الف یعنی بهترین خواهها چهارصد و بهترین لشکرها چهارصد هزار واگر عدد پانصد
بیند دلیل که کارش موقوف باشد واگر عدد ششصد بیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد واگر عدد هفتصد بیند
دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت برآید واگر عدد هشتصد بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر عدد نهصد بیند دلیل که دشمن
بر وی ظفر یابد واگر عدد هزار بیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی وان یکن منکم الف یغلبوا
الفین باذن الله واگر عدد دو هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد سه هزار بیند دلیل بر فیروزی بود قوله تعالی
بثلثة الاف من الملئکة منزلین واگر عدد چهار هزار بیند دلیل بر قوت و نصرت باشد واگر عدد پنج هزار بیند
دلیل که مبارک و فرخنده بود واگر عدد شش هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد هفت هزار بیند دلیل که کارهای او گشاده
گردد واگر عدد هشت هزار بیند دلیل که کارش بنظام شود واگر عدد نه هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد ده هزار بیند دلیل
که نصرت و فیروزی بود واگر عدد بیست هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد سی هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر بد نیک
یابد واگر عدد چهل هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد واگر عدد پنجاه هزار بیند دلیل که برنج و سختی و عجز در مانده شود قوله تعالی
وکان مقداره خمسین الف سنة واگر عدد شصت هزار بیند دلیل که خرم و شادمان گردد واگر عدد هفتاد هزار بیند
دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد هشتاد هزار بیند دلیل که کارها بر وی پوشیده گردد واگر عدد نود هزار بیند دلیل که
دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد صد هزار بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی وارسلناه الی مائة الف او یزیدون

عدس معبران در تاویل عدس خلاف است ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت
ابراهیم علیه السلام او را دوست داشتی کرمانی رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
را از من و سلوی ملال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
مال بود که از زنان بوی رسد خاصه که پخته بود واگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد **عراده** ابن سیرین رحمة الله علیه

باب العين

گوید اگر بیند که عراده بر دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر بیند که عراده
در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که در دین مسلمانان سخنان ناهموار گوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند
و اگر بیند که عراده می انداخت دلیل که اهل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
عرش در خواب امیری بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت
افتد و عزت و نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل
که او را با مردی بزرگ پیوند دوازوی حرمت و جاه بیند و اگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگواری
عرعر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عرعر داشت دلیل که با مردی اصیل او را صحبت افتد و درخت
عرعر بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر
عرق وی را زیان افتد خاصه اگر عرق وی بر زمین میچکید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه وی از
عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود میخورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق
سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر بیند که عرق میکرد دلیل که حاجتش روا شود
و اگر بیمار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخواست و لیکن او را
ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی بخفت دلیل که بزرگی یابد و چیزی که
ملک او نباشد ملک او شود کرمانی رحمة الله علیه گوید عروسی که در آنجا چنگ و چغانه و نای باشد دلیل بر مصیبت
بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که عروسی شد و او را نزد شوهر می بردند دلیل که عمرش بآخر رسیده
باشد و اگر بیند که شوهر او را بستد و با وی نیکی کرد دلیل که خیر و منفعت یابد عزل دور کردن از کاری بود اگر بیند که
پیری را معزول کردند دلیل که خواری و بیحرمتی یابد و اگر بیند جوانی معزول کردند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة
علیه گوید اگر بیند که مهتری را معزول کردند دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب معیشت کند تاویلش
نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
عسس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با عسس میگشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را خیر و منفعت
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را بگرفت و گزند رسانید دلیل که از مردم پادشاه
بوی رنج رسد و اگر بیند که از آن عسس بوی هیچ ملالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عسس جامه
وی بر کند یا وی را به زندان کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بیحرمتی بیند و اگر بیند که از عسس بخت وی کسی او را

نتوانست گرفت دلیل که اندکی رنج بوی رسد **عصار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عصاری میکرد دلیل که
بکاری مشغول گردد که او را ثنا گویند و نام نیکی و خیر برد **عصا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگوار
با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که
عصای وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرد دلیل که بمعاونت مردی بزرگ آنچه بسیج پدید آید
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که مراد رسد و اگر کوتاه شد تاویلش بخلاف این بود و اگر
بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از او منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب بر سه وجه بود یکی مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت **عصیده**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصیده نوعی از حلوا یا است و آن بهتر که زعفران بود و دیدن او در خواب مالی بود که بمشقت برنجی
بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصیده در دهان نهاد دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصیده بسیار خورد دلیل که مال
بخصومت حاصل کند **عطا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا دادند معبر باید که بپرسد
و از این عطائی که دادند چه نوع بود زر و یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود و چون جمله بدانست آنگه
تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آنرا دوست میدارند دلیل که از آن عطائی که بوی داد نیکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود
دلیل که بسبب دنیا او را خواری رسد و اگر عطا بوعده خطا بود و آنجمله دروغ بود و اگر بیند که عطا بستد و دیگر باز داد دلیل که نیکی
آن بعطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا دادند دلیل که با آنکس دوستی کند و اگر عطا دهنده
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او برغبت ستد دلیل که ایمان او پرخطر باشد و اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانی
ایشان را عطا داد و برغبت بستد دلیل که مسلمان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او شکر گفت دلیل
که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک بود
و عطا دهنده دون بود تاویلش بد بود **عطر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و او عالم
بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با
خود عطر داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود یکی
ثنای نیکو دوم سخن خوش سوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کریم هفتم مرد با فرهنگ هشتم دین پاک نهم
خوش **عطار** اگر بخواب بیند که عطاری میکرد دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم بوی خوش میفروخت دلیل که
وعده دهد و لیکن خلاف کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی و آشنائی شد دلیل که مردم
او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود **عطسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت
دلیل که اگر بیمار است او را بطبیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی حاجتش روا کند و بر وی منت نهد و اگر بیند

بشد یا عطسه داد دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد دلیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی
باز کشش گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه داد و نجاها از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که دردی بنجی زشت گویند و اگر
بیند که عطسه آمد و جهنده او بیرون آمد دلیل که از جوهر آن جهنده او را فرزندی آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر عطسه در خواب بآسانی داد دلیل که مال بآسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد دلیل که مال بدشواری بدست آورد **عقل**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و داند که عقل ویست اگر بیننده خواب اهل
آن باشد دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
عقل خود را بدین صورت بیند دلیل که بخت روی بوی نهد و عز و جاه یابد و توانگر شود دانیال علیه السلام گوید عقل در خواب بخت
و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام دلیل که بخت و دولت یار او شود مغربی رحمة الله علیه گوید
عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بودند دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند دلیل که دعا
و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت بخواب دیدم که مال و جان
من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من در آمدند و هر سه بنشستیم و بشراب مشغول گشتیم رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که عقل قیمت اینجهان است و جان قیمت آنجهان کار تو بمراد شود و اگر بیند که عقل و جان ستیزه و لجاج میکردند دلیل که با سلطان
ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر
سیوم فرزند. پادشاه چهارم مال و نعمت **عقیق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد دلیل که
با بزرگی مصاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از وضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بجز و از عقیق داشت
چیزی بجز و دلیل که او را فرزندی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد **علک** کند بود و اگر بیند که علک بر آتش نهاد دلیل که بقدر آن
در مال او نقصان شود و اگر بیند که علک میخائید دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد **علم** در خواب مردی دانا یا امام یا هدیه یا شخصی که مردم
بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم در دست داشت دلیل که از این نوع مردم که صفت کردیم با کسی آشنا شود و از وی راحت یابد و اگر بیند
که علم از دست وی بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر سفر بود و اگر بیند
که علمی بوی دادند یا لشکری بر وی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که علمی سپید بزرگ در دست داشت دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز
داشت دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
علم در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم سفر سیوم جاه چهارم نیکی احوال **عمارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند
که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر بیند که بر زمین خراب
شده بود و از بهر خود عمارتی کرد چون سرای و دکان و مانند این دلیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بیند که جای معمور خراب کرد

شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آنمقام خیر و
صلاح و منفعت بقدر عمارت آنمقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجهانی
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته **عماری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که در عماری نشسته بود و عماری وی بر اشتر یا بر اسب بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عماری بیفتاد و یا از عماری
بیرون شد تاویلش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عماری نشاند دلیل که با بزرگی پیوندد
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عماری در خواب بر هفت وجه بود یکی
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری **عمود** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود و معبران گویند که سخنهای سخت باشد و اگر بیند که عمود می بر کسی زد دلیل
که سخنی سخت بکسی گوید و اگر بیند که عمود آهنین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمود از دست وی
بستدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای
سخت ناخوش سوم مهتری بزرگ **عناب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب داشت و میخورد دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که از وی بدانکس مال رسد مغربی رحمة الله گوید اگر بیند که عناب از درخت جمع
میکرد دلیل که بقدر آن مال بنج حاصل کند **عنبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر
بیند که عنبر بسیار جمع میکرد و باز میبافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل که از وی بدانکس منفعت
رسد و اگر بیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید دلیل که بجای او نیکی کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم ثنای نیکو
عنقا نوعی از نوا بود چون چنگ و بربط و مانند این ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنقا میزد دلیل که بباطل و سخن محال
رضا دهد و اگر بیماری بیند که عنقا بشکست یا بیفکند دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عنقا میزد دلیل که زود بمیرد
عنکبوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عنکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاصی بود و بعضی معبران گویند که جولاهه
بود و اگر بیند که عنکبوت از وی دور شد دلیل که از مردی جولاهه دور شود **عود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود بر کسی
میسوخت دلیل که از وخیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود خام
داشت یا کسی بوی داد دلیل که از پادشا خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب
بر چهار وجه بود یکی مردی خوبروی دوم سخن خوش سوم ثنا و آفرین چهارم مال و منفعت **عودسوز** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید عودسوز در خواب کنیزک با فرهنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عودسوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کنیزک از اهل
شرما باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل جهود باشد اگر از آهن بود از اصل گبران باشد و اگر بیند که عودسوز بشکست یا ضایع شد

دلیل که غلام یا کنیزک هلاک شود **عورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او را
میدیدند دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که ستر او زود پوشیده گردد و معبران
گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و بپوشید و کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده
شود و اگر ترس دارد دلیل که ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن شرمنده
شد دلیل که از فعال بد بحال نیک آید و اگر بیند که قصداً عورت خود برهنه کرد دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد
یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد **عید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردی عالم
کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود دلیل که او را با مردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بیند که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند دلیل اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرفش زیادت
گردد **عاشورا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کامگاری یابد بقوله تعالی اکملت لکم
دینکم و اتممت علیکم نعمتی و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بر وی خجسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود

حرف الغین **غار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود
و اگر بیند که در غار شد زود بیرون آمد دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غاری شد
و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد دلیل که رنجور
شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمت وی غارت کردند دلیل که غم و مصیبت بود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفر را گرفت و غارت کرد دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که
لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند دلیل که غم وا فتد و مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زیان سوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان **غالیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غالیه در خواب
فرهنگ و نام آور بود اگر بیند که غالیه بکسی داد دلیل که آنکس را از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید غالیه نشان
حج بود و معبران گویند که غالیه مالی باشد که از مهتر بدو رسد و اگر بیند که غالیه یافت دلیل که از زنی یا از مردی بازرگان منفعت یابد
و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بناگوش وی غالیه مالید دلیل
که او را ستم بدروغگوئی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنگ دوم ثناء و
آفرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غایب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر
نزدیک وی آمد دلیل که نامه یا خبر الغایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بر وی گشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسنده
و متفکر بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر

غایب را پیاده و حاجز و برهنه ببیند دلیل که در راه غایب را قطاع الطریق بزنند و مفلس شده باز آید غبار ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که غبار بر چیزیکه ملک او بود بنشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر ببیند که غباری میرفت
آسمان و زمین میشد دلیل که مردم آنموضع از آنکار که دارند بیرون آیند و اگر ببیند که بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل که
بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که روی او پر غبار بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی
وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر ببیند که بر زمینی که ملک اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال
حاصل کند غربال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غربال در خواب خادمی بود چنین اگر کسی بخواب ببیند که غربال داشت
دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر ببیند که غربال وی بشکند دلیل که خادم وی بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که
[illegible] بغربال پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم را از آن منفعت باشد و او را مضرت رسد و اگر ببیند که آنچه پاک میکرد از بهر خود
میکرد دلیل که منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غربال در خواب بر سه وجه بود یکی خادم دوم یار سوم شاگرد
زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که پادشاه او را هلاک کند
و اگر ببیند که آب او را فرو برد و باز بالا آورد و نمرد دلیل که از کار دنیا دست بدارد و صلاح دین و راه آخرت جوید مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که چهارپائی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار صعب در ماند و سرانجام رهائی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار دوم اقبال سوم صحبت با مردم بد مذهب
چهارم منفعت غزا کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که در راه خدایتعالی غزا میکرد دلیل که کار خویشان
و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابد قوله تعالی وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً
اگر ببیند که از غزا روی بگردانید دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که بغزا رفت دلیل که دولت و نعمت و بزرگی یابد قوله تعالی
وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر ببیند که مردم آنديار بغزا بیرون شدند دلیل که عز و جاه
یابد و مردم را قهر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بیحد و
عمرش دراز گردد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غزا کردن در خواب بر شش وجه بود یکی خیر و برکت
دوم سنت رسول صلی الله علیه وسلم گذاردن سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه ششم غنیمت
یافتن غسل کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که در جوی یا دریا غسل کرد دلیل که غم و اندوه وی کم گردد
و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و از ترس ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر ببیند که بآب
گرم غسل میکرد و آنکه دست و روی بشست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که دست بآب چشم ناشسته اگر دوستی دارد دلیل

که درمیان ایشان فرقت افتد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در خواب از جنابت دلیل بر پاکی از دروغ بود و بر زیادت و نقصان که بشستن از جنابت پدید آید دلیل بر دین و دروغ شود **غل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن غل در خواب کفر باشد و میلش بناحق بود و اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر میرد و اگر بیند که غل در گردن بند سک شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت دلیل بر بخل او کند قوله تعالی وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا و مقصود از غل بخل است ابن عباس رضی الله عنه معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن بیند دلیل که دست از کار شر بدارد **غلاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود و اگر بیند که غلاف شمشیر بشکست و شمشیر او بسلامت باند دلیل که فرزند بسلامت از مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف کارد همین حکم دارد **غلام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شده بود دلیل که بکاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر بیند که غلامی بگرفت یا بخرید دلیل که در آن کار نیکویی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ و درجای دیگر فرمود يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که غلام یا کنیزک میفروخت دلیل که نیک بود و اگر بیند که میخرید بد باشد و اگر بها غلام و کنیزک اگر زر و سیم ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند نیکو باشد **غلبه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر خصم غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بر وی غالب شود **غم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فتح و شادی بود و اگر بیند که غمگین شده بود دلیل که فرج یابد و بمراد برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندوهگین شده بود دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از غم رسته بود تاویلش بخلاف این بود **غنیمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب اگر مال کافران بود دلیل که نرخها گران گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن دیار که غنیمت بجا برده اند نعمت شود و نرخها ارزان شود و اگر بیند که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل شود **غواص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بدریا فرو رفت و مروارید برآورد دلیل که بقدر آن علم و دانش آموزد و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیند که بدریا رفت و هیچ نیاورد دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد ولیکن فایده نیابد و اگر بیند که گوهر از قعر دریا برآورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد **غوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که غوره بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد ولیکن پایدار نبود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غوره میخورد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که اندوهش کمتر بود و اگر غوره بگوشت پخته بود بهتر باشد غوک و وزغ در حرف واو شرح آن گفته شود

حرف الفاء

فاخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته در خواب زنی ناقص دین بدمهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین بدخصال بخواهد و اگر بیند که بچه فاخته گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال از زن ستاند و حج کند کرمانی رحمة

علیه گوید فاخته فرزندی دروغزن بود و اگر بیند که فاخته بر بام وی بانگ یکبار کرد دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کرد بهتر
بود و اگر سه بار بانگ کرد بغایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته با زاغ هر دو بخانه وی درآمدند دلیل که دزد در خانه وی درآید و کالای او ببرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیوم خادم **فال گرفتن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فال گیری میکرد دلیل که آنکس چیز بیند
بسیار خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت
روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تاویلش بخلاف این بود **فالوده** اگر بزعفران بود بیماری بود و دیدن فالوده
رنج و خصومت بود و بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر بیند که فالوده در دهان نهاد دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر بیند که لقمه
فالوده بکسی داد دلیل که با آنکس سخنی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله گوید فالوده در خواب بر چهار وجه
بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم با جنگ کاری که بر آید بدشواری بود **فام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که فام بروی بود دلیل که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد باز رساند و اگر وام دارد
دلیل که بگذارد **فتنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آن دیار بخدا وند تبارک وتعالی
باز گردند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر از ده چیز یکی بیند دلیل وراندیار فتنه و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد سخت چهارم باد
گرم پنجم سیاهی آفتاب ششم ماهتاب هفتم غبار هشتم باران نهم برکندن درختان دهم ابر سرخ یا سیاه و هم جامه سرخ و زرد پوشیدن
فراخی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی تنگ بفراخی آمد یا از سختی بآسانی رسید دلیل که از غم بیغم شود و از
اندوه فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال از وی فراخ گردد و اگر بیند که خانه بروی
تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیال او بروی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و
شریعت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر گشایش کارها بود و برکت در چیزها **فراش** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید فراش در خواب دلاله بود که از بهر کسی زن خواهد **فرج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را
همچون زنان فرج بود دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دو زن
بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که هر دو زن از یک کس باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهن یا از
مس بود دلیل که از یافتن مراد نا امید شود و اگر مردی بیند که فرجش از سوی پس بود دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای
حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون آمد دلیل که
او را دختری آید و اگر زنی بیند که از فرج او گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر زنی بیند که از فرج او مار
بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که دشمن او گردد و اگر بیند
که از فرج وی کژدم بیرون آمد دلیل که او را پسری نا خلف آید و اگر بیند که از فرج وی کرم یا موری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دون

هست آید و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگدست گردد و اگر بیند که از فرج وی گنجد بیرون آمد دلیل که شوهرش
او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی مجامعت کند و اگر بیند که از فرج وی
ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند
که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهانگیر شوند
و اگر بیند که کسی فرج وی ببرید دلیل که از آنکس منفعت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی
رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خود اندوهگین شود و اگر بیند که بر فرج وی موی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیند که
فرج وی آماسیده بود دلیل که مال یابد و اگر زنی بیند که او را بجای فرج قضیب بود اگر آبستن بود دلیل که پسر آرد و نماند و اگر آبستن
نبود دلیل که پیش شوهر بمیرد و اگر بیند که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد و لیکن با مردم پارسا بود و دیبای نیک
از ملون بود و فرجی کرباس یا ابریشم دلیل بر زیادتی دین بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی زنان پوشیده بود دلیل
که او را ملامت رسد و اگر بیند که در آن فرجی با کسی مجامعت کرد دلیل که حاجتش روا شود از آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده
بود اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت دلیل بر
مصیبت و غم و اندوه بود **فرزند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند او را دختری آمد دلیل که خیر و راحت یابد و از اهل
بیت شادمان شود و اگر بیند که پسری آمد دلیل که دختری او را آید و اگر بیند که دختری آمد دلیل که پسری آید مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بستد دلیل که بیمار شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جای طفل
افکنده بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جائیکه امید ندارد چیزی بوی رسد **فرعون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که یکی از فرعونیان یا متقدم یا از پادشاهی متقدم ستمگر در شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه اللعنه در آن دیار ظاهر گردد و اگر بیند که پادشاهی
متقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرعون عطائی بوی داد
یا خلعتی او را بخشید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یابد **فرمودن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را گفت بایست دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیگ بگردان تا
یعنی بر چند باش و اگر بیند که بدو گفتند که نان بشکن یعنی برادران را خوش دار و اگر بیند که کسی گوید که گندم بفروش یعنی
بده و اگر بیند که گویند صباها در بند یعنی فایده برگیر از کار و اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر خواهی یافت و اگر بیند
که کسی گوید با آتش کم باش یعنی مال نگهدار تا درویش نشوی و اگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بیند که گویند

که بستر بگستر یعنی بخواه و اگر بیند که گویند تخم بکار یعنی با خلق خدای نیکوئی کن و اگر بیند که کسی گوید غسل کن یعنی توبه کن و بخدای
بازگرد و اگر بیند که گویند چیزی بخور یعنی لقمهٔ حلال بخور **فرود آمدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوهی فرود یا از جایگاهی فرود آمد
دلیل که شرف و بزرگی از و زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیند که از پایهٔ نردبان بزیر آمد دلیل که در دینش نقصان شود
خاصه که نردبان از گل بود و اگر نردبان از گچ و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که از کوه فرود آمد اگر پیشه ور یا پادشاه بود دلیل که از و جدا شود و در حرمت و جاهش نقصان پذیرد و اگر از تل فرود آمد دلیل که تقصیر
بلندی اندر نعمت او نقصان شود **فروختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هرچه در شرع و راه دین عزیز بود فروختن آن
بد بود و اگر بخواب بیند که مصحف کلام الله را فروخت دلیل که دین مسلمانی نزد او خوار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بندهٔ خود را بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی او از زنان باشد و زشت نام گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیز
بفروخت آن چیز حقیر شود **فرونی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر فرونی خیر و صلاح بود و نیک بود و لیکن چیزهائی که در آن
و فساد باشد بد بود کرمانی از رنج گوید فرونی در تن دیدن چون تن را زیان ندارد نیک بود و هر چند که فرونی بیند دلیل که مال و نعمتش بیش یابد و اگر در فرونی تن او مضرت
رسد دلیل که نقصان و رنج و بیماری بود **فستق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فستق در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که مغز فستق داشت
و بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مغز فستق بدو دادند دلیل که مال و نعمت یابد **فقاع خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فقاع
خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود از قبل خادمی که بوی رسد و اگر بیند که فقاع میخورد دلیل که از خادمی خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که فقاع بکسی داد دلیل که بآنکس منفعت رساند و اگر بیند که کوزهٔ فقاع بیفتاد و بریخت دلیل که او را
زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بیند که فقاع خورد دلیل که خدمت
مردی سفله کند و اگر بیند که فقاع خورد و شیرین بود دلیل که از و منفعت یابد و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که او را زیان
و مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم توبه
سوم خدمت کردن چهارم مردی سفله **فقیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فقیه و فاضل شده بود و سخن او
نزد خلایق قبول بود دلیل که شرف و بزرگی یابد و نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی
امّی خود را بخواب فقیه بیند دلیل که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بیند دلیل که قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بدانکس نفرین کند و اگر بیند که کسی سنگ فلاخن بروی انداخت دلیل که آنکس
بروی نفرین کند و اگر بیند که اندام از سنگ فلاخن خسته شد دلیل که از نفرین آفتی بوی رسد و رنجور گردد **فلوس** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که فلوس
بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود و اگر بیند که فلوسها از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد مغربی رحمة الله

علیه گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر مفلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخواب بیند که فندق داشت دلیل
که از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند که بخورد از فندق فایده داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندق
شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد **فنک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنک در خواب مردی غریب توانگر و آمیزنده
با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنک مطیع وی
بود دلیل که فایده نیابد و اگر بیند که فنک را بکشت و پوست وی را برکند و گوشت وی را بیفکند دلیل که مال مردی غریب تلف کند
و اگر بیند که فنک را ذبح کرد و از گردن او خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری غریب بستاند و اگر بیند که فنک بسیار بر وی جمع شدند
و از ایشان گزند نیافت دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند مضرت یابد **فواق** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که فواق آمد دلیل که خشم گیرد و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهنگام نان خوردن
وی را فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق پیاپی می آمد دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد و اگر بیند که فواق او به بانگ و آواز بلند
بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را ملامت رسد و اگر بیند که فواق نرم و آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود باز آید
و اگر بیند که فواق میکرد و هر چه بود برآورد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد **فوده** خمیر خشک باشد که از آن ابگامه سازند دیدن
وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که فوده میخورد دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با خویشان بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فوده در خواب بر پنج وجه بود یکم بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری
بر عیال **فوطه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت
دلیل بر راحت دین و دنیاوی بود که یابد خاصه چون نو و فراخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیننده مستور بود دلیل بر زیادتی
ستر او بود و اگر بیننده خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه پادشاه بیند
دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم براستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر فاسق بیند
تائب گردد و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید **حرف القاف** **قاضی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که قاضی شده و میان خلق داوری میکرد و از اهل قضا نبود دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته
باشد او را قطاع الطریق برهنه کنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیننده خواب عالم نبود و جوان بود از سفر
بسلامت باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی
مجهول بیند که نشسته بود و او بکسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی وَاللَّهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ و در جای دیگر فرموده يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که قاضی بروی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازو در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم براستی کند

واگر بیند که قاضی بمهر و شفقت بروی نگاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل که او را نزد اهل علم حرمت و جاه بود و خوار و فرومایه نشود
قافله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قافله سوی خانه می آمد دلیل که کار بسته وی گشاده گردد و از خویشان دور شود قالب
کالبد بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب بیند دلیل که زن و خادم که کارهای وی راست دارند واگر بیند
که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید واگر بیند که قالب بشکست یا بسوخت دلیل که آنخادم خانه او هلاک شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که قالب بسیار داشت دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد واگر بیند که کفش دوز یا موزه دوز بود دلیل که بهتر از
قالی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی بزرگ از بهر وی افکنده بود و دانست که ملک ویست دلیل که برورازی عمر
و فراخی روزی بود واگر بیند که بر قالی نشسته بود در جائی بیگانه و ندانست که آن جایگاه کیست دلیل که دنیا بروی متغیر شود و در غربت
بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت دلیل که از جائی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هرچند که قالی بزرگتر و فراختر
باشد معیشت و روزی بیشتر و بهتر بود واگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراخ شده دلیل که عیش و روزی وی فراخ گردد
واگر بخلاف این بیند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد واگر بیند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کنج خانه نهاد
دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند واگر بیند که قالی بر پشت نهاد و ببرد دلیل که بزه بسیار کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که قالی
کوچک و سبز بود دلیل که روزی بروی تنگ شود اما عمرش دراز شود واگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود
واگر بیند که قالی در خانه کسی افکنده بود دلیل که خداوند آنخانه را دولت و اقبال بود واگر بیند که در خانه مجهول قالی افکنده بود دلیل که سفر
کند و مال و نعمت یابد قبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبای کرباس در خواب پناه و قوت و سفر بود واگر بیند که قبای کرباس
فراخ پوشیده بود دلیل که از غمها فرج یابد واگر بیند که قبای حریر پوشیده بود در خواب مکروه بود مگر که با سلاح پوشیده بود اما از
سروری بزرگ شرف و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند قبا پوشیده بحرب می رفت بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که قبای
سبز پوشیده بود دلیل که روشنائی یابد واگر کبود بود مصیبت باشد واگر سیاه بود غم و اندوه باشد واگر ملون بود کارش بنظام گردد
واگر قبای کهنه و دریده بود دلیل که زن را طلاق دهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قبای عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل بر غم
و اندوه باشد واگر بیند که قبای پوستین سیاه و سپید پوشیده بود دلیل که زنی توانگر بزنی کند واگر بیند که قبا از پوست روباه بود دلیل که
زنی پارسا بزنی کند واگر قبا از پوست سمور بود دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبا در خواب بر شش وجه بود
یکی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که قباله و خط داشت دلیل که بقدر خط و قباله او را حکمت حاصل شود واگر بیند که پادشاه خط و قباله بوی داد دلیل که او را والی
گرداند واگر بیند که قاضی قباله بوی داد دلیل که علم شرع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر شش وجه بود
یکی ریاست دوم حکمت سوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت قپان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قپان در خواب مردی

خونخوار بود و کفه قپان در خواست نواهی بود و زبانه اش غرفی بود و بوقت گذاردن حکم مغربی رحمة الله علیه گوید قپان در خواب قاضی بود اگر
بیند که قپانی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر بیند که بقپان چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد
قبله ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بیند که قبله بگذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد دلیل که برا حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که
قبله نشناخت دلیل که در راه دین سرگشته و متحیر گردد قبه گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم **قدح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که قدح آب یا جلاب داشت و از آن بخورد دلیل که زن بخواهد یا کنیزک خرد و فرزند صالح و پارسا بیارد و اگر بیند که آب
بریخت و قدح بماند دلیل که فرزند بمیرد و زن بسلامت باشد و اگر بیند که قدح شکست و آب بریخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرند
و اگر بیند که قدحی بود و از آن بخورد دلیل که او را فرزندی بدکردار آید و از و محنتی بدو رسد و اگر قدحی تهی بخواب بیند دلیل که او را فرزند
نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قدح در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم که مشترک حوایج خانه بود
قدید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قدید در خواب اگر گوشت گوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ بود دلیل که غنیمت مردم
سپاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت مردم بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد **قرآن خواندن** در خواب
دلیل بر حاکم است اگر بخواب بیند که آیت رحمت و بشارت از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حقتعالی جل و علا
بگذارد و اگر بیند که آیة عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدای تعالی عزوجل بود توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی باز
گردیدن و اگر بیند که آیت از قصص و امثال میخواند دلیل که در مصیبت گرفتار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که نیمه قرآن میخواند
دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بیند که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن می شنید دلیل که کارش
در راه دین نیکو گردد و اگر بیند که کسی قرآن وی میخواند و او از آن هیچ فهم نمیکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که جمله قرآن ختم کرد دلیل که مراد ها بیابد و بعضی از معبران گویند عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که قرآن با آواز
بلند میخواند دلیل که کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند که یاد دارد که کدام آیة میخواند دلیل که تفسیر آیة بعینه
باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف تا مریم
بخواند دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بیند که از زمر تا سورة الناس خواند همه حاجات وی برآید و اگر بیند که تمام سی پاره
قرآن خواند دلیل که سال و ماه بروی مبارک باشد و اگر بیند که هفت سی پاره قرآن خواند دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر
کسی قرآن خوان نبود و بخواب بیند که قرآن میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ
الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند دلیل که هوادار بود و اگر بیند که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند دلیل که در اعتقادش
خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از آفتها دوم
توانگری بعد از درویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرهیزگاری فرمودن کسانی را که مستوره باشند روز قیامت
حجت مر ایشان را بعذاب و عقوبت **قربان کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که اشتر یا گاو و یا گوسپند قربان

کرد دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا و زحمت گرفتار بود شفا یابد و اگر در بند بود خلاصی یابد و اگر درویش بود توانگر شود و اگر ترسان
وار و ایمن گردد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر حج نکرده باشد حج بگذارد و اگر بیند که بصحرا بجهت قربان رفته بودند دلیل که آن قوم اگر
از چیزی ترسند ایمن گردند و اگر محبوس باشند خلاصی یابند و اگر قحط و تنگی بود بفراخی بدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید قربان
باشد تا ویلش زودتر اثر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت قربانی بمردم قسمت میکرد دلیل که مردی محتشم آنجا بمیرد و مالش
قسمت کنند و اگر بیند که گوشت بدزدیدند دلیل که بر خداوند تعالی عز و جل دروغ گوید و قربان در خواب بشارت بود قوله تعالی و
بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحٰقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلٰى إِسْحٰقَ اگر خداوند خواب زن بود حامله پسر صالح آرد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید تاویل قربان در خواب بر شش وجه بود یکی ایمنی از ترس دوم حاصل شدن مراد و حاجات سوم خیر و برکت
چهارم پنجم ششم زوال قحط و تنگی قرابه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرابه در خواب کنیزکی بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر
در قرابه آب یا جلاب یا چیزی که خوردنش حلال بود ببیند دلیل که آن کنیزک حلال خوار بود و اگر بیند که در قرابه چیزی بود که مستی کند
دلیل که آن کنیزک حرام خوار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قرابه داشت دلیل که او را با کنیزکی صحبت افتد و اگر بیند
که از قرابه آب یا جلاب خورد دلیل که او را از کنیزک خیر و منفعت رسد و اگر از قرابه چیزی ترش خورد دلیل که غم و اندوه خورد و از
قرابه بدو هیچ خیر و شر نرسد و اگر بیند که قرابه بشکست دلیل که از آن کنیزک جدا گردد قرنفل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
قرنفل در خواب ثنای نیکو بود و اگر بیند که قرنفل بسیار داشت و بهر کس عطا داد دلیل که اهل دیار بر وی ثنا گویند و نامش به نیکی منتشر
گردد و اگر بیند که قرنفل میخورد دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قز و ابریشم چون سپید باشد دلیل
بر نعمت اینجهانی باشد و اگر زرد بود دلیل بر بیماری کند و دیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود و اگر بیند که ابریشم یا قز او بسوخت یا ضایع
شد دلیل که ویرا زیانی رسد و اگر بیند که قز و ابریشم داشت و سفید بود و ملک وی بود دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود بهتر باشد و اگر
سرخ بود مردان را بد باشد و اگر سیاه یا کبود بود دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل که او را از هر رنگی متاع حاصل شود
و ابریشم مردان را در دین مکروه بود و زنان را نیک باشد قسط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط در زیر خود میسوخت و دود
میکرد دلیل که مردم آن ولایت او را مدح و ثنا گویند و نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد و اگر دود کننده ناخوش بود تاویلش بخلاف
این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط میخورد دلیل که غمگین شود قسمت کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که میان گروهی
چیزی قسمت میکرد دلیل که میان خلق انصاف را نگاه دارد و اگر بیند که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد دلیل که او را فرزندان آید و مال بر ایشان
قسمت کنند و اگر بیند که مال خود بشر و فساد قسمت میکرد دلیل که مال وی تباه شود و اگر بیند که مال کسی برضای او قسمت میکرد و اگر بصلاح
یا فساد دلیل که خیر و شر آن بوی باز گردد قصاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب چون مجهول باشد ملک الموت بود و اگر بیند
که قصاب در سرائی یا در کوچه درآمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که او قصاب است و قصاب نبود دلیل که کسی را بکشد و اگر بیند
که با قصاب همراهی کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب نبود دلیل که غم و اندوه

از وی زایل شود و اگر بیند قصاب بود خون حق ریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصاب مجهول در خانه وی در آمد یا در کوچه در آمد
دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود **قصه گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قصه مجهول میخواند دلیل
که از ترس و بیم ستمکاران ایمن شود قوله تعالی فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را قصه میگفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل
بر شر و فساد کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصه گوی در خواب
مردی نیک محض بود **قضیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که
شاخ درخت تازه و باریک بود و بدو دادند و آنکس معروف بود دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند
که شاخی باریک و خشک بود دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که ثمرش میوه او بود
و بدو دادند دلیل که از آنکس بدو غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود دلیل که خیر و منفعت یابد **قطایف** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قطایف بشکر و بادام کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر
بمغز خورد و دوشاب بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود
یکی سخن خوش دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیرنج **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران در
خواب مال حرام بود و اگر بیند که قطران داشت و از آن یکی خورد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا جامه
وی بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که قطران از
خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند **قفا خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بیند
دلیل که وام دار شود و اگر بیند که موی از قفا ستره بود دلیل که وام که دارد گذارده شود و اگر بیند که بر قفای آدمی
کسی زد چنانکه آماس کرد دلیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیگانه بر قفای او سیلی زد دلیل که
از بیگانه یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد دلیل که او با کسی داوری
کند و زیانش رسد و اگر بیند که قفای خود بدرید دلیل که عیالش بروی خیانت کند و اگر بیند که بر قفای خود حجامت کرد
دلیل چیزی که خریده باشد قباله نویسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا گشت دلیل که با مردم منافقی کند
قفص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قفصی داشت دلیل که در جایی گرفتار شود و معبران گویند که او را
از خویشان در زندان کنند و اگر بیند که قفص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جای تنگ سوم سرای نخاس **قفل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زود بگشاد دلیل که کارها
بروی گشاده شود و شاید که گنج اسلام بگشاید و اگر بیند که قفل نتوانست گشود دلیل که کارش دیر گشاده شود مغربی رحمة الله

علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جائی نهاد دلیل که مال خود بمصلحی سپارد و اگر بیند که قفلش سست و ضعیف بود تاویلش

بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار دوم قوت سوم حجت چهارم

منفعت پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلح داشتن قلعه وز بود در حرف دال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل

قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خدای تعالی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمة الله

علیه گوید قلم فرشته ایست که بفرمان خدای تعالی جل و علی کار کرد و اگر کسی قلم را بدان صورت که هست بیند دلیل

که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حقتعالی جل و علا قلم را یاد کرده است وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ اگر بیند که قلم بر دست

گرفت دلیل که او را فرزندی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آن قلم که در دست داشت چیزی

نبشت دلیل که علم آموزد قوله تعالی عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب بر پنج

وجه بود یکی امر حقتعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا یاد کردیم

قلیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلیه که با آب پخته باشد بهتر از آنکه بی آب پخته باشد و هر چند که قلیه بطعم خوشتر بود منفعت آن بهتر

باشد و اگر قلیه از گوشت گاو و فربه باشد و خورد دلیل که در آن سال از ترس و بیم ایمن بود و اگر از گوشت بره یا بزغاله خورد دلیل که مالی اندک

یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت اسب خورد دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر

خورد دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلیه از گوشت ماهی خورد دلیل که از جهت زنان بمکر مال بدست آرد و اگر خداوند

خواب مفسد بود دلیل بغم و اندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپائی خورد که گوشت وی حرامست دلیل که مال حرام خورد قمع

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قمع کوچک در خواب غلام و کنیزک بود و قمع بزرگ مردی مدبر کننده بود و اگر بیند که قمع کوچک بخرید

یا کسی بوی داد دلیل که غلام یا کنیزک کوچک بخرد و اگر بیند که قمع او بشکست یا ضایع شد دلیل که او را از صحبت چنین مردی

مفارقت افتد و اگر بیند که قمع او سیمین بود دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قمع او آهنین

بود دلیل که با مردی قوی رای و شجاع صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد قند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قند خورد

دلیل که بتعجیل کاری کند که از آن کار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پارهٔ قند در دهان او نهاد دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که بخروار

قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند میفروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود

قندیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه که روشن بود اگر کسی بخواب بیند که در خانهٔ وی

قندیل افروخته آویخته بود دلیل که زنی صالحه پارسا بخواهد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق

رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سوم عز و دولت چهارم گشایش

در کارهای بسته و قندیل نا افروخته دیدن منفعت اندک بود قنوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت

خواند دلیل که مردم مدح و ثنا گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

که مصلح

که مصلح بود او را از درگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر ببیند که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیاوی وی برآید قنینه ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب خادمی بود که کلید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب ببیند که قنینه داشت و در وی آب بود یا حلوا
یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر در قنینه چیزی حرام بود و از آن میخورد دلیل که او را از خادم
چیزی حاصل شود و اگر ببیند که قنینه بشکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب خادمی
بود که چیزها بدوست وی باشد قیامت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه و تعالی
در آنجا به عدل گسترده گرداند و اگر اهل آنجا یا ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آنجا مظلوم باشند دلیل که حق تعالی
عز و جل ایشان را نصرت دهد و اگر ببیند که اهل آنجا پیش حق تعالی جل و علا ایستاده بودند دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی جل و علا باشد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که قیامت برخاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر ببیند که علامتی پیدا شد
چنانکه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال و یاجوج و ماجوج پیدا شدند باید که توبه کند و بحق تعالی گراید و اگر ببیند که گورها بشگافت و مردگان
بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر ببیند که او را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا جوید و اگر ببیند که در شمار
گاه بود دلیل که در غفلت بود قوله تعالی اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ اگر ببیند که با وی شمار کردند دلیل
که او را زیان رسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا و اگر ببیند که کردارها بسنجیدند و از
وی نیکی زیادت آمد دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و اگر ببیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ اگر ببیند که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست داشت دلیل که وی براه راست
بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر ببیند که نامه کردار وی وا دادند و گفتند
که برخوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ
اگر ببیند که بر صراط ابست دلیل که براه راست میرود و اگر ببیند که بر صراط نتوانست گذشت هم براه راست بود جعفر صادق رضی
الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال
و خاتمت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیر ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب ببیند که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت
و روزی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که قیر بسیار داشت و بخانه برد دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برد و اگر ببیند که قیر از خانه
بیرون افکند تاویلش بخلاف این بود اگر ببیند که در قیر و آتش افتاد و بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش بستانند اگر
ببیند که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد قی کردن ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب ببیند
که قی میکرد و آسان برمی آمد دلیل که توبه کند و اگر ببیند که قی نتوانست کردن یا در وقت برآمدن باز جای رفت دلیل که از توبه
بازگردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد اگر ببیند که قی میکرد و میخورد دلیل که از بخل چیزی بر عیال

نفقه نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قی میکرد و طعم او ترش و ناخوش بود دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بیند که بهنگام
قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بلغم برآورد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار
برآورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که صفرا برآورد دلیل که از رنج ایمن شود و اگر هر چه در شکم بود برآورد دلیل که هلاک شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سیوم نصرت چهارم ازغم رستن پنجم امانت باز دادن
ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخورد دلیل که چیزی بکسی بخشد و از آنکس باز ستاند **حرف الکاف**
کاچی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاچی بروغن بخورد و شکوفه در روغن با دام خورد دلیل که بقدر آن
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بیند که کاچی بروغن و ماست میخورد دلیل که
از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاچی بچیزی ترش میخورد دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کاچی بچیزی شیرین میخورد دلیل که او را مال باسانی بدست آید و اگر بیند که بچیزی ترش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی
کارد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارد فرزند باشد و نیام کارد زن بود اگر کسی بخواب بیند که کارد در دست داشت و در آن نشسته که
از آن و بیست دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کارد سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سلاحی پوشیده و کاردی در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار دگری آموزد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کارد از نیام بر کشید دلیل که زنش پسری آورد و اگر بیند که کارد در نیام بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان
پدرش بمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکارد بخست دلیل که بقدر خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند که بکارد چیزی تراشید دلیل
که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کارد او رخنه افتاده بود یا زنگ گرفت یا عیبی در وی ظاهر شد دلیل که نقصان حال او بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کارد در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم
توانائی هفتم ولایت **کارزار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود و اگر کسی
بخواب بیند که کارزار میکرد دلیل که او را از علت طاعون بیم بود و اگر در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل که از علت خلاصی
یابد و اگر در کارزار دشمن بر وی چیره گشت دلیل که بعلت طاعون هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کارزار
با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت دلیل بر خصومت بود و آنرا ظفر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بنیزه
میکرد همین تاویل دارد و اگر به تیر و کمان کارزار میکرد دلیل که میان ایشان بزبان گفتگوی شود **کازری** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کازری میکرد و اگر کازر بود دلیل بر توبه کننده و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه بتاویل غم و اندیشه بود
و کازر پاک کننده چرک است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بود
دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه در بیده را بدوخت دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشستن سپید شد دلیل که از توبه حلاوت
و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید نمیشد دلیل که همواره در گناه بماند مغربی رح گوید کازر در خواب مردی باشد

که اگر بیند

که بدوست وی خیرات وحسنات هر دو برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید گازر در خواب مردی باشد
که غم واندوه از دل مردم ببرد و ازین سبب تعبیران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشوید دلیل که از غم واندوه خلاصی یابد
وازگناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شوید **کار دنیا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دنیا
میکرد دلیل بر فنا و نقصان دین وی بود واگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود
واگر بیند کارهای دنیاوی آراسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد واگر بخلاف این بیند عمرش دراز بود واگر بیند که بکاری
مشغول بود که او را وغیر او را از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که دران خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری نشیند و در راه نشست دلیل که مخالف دین بود قوله تعالی فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ
رَسُولِ اللّٰهِ **کاروان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح
و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود واگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تاویلش بخلاف این بود واگر
بیند که سوار بود و برگ تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود واگر بیند که در کاروان پیاده بود و برگ نداشت تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارها بروی گشاده گردد واگر بخلاف این بیند دلیل که کارها بروی
بسته گردد **کاریز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروف کاریزی میکند دلیل که با کسان خود مکر
وحیلت سازد واین تاویل وقتی بود که بکندن کاریز آب پیدا نشود و چون آب پدید آید و روان گشت حکم کاریز کندن بعین نگاه
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاریز آب می ستد دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کنده باشد منفعت
بقدر آنکه از وبردارد بوی رسد واگر بیند که آب از کاریز برداشت و در خم ریخت یا در سبو کرد دلیل بر مالی باشد که خرج کند واگر بیند که در
کاریز افتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کاریز آب میداد دلیل که با زن خود مجامعت کند و
کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بمکر و حیلت سازد **کاسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه چوبین پر خوردنی
بود و بخورد و بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه سفالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فقر و ماندگی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید کاسه طعام خادمی بود با برکت و منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی
خوردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسه آبگینه دلیل بر آن کنند و کاسه تهی دلیل
مفلسی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد واگر چیزی ترش
و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندیشه بود **کاغذ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود اگر بیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت
دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد واگر بیند که کاغذ وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال نقصان
شود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود واگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل و
علم شهرت یابد واگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت **کافور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک و دانا
بود و در راه حق اگر بیند که کافور میسوخت و از آن بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت ندارد و اگر بیند که اندکی کافور یافت
دلیل که بشارت شادی یابد و اگر کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب
بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خوبروی پنجم مال بسیار ششم ثنا و آفرین و سخنهای خوب هفتم راحت
نفس **کافور سبز غم** نباتیست که شکوفه او زرد بود و از وی بوی کافور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح و ثنای او در زبان
مجموع مردم باشد و اگر بیند که کافور سبز غم از جائی برکند دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بیند که کافور سبز غم میخورد دلیل که او را
غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور سبز غم در خواب بوقت خویش بر سه وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن
لطیف شنیدن و گفتن **کافر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کافر شده است دلیل که او را بعلت کفر میل باشد و اگر بیند
که گبر شده و آتش می پرستید دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نور و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جوید و دین خود را بمال
حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافر در خواب بر سه وجه بود یکی میل بکفر داشتن دوم صحبت با مردم داشتن و با بدعتقادان
نشست و خواست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بر وی **کام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام وی چنان
دراز شد که گلوی از درازی او بسته شد دلیل که بدنیا حریص بود و مردم را غیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام بالائی وی
به زیرین لب بود دلیل که کارها بر وی بسته گردد و اگر بیند که کام او دراز شده بود و ببرید و بینداخت دلیل که بترک حرص و آز بگوید و مردم
را غیبت نکند **کاسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کاسه میخورد دلیل که بقدر آن
رنج و اندوه بوی رسد و اگر کاسه بکسی داد و او بخورد دلیل که آنکس از وی رنجور دل گردد و غم و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید کاسه جگر خوردن بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سیوم خصومت و گفتگوی **کاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
کاه در خواب مال و نعمت بسیار بود خاصه که کاه گندم باشد و اگر بیند که کاه بسیار داشت و در خانه میکشید دلیل که مال و نعمت حلال
بسیار حاصل کند و اگر بیند که کاه جو بود آنچه گفتیم کمتر از آن باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاهدانی رفت و دانه که بدست او
دلیل که توانگر شود و مراد و حاجت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کاهدان او افتاد و کاه او بسوخت دلیل که پادشاه
او را مصادره کند و مال و خواسته از وی بستاند و اگر بیند که چارپائی کاه میخورد دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سیوم کام دل و شادی **کاهو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که کاهوی شیرین بوقت خود میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کاهوی تلخ بود دلیل که مضرت و زیان بیند
و اگر بیند که کاهوی تلخ و نیکو نبود دلیل که با کسی گفتگوی کند **کاورس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس میخورد دلیل که مال
و خواسته یابد و اگر بیند که کاورس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کاورس بفروخت دلیل که او را نقصان
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس بود دلیل که مالی اندک یابد و خیر و نفع در او اندک باشد **کاو** دانیال علیه السلام گوید

اگر کسی بخواب بیند که بر گاو نشسته بود و گاو ازان او بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از وی بیابد خاصه چون گاو سیاه
باشد و اگر گاو نر زرد بیند دلیل که بیمار بود و اگر بیند که گاوی نر از در خانهٔ وی درآمد دلیل که حقتعالی در خیر و روزی بروی گشاده گرداند
لیکن اندوهش سپری نگردد و اگر بیند که گاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زیردست وی شوند و او در کار ایشان سعی
کند و اگر بیند که گاوی نر او را بیرون برد و از منزلش بیرون برد دلیل که از غلامان او را مضرت رسد و او خود را معزول گرداند
و اگر بیند که گاو او را تا بیرون بود و بسر و تنها بموضع سر بود دلیل که بعد و بر سر وی غلامش بسال عمل وی کند و اگر در اندامی از اندامها
وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو نر
در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و گوشت گاو و خریدن و فروختن نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال گاو نر در سرای
درآمد دلیل که مال بسیار یابد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچهٔ خویش گاوان بسیار بیند دلیل که متغیر گردد و در کار او خیرات
و برکت پدید آید و اگر گاوی نر او را بیرون برد و بینداخت اگر بینندهٔ خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر
بازرگان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بیفتد و اگر بیند که گاو بیرون برد او بیفتاد دلیل که کسی بروی شرف
و بزرگی کند و در عزل وی کوشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاو نر از میان گاوان بکشتند و قسمت کردند و گاوان
عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه بکشند و اگر بیند که گاو را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که خداوند گاو را هلاک کند
و مالش بستاند و اگر بیند که گاوی بکشت که نه گاو او بود دلیل که مردم محتشم در آن موضع بمیرند و اگر گاوان بسیار نر و ماده مختلف
بیند که در آن موضع آمد و شد میکردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر گاو فربه باشند دلیل فراخی
و ارزانی بود و اگر بیند که گاوان زمین را بشکافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر
که با گاو جنگ میکرد دلیل که او را با مهتری جنگ افتد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گاو در خواب سال بود و اگر ماده گاو بیند دلیل که در
آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر باشد تاویلش بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی
ذخیره باشد و اگر بیند که ماده گاو را میدوشید و از شیر میخورد دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و اگر درویش بیند توانگر
گردد و اگر آزاد بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده گاو او آبستن بود دلیل به امیدواری بود حافظ مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخرید دلیل که در آن سال زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که ماده گاوی بدوشید و از آن شیر میخورد دلیل که مال بسیار جمع کند
از آن چیزی بخورد و اگر بیند که ماده گاوی با وی سخن گفت دلیل که عیش بر وی فراخ گردد و اگر بیند که ماده گاوی پیش آمد دلیل که سال بر وی مبارک بود و اگر بیند که گاو
از وی روی بگردانید دلیل که آن سال بر وی بد باشد و اگر بیند که بر ماده گاوی نشسته بود و بیفتاد دلیل که حال بر وی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو جنگ میکرد دلیل که در آن دیار با زن خویش
خصومت کند و اگر بیند که ماده گاو در زمین مراغه میکرد دلیل که در آن سال مال و نعمت بود و اگر بیند که ماده گاو او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که
ماده گاو ناگاه در خانهٔ او درآمد دلیل که ناگاه مال یابد و غنیمت گیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماده گاو در خواب بر شش وجه است
یکی فرمان روائی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو گاو دشتی کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو دشتی در خواب

گاو دشتی

مردی توانگر بود و با مال بسیار و اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو گاو دشتی با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده گاو دشتی بتاویل زن بود و اگر بیند که گوشت ماده گاو دشتی میخورد دلیل که از جهت زنان مال حاصل کند و اگر بیند که بچه گاو دشتی بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی میخورد دلیل قوت و دولت یابد و اگر بیند که گاو دشتی شاخهای بسیار داشت دلیل که هر شاخی او را دولتی و قوتی بود

گاو میش

ابن سیرین رح گوید که گاو میش در خواب مردی با قدر بود که از وی مردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود

گاو چشم

گاو چشم گیاهیست بیابانی آن در خواب کنیزک نیکو بود و ابن سیرین رحمة الله گوید اگر زنی بیند که شکوفه گاو چشم از درخت بکند و ببوید شوهر او دلیل که او را طلاق دهد و اگر بیند که شکوفه گاو چشم کند و بغلام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گاو چشم بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بی وقت بیند بد باشد و اگر پژمرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود غمگین شود و باشد که او را زیان رسد

گاو زبان

گاو زبان از انواع نباتست و برگهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گاو زبان در خواب جنگ و خصومت بود و خوردن و دیدن آن خیر نبود

گوشت پخته

گوشت پخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت کباب بود و اگر بیند که کباب از گوشت گوسپند میخورد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت گاو بود دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کباب از گوشت میخورد دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که از گوشت چهار پای دشتی کباب میخورد دلیل که او را منفعت و نعمت از بزرگان بیابانی برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل بر منفعت کند

کبر

کبر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد دلیل که اندوهگین شود خاصه که بهنگام خود بود و اگر بیند که کبر میخورد دلیل که غم و اندوه و مشقت و صعوبت بود و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود کبر شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبر شد دلیل که خواستگار دنیا بود نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر شد و در کنشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بد دینان دارد و تابع اهل فساد و هوای نفس باشد و اگر بیند که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدای تعالی بازگردد و بکار خیر مشغول شود

کبک

کبک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبک در خواب زنی خوبروی بود و یا کنیزک با جمال اگر بیند که کبکی را بگرفت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی را بدو بخشیدند دلیل که از بهر وی زنی خوبروی بخواهند و اگر بیند که کبکی بشکار بگرفت دلیل که کنیزکی خوب بدست آورد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد دلیل که او را لباس نو حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی کبکی ببرید دلیل که دوشیزگی کنیزک ببرد مغربی رحمة الله علیه گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده زن و کنیزک ناموافق و اگر بیند که کبک از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کنیزکش بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکی پسر دوم دوست سوم رامش چهارم کام دل و مراد

کبوتر

کبوتر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر کسی بخواب بیند که کبوتر بگرفت دلیل که زن خواهد او را دختر آید و اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت دلیل که بعدد کبوتر زنان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زنان فایده یابد و اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی معبران گویند

که کبوتر بچه چشم وا نده بود از قبل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بود دلیل که اورا
فرزندان بسیار شوند و نیز گویند که اورا مال بسیار از جهت زنان حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زنان آزاد بوند اگر بیند
که کبوتر کسان بحیلت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر از هوا پیش وی می آمد و مطیع وی شد دلیل
از جائی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتر را طعام داد دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بیند که کبوتران بسیار جمع شدند
و دانست که ملک او ست دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبز فام باشد
و خداوند خواب زن باشد دلیل که شوهری کند یا اورا دختری زاید و کبوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که کبوتر خانه در خواب
جای زنان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم مال چهارم نامه غائب
پنجم ریاست و معبران گویند کبوتر در خواب هر کبوتری درم بود که بیابد **کتاب خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که کتاب تفسیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارهای بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که
از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب رای شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند دلیل که
بکاری مشغول شود و منفعت بسیج حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند دلیل که بعلما مشغول شود که در آن فایده دینی باشد
و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تهلیل میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که
بر سخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح اینجهانی اورا حاصل شود و اگر بیند که کتاب نحو و آداب میخواند
دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم اورا شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب مسایل میخواند دلیل که بصلاح کار خدائی مشغول گردد و اگر بیند
که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعرها میخواند اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری
مشغول شود که مردم اورا ملامت کنند و اگر لغت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب تعبیر میخواند دلیل که بحدیثی بزرگ
بر جهتری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعلمی مشغول شود که مردم اورا دانا خوانند ولیکن وی را
سود ندارد و اگر بیند که کتاب مصاحب و قضا میخواند دلیل که بسفر رود و از آن سفر منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل که
همواره اندوهگین بود و اگر بیند که کتاب مضاحک و فسانه میخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت نباشد اگر بیند که کتاب هجو و عیب میخواند
دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد **کتان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان در خواب مال حلال بود بقدر
آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان میخرید
دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم
کتف در خواب آهستگی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال و جمال او
و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بیند امانت گذارده و اگر
ضعیف بیند امانت گذارده ماند و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتفها

پاک بیند دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که برکفگیر سوی داشت از جائی که خبر ندارد مال یابد کفگیر ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کفگیر او داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضله از مردی بخیل بوی رسد و اگر بیند که کفگیر میخورد دلیل که مالی بخ...
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کفگیر در خواب بر سه وجه بود یکی فضله مال مردم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخیلی از وی
خواب برسد کچ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کچ در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کچ داد دلیل که در جنگ و خصومت آید
و اگر بیند که کچ کسی داد تا ویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کچ در خواب سختی باشد و هر بنیاد که از کچ درست بیند همه بنا
زیرا که همه با آتش پخته اند و اگر بیند که کچ میخورد دلیل که بیم هلاک او بود کحال هر که کحال را بخواب بیند دلیل بر صلاح کار گذشتها کند
و راه نمودن بکار نامی که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کحالی میکرد و دارو ی او چشمها نافع بود دلیل که خلق را براه صلاح خواند و گمراهان
راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کحالی میکرد دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند
و میان مردم صلاح جوید و اگر داروی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود گدائی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را خیر و منفعت بسیار برسد و با هرکس زندگانی بلطف کند الا مردم او را
و اگر بیند که از وی چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که کار بروی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گدائی کردن
خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه کدو ابن سیرین رح گوید کدو بوقت خود اگر کسی بخواب
بیند که در خانه او درخت کدو بود دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر بنده بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان
گردد و اگر مسلمان بیند بسلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدوی داشت
دلیل که از زنی پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت کدو از بن برکند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کدوی پخته
میخورد دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید کدو در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت
و مال سوم نظام کارها کرم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرم در خواب مال و خواسته بود و اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی کرم پدید آمد و او را اندک
خارشی میکرد و در کرم بود دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرم داشت و جمله از تن وی فرو ریخت
و ناپدید شد دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود
کرباسو جانوریست دیدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که کرباسو را گرفت دلیل که مردی بزرگ بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که کرباسو از وی بگریخت دلیل که آن مفسد از وی بگریزد
و اگر بیند که کرباسو را بکشت دلیل که آن مفسد را حالی تباه شود و اگر بیند که گوشت کرباسو میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی
مفسد خورد گربه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گربه در خواب دزد مفسد بود و اگر کسی بخواب بیند که گربه معروف بخانه او در آمد دلیل
که دزدی معروف بخانه او در آید و اگر گربه مجهول بود دزدی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا ببرد دلیل که دزد از خانه
وی چیزی ببرد و اگر بیند که گربه را بکشت دلیل که دزد را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گربه خورد و پوست از وی بستد

دلیل که بقدر آن مال وزدی اورا حاصل شود واگر بیند که با گربه جنگ میکرد و گربه اورا بخراشید دلیل که بیمار شود واگر گربه را قهر کرد دلیل
که از بیماری شفا یابد واگر گربه اورا بگزید دلیل که بیماری بروی دراز گردد وبعضی از معبران گویند گربه بتاویل خادم بود دانیال علیه السلام
گوید کسی نباشد که گربه بخواب بیند بعد از صبح الاثنین روز بیمار شود واگر بیندهٔ بخواب بیند که گربه بدوشید و شیر وی بخورد
دلیل که آزاد گردد واز آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را بزنی کند واگر آزادی بیند که شیر گربه خورد دلیل که اورا با کسی خصومت
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گربه در خواب بر هفت وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیگانه
پنجم زنی مشفق ششم حسود هفتم جنگ وخصومت کرته جامهٔ کوتاه باشد که مردم آنرا قرطق خوانند و پوشیدن آن در خواب
قوت وسفر بود واگر کرته وی سبز بود از مردی پناه وقوت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کرته سفید پوشیده
بود دلیل که از غم واندوه خلاصی یابد واگر بیند که کرته زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود واگر بیند که کرته کبود پوشیده بود
دلیل که اورا مصیبت رسد واگر سرخ بود دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرته
ابریشمین پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف وبزرگی یابد اما در دین ضعیف بود واگر بیند که کرته بسوخت
یا ضایع شد دلیل که در پناه وقوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کرته در خواب بر چهار
وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کارها گرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرد بر چیزی که
ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن اورا مال حاصل شود واگر بیند که میان آسمان وزمین گرد جمع شده بود دلیل که کار
پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او گردآلوده بود دلیل که اورا
رنج وعقوبت رسد واگر بیند که گرد وخاک بر زمینی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال خواهد یافت جعفر صادق
رضی الله عنه گوید گرد در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی مال دوم بلا وفتنه سوم عقوبت حق تعالی گردن دانیال علیه السلام
گوید گردن در خواب جایگاه امانت وجای دین بود واگر بیند که گردن آن ستبر شد دلیل که اورا قوت در امانت گذاردن
وصلاح دین ونگاه داشتن دیانت بود واگر بیند که گردن او کوتاه وضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود
واگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال ندهد قوله تعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم
القیمه اگر بر گردن خود گرانی بیند بی آنکه چیزی بر گردن داشته باشد دلیل که بیمار شود واگر باری بر گردن خود بیند
وهیچ گرانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین ودرازی عمر وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی ستبر وقوی
شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد وکارش قوی گردد واگر گردن خود دراز بیند دلیل که امانت گردن وی دیر بماند
واز گواهی دادن خود باز بماند واگر گردن خود کوتاه بیند دلیل که امانتها از گردن خود دور کند واگر گردن خود سیاه
بیند دلیل که در امانت خیانت کند واگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از مراد خود باز ماند ودر دین وی خلل افتد زیرا که امانت
بزرگتر از دین نیست واگر گردن خود را کوتاه بیند دلیل که در امانت خیانت کند واگر بر گردن خود موی بیند دلیل که او را

از جهت امانت گذاری وامی افتد واگر موی از گردن خود بسترد دلیل که وامش گذارده شود واگر گوشت از گردن بریده بیند
دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود واگر گردن خود را کوته بیند دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشند خیانت کند مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گردن وی میخورد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود دلیل که بر دشمن
ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم
وام پنجم بیماری

گردن بند

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند از مروارید سفید داشت دلیل که حق سبحانه
و تعالی عز و جل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن قویتر بود علم و دانش او بیشتر بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گردن بند وی از زر بود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که
امانتی در گردن گیرد واگر گردن بند او دراز شد دلیل که امانت بگذارد واگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گردن بند خود بجواهر مرصع کرده بود یا مرصعه در گردن داشت دلیل که جاه و ولایت یابد واگر گردن
بند وی دراز بود دلیل که منزلت یابد واگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که گردن بندهای بسیار داشت
دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زرین در خواب بر شش وجه بود یکی
حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک و هم او گوید گردن بند زرین حج باشد
و از آن سیمین کنیزک

گردن زدن

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده
بود دلیل که آزاد شود واگر بیمار بود شفا یابد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر خوف دارد ایمن گردد واگر کافر بود مسلمان
شود واگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد تاویلش بخلاف این بود واگر آنکس که گردن زد معروف باشد این خیرها که
گفته شد از گردن زننده بدو رسد واگر گردن زننده کودک و نابالغ بود دلیل که اگر بیمار بود بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر آنکسکه
گردن او زدند درست است و آزاد و توانگر بود دلیل که از نیک بختی به بدحالی افتد و مال و نعمتش نماند و درویش شود و بسی از
کارها هلاک شود علی الجمله گردن زدن در خواب مر درویشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مر توانگران و خداوندان
نعمت را بد باشد

گرده

گرده در خواب مال نهان کرده باشد که بیابد و خرج کند واگر بیند که گرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت
دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیابد واگر گرده از جانوری که گوشتش حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود واگر
از جانوری که گوشتش حرام باشد دلیل که مال حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گرده یافتن در خواب مال نهان کرده بود
و بعضی معبران گویند که گرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از وی بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گرده اسب داشت و پخته میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد واگر بیند که گرده گاو داشت دلیل که
در آن سال مال و نعمت حاصل کند واگر گرده گوسپند داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حلال یابد از قبل دشمن واگر بیند که
گردهای خام میخورد دلیل که مال حرام یابد واگر گردهای بخورد و آنچه گفتیم کمتر بود

گردون

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

بر گردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون بود
دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گردونهای خود گردونی بدو داد دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر هشت وجه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها گرسنگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری
بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد دلیل که حرص و آزش در مال دنیا کمتر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود دلیل که بقدر گرسنگی او در مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد
دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه
ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر معصیت رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم
حرص و آز سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بمردم کرسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است
و از راه خرد چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است وسع کرسیه السموات
والارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و قدرت خدای تعالی است
و بعضی از معبران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهدیکه تقوی
بکمال دارد و یا پادشاهی عادل و پرهیزگار و داعی و چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیننده خواب
از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل
دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکرسی نشسته بود دلیل که کار او
بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مرادها برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرم شود و عدل و انصاف در میان خلق
پیدا شود و اگر این کرسی که درودگر میسازد در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه نشسته و بر وی نشست
دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی بنشست دلیل که دختری دوشیزه بخواهد و اگر بیند که در زیر
وی کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی درویش و حقیر و درمانده بود
و اگر بیند که کرسی داشت اما بر وی نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد کرفس ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی مکروه خورد و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد
آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن
چیزی مکروه کرک مرغی بود بقدر کبوتر و تاویل آن بزن کنند اگر کرک در خواب بیند و غریب بود دلیل که زن کند و اگر کنیزک
خرد و اگر بیند که از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کنیزک دارد بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که از جهت
آن میراث زن یابد کرکس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرکس مهتر مرغان بود و قوی و تیزبین و دراز عمر از مرغان بود و اگر بیند که کرکس

داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر استخوان یا پر یا گوشت کرکس دات
همین تاویل دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرکس را بگرفت و در هوا بر و نزدیک آسمان رسید دلیل که سفری دور کند
و از ان سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بفسا د بود بسبب آنکه مرد و بکرکس بآسمان بر رفت و اگر بیند که کرکس او را
از هوا بزیر افکند یا خود از چنگال کرکس بیفتاد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرکس او را بآسمان
برد و انجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و دران سفر بمیرد و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر نه از اهل پادشاه بود
یا از اهل و خویشان خود بزرگی یابد و اگر کس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود زیراکه فرشتگان حملة العرش بصورت کرکس اند
و اگر بیند که کرکسی بالای سر وی شکار میکرد دلیل که بیننده خواب بازرگانی کند و اگر بیند که با کرکس جنگ میکرد و او بر کرکس
غالب شد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب
بچه کرکس بیند اگر زن دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرکس بر وی
نشسته بود دلیل که او را بر دار کنند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که دران کوچه کرکس فرود آمد دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود
آید و اگر بیند که دران کوچه کرکس را بکشتند دلیل که پادشاه آنجا یا معزول گردد یا هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
کرکس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان روائی سوم ریاست چهارم ثنا و ستایش پنجم مرتبت ششم امر و نهی
گردن گرگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرگ در خواب پادشاه دروغ زن ستمگر بود و اگر بیند که با گرگ جنگ و نبرد میکرد دلیل
که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود
و اگر بیند که گوشت گرگ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ را بکشت دلیل
که اهل اسلام از وی روی بگردانند و در وی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند و اگر بیند که سر گرگ بیافت یا کسی بوی داد
دلیل که شرف بزرگی یابد بقدر وی و اگر بیند که گرگ در خانه وی درآمد و زیانی انداخت دلیل که او را از پادشاهی مضرت رسد
و اگر بیند که زیانی نکرد دلیل که پادشاه مهمان او آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ در بستر او کمین کرد دلیل که پادشاه یا عامل
وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گرگ در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن سوم
مخالف ضعیف چون گرگ ماده باشد گرمابه ابن سیرین رح گوید گرمابه در خواب غم و اندوه بود و خویشتن شستن شادی و فرحی بود و آب نیکو گرم نیکو بود
و آب سخت گرم بد باشد و اگر بیند که در گرمابه رفت و غسل کرد و خود را پاک شست دلیل که از رنج و فکر رستگاری یابد و اگر بیند که در گرمابه رفت
خود را نشست دلیل غم و اندوه بود که بدل وی رسد بسبب زنان کرمانی رح گوید اگر بیند که در گرمابه رفت و آب شیر خود مالید و خود را پاک شست دلیل که از گرمابه
وار و امین شود و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار د وامش گذارده شود و اگر بیند که توانگر است از این
چیزها که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آهک بخورد مالید و خود را نشست دلیل که کارش تمام نگردد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بگرمابه رفت و دست و روی و سر و تن را نشست و بیرون آمد دلیل که از غم بیرون آید و اگر بیند که در کوچه یا

خانهٔ گرمابه بود دلیل که در آن مقام زنی روسپی پدید آید و اگر بیند که بگرمابه شد بی آنکه بشستن محتاج بود دلیل که غمگین و دام دار شود و اگر بیند که در گرمابه جامهٔ او دزد ببرد و او برهنه بماند دلیل که بسبب کاری غمگین و رسوا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرمابه در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نابکاری پنجم دوست ششم وام و گرمابه بان بتاویل زن بود و بعضی معبران گویند که خدای سرای بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرمابه بانی میکرد اگر مرد بود دلیل که بزن محتشم خواهد و بهر زن مشغول شود و اگر زن بود دلیل که شوهری بدین صفت کند گریبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گریبان بسیار در شکم وی شدند و طعام در شکم میخوردند دلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر بیند که گریبان دراز در تنش می افتادند و نیز بر تن و جامهٔ وی گریبان بسیار بودند دلیل که مال و عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که گریبان از تن خود بر زمین می افکند دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیمارشان ندارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای او گریبان خوردند دلیل که عیال از مال وی خورند و اگر بیند که از گریبان تن وی را مضرت میرسید دلیل که او را از عیالان رنج و مضرت رسد و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد کرم بیرون می آمد دلیل که بقدر آن مالش یا عیالش زیاده شود و اگر بیند که گریبان از تن وی می افتادند و می مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا گردند و اگر بیند که گریبان بسیار از چوب خانهٔ وی و غیره بر میگشتند دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گریبان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته گره افکندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ریسمان گره افکند دلیل که از کاری که دور بود بر آن تکیه کند و اگر بیند که گره ریسمان باز گشود دلیل که بر آن کار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم بسته و گره زد دلیل که روز کاری در شغل آنچه بسته بماند چنانچه گشودن بروی نتواند اگر آنچیز تعلق بدین دارد یا بدنیا کرمانی رحمة الله علیه گوید بستن گره در خواب دلیل بستگی کارها کند و هر چند که گره سخت تر بود بستگی کار او سخت تر بود و اگر بیند که گره نتوانست دلیل که کار وی بسته بماند گریستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی گریه واست یا تن خود را بچیزی گریه دلیل که از گناهان بسیار بر تن خود میترسد که گروه است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود بکسی گرو کرد دلیل که بر وی ستم و بیداد کند و اگر بیند که خود را پیش کسی گرو نهاد دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بر وی ستم کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را گرو کرد دلیل بر فساد دین کند كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرو کرد دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و مضرت یابد گرسنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه داشت دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که گرسنه میخورد دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود گریختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گریختن در خواب رستگاری بود و اگر کسی بخواب بیند که از دشمن یا از جانوری گریزنده میگریخت دلیل که از شر و خوف ایمن گردد و بر خصم مظفر شود زیرا که موسی علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه اللعنه میگریخت پس از شر فرعون رستگار شد و سرانجام بر وی ظفر یافت

گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را ندید دلیل که متفکر شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردان
میگریختند دلیل که او را از بزرگی تهمت رسد قوله تعالی یَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ اگر بیند
که مردمان از زنان میگریختند اگر زنان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید گریختن در خواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت اندوه بود و در آن موضع گریستن اگر بیند که از گریستن بر روی وی
نشان بود دلیل که بکردار نیک او را طعنه زنند کرمانی رحمة الله علیه گوید گریستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی
اگر در خواب بیند بر گناه گریست یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باریتعالی باشد که بفضل خود
بر وی رحمت کند و گناهان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی نمی آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته
حسرت خورد و توبه کند و اگر از بهر معصیتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى
کری در خواب درویشی و بدحالی و فرو بستگی کارها بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کری در خواب تباهی دین و غم و اندوه بود
و کارها بر وی بسته گردد و مرادش بر نیاید قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ کرمانی رحمة الله علیه گوید کری در
خواب دلیل بر بینوائی و بستگی کارها کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بر وی گشاده شود و بمراد و کام دل رسد
و از رحمت حقتعالی نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کری در خواب بر چهار وجه بود یکی درویشی دوم تباهی دین سوم غم
و اندوه چهارم بستگی کارها و نامرادی کر در خواب مر وی منافق و بخیر بود و بعضی از معبران گویند دیدن کر در خواب روزی حلال باشد
که بی منت خلق بدو رسد قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى اگر بیند که گزانگبین بسیار داشت و بخورد و بکسی نداد دلیل
که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد کزاکند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کزاکندی پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد و بر دشمنان چیره گردد و اگر جوانی بیند دلیل که شوهر کند
و از شوهر خیر و منفعت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قزاکندی نو پوشیده بود دلیل که زنی توانگر و پارسا بزنی کند و اگر بیند که قزاکند
سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که قزاکندی سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر
قزاکند سیاه پوشیده بود و سفید ه قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد و الا بد باشد اگر قزاکند نو بود دلیل که آن زن خداوند معصیت
بود و اگر قزاکند کهنه بود دلیل که آن زن پلید و نابکار بود کژدم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم نمام سخن چین
و دوست و دشمن نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بیند که کژدم او را بگزید دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر
بیند که کژدم را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که بعد از کشتن کژدم کژدم زنده شد و باز قصد وی کرد دلیل که بعد از این
بر دشمن ظفر یابد و دیگر باره دشمن قصد او کند و اگر بیند که در دست او کژدم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم بد گوید
مردم او را بدگویند از او فتنه انگیزد و اگر بیند که کژدم پخته یا بریان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که کژدم او را

و بهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خدمت و خیر کند و اگر بیند که کژدم در درون جامه داشت همین
تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کژدم بترسید و کژدم او را گزید دلیل که از دشمن گزند یابد و بعضی از معبران گویند
با زن مجامعت نتواند کرد و اگر بیند که کژدمی در پیراهن وی بود دلیل که از دشمن او را مضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی
کژدم بود دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کنیزک وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کژدم در خواب بر سه
وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین کژدم خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم خواره در خواب جانوریست
که در خوزستان در میان آب می باشد و دم بر زمین میکشد و چون کسی زخم آن [یابد] در حال هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید
دیدن کژدم خواره در خواب دشمنی باشد با خرد و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که
کژدم خواره او را بگزید دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کژدم خواره گزندی
نرسید دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کژدم خواره بود و از وی بترسید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد
و آن نه دشمن وی باشد گزر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گزر در خواب غم و اندیشه بود اگر کسی بخواب بیند که گزر بستد و بخورد
دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گزر شیرین بود دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گزر در
گوشت پخته باشد دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی معبران گویند خوردن گزر در خواب بیماری بود و اگر
گزر بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود گزیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که کسی او را گزید دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بخشم و کینه بگزید دلیل که بقدر آن از وی زیانش
برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگزید دلیل که کارش از بخت در خطر بود و اگر بیند که اشتر او را بگزید دلیل که او را
از سفر زیان برسد و اگر بیند که گاو او را بگزید دلیل که در آن سال مضرت بیند و گزیدن جمله ددگان در خواب بر چهار وجه بود
یکی مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی گرفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی کشتی گرفت
و آنکس او را بینداخت دلیل که حال وی نیکو گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد تاویلش بخلاف این بود و اگر هر دو
قایم بودند دلیل که احوال هر دو در خیر و شر میانه باشد تا آنگاه که با هم دیگر دوستی کنند کاسنی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن
کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی داد و بخورد دلیل که اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب بیماری و
خصومت بود کشت و رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشت و رز در خواب توکل بخدای تعالی جل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و نیکی
و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین بشکافت دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت هم
گویند اگر بیند که کشاورزی میکرد دلیل بر بیماری بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین بشکافت و تخم می انداخت و بارش جمع میکرد
دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بارش میخورد از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته چیزی حاصل نشد و ندانست
که بارش چگونه است دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که از پادشاه خیر و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو میکشت دلیل که

مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که کاوزن همی کشت دلیل که مال اندک یابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تخم همی کشت دلیل
که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر با زرگانی زمین خود ناکشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجایگاهی مجهول
زمین همی شگافت و تخم همی انداخت دلیل که بغزا و صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل که
نعمت بروی فراخ گردد و اگر گندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشتن و
در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم عز و جاه پنجم معیشت کشته زار ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید کشته زار ستور چون معروف بود و در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزندان مردم بود و اگر بیند که کشته همی درو کرد که
مردم در جنگ کشته شوند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند که
گرد و درو کرده در خرمن افکند دلیل امیدی که دارد برآید و اگر بیند که در میان کشت زار سیر میکند دلیل که با غازیان بغزا رود مغربی رحمة الله
علیه گوید کشت و درو بخواب دلیل بر حرب و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و
دلیل که در میان بصلاف رود و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحط پیدا شود و اگر بیند که
کشت زار خود را آب رسید دلیل که کاری از دست وی برآید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتشی بیامد و کشت وی را بسوخت
دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رود و برگ همی آید دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پیدا شود و اگر بیند
که از خوشهای گندم دانها بر زمین همی افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد و اگر داند که آن موضع از آن کیست دلیل که زیان
آن بخداوند خواب بود قوله تعالی نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ و اگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل که
در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته را درو کرده خوشه بخانه برد دلیل مصیبت
بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران همی رفت دلیل که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و درو دیدن خوشه رسیده در
خواب بوقت خود دلیل بر نیکوئی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر وبا و بیماری بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
کشت درو دیدن بوقت خویش دلیل که امر خدای تعالی بجای آورده توفیق یابد تا در حق درویشان خیرات کند قوله تعالی وَآتُوا حَقَّهُ
يَوْمَ حَصَادِهِ اگر این چیز که سید برد و رسید درو دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
کسی را کشتی آنکه سرش ببرید دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشنده بر کشته ظلم اندیشد و اگر بیند
که وی را بکشتند دلیل که عمرش دراز بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی وی را بکشت دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که
کروهی او را بظلم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد قوله تعالی وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا
فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ و اگر بیند که کسی را بظلم بکشت دلیل که عاصی و ظالم باشد حق تعالی
جل و علا کسی را بر کمار دتا او را برنجاند قوله تعالی وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ الآیة و بعضی گویند که ستم بر فرزند کردن بهر سبب فقر دنیا
باشد و اگر بیند که کسی را بکشت و خون از تن وی روان شد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر تن خود خون آلوده بیند دلیل که از مال خود چیزی بوی

ده و اگر بیند که خون روان شد دلیل که دین کشنده بر رود جعفر صادق رضی الله گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت
دلیل که بر خصم خود ظفر یابد و کسی که بدان جنس منسوب باشد قهر کند و کشنده خون آلوده دیدن عذاب و بیداد گر باشد کشتی و انبیا علیهم السلام
گوید کشتی دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا یابد و رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیاید یا
با کشتی در دریا فرو مانده بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کشتی بود و بسلامت از آنجا بیرون آمد دلیل که از
رنج برهد قوله تعالی فَأَنجَيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل که بدست قومی هلاک
شود و اگر بیند که کشتی وی بر زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و رستگاری دیر دست دهد و اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلامت
بماند دلیل که مالش تلف شود و او بسلامت بماند و اگر بیند که کشتی بشکست و جمله غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بیند که در کشتی بر جای ایستاده بود
کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را از پادشاه و بزرگان قربی و منزلتی پدید شود و اگر بیند که در میان دریا کشتیها و کاژها میرفت دلیل که بسفر رود قوله
وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ و اگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و دین بماند بلکه در آن سفر مقیم شود و اگر
که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد دلیل که از غم وا رهد و فرج یابد و اگر بیند که کشتی ایستاده بود و از همه جانب
بکشتی موج همی آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ اگر بیند که کشتی از
پیش همیرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ
اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود قوله تعالی يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ
لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ اگر بیند که در میان کشتیها چیزی بود و کشتی میرفتند دلیل که پادشاه رسولان را بجائی فرستد و اگر بیند که کشتیها
غرق شدند دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملک او نبود
دلیل که او را هلاک اندیشه نبود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میترسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی کشتی و را منفعت رسد
و اگر در کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود و اگر بیند که در دریا کشتیها بجاهای طوفان آراسته بود دلیل که پیش پادشاه مقرب
شود و اگر بیند که کشتی در قعر دریا فرو شد دلیل که او را از پادشاه قوتی عظیم باشد و اگر بیند که کشتی میرفت تاویلش بخلاف این بود اسمعیل
اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را از غم وا رهد و زیادت شود و اگر بیند که کشتی او را آب
روان بود دلیل که بسفر رود و دور رود و باز آید و اگر کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که بکاری درماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن کشتی در خواب بر هشت وجه بود یکم فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم ایمنی هفتم عیش هشتم توانگری کشف
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او منفعت
رسد اگر کسی بخواب بیند که کشف داشت یا بخانه او در آمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف میخورد دلیل که
بقدر آن علم حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشفی در سرگین دانی بیافت دلیل که بصحبت عالمی رسد و اگر بیند که کشفی در
جائی عزیز بیافت دلیل که نامدار شود و عزیز و نزدیک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

بر سه وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع زرگر. کشکاب ابن سیرین رح گوید اگر بیند که کشکاب بغنا و بنفقه با کسی
میخورد دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش ببرد و اگر بیند که کشکاب بی نوا نسبت خوردن تاویلش بخلاف این
بود. کشمش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بوی داد و بخورد
دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدانکس رساند و اگر بیند که آب کشمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بازرگان
بود مالش زیادت شود. کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخرید و در دست داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود و اگر پیشه کار
بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند. جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی منفعت دوم
مال حلال سوم کسب. کشنیز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشنیز در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشنیز داشت و خورد دلیل
که بقدر آن او را غم و اندوه بود. کعب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کعب بخواب بتاویل مقام بود و اگر بیند که با کعب بازی
میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بسیار داشت دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او
بشکست دلیل که فرزندش بمیرد یا غمی بوی رسد که بتاویل منازعت بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد. مغربی رحمة الله علیه گوید
بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمن حقیر و جنگ و خصومت بود. جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی مقام
دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالی وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا اگر بیند که کعب جانوری داشت
که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود. کعبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعبه در خواب بیند
خلیفه بود و هر کسکه قبله وی کعبه بود بهر زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل بر صلاح دین
وی بود و از خلیفه راحت یابد و اگر بیند که احرام گرفته بود و روی بکعبه داشت دلیل بر زیادتی صلاحیت او بود و اگر بیند که سرای وی کعبه
شده بود و مردم زیارت میکردند دلیل که امانت نیکو نگهدارد و حرمت و منزلت یابد. مغربی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که کعبه
بیرفت دلیل که از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بیفتاد یا بآتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بگردد و اگر بیند که از کعبه چیزی برگرفت
دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد. کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل کعبه
ایمانست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و دعایش مستجاب گردد قوله تعالی وَمَن دَخَلَهُ
كَانَ آمِنًا و اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاده بود و بوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول صلی الله
علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که بحج رود و بسلامت باز آید و اگر خود را بر بام کعبه بیند دلیل که بد مذهب بود.
جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان و مسلمانی چهارم ایمنی از بیم. کفتار
در خواب زنی زشت پلید و بدکردار باشد. ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار بسته بود دلیل که زنی زشت پلید بخواهد و اگر بیند
که گوشت کفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند. کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر کفتار میخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی
داشت دلیل که از آن زن فایده یابد. مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار با وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان درازی کند

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه در خواب کارفرمای خانه بود
اگر بیند که کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کفچهٔ وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد کفچه آتش نظام
گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و آنکس که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدمتگاری خانه و اهل وی باشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتکاری حاصل شود و اگر انظام بگشت یا ضایع
دلیل که خدمتکارش ببرد و یا بمیرد کفش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نو داشت
و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که کفش دیگر در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد و اگر کفش سیاه بود دلیل که
زنی سلیطه کار بود و اگر کفش سرخ بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر
کفش سپید بود دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخواهد و اگر از پوست
گوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخواهد و اگر بیند که یک کفش از پای وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
بیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که زن او شاه کار بود و نیز گویند که کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت
ششم مال هفتم سفر و کفشگر در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در
کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها و دست برهم می سودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود
و اگر بیند که کفهاء او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بیند که کفهای وی گشاده و قوی بود دلیل بر فراخ دستی
بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود
یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم با زن بحرام در شدن کف دریا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید کف دریا در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود کفن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از بهر مرده
یا زنده کفن بساخت اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس بوی رنجی رسد و اگر بیند که کفن مردهٔ معروف کند دلیل که در دنیا طریق
آن مرده جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده سپید دید معبران گویند اگر بیننده صالح و پارسا بود و طالب علم باشد
و سخنهای باریک گوید دلیل که دنیا روی بوی نهد و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مردگان را کفن میکند و از جائی بجائی میبرد دلیل
که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیننده مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم گواهی دهد گلاب
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که گلاب بر وی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او را
مدح و ثنا گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میداد دلیل که نامش در آفاق منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره
مند گردند گلانه مرغیست و آنرا عقعق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بیند که گلانه

بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاژه نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت
که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلاژه از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر بیند که کلاژه را بکشت و گوشت
وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد کلاغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی فاسق
و بدعهد بود و اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بحیلتی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته
بود و بانگ میکرد دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر رنج و مشقت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه
دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بسختی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغان
بر سر داشت دلیل که غم اینجهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند
که کلاه عتابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بر روی بر سر داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند
و اگر کلاه بر سر دستار نهاده بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه ابریشمین داشت
دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که پیش مردم
عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دار و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یابد و اگر
از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر
بر سر نهاد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشیده
دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بیفتاد دلیل که از عمل معزول گردد یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از این کلاهها
که صفت کردیم بر سر وی بنهادند دلیل که بقدر قیمت کلاه از مهتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود دلیل که از
عز و جاه بیفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد دلیل که آن زن را پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه زیر بر سر وی
نهادند دلیل که آنکس بد دین بود اما پادشاه را نزدیک بود مغربی رح گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت او
زیادت گردد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در ربود دلیل که از مردی
بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کار در دین تباه
و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر بدی او کند
مگر آنکه از این نوع کلاه داشته باشد در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که کلاهی سرخ
پوشیده بود دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاهی آتش افتاده بود دلیل
که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شش وجه
بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عز و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوز در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

گل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی گل شده بود دلیل که مال و خواسته بسیار یابد و بعضی از معبران گویند که غم و
اندوه از وی زایل گردد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر بیند که او را با مردی گل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر دوست
و آشنا شود و اگر بیند که سر وی گل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل که مال وی تلف شود و وام دار شود گل ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید حکم بر گل در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه گل بر درخت بود و یکی آنکه گل از درخت شده باشد و گلی که آنرا بقائی نبود دلیل بر غم
و اندوه بیننده خواب بود و اگر کسی گل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و چون بی وقت بیند دلیل که
بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت گل در خواب مهتری و سخن روائی بود و درخت گل زرد زنی بود یا زرگان حاجت
روا کننده و درخت گل سفید دلیل بر عز و دولت و جاه بود و اگر در سرای خویش درخت گل بیند دلیل که دختر را بنکاح آورد
و اگر در سرای خود گل صد برگ بیند دلیل که بسبب فرزند شاد شود و اگر گلها از هر گونه شگفته بیند دلیل که از خویشان و اهل
بیت شادمان شود و اگر بیخ درخت گل از زمین کنده بیند دلیل که مردم سرایش کاهل باشند مغربی رحمة الله علیه گوید گل در خواب مرد
دون همت و بد عهد بود که با کس وفا نکند و اگر بیند که گل بکسی داد یا از دست بیفکند از صحبت چنین مردی دور شود اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید گل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب
بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سیوم مرد دون همت چهارم کنیزک پنجم غلام ششم نامه غایب گلشکر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گلشکر در خواب و گل انگبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بیند که گلشکر یا گل انگبین
داشت و از آن بخورد و اگر توانگر بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر وام دارد
وامش گذارده شود گل خوردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که گل میخورد دلیل که از پس مردگان بد گوید
و اگر بیند که گل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد دلیل که
حج گزارد و اگر بیند که خانه بگل می اندود دلیل که غمگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن گل سفید در خواب مال حلال بود و گل زرد
بیماری بود و گل سرخ لهو و طرب بود و گل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و گل آب تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان گل
غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که رهائی نیابد و اگر بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشست دلیل که از غم
و اندوه رهائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب در سردسیر صعبتر بود که در گرمسیر کلبتین ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید کلبتین در خواب خادمی بود که بجوی مال از دست پادشاه بدر آورد و بر مردم نفقه کند و اگر بیند که کلبتین در دست داشت دلیل که او را مال و نعمتی حاصل شود
و اگر بیند که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمه گوید اگر بیند که بکلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد
کلم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت خورد دلیل که منفعت
کمتر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گوشت و کلم با هم پخته خورد دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد منفعت کمتر باشد و اگر کلم ترش
میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد گلنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گلنار در خواب عز و ...

پاکیزه بود یا کنیزکی خوب خاصه که هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گلنار از درخت بیفتاد دلیل که از دیدار عروس پاکیزه یا کنیزک جدا
ماند **کلنگ** در خواب مردمی غریب بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی
غریب پیوندد و با وی نیکویی کند و اگر بیند که پر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل که از مردی غریب راحت بیند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کلنگان را بسیار اسیر دید دلیل که بر گروهی غریبان و درویشان مهتر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت دلیل که درویش
شود **گلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گلوی وی بسلامت است و هیچ المی ندارد دلیل که امانت و وام
بگذارد و اگر بیند که رنج و آفتی در گلوی وی پدید آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر گلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بر وی فراخ
گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر گلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانتها را نیک نگهدارد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که گلوی او را ببریدند دلیل که بر بنده بر وی ظلم کنند یا در دین او طعنه زنند و هر جانوری که کشتن او روا نباشد چون بیند که
گلوی او را ببریدند دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کنند و اگر بیند که بهیمه را گلو ببرید دلیل که کار بر وی فراخ شود
گردد و اگر بیند که گلویش را بضرورت ببرید و گوشتش بخورد اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر حرام بود
مال حرام یابد و اگر بیند که گلوی آدمی ببرید دلیل که بر آنکس بیداد و ستم کند یا در دین او طعنه زند و اگر بیند که گلوی کسی را بفشرد و خفه
کرد دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گلو در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید گلو فشردن در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش مغلوب بود **کلیچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچه در خواب دلیل بر
عیش خوش و نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچه میخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که کلیچه
بخروار داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در دهان نهاد و نتوانست خوردن دلیل که مال و نعمت او قسمت
دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که باسان بدست آید دوم روزی
فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش **کلید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلید در خواب مردی گشاینده کار بود و اگر کسی بخواب بیند که
قفلی را بکلید باز کرد و در بگشاد دلیل که کارهای بسته بر وی گشاده شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار داشت
دلیل که بزرگی و منزلت یابد قوله تعالی له مقالید السموات والارض الآیة کرمانی رحمة الله علیه گوید کلید در خواب گشایش
در خیر بود و بستن شر و بعضی گویند که کلید در بستن تزویج بود و اگر بیند که کلید در بهشت در دست داشت دلیل که در دین
سلطان بود و عاقبت کارش نیکو و محمود بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهنین داشت دلیل بر قوت و نیکویی بود و اگر بیند
که کلید برنجین یا مسین بدست داشت دلیل که او را سخن روانی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل که بر نیکویی کمتر بود و اگر کلید
زرین یا سیمین داشت دلیل که سخن او روائی یابد و نیز گویند که گنج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید چندانکه کلید بسیار بود مال بیشتر بود و نیز گویند
که کلید دعاء استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفلی نهاد و در را باز کرد دلیل که حاجتش روا گردد
و کار بسته وی گشاده شود و اگر بیند که کلید در کلیددان بشکست دلیل که دعاء وی خالص نباشد و اگر بیند که بیک کلید دو قفل را بگشاد

ودرها بازکرد دلیل که زنی خوبروی بخواهد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر کسی دست خود را کلید بیند دلیل که نمازگذارنده بود و اگر کلید وی بنهاد
دلیل که کابین نماز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید در خواب بر هشت وجه بود یکی گشادن کارها دوم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم
یافتن مراد پنجم قوت دین ششم گذاردن حج هفتم اجابت هشتم دانستن علم **کلیددان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیددان
زود بگشاد و زحمت نداد دلیل که کارهای دینی و دنیاوی گشاده گردد و اگر بیند که کلیددان بدشواری بگشاد تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که کلیددان نتوانست گشود و دربسته بماند دلیل که کارها بروی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که کلیددان زود باز کرد و اگر غمگین بود دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد
رواشود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهاش بنظام گردد **کلیسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کلیسا رفت و در آنجا بسوی
قبله نماز گذارد دلیل که آنکس از گناه توبه کند و در دین قوی شود از بهر آنکه کلیسا جای عبادت است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
کلیسا بود دلیل که میل او با بت پرستان باشد خاصه چون نماز سوی قبلهٔ ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که در کلیسا گشت
شد اگر بیننده خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصه که بیند در آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیم در خواب شادی
و سرور بود و اگر بیننده خواب مهتر بود دلیل که بزرگی و جاه او بیفزاید و بعضی از معبران گویند مردی صالح و گزیده بود و از دوستان
و دیندار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیمی بیافت دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهر کند و از و
خیر و منفعت بیند و اگر بیند که کلیمی کوته پشت بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بیند که کلیمی سبز بود دلیل که زنی ستیزه‌کار
و دیندار بود و اگر بیند که کلیم سرخ بود زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر کلیم زرد بود زنی بیمارگون باشد و اگر کلیم سیاه بود آن زن
که باشد زاهده و عابده بود و اگر کلیم ملون بود این همه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند که کلیمی پوشیده بود دلیل که در پناه مهتری پارسا بود
و از و منفعت یابد و اگر کلیم از خود دور افکند و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کلیم در خواب
بر پنج وجه بود یکی مرد درویش دوم مهتر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کنیزک پنجم خیر و منفعت **کمان** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که
کمان او بی تیر بکشید دلیل که بسفر رود و با فایده باز گردد و اگر بهنگام کشیدن زه کمان ببرید دلیل که سفرش تمام نشود و باشد که در راه آسیبش
رسد و اگر بیند که کسی کمانی بوی داد دلیل که پسری او را آید و اگر بیند که کمان وی بشکست دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از
مال او تلف شود و اگر بیند که از کمان تیر همی انداخت دلیل که از بزرگی نامه بدو رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کمانی تیر همی
انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید بسبب غیبت و بگرفتن تیر و اگر بیند که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی حاصل شود
یا زنی عجمی بخواهد و او را پسری آید و اگر بیند که از کمان تیر نتوانست انداخت دلیل که او را از پادشاه یا از زن فایده نباشد و اگر بیند که کمانش بیفتد یا جفت
یا بکسی داد دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان بتاویل درازی عمر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو
و پاکیزه داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان بخشید دلیل که زن پایدار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد دلیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان
او سخت بود و در وقت کشیدن بزه باشد دلیل که زنی بنکاح بخواهد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر مراد برسد

واگر بیند که کمان سست بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خود میساخت دلیل که کار او ساخته
گردد واگر بیند که کمان بفروخت و از بهای او درم و دینار بستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند واگر بهای کمان بجز درم چیزی دیگر
بستد دلیل که مراد وی حاصل شود واگر بیند که کمانی عطا بوی دادند دلیل که زود فرزند خواهد و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که کمان خمیده کشیده
بوی دادند یا آنکه کمان را بکشید دلیل که عمر وی دراز بود واگر بیند که کمان در کمان دان بنهاد دلیل که از دنیا برود واگر بیند که کمانهای
بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بکار سختی بفریاد وی رسند واگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردارهای
نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچه بدین ماند بخداوند تعالی نزدیک بود قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادنی
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب بر شش وجه بود یکی سفر دوم فرزند یا برادر سوم زن چهارم قوت پنجم کردارهای
نیک ششم مروت در کارها **کمان حلاجی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان حلاجی در خواب شناعت زننده بود واگر بیند
که کمان حلاجی در دست داشت دلیل که منافقی کند واگر بیند که کمان حلاجی داشت و ندانست که ملک وی است دلیل که تشنیع
خواهد **کمانهٔ آسمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمانهٔ آسمان زرد بود دلیل بر بیماری مردم آن دیار بود و کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که سبزی کمانهٔ آسمان بیشتر از سرخی بود دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد واگر بیند که سرخی بیشتر از سبزی بود
تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آسمان علامت سرخی بکردار عمود شد دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و
کامگاری رسد واگر عمودهای سیاه بیند تاویلش بخلاف این بود **کمان گروهه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان گروهه
در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه واگر بیند که کمان گروهه در دست داشت و گله می انداخت دلیل که کسی را سخن زشت
گوید و دشنام دهد زیرا که کمان گروهه در راه دین ناپسندیده بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکمان گروهه گله بمردم انداخت
دلیل که بسبب آزار مردم غمگین شود واگر بیند که کمان گروهه وی بشکست یا ضایع شد دلیل که آزار کس بجز وی **کمر** بند ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان کمری بسته بود دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و
پناه فرزند بود یا خویشان واگر بیند که کمربند بدر و جواهر مرصع بود دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه
وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محتشم قبایل گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سه چهار بار کمر بر میان بسته داشت
دلیل که او را مال و حشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد واگر بیند که کمر وی بدو دادند و در میان بست دلیل که بسفر رود واگر
که کمر بشکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمر وی بجواهر مرصع
بود دلیل که مهتر قومی شود و اهل بیت وی بسبب وی توانگر شوند واگر بیند که کمر بشمشیر یا تیر یا سر آن آهن بود دلیل من حسته بود و لیکن کمتر واگر بیند که
او را کمر و شمشیر بخشیدند دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمر در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت از قبل پدر
یا برادر یا خویشان دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف دادن و یافتن مراد ششم پاکی دین واگر بیند که کمر میان
بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بستاند اما نیمه عمر گذشته بود **کمشدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که

دلیل

دلیل که در آن موضع که او بود ضایع شود زیرا که او را بمعرفت آشنا سده و قربا و ندانند و اگر بیند که عیال یا فرزند او گم شد دلیل که از جهت آن
اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی گم شد اگر آن چیز بتاویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت
از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آن چیز بتاویل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش نظام نشود و کمند ابن سیرین رح
گوید اگر کسی بخواب بیند که کمندی بینداخت و مردی را گرفت دلیل که باندازهٔ کمند از بزرگی یاری خواهد و اگر بیند که کمندش از
رسن بود دلیل که از مردی مومن یاری خواهد و اگر بیند که کمند از موی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند
انداخت و در گردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد دلیل که از
مردی مسافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد کنار ابن سیرین رح
گوید کنار در خواب مالی بیغش بود و از میوه‌ها هیچ میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوهٔ بهشت آدم علیه السلام در بهشت کنار بود
و اگر بیند که کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب
مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخروار کنار داشت دلیل که مال بسیار یابد گناه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید گناه کردن در خواب هم معصیت
و گناه بود توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی عز و جل ایمن شود و کارش بصلاح آید گنبد ابن سیرین رح گوید گنبد در خواب زن
بود و اگر گنبدی پاکیزه بیند و داند که ملک او است دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رح گوید گنبد در خواب شرف و بزرگی بود و اگر بیند
که در گنبدی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گنبد در خواب بر چهار وجه بود
یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم عز و جاه گنج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گنج بیافت دلیل که بیمار گردد
یا رنج بدل او رسد و اگر بیند که گنج او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید گنج یافتن در خواب در جایگاه
خراب بیمار یا هلاک شود و اگر بیند که در جایگاه آبادان یابد دلیل که بیمار شفا یابد گنجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنجد در خواب
مالی بود که بهره و زیادت باشد و اگر بیند که گنجد داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که گنجد بکسی داد
دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رساند و اگر بیند که گنجد خورد و طعم آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی
از معبران گویند که او را غم و اندوه رسد گنده پیر ابن سیرین رح گوید گنده پیر در خواب دنیا باشد و گنده پیر مسلمان که بجامه آراسته
باشد دلیل که مال حلال یابد و گنده پیر که بجامهٔ چرکین باشد و کافر بود تاویل مال حرام بود و گنده پیر خوبروی و نیکو جامه تاویل
اینجهان و آنجهان باشد و اگر بیند که گنده پیر فربه و مسلمان بزنی خواست و دانست که ملک او است دلیل که مال حاصل کند
و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که بترک دنیا بگوید و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گنده
پیری مجامعت کرد دلیل که مراد اینجهانی او را حاصل شود گندرو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندرو میخورد یا بخاید
دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندرو داشت دلیل که غمگین شود

نَتَعُوْنَ نَعجَةً وَلِیَ نَعجَةٌ واحِدَةٌ اگر بیند که ماده میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم او را محب و خواستگاری
شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که ماده میشی را کلو ببرید دلیل که زنی مستور را بهتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر سفید
بود از عجم باشد و پوست گوسپند غنیمت و مال حلال بود و دیدن گوسپند در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم زنی بزرگ
سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت گوشتها دانیال علیه السلام گوید گوشتها بتاویل هر چند پخته خورد دلیل
بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهایی که خام خورد دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت
گوشتها در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت
بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند
که از آن کار پشیمانی خورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت مردم بناحق کند قوله تعالی اَیُحِبُّ اَحَدُکُم اَن یَاکُلَ
لَحمَ اَخِیهِ مَیتاً فَکَرِهتُمُوهُ و اگر بیند که مردی برابر او کرده بودند و او گوشت او میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر
بیند که گوشت گوسپند فربه پخته بود و میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوسپندی مسلوخ بخانه آورد دلیل که کسی
بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام گوسپند در خانه آورد دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود مغربی رحمة الله
علیه گوید گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که بگوشت تازه کسی را میزد دلیل که او را بزبان برنجاند یا او را
غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بیند که از قصاب گوشت
بخرید و بهایش بداد و بمنزل خود برد دلیل که هلاک شود و اگر بیند که گوشت اژدها میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن
بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسب میخورد دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه
چیزی بدو رسد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت
اشتر بچه میخورد دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه
او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت اشترمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند
که گوشت اله میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد دلیل که بقدر آن
از زنی خوبروی او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آرد و خرج
کند و اگر بیند که گوشت پرستو میخورد دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر
بیند که گوشت بط میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد دلیل که در جنگ نام آور شود و با
شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گوشت کنجشک میخورد دلیل که از مال مردی ژفت یا از مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود
و اگر بیند که گوشت بوزنه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر

ببیند

ببیند که گوشت چرغ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را منفعت رسد و اگر گوشت تذرو میخورد دلیل که مال مردی غدار خورد و اگر
ببیند که گوشت چغد میخورد دلیل که مال دزدیده خورد و اگر ببیند که گوشت چکاوک میخورد دلیل که چیزی از مال بنده خورد
و اگر ببیند که گوشت خر میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر ببیند که گوشت خرگوش میخورد دلیل که از مال زن چیزی اندک بیابد
و بعضی از معبران گویند که میراث یابد و اگر ببیند که گوشت خروس میخورد دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر ببیند
که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر ببیند که گوشت دراج میخورد دلیل که مال
زن بستاند و خرج کند و اگر ببیند که گوشت راسو میخورد دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر ببیند که گوشت زاغ میخورد دلیل
که بقدر آن از مال فاسقی بخورد و اگر ببیند که گوشت سنگ خاره میخورد دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر ببیند که گوشت
سوسمار میخورد دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار دلیل بر [illegible]
پنهانی یافتن باشد و اگر ببیند که گوشت سگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر ببیند که گوشت سنجاب میخورد دلیل که مال
مردی غریب بخورد و اگر ببیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر ببیند که گوشت شاهین میخورد دلیل که از
مال مردی ستمگر نفع یابد و اگر ببیند که گوشت بره میخورد دلیل که با کسی گمراه محرم پیوندد و اگر ببیند که گوشت شتر مرغ میخورد دلیل که
تجارت با خویشان خصومت کند و اگر ببیند که گوشت طاوس میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر ببیند که گوشت طوطی میخورد دلیل که علم
و ویرا منفعت نکند و اگر ببیند که گوشت فنک میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر ببیند که گوشت قمری میخورد دلیل که از زنی
خوب منفعت یابد و اگر ببیند که گوشت ماده گاو میخورد دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر ببیند که گوشت [illegible]
میخورد دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیزک نفع رسد و اگر ببیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زن او را بهره رسد و اگر
ببیند که گوشت گربه میخورد دلیل که منفعت یابد و اگر ببیند که گوشت کرگ میخورد دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر ببیند
که گوشت کشف میخورد دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر ببیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که پیره زنی بر وی جادو کند و اگر ببیند
که گوشت کلازه میخورد دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر ببیند که گوشت گورخر میخورد دلیل که مال و منفعت یابد و اگر ببیند
که گوشت ماکیان میخورد دلیل که او را مال از کنیزک یا از خادم جمع شود و اگر ببیند که گوشت ماهی میخورد دلیل که چیزی از مال زن خورد
و اگر ببیند که گوشت مرغابی میخورد دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر ببیند که گوشت مرده میخورد دلیل که آن مرده را به بدی یاد کند و اگر ببیند
که گوشت نهنگ میخورد دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر ببیند که گوشت هدهد میخورد دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر ببیند
که گوشت همای میخورد دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر ببیند که گوشت هزاردستان میخورد دلیل که از مال
زن یا فرزند یا غلام او را منفعت رسد و اگر ببیند که گوشت واشه میخورد دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر ببیند که گوشت یوز میخورد هم از مال دشمن
بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال دوم میراث سوم توانگری چهارم مصیبت و اندوه
گوشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که گوشت او بیفتاد و یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دختر بمیرد یا از [illegible]

گوید گورستان در خواب دیدن صحبت با جاهلان بود که دین و دنیای ایشان بفساد گردد و غم و پشیمانی بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان از زیارت کند و اگر بیند که در گورستان باران بارید دلیل که اهل گورستان را
رحمت از حق سبحانه و تعالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر توانگر بیند که در گورستان میرفت و بر گورها سلام میکرد دلیل که درویش گردد
و از مردمان گدائی کند زیرا که گورستان جای مفلسان است و اگر بیند که در گورستانی معروف بود و مردگان از گور برخاسته بودند
دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بیند که در گورستان گورها باز میکرد و بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن
ولایت محنت و تنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم غم سوم
محنت و بلا گوز در خواب مالی بود که بمحنت و بلا و رنج و سختی حاصل گردد و اگر بیند که با گوز بازی میکرد یا گوز در دست داشت
دلیل بر جنگ و خصومت بود کرمانی گوید گوزی که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدو رسد بقدر کمی و بسیاری و اگر
مغز گوز بطعم خوش بود مال حلال بدو رسد و اگر بیند که گوز میشکست دلیل که از مردی عجمی مال گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوز
داشت دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که گوز تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند
که از مغز گوز روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد گوز هندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی گوز هندی
بوی داد دلیل که سخن فال گیرد و منجم شود و اگر بیند که گوز هندی میخورد دلیل که سخن ایشان را راست پندارد و بعضی از معبران گویند
گوز هندی در خواب مردی دون یا کنیزک هندی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوز هندی میخورد دلیل که سخنان منجمان راست
پندارد و اعتقاد بران داشته باشد گوز بویا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوز بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شرع و اگر
بیند که گوز بویا خورد دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوز بویا بسیار داشت
و میخورد و بمردم میداد دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را و دیگرانرا منفعت بود و اگر بیند که گوز بویائی که داشت از آن
بکسی نداد دلیل که از آن علم منفعت نه او را و نه دیگرانرا باشد و بعضی گویند که خوردن گوز بویا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند کوی
زمین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوی زمین در خواب مالی بود که بمکر و حیلت بدست آورد و اگر بیند که بکوی پنهان بود
که از آنجا او را بیرون آمدن نبود دلیل که بمکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدشواری برآید و هر چند که کوی دورتر بود کار
صعبتر بود و اگر بیند که آن کوی مانند سردابه بود دلیل که دزد از وی چیزی ببرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوی یا چاهی میکند
دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر از آن کوی آب بیرون آمد دلیل که در آنکوی بمکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان
معیشت کند و اگر بیند که کوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
کوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند
دلیل که رستگاری یابد کوزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوزه از سپید روی یا از مس بود در خواب خادم باشد و اگر
سفالین بود داشت دلیل که او را کنیزکی حاصل شود بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که کوزه آب خورد دلیل که با کنیزک جماع کند

و اگر بیند

واگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کنیزش بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید کوزه در خواب مال و نعمت باشد واگر بیند که کوزهٔ زرین داشت دلیل که
او را مال خواسته حاصل شود اما دران مال تهمت باشد واگر بیند که کوزه سفید روئین یا قلعی داشت دلیل مال و نعمت باشد واگر
کوزهٔ آهنین داشت دلیل بر مال بود اما کمتر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم
کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زنان و کوزهٔ آویز را اراده خواب
تاویلش بخواب بینی بزرگزاده و مهتر بود گوساله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوساله نر فرا گرفت یا کسی بوی داد
دلیل که او را پسری آید واگر بیند که گوساله ماده بود دلیل که او را دختری آید واگر بیند که گوساله بخانه برد و بر دوش [illegible] دلیل که
اندوهگین شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله در منزل او در آمد و شد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود واگر بیند که گوساله
دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید واگر بیند که بر پشت گوساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوندد و از وی بزرگی یابد
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله وی بمرد دلیل که فرزندش بمیرد واگر گوسالهٔ وی ضایع شد دلیل که فرزندان از وی مفارقت جویند
واگر بیند که گوساله داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله
سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود واگر بیند که گوساله ابلق بود دلیل که میانه بود واگر گوساله وی قوی و فربه
بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود واگر ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود گوسپند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید گوسپند در خواب غنیمت بود واگر بیند که گوسپند میچرانید دلیل که بر گروهی بزرگی و مهتری یابد واگر بیند که گوسپندان
بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم واگر بیند که گوسپند بسیار جمع شدند و دانست که ملک
وی است دلیل که او را مال بسیار حاصل آید واگر بیند که گوسپندی برگردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی برگردن گیرد واگر بیند که گوشت
گوسپند پخته میخورد دلیل که بقدر آن او را غنیمت باشد واگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم و اندوه باشد واگر بیند
که از بهر خوردن گوسپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند نره میشی فرا گرفت
یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد واگر بیند که نره میشی را گلو ببرید و پاک کرد دلیل
که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند واگر بیند که بر نره میش نشست و مطیع و فرمان بردار او بود دلیل که بر مردی
بزرگ چیره گردد واگر بیند که نره میش بروی غالب بود تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که سر و پای نره میش بشکست دلیل
که بر آنمرد که صفت کردیم غالب شود واگر بیند که سر و پای نره میش دراز و قوی بود دلیل که اینمرد قوی و توانا شود واگر بیند
که پشم بر تن نره میش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود واگر بیند که پشم نره میش بسیار حاصل شد و دانست که ملک
وی است دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشانرا زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد بعضی گویند
که بعدد هر نره میشی او را سالی بزرگی و شرف یابد مغربی رحمة الله علیه گوید ماده میش در خواب بینی زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه
حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصهٔ داود علی نبینا و علیه السلام فرمود قوله تعالی إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ و

زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه بود گندس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر گندس بسیار داشت دلیل که بیماری دراز کشد و عاقبت
شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندس میخورد دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و اگر بیند که گندس به بینی فرا گرفت و عطسه داد دلیل که
حاجتش بدشواری بر آید گندم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندم در خواب مال حلال بود که برنج بمردم رسد و اگر بیند که گندم میخورد دلیل
که صالح و دیندار بود و اگر پخته میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که وی تا شکم او پر از گندم خشک شده بود دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خوشه های گندم میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قوله تعالی سَبْعَ سُنْبُلاتٍ خُضْرٍ
وَاُخَرَ یابِساتٍ و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که در آن دیار حق سبحانه و تعالی نرخ غله ارزان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید گندم
در خواب بر سه وجه بود یکی معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریبی اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که گندم بریان میخورد دلیل که
هیچ منفعت نیابد و اگر بیند که گندم بوقت خود میدرود دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و گندم فروش در خواب دیدن مردی بود که دین بدنیا
اختیار کند گندنا دانیال علیه السلام گوید گندنا در خواب مردی بود که مردم او را بدوستی یاد کنند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندنا در خواب
مال حرام بود و گفتار زشت بود و اگر بیننده خواب مستور و مصلح نباشد دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن گندنا
هیچ منفعت نباشد گندو انگس انگبین بود و اگر بیند که گندوانی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که رسولی پیش او در آید و او را شادمان کند یا
کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل یاران مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کنشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
که در کنشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند تعالی بازگردد و بدین قوی گردد بسبب آنکه کنشت جای
عبادت است و اگر نماز سوی قبله جهودان گذارد دلیل که هوای جهودان وارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در کنشت بیند دلیل که
مردم بیدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را
شر و فساد بود کنگر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بوقت خود کنگر میخورد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کنگر در خواب
نفع نبود و اگر بیند که کنگر داشت و نمیخورد دلیل که غم و اندوه کمتر باشد گنگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که گنگ شده بود دلیل که درویش و بدحال گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در خواب گنگ بیند دلیل بر تباهی و نقصان دین وی
بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده قوله تعالی صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید گنگی در خواب بر هفت
وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان معیشت پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر گنگی بخواب
بیند که زبانش گشاده شد دلیل که کار بسته بروی بگشاید کنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنه در خواب عیال مردم بود و اگر بیند
که کنه اندام او میخورد دلیل که بقدر آن عیال از مال وی بخورند و اگر بیند که کنه بسیار بر چهار پایه بود دلیل که مردم از چهارپایان او فایده
بینند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنها از خود دور می انداخت دلیل که عیال از خود دور کند و اگر بیند که کنه از چهارپای خود میگرفت
و می انداخت دلیل که هیچکس را فایده نرساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم
و حشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بیند که کنها میکشت دلیل بد انچیزهای که گفتیم نقصانی بود کنیزک ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید کنیزک درخواب خیر و نیکی بود بقدر جمال او اگر کسی بخواب بیند که کنیزک خوبروی فربه داشت دلیل که چیزی پنهان بوی رسد
و از آنچیز مستغنی گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید کنیزک در خواب مال بود و اگر بیند که کنیزکی بخرید دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بیند که کنیزک
بفروخت تاویلش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنیزک بفروخت و بهای او بستد دلیل که او را غم رسد و اگر بیند
که کنیزک بخرید دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یابد و اگر بیند که کنیزک برهنه بود دلیل که زیانی بدو رسد و اگر بیند که کنیزک
خوبروی لبسته بود و در خانهٔ وی درآمد دلیل که شادی و منفعت بدو رسد کهربا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کهربا در خواب بیماری بود
اگر کسی بخواب بیند که کهربا داشت دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او دراز کشد گوارش ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید گوارش در خواب چون شیرین بود دلیل بر منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل بر غم و اندوه و رنج و عنا
بود و هر گوارش که بوی خوش بود دلیل بر مدح و ثنا بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود و گوارش داروهای خوشبودار خوردن دلیل بر ستایش کند گوال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
گوال در خواب دلیل بر مردی عالم باشد و چیزهای که در وی از خیر و شر بود بدین قول دلیل از امیر المومنین علی کرم الله وجهه می آرند حیث
فیه سوآن القاوا وعیة مغربی رحمة الله علیه گوید گوال چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود و اگر منفعت
اندک باشد گودابها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گودابها که در خواب بیند بهتر از گوداب خرما نبود و بعد از آن گوداب خبیص
بادام و بعد از آن گوداب نان و بعد از آن گوداب خشخاش را بتاویل منفعت از اینها کمتر باشد و اگر بیند که گوداب خبیص میخورد دلیل که
بقدر آن مال و نعمت از مردی بخیل بدست آرد و اگر بیند که گوداب خشخاش میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل شود اما فایده اش کمتر بود و اگر بیند
که گوداب نان میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از مردی پارسا او را بدست آید و اگر بیند که از این گودابها که گفتیم داشت و از آن چیزی
میخورد از آنچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید گودابها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ و ناخوش بود دلیل
بر بدی کند گور دانیال علیه السلام گوید گور بتاویل زندان بود و اگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بروی تنگ شود و بعضی
گویند در آن موضع که گور باشد از بهر خود سرای نو سازد و اگر بیند که او را در گور کردند دلیل که احوال بروی دشوار شود و قوله تعالی
ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ و اگر بیند که او را در گور کردند و خاک بسر او کردند دلیل که دین وی را نقصان بود و بی توبه
از دنیا برود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را در گور نهاد دلیل که او را در زندان کنند و اگر بیند که در گور بمرد دلیل که در زندان
بمیرد و اگر بیند که بر بام او گوری میکندند دلیل که زندگانی او دراز بود و اگر بیند که بر سر گور ایستاده بود دلیل که بر گناه مقیم است
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در گور مرده دید و منکر و نکیر از وی سوال کردند دلیل که پادشاه آنجا یا او را مطالبه کند و اگر جواب
منکر و نکیر خطا داد دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر بیند که او را از گور بیرون آوردند و برو آفرین کردند و دیگر باره در گور نهادند
دلیل که پادشاه او را بنوازد و خلعت بپوشاند و بعد از آن بزندان کند اما اگر این خواب بزرگان دیده باشد حساب او با بزرگان
بود و شمار هر کس با جنس خود و معبران باید که قیاس از چیزهای نیک بدانند تا خطای نیفتد گورستان ابن سیرین رحمة الله علیه

جدا شوند و بعضی معبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کر شد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل بر فساد دین
و دیانت او بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خبر سوم دوست چهارم
زن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال خواسته هشتم ترس و بیم گوشواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش
گوشواره داشت دلیل که او را بیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانمایه آویخته بود دلیل که علم قرآن
بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد کرمانی رحمة الله گوید اگر
بیند که هر دو گوشوار را داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم
دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش
دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه بسبب طلاق دادن زن کوشک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که در کوشکی شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که کوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گل و آجر بود
دلیل که مال را با [illegible] و نقصان بود و اگر بیند که پادشاه کوشکی بنا کرد دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کوشک او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در کوشک او آتش بیفتاد دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن کوشک در خواب بر هشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم
پادشاهی هفتم راستی هشتم شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکوئی کوشک گوگرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که گوگرد در خواب غم
و اندوه بود و در دیدن گوگرد خیر و منفعت نبود کودک دانیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کودک
شده بود و در کتاب چیزی پیش معلم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد ندانند و معبران گفته اند که اگر
خود را کودک بیند دلیل که کارش ضعیف شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کودکی بریان کرده پیش او نهادند
و میخورد دلیل که از وی چیز بسیار یابد و آن کودک با حشمت بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید کودک خوبروی [illegible]
بود و کودک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیرخواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی را
شیر میداد دلیل که بوقت زادن بسلامت بود کوه دانیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و داند که آن کوه ملک او
دلیل که مردی بزرگ او را در پناه خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود برکند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام
کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد دلیل که بزرگی و جاه یابد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که
بر بالای کوه میشد دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که از کوه بزیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوهی مقام ساخت
دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی نماز میگذارد و یا بانگ نماز میداد دلیل کار
او نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوشک رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد بیابد و اگر بزیر آمد تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که بر دامن کوه بنشست دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بر دامن کوه نماز میگذارد دلیل که کاری کند که موافق دین باشد

واگر بیند که در کوه مردی از کستان پادشاه با وی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد واگر بیند که کوه بجنبید و بعد از آن قرار
گرفت دلیل که از مردی بزرگ در انجا رنجور شود و شفا یابد واگر بیند که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که بزودی عطا
یابد واگر بیند که کوه از خاک بود دلیل که او را با مهتری خسیس طمع باشد واگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش فرا رسیده باشد
واگر بیند که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید واگر بیند که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند
و از گناه پشیمان شود واگر بیند که بر کوه لبنان بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد واگر بیند که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را
بیم هلاک باشد واگر بیند که بدره شد دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزندان گرفتار آید واگر بیند که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوهی خراب بود که در وی سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که
او را از پادشاه ستمگر بیم بود واگر بیند که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند واگر بیند که در کوه
سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راه پادشاه آگاه شود واگر بیند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا
یابد حافظ معبر رح گوید اگر بیند که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد واگر بیند که از کوهها سنگ میگرفت
و هر یک بجائی می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه مینهاد دلیل که مالها بقهر جمع کند واگر بیند که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل
که خود را بکسی بزرگ بندد و از وی خیر و منفعت یابد واگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش بر نیاید واگر بیند که بر کوه نردبانی از گچ
و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود حاصل شود واگر بیند که نردبان از گل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد
واگر از مس بود بد باشد واگر از برنج بود مرادش بر نیاید واگر بیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و
مال بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلندی
پنجم رئیسی یافتن گوهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گوهر بخواب زن با جمال توانگر بود واگر بیند که گوهری داشت دلیل [illegible]
هزار و طلاق دهد واگر بیند که گوهر بسیار داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوهر میسفت دلیل
که بشغل زنان مشغول گردد و دلالی کند واگر بیند که بعضی گوهرها سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که دلالی دختران و دوشیزه و زنان
بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود واگر بیند که گوهر سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گوهر در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بها پنجم زن با جمال
ششم سخن سفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب شور باشد دلیل پشیمانی بود و گوهر فروشی در خواب خداوند
علم و حکمت بود کوچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه
که در او مردم مصلح باشند واگر بخلاف این بیند دلیل که شر و مضرت بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوچه فراخ مقیم شد
دلیل که غم و اندوه بوی رسد کفگیر اگر کسی بخواب بیند که کفگیر داشت با کسی بود یا داد دلیل که اندوهگین شود واگر بیند که کفگیر خورد
دلیل بر غم و اندوه صعب بود واگر بیند که کفگیر بکسی داد دلیل که غم و اندوه بدو رساند و در دیدن کفگیر هیچ منفعت نباشد

والله اعلم **حرف اللام** **لباچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لباچه در خواب دیدن نیکوئی و پاکیزگی دین بود خاصه که سبز باشد و اگر ببیند که لباچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی با دیانت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که لباچه سبز داشت دلیل که او را از مردی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر ببیند که لباچه سفید بود دلیل که از مردی مصلح توانگر او را نفعی رسد و اگر لباچه سرخ بود و پوشید دلیل که از مردی معاشر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر لباچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباچه کبود ببیند که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباچه سیاه پوشیده بود اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که مضرت و بیحرمتی یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید لباچه دیبا مرد را از نقصان دین بود و زنان را شادی بود و لباچه عتابی مرد را و زنان را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباچه در خواب نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباچه کرباس زنان را و مردان را نیک بود و لباچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان دوم امانت داری سوم صلاح کارها چهارم خیر و منفعت **لباس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی رسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی ببیند که لباس مردان پوشیده بود دلیل که از شوهرش خیری رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن ببیند که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بیند نیکو شود و اگر بر خود لباس بهتر از آن ببیند دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان ببیند دلیل که گناه بسیار کند و اگر ببیند که لباس سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر ببیند صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بدارد و اگر ببیند که لباس توانگران داشت دلیل که جمع کردن مال حریص بود و اگر ببیند که لباس جهودان یا ترسایان داشت دلیل که دلش با ایشان مایل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانگری سیم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد **لبها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبها در خواب دیدن دلیل بر برآمدن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از معبران گویند لب در خواب خویش و قرابات بود و اگر ببیند که لب بالائی وی از جا زایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر ببیند که لب بالائی وی ببرید دلیل که زنرا طلاق دهد یا زن او را هلاک کند و اگر هر دو لب افتاده ببیند دلیل که او را مصیبتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در دهن نبیند دلیل که غمگین شود و اگر ببیند که لبهاش بهم دوشیده بود چنانکه باز نتوانست شود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه ببیند دلیل که غم او زیادت گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم هلاک بود و اگر ببیند که لبهاش آماسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر ببیند که لبهاش سرخ شده بود دلیل که فرزند او را او و اگر ببیند که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر ببیند که لبهاش سست و ضعیف بود

دلیل که حالش بد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود
لحاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن
خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرید دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد
و اگر لحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازکار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف
نو داشت دلیل که زنی دیندار و توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر
و پارسا او را بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر لحاف
زرد بود دلیل که بر زنی بیمارگون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره و فریبنده بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکی زن عالمه
دوم دختر دوشیزه سوم **لرزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید
دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سر وی میلرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد
و اگر بیند که قفایش میلرزید دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلرزید
دلیل که بنیاد معیشت بود و اگر بیند که سینه وی میلرزید دلیل که سختی بیند و که اندوهگین شود و اگر بیند که شکم وی میلرزید دلیل که
از مردی که قوت او بود و پناه او بود و رنجی بوی رسد و اگر بیند که پایش میلرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بیند که اندامش
میلرزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و رنج و سختی بیند دانیال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم
مضرت و بیماری **لرزیدن چیزها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار
ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان
لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه میلرزید
دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلرزید دلیل بر فساد و بدعت و پانتی علما بود
و اگر بیند که لوح و قلم میلرزید دلیل بر بدحالی دبیران و اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه
و تعالی بسبب فساد بر اهل آن دیار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلرزیدند دلیل بر جنگ خصوصاً
پادشاه آن دیار بقتل و خونریختن بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع رسد و اگر
بیند که تره بروی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود **لشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا قریه
دلیل که اهل آن موضع را گزندی رسانند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
که لشکر از آن او بود و اگر لشکر بی سلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه بود و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن

لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی تلخ دوم سیل سوم باد سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
لعل در خواب زنی با جمال و توانگر بود و اگر بیند که لعل انگشتری فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل که بدین صفت که گفتیم زنی بخواهد یا کنیزک
پاکیزه بخرد و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت زاید و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین
مکروه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا پاره لعل بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن زنی توانگر از خویشان خود خواهد و اگر بیند
که بیگانه او را پاره لعل داد دلیل که زنی مجهول بدین صفت خواهد و اگر بیند که جوانی پاره لعل باو داد دلیل که مالی حاصل کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران **لعوق**
لیسیدن بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق انار
و لعوق چلغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمة
الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچه ترش بود تاویلش بخلاف این بود **لفاح الشام**
دستنبویه را گویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه بخورد دلیل که بیمار شود و اگر بکسی داد آن کس بیمار گردد و اگر بیند که
لفاح را بوی میکرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
لفاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم علاف **لقلق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید لقلق در خواب مردی با حسب و نسب و آزاده و عاقبت اندیش بود و اگر بیند که لقلقی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را
با کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لقلقی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بیند که لقلقی با وی
سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهتری او را منفعت رسد و اگر بیند که لقلق بر بام وی بنشست
دلیل که مهتری در خانه وی در آید و اگر بیند که لقلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی دهقان جدا ماند و اگر بیند
که گوشت لقلق میخورد دلیل که بقدر آن مال دهقان خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی
مردم دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و درویشی بود **لقمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان وی نهاد دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تاویلش بخلاف این بود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد مصلح بود دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که لقمه شیرین با
کرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لقمه
لقوه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که روی وی از علت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر
بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر منافقی بود
که میان مردم سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقوه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود **لگام** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید اگر بیند که لگام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه ستوران
را باشد دلیل که روزه دارد و از گناه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسیکه با بکار و بدسگال تر بود لگام در
دهانش رود مغربی رحمة الله علیه گوید لگام در خواب بر سر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر آزاد نیکو نبود و گویند
که بیننده خواب با ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی
دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنگ و لگام فروش در خواب مدبر کارهای ولایت باشد **لگد زدن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کسی را لگد زد دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر بیند که اسپ ورا لگد زد دلیل که در
شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معبران گویند بفساد مشغول گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را لگد
زد دلیل که بسبب زنی اندوهگین شود و اگر بیند که کنده پیری لگد زد دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لگد زد دلیل که از مردی
محتشم او را زیان رسد و اگر بیند که خری وی را لگد زد دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر بیند که گاو او را لگد زد دلیل که در امسال
او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لگد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم
فساد عیال **لک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لک داشت دلیل که از کسی فرومایه او را منفعت رسد و اگر بیند
که لک را بر آتش نهاده و دود میکرد دلیل که نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که لک
در دست وی بود و ملک محکم میکرد دلیل که در میان دو کس مصلح پیوند کند **لوبیا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب اگر
بوقت خود و اگر بیوقت پخته یا خام دلیل غم و اندوه بود **لوح محفوظ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل عالم
با امانت بود که مال خود را در راه حقتعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل علم و حکمت و قرآن باشد اگر
بیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی مینوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر
بیند که بر لوح محفوظ میرفت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان رود اگر دید و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نبشته
بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادتی دوم پسر سوم
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت **لوزینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لوزینه بشکر و روغن
نهاد دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که
او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خورد
یا خرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که از وی بدان کس مال و نعمت
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید خود دلیل که آن نقصان مال بود **لنگ شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لنگ شده بود دلیل که کارها طلب کند از خیر و شر و سست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معبران گویند اگر کسی خود را
لنگ و حقیر بیند دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را لنگ بیند دلیل که در دین و دنیا شکسته

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بعمد لنگ ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که
لنگ شده بود و بعصا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که
بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشغل کدخدائی درویش و عاجز و دردمند بود
و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نتوانست رفت دلیل که از شر آنکس ایمن گردد و اگر بیند که در هر دو
پای وی خار بود و آماسیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد برد و مال و جاه وی زیادت شود و اسمعیل اشعث رحمة
الله علیه گوید اگر لنگ بخواب بیند که پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گردد و از مردی
که نومید شده باشد بیاید و کارش بنظام گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی سستی در کارها
دوم نامرادی سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش لوید در خواب خدمتکار خانه که اصلش ترسا بوده باشد
و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرکین
و کوچک بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بیفتاد و بشکست دلیل که خدمتکارش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که لوید او سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بیمار شود و اگر بیند که لوید پر از آب صافی بود دلیل که خدمتکار او را
منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر خوردنی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید بخورد دلیل که
از خدمتگارش خیر و منفعت رسد لیمو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بیوقت چون زرد
بود دلیل بیماری و درد و رنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و الله
اعلم بالصواب **حرف المیم** مار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر
بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با مار جنگ
و نبرد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیابد و اگر بیند که مار
او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد
دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار را بدو پاره کرد دلیل که از دشمن داد خود بستاند و اگر بیند
که هر دو نیمه را فرا گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که وی را عجب کاری پدید آید
که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تندی و درشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر ماری مرده بیند
دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه رنجی بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد
و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار و با
امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بود دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیمارگون باشد و اگر سرخ

بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود و اگر بیند که مار پایها داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که ماران بسیار
در پیش وی جمع شده بودند و گزند او را نرسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند ولیکن از ایشان مضرت نبیند
و اگر بیند که ماران سرها و دمها داشتند دلیل که دشمن او کینه‌دار و بدسیرت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قضیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دهان وی بیرون
آمد دلیل که سخنی گوید که وی برادران و بال باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مار سفید دشمن بود و مار سیاه سرهنگ لشکری
باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که رامش و خرمی یابد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزندی نکرد دلیل که بزرگی یابد
و از دشمن ایمن گردد خلف اصفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که گنجی یابد و اگر بیند که از آستین وی
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار را بکشت و خونش در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد و اگر بیند که بر بستر خود ماری بکشت
دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دهان او بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل که هلاک گردد و خاره مار در خواب دشمن ضعیف بود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود یکی نهادی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم زن هفتم
دولت هشتم مرگ نهم پسر دهم سیلاب **مار چوبه** اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن او را
منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود **مار قشینشا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار قشینشا
در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد **مازو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
درخت مازو جمع کرد دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند و اگر بیند که بخروار مازو داشت دلیل که مال مکروه بود و اگر بیند
که مازو میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مازو زرد بود دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی مال مکروه دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی **مازریون**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مازریون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال و
هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد **ماست** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت
و ترش غم و اندوه بود و دانیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال از
حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد و ماست ترش غم و اندوه بود **ماش** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید ماش در خواب اگر پخته بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد اندوهگین شود و اگر بیند که ماش در خانه گذاشت
و بمردم داد دلیل که بغم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماش در خواب چه خشک و تر و خام یا پخته دلیل غم و اندوه
باشد **ماکیان** مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود و اگر بیند که مرغ
خانگی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزکی بخرد و یا خادمی بمزد گیرد و اگر مرغهای خانگی بسیار و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری یابد

یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از خادمان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کنیزک را دو شیزگی
بستاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کنیزک او ببلائی گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که خایه ماکیان را یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب
زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن با خویش
شنود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب بر سه وجه بود یکی زن با جمال دوم کنیزک سوم خادم ماه ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید ماه میراد در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از آن خیر و صواب حاصل شود ماه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید ماه دیدن در خواب اگر بوقت یا بی‌وقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماه بخواب خیر نباشد ماه دانیال علیه السلام گوید که ماه
در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
و اگر بیند که با ماه جنگ نبرد میکرد دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه
گردد و اگر بیند که نور ماه بست دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نور و شعاع نداشت و تیره و تاریک
بود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی گردد ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر پادشاه هلاک شود
و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خود خواهند و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد
و اگر که دو ماه با یکدگر جنگ میکردند دلیل که دو پادشاه با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بیفتاد و پاره پاره و نقصان
شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی از پادشاهی بیفتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که
زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل که زن به اصل و نسب از و کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه بود دلیل که زن از اصل مولازادگان باشد
و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدین صفت بخواهد و اگر بیند
که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از و یابد و اگر بیند که چیزی ماه را بپوشانید دلیل
که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخسف شده بود دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر ماه بدر و منور بیند بموضع خویش و نورش مقابله خانه وی تافت دلیل که اهل آنجا به از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را رنج و کراهیت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قول ماه نورش زیادت
شد یا بدر گشت دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد دلیل که از وی فرزندی آید یا او را
کاری صعب افتد که مردم را از آن غم و اندوه باشد و بعضی از معبران گفته‌اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه او را
و یا بر او بسری آید و اگر نور ماه زاید بیند دلیل که آن پسر مانند کمالی ماه بود و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش صیانه بود و اگر ماه را نقصان
بیند دلیل که بخدمت پادشاه یا وزیر مشغول شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکنده روی آمد

دلیل که فرزندی عالم و دانا اورا آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و آفتاب و جمله
ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل که بیننده خواب هلاک شود و اگر مصلح بود در غم و اندوه افتد یا بیننده بیمار گردد
و عاقبت شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم وزیر سوم ندیم چهارم
رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم مفسد دوازدهم مهتر بزرگ
سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفدهم بزرگواری **ماهی** دانیال علیه السلام گوید ماهی در خواب
در دریا که گرم سیر بلا و سختی بود و در سردسیر تاویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار دید دلیل بر مال غنیمت کند
و اگر ماهی خورد ببیند غم و اندوه یابد و اگر در شکم ماهی مروارید یافت دلیل که او را پسری آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی
خشک یا شور کسی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی او را مضرت رسد و اگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند
که ماهی شور بریان کرده بتاویل سفر در طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی خورد خصومت باشد و اگر بیند که چیزی
از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند
که در دریا ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسی زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بریان
کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جملهٔ طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام از آسمان
آورده اند قوله تعالی رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ اگر بیند که از دهان ماهی بیرون آمد دلیل که سختی و رنج در کاری کشد
و اگر ماهی از قضیب وی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل که او نگین شود و اگر
بیند که از دریا ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماهی تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی از حوض یا از جوی میگرفت
دلیل که از مردی عامه بمکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند که ماهیان در دریا با وی بسخن در آمدند دلیل که راز از پادشاه آشکار گردد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر و شیره چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کنیزک نیکو
ماهی خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب زن بود اگر بیند که ماهی خواره را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که
زن خواهد و اگر بیند که ماهی خواره از دست وی بپرید یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد
دلیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاویل غم و اندوه باشد صبر و سوهان باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مبردی داشت و زنگ بدان میزد دلیل که کاری مشکل بروی گشاده گردد خاصه که آهن ملک او باشد و اگر بیند
که آهن روشن و پاکیزه را در آنجا بچیزی میزد دلیل که کاری کند که در آن زیان و مضرت بیند و بعضی گفته اند که مبرد سخن نرم باشد
و اگر بیند که مبرد او بشکست یا ضایع شد دلیل که کاری طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کسی از آستانهٔ خانه مبرد روشن میکرد دلیل که چیزی از وی بخادم خانهٔ وی رسد یا شغل خادمش بسبب او بارخلاصی یابد

مطهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطهره بود داشت دلیل که از سفر او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مطهره کهنه و دریده
بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مثقب** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مثقب چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بمکر و حیلت از وی چیزی بستاند و بعضی از معبران گویند
که مقصودش حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمثقب اندام کسی را سوراخ میکرد دلیل که بمکر و حیلت و کید کسی را در بلا افکند
مجلس علم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و توحید
میگفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند که خلاف شریعت نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم میگریست دلیل که
بکار دنیا مشغول شود و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود و اگر او را در مجلس علم حالی پدید آید و بیهوش گشت
چنانکه عقل از وی برسید دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار سرگشته و متحیر شود اما سرانجام آن بخیر بود **مجلس شراب** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمجلس شراب بود و شراب بخورد دلیل که بفساد و حرام مشغول شود اما رضا ندهد و اگر بیند که در مجلس شراب بربط
و چنگ و چغانه بود دلیل که او را غم و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند **مجمره** عود سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته ایم
محبره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر محبره در خواب بیند دلیل بر زنی پاک دین و عالمه بود و اگر بیند که محبره داشت دلیل که
زنی عالمه بزنی کند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که محبره بشکست یا ضایع شد دلیل که زنش بمیرد و اگر زن ندارد از خویشان
او یکی بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بمحبره چیزی مینوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای خدای تعالی باشد دلیل
بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر شر و فساد بود **محراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز
میگذارد دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه حضرت زکریا علیه السلام فرمود وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي
فِي الْمِحْرَابِ الی آخر الآیة اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد دلیل که او را فرزندان صالح بود و اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل
که در نماز کاهل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال
خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم محتسب
پنجم میانجی مردمان بود **مخنث** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را بیاراست دلیل
که بقدر آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل
که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با مخنثان داشت دلیل که با مفسدان اختلاط
کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شود دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود **مداد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد
بخواب دید دلیل که معیشت بر وی فراخ شود و اگر بیند که مداد از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مداد بر جامه وی ریخت دلیل که او را از پایی برسد و اگر دبیر بود مهتری یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداد
در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم دانش سوم معیشت چهارم شادی مدگر بیند و بسنده و ناصح باشد اگر بیند که مرد مرا [illegible]

دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را پند میداد دلیل که در آن
بیند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مردم را پند دهنده دید بود دلیل که او بخدای
تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کردن تا او را از شر و فتنه نگاه دارد مذی آب نشاط بود و چون کسی شهوت بازی کند
اول آب مذی از قضیب او فرود آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مذی در خواب شادی و خرمی بود و بقدر آنچه دیده باشد
مرجان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرجان در خواب فرزند بود و اگر سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مرجان با جواهرهای بسیار بیند
دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم
زینت سوم جمال چهارم مال از جهته خادم مرد معروف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در بیداری
همچنان بیند با همه نام او و یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که بخت
باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که
مویش سیاه شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت و دیانت و آهستگی و نیکوئی
او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که از بزرگی زحمت و کراهیت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سرد میگفت دلیل
که با مردی بدان صفت در خصومت افتد و بر وی ظفر یابد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بجهل کند که او را همه مردم
ملامت کنند و اگر مردی بیند که زن وی را قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مهتر اهل بیت گردد و اگر مردی دید
که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بدحالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود
مرد مراد و دیدن مرد جوان مکر و حیلت چیزی مکروه بود مرداسنگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرداسنگ در خواب بیماری بود
و اگر بیند که مرداسنگ میخورد دلیل که بیمار شود چنانکه بیم هلاکت باشد و اگر بیند که مرداسنگ بکسی بخشید یا بفروخت دلیل که از رنج
و بیماری ایمن شود و مرداسنگ زرد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرداسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی رنج
دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مردن در خواب دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که بمرد و مردم بر وی میگریستند و زاری
میکردند و پای وی را ببستند و در کفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند این جمله دلیل بر فساد او در دین بود مگر آنکه بیند که او را از گور
برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مردم از سر گورش
بازگشتند دلیل که دینش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و حمال جنازه اش برداشتند و خلق
بسیار از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد و آنگاه بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل
که گناهی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیری دلیل که شهید در غزا
شود و اگر بیند که بمرد و کسی بر وی نگریست و از پس جنازه او کسی نبود دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آبادان
نشود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را قصد باشد که وی راست که او مرده است دلیل که با مردمان جاهل سفر

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک اهل صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح ویرا در خواب بشاشت
مینمایند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند که
مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک باری تعالی بد باشد مغربی رحمة الله علیه
گوید مرگ مفاجات در خواب دیدن دلیل بر راحت مؤمن و عذاب کافر بود و اگر مفاجات نبود فساد دین بود و هر چند
که جان کندن خود سخت تر بیند عذاب و عقوبت صعب تر بود و اگر بیند که بمرد و کسی وی را بشست دلیل که تائب گردد و اگر بیند که از پس جنازه وی قومی
در هوا میرفتند دلیل که بزرگی از آن شهر در سفر بمیرد کرمانی رح گوید اگر بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و خلق در پس جنازه او میرفتند دلیل که بقدر خلق
ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه گران بود دلیل که بر مردم قهر و ستمگار بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بیند که مرده
برداشته می برد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کتف نهادند دلیل
که بخدمت پادشاه رود و جان وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که بمرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که دیگر
باره بمرد دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز گویند که از دشمن ایمن شود
و اگر بیند که پدر و مادر وی بمردند دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بر وی میگریستند
دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار دیگر بمرد و بمرگ گریه نبود بلکه آهسته میگریستند دلیل
که از اهل بیت وی یکی را بزنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که بمرگ وی زنان و مردان فغان برداشتند و نوحه میکردند دلیل
که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که بمرد و او را بشستند و بر جنازه نهادند دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بیند که او را
دفن کردند دلیل که بد باشد مرده زنده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که حال وی
نیکو شود خاصه که مرده را شاد و گشاده روی بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل که حال بر وی بد باشد خاصه که ترش روی
بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و گشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال یابد
و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد دلیل که غایبش از سفر بیاید
و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که زنده بمرد تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که مرده را زنده کرد دلیل که کافر بدست وی مسلمان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترش روی
و غمگین و با جامهای چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در سرای حق است بهر صفت که کسی مرده را
در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را گشاده روی با جامهای پاکیزه بیند دلیل که نعمت
بسیار یابد و اگر پدر و مادر خود را بدین صفت که کردیم زنده بیند دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تاویلش
بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که سخن
مرده نیکو در آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خشنود باشد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا

بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ و این آیه دلیل است بر آنکه هر چه مرده گوید راست
گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانهٔ خود در آمده است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
مرده بخانهٔ خویش در کنار گرفت دلیل که تندرست و بسلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او
بود دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مردهٔ از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
خرمی بود و اگر مردهٔ را ترشروی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردهٔ از اهل بیت خود بر وی بحجت و
با وی مناظره میکرد دلیل یا روی از وی بگرداند دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیاورده باشند و اگر
بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی
تقصیر کرده باشند و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بد گفت یا او را وصیت کرد تاویلش بد باشد
و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دیانت خداوند خواب بود و اگر مرده
را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند
دلیل که مرده از عذاب خدایتعالی امین باشد و عاقبت محمود بود حافظ معبر گوید اگر بیند که مرده دست در گردن آورد و در کنار
گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه باید داد و او را بدعا
یاد کند و اگر مرده را ترشروی و غمناک بیند دلیل که عاصی و گنهگار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده مسلمان مرده باشد
و اگر مرده سیاه روی بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و اگر مرده را درمانده و بیچاره بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و معبران گفته اند که مرده را بجای طاعت ثواب است
دلیل که بیننده خواب بطاعت و نماز کاهل باشد و اگر مرده را در جائیکه بزندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح
عاقبت زنده بود **مرده چیزی دادن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده وی را چیزی از متاع دنیا داد دلیل که از آنجا
که امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بوی داد و بخورد دلیل که روزی حلال یابد و اگر نخورد تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامهٔ خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و اندوه رسد و اگر جامه پوشید
همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بستد و بدو داد و او آن جامه
در پوشید و باز بیرون کرد و بمردم داد دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گردد و اگر بیند که جامهٔ خود بمردم داد و گفت
که جامه بدوز یا بسوز یا نگاه دار دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بعاریت بدو داد و دیگر باره از وی
طلب میکرد دلیل که آن مرده را گزوار بد باشد و اگر مرده جامهٔ کهنه بدو داد دلیل که خداوند خواب درویش گردد و اگر جامه نو بود که بپوشید
دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند داد دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

مرده چیزی دادن

مرده جامهٔ سفید وخشت دلیل که انجام کار او نیکو بود واگر چیزی بمرده می بخشید وقبول نکرد دلیل که او را مضرت وزیان رسد مرده نابینا
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را بدحال ونالیده ببیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند واگر مرده
را بیمار بیند دلیل که او را از دین وایمان سوال کنند واگر مرده از درد سر بنالید دلیل که از تقصیری که در دنیا کرده باشد او را سوال
وبعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر وپدر کرده است او را سوال کنند واگر از درد دندان می نالید دلیل که از غیبتی که در حق
مردم کرده باشد او را سوال کنند واگر از درد چشم بنالید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کنند واگر درد گوش بنالید دلیل که
سخن فحش شنفته باشد در دنیا او را از آن سوال کنند واگر از درد دست بنالید دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان وبرادران کرده باشد از وی سوال کنند
واگر از درد پهلو بنالید دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از وی سوال کنند واگر از درد پشت بنالید آنچه در حق مادر وپدر کرده باشد از
وی سوال کنند واگر از درد عورت بنالید دلیل که آنچه در دنیا از زنا وفساد کرده باشد از وی سوال کنند واگر از درد سرین بنالید دلیل که آنچه در حق
خویشان از سفر وحضر کرده باشد از وی سوال کنند واگر از درد ساق وپاها بنالید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند

مجامعت کردن با مرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب آنست که اگر با مرده مجامعت کند چنانچه
منی از وی بیرون نیاید وجدا نشود تاویل آن خواب بر صواب ودرست آید وچون غسل واجب شد تاویلش باطل باشد
واگر بیند که با مرده مجامعت کرد دلیل که از جائی که امید ندارد امیدش بر آید واگر با مادر وخواهر که مرده بودند مجامعت
کرد دلیل که از جائی که امید ندارد امیدش بر آید واگر با مادر وخواهر که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که صدقه وثواب
بدان مرده برسد واگر ببیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد واگر مرده را
بشهوت بوسه میداد دلیل که زن خواهد واز بهر مرده خیری کند یا او را بدعا یاد کند واگر با مرده مجامعت کرد دلیل که از مال
مرده چیزی بوی رسد **از پس مرده شدن** کرمانی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مصلح وپارسا
بود راه او گزیند واگر فاسق بود راه وسیرت او گیرد واگر نداند که مرده مصلح بود یا مفسد واز پی وی میشد دلیل که بیمار
شود وعاقبت شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مرده وی را بانگ جواب داد ومرده را ندید دلیل که از دنیا
زود برود واگر ببیند که در پس مرده بسرائی مجهول در شد دلیل که بمیرد واگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیا او گفت
که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند وقتیکه مرده مصلح وراست گوی بوده باشد واگر ببیند که مرده او را بسوی خویش
خواند واو را منع نتوانست کرد دلیل بر وفات او بود واگر ببیند که مرده را بسرای خود خواند واو بسرای مرده نرفت دلیل
که بیمار شود وشفا یابد واگر ببیند که مرده او را به بازار برد دلیل که کسب ومعیشت او نیکو گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان ببیند دلیل که امر معروف ونهی منکر کند واز وی نشنوند واگر ببیند که با مرده دوستی گرفت
دلیل که بسفر رود ودران سفر دولت واقبال وشادی وخرمی یابد واگر ببیند که میان مردگان بود چنانکه خیر او میان
کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی مجالست کند که دین ایشان بفساد بود واگر ببیند که او نیز همچو ایشان مرده

سوال کردن از مرده

مجامعت کردن با مرده

از پس مرده شدن

دلیل که در دین او نیز فساد بوده اگر ببیند که گروهی مردگان طعام خورند دلیل که درآن دیار طعام گران شود حافظ معبر رحمة الله علیه
گوید اگر کسی ببیند که پارهٔ از تن مرده میخورد دلیل که از زمین گنجی یابد و اگر ببیند که مردگان مجهول را بشمشیر گردن همیزد اگر مصلح
بود دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و بهمه دلیل
وحجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر ببیند که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت دریابد و اگر ببیند که مرده خود را می شست
دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر ببیند که مرده را بر زمین میکشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یابد و اگر ببیند که مرده
را برداشت دلیل که مال حرام یابد و اگر ببیند که مردگان را زنده میکرد دلیل که دباغی کند و اگر ببیند که با مرده در یک خانه خفته بود
دلیل که عمرش دراز بود **مرده را جامها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مردهٔ جامه سبز پوشیده بود دلیل که با شهادت
از دنیا رفته باشد و اگر ببیند که جامهٔ سپید داشت دلیل که درجهٔ او نیکو باشد و اگر ببیند که جامهٔ سیاه پوشیده بود دلیل که حالش
بد باشد و جامهٔ دوزخیان سیاه باشد و اگر ببیند که جامهٔ سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر ببیند که جامهٔ زرد یا کبود پوشیده
بود دلیل که بینندهٔ خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامهٔ زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او خصومت
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معبران گویند زنده در خواب چون مرده را
جامه بپوشانید دلیل که اجلش رسیده باشد **تاویل کفن مرده** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مردهٔ معروف را
کفن کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده بجوید اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر بخواب ببیند که مرده را کفن کند دلیل که
آن مرده در گور زنده بود و حال آمرزده در گور نیک بود و اگر ببیند که مرده را کفن کرد دلیل که از خویشان آمرزده یکی را جامه کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر ببیند که
مرده نگریست دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سرایش خرابی افتد و اگر ببیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بر وی ظاهر
گردد چنانکه اگر معزول بود عمل یابد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت گردد و امیدیکه دارد و اگر [illegible]
یابد قوله تعالی فاماته الله مائة عام ثم بعثه الآیه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مهتری یا عالمی زنده شده
بود دلیل که مذهب یا سیرت او زنده شود اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر ببیند که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود
و کارش بالا گیرد و اگر ببیند که چیزی بمرده داد دلیل که آن چیز عزیز گردد و نرخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید بود و اگر ببیند
که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد **مرزنگوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مرزنگوش
می بوئید دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر ببیند که مرزنگوش از جای خود بر کند
دلیل که پسرش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد او را غم و اندوه رسد و اگر ببیند که در زمینی که ملک وی بود مرزنگوش بسیار رسته بود دلیل
که وی را مردم مصلح بسیار باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوستدار بود و اگر ببیند
که مرزنگوش سبز بود و در زمین او رسته بود دلیل که کسی از اهل بیت او دوستدارش شود و اگر ببیند که مرزنگوش زرد یا پژمرده بود دلیل

که آنکس مفسد و بدبخت بود **مرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که همتش در آن کار که طلب کند
عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی بانگ میکردند دلیل که اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که خایهٔ مرغ
داشت دلیل که او را فرزندی آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند
که مرغ در دست او بمرد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که باز بر پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدانکس که بدان مرغ منسوب باشد
او را مضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بربود دلیل که مال او بزور بستانند و اگر بیند که گوشت از اندام خود میبرید و در
پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افکند دلیل که مال آن
و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بدو منسوب بود و این ما اول بیان کرده ایم مغربی رحمة الله علیه گوید مرغ فروش
نخاس بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند دلیل که
لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهای وی برکند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ
میخورد دلیل که بقدر آن خون نقصان مالش رسد **مرغ آبی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است
و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار و بیرون جمع
شدند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بگرفت
یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی
جائی می‌نشستند دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچهٔ مرغ آبی را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمانروائی زیرا
که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواهد از این سبب است که هر که مرغابی در خواب بیند هر
مرادی که خواهد بیابد **مردمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامه های سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی
و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامهای سیاه و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جامهای کبود داشتند
دلیل مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامهای نو و فراخ داشتند دلیل عیش و فراخی نعمت بود **مرغزار** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای او نشناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر بیند که میان مرغزاری
بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر اعتقاد دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تماشا میکرد
دلیل که صحبت او با بندگان باشد و اگر بیند که در مرغزاری خوش و خرم میگشت دلیل که عیش بر وی فراخ شود و کار او بنظام گردد
و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزار سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک او است دلیل که او را
با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و ریاحین
در وی شگفته بود و جوی آب در وی روان بود دلیل که مرگ وی بشهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری بیند با شهادت بود

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آخر از خدم و حشم خویش جدا
مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزها و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از بیخ برکند و خراب گرداند دلیل که
پادشاه آنجا یار را مرگ مفاجات رسد مغربی رح گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شد و در آن چاشتیان دید دلیل که پادشاه آنجا ظالم
و ستمگر بود و اگر در آن مرغزار گوسفندان دید دلیل که پادشاه آنجا یار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار گاوان و خران دید دلیل که لشکر پادشاه و سوقه را
و بر ایشان اعتماد نشاید و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
مرغزار در خواب زن بود و اگر بیند که در مرغزاری سبز و خرم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا زنی مستوره و خوبروی بزنی کند و اگر بیند که مرغزار سبز و خرم
بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکم دین دوم اعتقاد سوم معیشت و نظام
چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد باب مرهم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مرهم بر اندام
خسته و ریش می نهاد دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مرهم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدو رسد
و اگر مردی بیند که مرهم بکسی داد دلیل که فرزندان مردم را خیر و منفعت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا بر
ریش نهاد و آن مرهم گوشت میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود باب مروارید دانیال علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند غلام
یا فرزند کنیزک بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزک خوبروی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید بسیار بود
چنانکه در شمار نیاید دلیل که بقدر مروارید او را منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مروارید پراکنده بیند دلیل سخن علم و حکمت
بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند دلیل بر زنان و دختران کند و اگر بیند
که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از دهان وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مروارید میخورد دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند یا قرآن را فراموش کند و اگر
بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید گسترده بنشست دلیل که وی را در علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هیزم مروارید میسوخت دلیل که علم و حکمت بسیار بمردم آموزد که سزای علم و حکمت نباشند
و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر توانگر بود مالش زیادت شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت دلیل که او را فرزندی خوبروی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده
است کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند
که مروارید را بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مروارید در دهان انداخت و فرو برد دلیل که او را حق تعالی
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای مجهول بینداخت دلیل که در حق کسی نکاری کند که آنکس قدر آن نکار نداند و اگر
بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل که وی را دختری آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت
دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه بیرون می آمد دلیل که

سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا بپسندند و اگر بیند که عقد مروارید از دست وی بیفتاد و بشکست دلیل که بسیار بگوید اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مروارید بسرگین دان یا بجای پلید افکند دلیل که علم و حکمت در پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مروارید بآتش بسوخت
یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که
مروارید از قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که عقدهای مروارید در گردن بست
دلیل که از هر گونه علم حاصل کند و اگر در گردن کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره از مروارید در گوش
داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مروارید بخروار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند حافظ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مروارید فروشی میکرد دلیل که آنکس پارسا و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزند و مال
بسیار حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مروارید در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرهنگ سوم مال
چهارم زن پنجم کنیزک با جمال ششم فرزند نیک و مروارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دین داند
مزدوران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که وی را با خویشان یا دشمنان خصومت
افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار
شود و خداوند خانه را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که غمگین شود اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی خاک میکشیدند دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند
دلیل که مال وی نقصان شود مژگان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مژگان در خواب نگهداشتن دین باشد اگر کسی بخواب بیند که
مژگان وی میجنبیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مژگان چشم وی بازگونه گشت دلیل که بقدر آن او را زیان مال بود و اگر بیند که مژگان چشم وی میجنبیدند دلیل که بیمار شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن دین دوم دوست موافق سوم مال
در روزی چهارم ضرری بقدر فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر مژگان بیند دلیل بر این چهار وجه بود مزورها ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید مزورها چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل
مضرت و غم بود مس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جهت جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدر آن او را
مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید آوند مس چون مشربه و آفتابه و آنچه بدین ماند جمله دلیل که خادمی بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مس میگداخت و صاف و پاکیزه گردید دلیل که کاری مشکل بر دست وی گشاده گردد و گویند که مال حلال بچنگ
بدست آورد مستی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کاهلی کردن چنانکه در کلام مجید فرموده
قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری الآیه کرمانی رحمة الله علیه گوید مستی در خواب چون از
شراب بود دلیل که اندوه بود مستی بی شراب ترس و بیم و غم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد آبادان بتاویل مردی عالم بود که
مردم نزدیک او بسیار آیند از بهر صلاح و حقتعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ كَثِيرًا
اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و از آن او را اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین
و شریعت بدارد و مغربی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نهادن زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد اگر غنیا و تمام کرد
دلیل که زن حلال خواهد و از آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چراغ مسجد بکشت دلیل که فرزندانش بمیرند و اگر بیند که در مسجد جامع
نشسته بود و پیراهن او سبزی رسته بود دلیل که بروی کمانها برند که در وی نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را از
مسجد باز داشت دلیل که آنکس بروی ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و رویش سوی قبله نبود تاویلش بد بود و اگر
بیند که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که مسجد ویران شد
دلیل که عالمی بمیرد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواهش بود و جمع کردن مردمان
که در ضلالت باشند باز بصلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ
لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا و اگر بیند که جایگاهی از ملک وی مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را
بدعوت حق خواند و اگر بیند که با قومی بمسجد میرفت دلیل که زنی ستیزگی بزنی کند و اگر بیند که در مسجد چراغی برافروخت دلیل که او را
فرزندی صالح آید و اگر بیند که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترس ایمن گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب
هفتم موذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر بیند که مسجد را
می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد را عمارت میکرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر
بیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مسح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مسح موزه میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه
میکرد دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد مسکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
روغن تازه بتاویل مال و نعمت حلال بود و اگر بیند که مسکه فرا گرفت یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود و اگر مسکه گوسپند در خواب بخورد دلیل که او را
مال و نعمت حاصل شود و مسکه گاو دلیل که آن سال بروی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوری که
گوشتش حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم منفعت مسواک
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندانهای پیشین را مسواک کرد دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه دندانها را
مسواک کرد دلیل که با همه خویشان نیکی کند **مشرق و مغرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر ملوک عالم
است و برآمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهة پادشاهان بود و فروشدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بکاری
صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند دلیل که مرادش برنیاید و بهمه حال جای برآمدن آفتاب بهتر از فرو
شدن باشد و جای آفتاب برآمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جای فروشدن آفتاب دلیل ادبار و فرومانندگی بود **مشرک شدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگزارد و یا شکر حق
تعالی میگزارد دلیل که مسلمان شود و نعمت بر وی زیادت گردد چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی اللّٰه نور السموات
والارض مثل نوره کمشکوة الخ اگر بیند که مشرکی در خانهٔ مسلمانی آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بینندهٔ خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور نباشد دلیل که با مردم
بدمذهب او را صحبت افتد **مشک** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه
کس بر وی آفرین کنند و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین وی پاکیزه و صاف گردد و در راه
حق درآید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مشک را بسود دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافهٔ مشک بشکافت و از آن
مشک بوی ناخوش می آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی
زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیزک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش **مشک آب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مشک
سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نو بود دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تاویلش بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مصحف**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مصحف در خواب تاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرید دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر
بیند که مصحف را بآتش بسوخت دلیل بر فساد دین او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصحف گشاده و بر سر و دیده نهاد
دلیل که هرچه کند بقدر آن کار کند و والی آن شهر گردد و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر
گفت دلیل بر شر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل پنج بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم
امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت **مصطکی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که مصطکی می خائید دلیل که وی را گفتگوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطکی با آب
بمیخائید دلیل که بقدر خائیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطکی بآتش بخور میکرد دلیل که وی را از پادشاه رنج رسد
مطبوخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطبوخی از بهر بیماری می پخت و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین بود و
اگر مطبوخ موافق نبود دلیل که صلاح دین از وی بجوید و اگر بیند که مطبوخ بخورد و در وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی و خیر بود و

بخلاف

بخلاف این بیند دلیل که رنج و زیان باشد **مطرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و رباب
میزد دلیل که بچیزهای حرام گراید چون فساد و طبل و آنچه بدین ماند میزد دلیل که اندوهگین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود
معبر خواب گذار بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و در تعبیر دلیل رنج و فساد
کند **معجون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از وی خیر و منفعت باشد و اگر بیند
که معجون از بهر همه تن بود دلیل که از وی بمردمان خیر و منفعت رسد **معده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی
آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عمرش کوتاه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب بر شش
وجه بود یکی مال حرام دوم شناعت سوم سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از وی حاصل شود
بودن **معزول شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی وی را معزول کرد دلیل که زن را طلاق
دهد اگر زن ندارد در تجارت زیانی کند **معصفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن معصفر در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم غم
و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد **معلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معلم در خواب مهتر و دانا بود
و اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معلمی میکرد
و کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی بود و در موضع خود او را سخن روا گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید معلمی
کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن **مغز** دانیال علیه السلام گوید مغز سر و مغز استخوان
در خواب مالی بود که به ذخیره نهاده بود و اگر بیند که مار و گژدم مغز سر وی میخوردند دلیل که بقدر آن مال مردم بخورند و اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید مغز سر در خواب مال دفینه بود و اگر بیند که مغز گندیده و ناخوش خورده بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوة نداده باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر **مبتلا شدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمیتوانست خواستن دلیل که در کارها ضعیف و سست بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد دلیل که عیش بر آنکس تباه کند و مضرتی بوی رساند **مقراض** ناخن گیر بود و در حرف نون بیان خواهیم کرد
مقعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمده دلیل
که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بر وی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت **مقنعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را
شوی و مردان را زن بود و اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقنعه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود
و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش
بیمار گون بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم چهارم منفعت
از زنان و اگر مقنعه کرپاسین یا پشمین بود دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود **مسلمان شدن** ابن سیرین رحمة الله

مطرب — معجون — معده — معزول شدن — معصفر — معلم — مغز — مبتلا شدن — مقراض — مقعد — مقنعه — مسلمان شدن

علیه گوید اگر مسلمانی بخواب بیند که دیگر باره مسلمان شد دلیل که از بلا و آفتها ایمن گردد و اگر کافری بیند که مسلمان شد دلیل که کار او
حقتعالی مسلمانی روزی کند و اگر بیند که مسلمانی کافر را گفت که مسلمان شو دلیل که کارهای وی مستقیم شود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مسلمانی کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و خیانت کارش بخیر بود و اگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد
دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد **مسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسمار بیند دلیل بر مردی بزرگ بود
که بکارها ایستاده باشد و بهم پیوندد و بعضی معبران گویند که مسمار در خواب پادشاه یا امیری بزرگ بود و اگر بیند که مسماری بزرگ
فرو برد و بداشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که چیزی بمسمار بدوخت دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای پراکنده
او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیند که مسمار بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسمار در
خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار دوم مردی که با مردان عهد پیوندد سوم امیر یا والی چهارم مکر و مضرت کارها **مگس**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردم سفله و درویش بود و اگر بیند که مگسان بر وی جمع شدند یا در چشم و دهان وی میشدند
دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یابد و اگر بیند که مگس در گوش وی می شد دلیل که از کسی سفله سخن زشت شنود و که از آن کوفته
خاطر گردد و اگر بیند که بانگ مگس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردی حاسد و فرومایه
بود و اگر بیند که پیراهن او مگسان جمع شوند دلیل که با مردم حاسد او را شغل افتد و اگر در خواب بیند که مگس بسیار در خانه وی میکشتند دلیل
که مردم سخن وی گویند و اگر بیند که مگسان او را میگزیدند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند و اگر بیند که مگس را میکشت دلیل
که حاسدان را قهر کند و اگر بیند که مگسان در زیر زمین جمع شدند دلیل که حاسدان از مال پنهان کرده وی بستانند و خزینه کنند و او را
مضرت رسد **مگس انگبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کننده باشد
و اگر بیند که مگس انگبین فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
مگسان انگبین بروی جمع شدند و او را میگزیدند دلیل که بی رنج مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که مگسان انگبین میخوردند
دلیل که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد و اگر بیند که انگبین از مگسان همی ستد دلیل که سخنهای با خیر و منفعت شنود
و از آن فایده بیند **مکه مبارک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند دلیل که زیارت کعبه
کند و حج دریابد و اگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفته نه از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بود و بعبادت مشغول بود دلیل که در منفعت دنیا باشد
و اگر مکه را آباد و پر بیند دلیل که مال و نعمت بر وی فراخ شود و اگر خراب بیند تاویلش
بخلاف این بود **ملخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ پخته درم و دینار بود و اگر بیند که در
شهری یا در موضعی ملخ پدید آمد و در آنجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را
بلا و زحمت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ملخ بسیار جمع گردد و در ظرفی همی انداخت دلیل که مال جمع کند و بکار

زن دید

زن دهد و اگر بیند که ملخ بی‌قیاس در دریائی جمع شدند و نبات آنجا خوردند دلیل که مال بی‌قیاس در آنجا جمع شود و بیمرا [illegible]
بتاراج ببرند دلیل که خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که منادی گذشت و کلامش
موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صالح و پارسا بود دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
منادی بصلاح آنجهانی کرد دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیاوی کرد دلیل که مراد اینجهانی بیابد و اگر بشر
و فساد بود تاویلش بخلاف این بود **مناره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردمان را
بدین خواند و اگر بخواب بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بیند که مناره
خراب کرد دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید مناره
در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بیند دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از گچ و آجر
دلیل که از مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره
از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهتر پادشاه ستمگر بود و اگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد و اگر
مناره بر در مسجد دید دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بیند که مناره مسجد افتاد
دلیل که از یکی بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکندگی افتد و اگر بیند که میان شهر مناره بود دلیل [illegible]
کند و اگر بیند که سر آن مناره از مس یا برنج بود دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بیند که سرا و از زر یا از سیم بود دلیل که
پادشاه دروغ زن و بی‌قول و غدار بود و اگر مناره از خشت پخته بود دلیل که پادشاه گردنکش و متکبر بود و اگر خود را بر سر مناره
آمده بیند دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بیند که بر مناره طعام نهاده بود دلیل که در آن دیار قحط
پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مناره بود و بانگ نماز میگفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر
بیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد دلیل که عمره آرد و اگر بیند که مناره بجنبید دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بیند که
پادشاه مناره را بیفکند دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن **منبر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شر که در منبر بیند تاویلش بر سلطان کنند و اگر بخواب بیند که
بر منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل آن بود دلیل که عزت و حرمت یابد یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر بیند که [illegible]
میخواند یا سخنی خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلام بدینی و بدعت [illegible] رسوا گردد و [illegible]
بر او کنند و اگر پادشاهی بیند که بر منبر بود و آن منبر بشکست دلیل که از پادشاهی معزول گردد [illegible]
الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد دلیل که از ولایت معزول گردد و اگر [illegible]
کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت دلیل که رسوا شود زیرا که نا اهل را علم گفتن و خطبه خواندن در میان [illegible]

ونیز مردانرا خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتاد و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار
و حقیر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر مفسد بود دلیل
که او را بدزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگتر و پاکیزه‌تر بیند منزلت و جاه بلندتر بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن **منجم** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت و بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید چنانکه
که در خواب سخن از احکام نجوم گفته باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم نجوم و هیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و
بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام نجوم میگفت تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم
در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی نکند **منجنیق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمان
سنگ منجنیق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجنیق می انداخت
دلیل که ایشانرا دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیرامن شهری منجنیق نهاده بودند
و بناهای آنشهر را خراب میکردند دلیل که آنشهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند که منجنیقها بشکست یا باتش بسوخت دلیل که پادشاه
آنشهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آنشهر از ترس و بیم ایمن شوند **مندیل** دستار بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مندیل بخواب
خادم بود و بهر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز گردد اگر بیند که مندیل نو داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود
و اگر مندیل سبز یا سفید بود دلیل که خادم وی با دیانت بود و اگر مندیل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر مندیل زرد
بود دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر سیاه بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر مندیل وی
فوطه بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که مندیل از پشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان بود نیک
باشد و اگر از قز یا ابریشم بود دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن خادم نیکوئی نبیند و اگر مندیل
ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندیل بسوخت دلیل که خادمش بمیرد **منشور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو داد و در آن کارها نبشته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت
دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آنشهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد
و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آنشهر خراب و ولایتی دون بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که فرشته یا پیغامبر منشور بخط نبشته بدو داد دلیل که حقتعالی او را بیامرزد و از وی خوشنود و راضی شود و اگر منشور
سیاه بود تاویلش بخلاف این بود **منقار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را بسان مرغ منقار بود دلیل که بقدر روزی
منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را بمنقار بزد و او را درد کرد دلیل که ویرا رنج و سختی

ونقصان مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منقار مرغی داشت دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت
رسد و اگر بیند که منقار داشت و مردم را به منقار گزند رسانید دلیل که مردم را از وی گزند و زحمت رسد منی آبی بود که از وی فرزند
پدید آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که بیابد و از آن شاد شود و اگر بیند که یک سبوئی از آب منی
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما تعبیر
منی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدو رسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آمد دلیل که مال یابد چنانکه باری تعالی عز و جل فرمود انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج
نبتلیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد معبر را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی نمی آمد نقصان مال
بود مهد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود و خداوند خواب سزاوار مهد بود دلیل بر راحت و آسایش
و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از مهد بیفتاد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در مهد نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوبروی خرد و بعضی معبران گفته اند که مهد در خواب آسایش
و عز و مرتبت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهد
در خواب دیدن بر هشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم
کنیزک مهربان هشتم زن و دیدن مهد درویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه
چهارم رنج و محنت مهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت
و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بدان
و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی سپارند و اگر سزاوار خزانه پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی
مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب مهره ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدمتگاری
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند دلیل که خدمتگارش
مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدمتگارش بیمارگون باشد و اگر سیاه بود خدمتگارش سخت دل و بدخو باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتگار سوم کنیزک چهارم مال پنجم

دو فرهنگ ششم فرزند هفتم غلام خورد و هر زیادت شد و نقصان که در مهره بیند بدین صفت چیز آید مهمان ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید مهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود و اگر بیند که قومی را بمهمانی خوانده لیکن که کاری کنند که آنکار را ورا از همه شغل باز دارد و اگر
بیند که اورا در باغی بمهمانی برده اند که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود دلیل که بغزا رود و شهید شود قوله تعالی فیها
فاکهة کثیرة و شراب کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در انجا چنگ و چغانه و نای و رقص بود
دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت و خرمی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب دلیل
بر باز آمدن غائب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی نکاح خواست و مهمانی کرد دلیل که اورا غم و اندوه رسد
مورچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در خانه
وی فراز شوند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مورچه
بیگانه در خانه وی شد دلیل که دزد بخانه وی رود و اگر بیند که بر تن وی موران بسیار جمع شدند یا از دهان وی
بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر بخانه خود مورچه
بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید مورچه خورد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دزد و مال یا از اهل بیت باشد
و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدندی و در هوا همی پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن موران تاویل اهل بیت بیننده خواب بود و اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنخانه پریشان شود مورد ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خوبروی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورد داشت
که اورا با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد بشکست
یا از جائی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مال و نعمت
بسیار بود و بعضی از معبران گویند که مورد فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مورد در خواب
بر چهار وجه بود یکی مزدوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مورد بسته
بشوهر داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود موز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز توانگران را مال بود و دینداران را دین
و برکت موز بهترین برکت درختها بود و اگر بیند که موز فرا گرفت یا کسی بوی داد و آنکس توانگر بود دلیل که مالش زیادت
گردد و اگر بیند که موز میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه
بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند اگر بوقت خویش بیند که موز خورد دلیل
که زنی خوبروی و توانگر بزنی کند و از وی منفعت یابد موزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موزه در خواب بزمان زمستان
دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر

ببیند

بیند که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت
دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند
که موزهٔ ادیم در پای داشت و باز کوته بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست سلیش
داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزهٔ او دریده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که از پای موزه بیرون
آورد دلیل که شادی و خرمی یابد و اگر زندان بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه اش بسوخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند
که موزهٔ او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه اش
از خانه بدر افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بمردم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد و اگر
بیند که موزهٔ او بدزدیدند دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزهٔ او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید موزه در خواب چون نرم بود و پای را نیازارد دلیل بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم
قوت پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن **موش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب زنی بود
که بظاهر مستوره باشد و بباطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم
خواهد و اگر بیند که موش را در طبله بگرفت دلیل که زنی بمکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانهٔ او جمع شدند
و جمله یکسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانهٔ وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی
سیاه و بعضی سپید دلیل که اختلاف تاویل آن در شب و روز بود و در خبر است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود
شب و روز دو موش اند که عمر مردم را می برند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ جیبی یا از سوراخ قضیب او
موش بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که
در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب مال و کالای زنان مفسده بود و موش خانگی و دشتی تاویل یکسان بود
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موش بگرفت و دوم نداشت دلیل که زنی اصل خواهد و اگر بیند که موشی از در
وی ببرد دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند
که سنگ بموش انداخت دلیل که کسی را متهم گرداند و اگر بیند که موشی در بستر وی بود دلیل که زنی مفسده قصد فساد کند
و اگر بیند که موش میخورد دلیل که مال زنی مفسده بخورد **موم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موم سپید در خواب مال و نعمت
بود و موم زرد بیماری و اگر بیند که موم سپید میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موم از وی ضایع شد یا بفروخت
دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موم بهر رنگ که باشد مال و نعمت بود و اگر بیند که موم سپید
بود و میخائید بهتر از مومهای دیگر بود و اگر بیند که موم همی خائید دلیل که از کسی شکایت کند و اگر بیند که موم با آتش بسوخت
دلیل که بقدر آن پادشاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موم شمع میکرد و بمردم میداد دلیل که مال خود بخیر و صلاح صرف کند

فرج کند و با مردم جود و احسان کند موی میان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی میان میخورد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
بیند که موی میان کسی بخشید یا از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بجهت علتی
انداه موی میان خورد و صحت یافت تاویلش بخلاف این بود موی دانیال علیه السلام گوید موی در خواب مر زنان را غم و اندوه بود
و مردان را زینت و موی چهارپایان مال اندک بود و اگر صوفی بیند که موی سر او دراز شد دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر صوفی
نبود دلیل که غم و اندوه وی بود بقدر درازی موی و اگر بیند که قدری از موی ببرید و بینداخت دلیل که غم و اندوه از وی زائل شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج موی سر را سترد دلیل بر صلاح دین و کفارت گناهان بود و اگر در خواب
ماههای حرام یعنی رجب و ذی الحجه و ذی القعده و محرم بیند دلیل که وامش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که موی تمام
بسترد دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب زن امیری بود و بیند که موی سر بسترد دلیل که شوهرش بمیرد و یا والی کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر پادشاهی موی خود بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن هم
غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی سر خود را تخته بیند دلیل
بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت مهتری بود و اگر سر خود را اصلع بیند بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را بسان
علویان دو گیسوی بود دلیل که مهتری یابد و نیکنام گردد و اگر بیند که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند
که موی خود را شانه میکند دلیل که بر کارهای خود قادر شود و وی را منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی بغل با سترده دلیل که
صلاح و دین وی باشد و موی بغل ناستردن دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستردن موی بغل دلیل بر زیادتی بیروتی بود و اگر
بیند که در سینه وی موی بود دلیل که وام بر وی جمع شود و موی بر تن وام و مال بود و اگر بیند که موی از تن خود بسترد دلیل بر نقصان
مال وی بود و اگر اینکس درویش و وامدار بود وامش گذارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که آهک بر تن خود مالید
و موی از تن خود بسترد اگر توانگر بود دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که قدری از موی فرا ریخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر وامدار باشد وامش گذارده
شود و اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موی راست او بمشرق رفت و موی چپ او بمغرب دلیل که او را دو پسر باشد
که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موی او جعد بود دلیل بر بدعت
و ذلت وی بود و اگر جاهلی این خواب بیند دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که موی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موی زهار او
دراز بود دلیل که او را زیانی رسد و درازی موی زهار نیک باشد و اگر بیند که موی زهار خود می سترد دلیل که دین وی نقصان شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عز و جاه
چهارم ایمنی پنجم دولت و باریتعالی در کلام مجید فرمود مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ الخ اگر خداوند خواب را موی ستردن
عادت بود دلیل که نیک و بد آن سهل باشد همچنانچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تاویل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

که می خورد و مست شد دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بیند که بی می بخچید و خمر مست شد دلیل که ترس و بیم عظیم بود بیسبب
قوله تعالی وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ الخ مغربی رحمة الله علیه گوید مستی از می پخته یا شراب مویز به خورد دلیل مال و نعمت کم شود
و اگر بیند که می پخته داشت و بهمّا می خورد دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می پخته غرق شد دلیل که
در خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می پخته میخورد دلیل که مال حلال بحرام مبدل گرداند و اگر بیند
که می پخته با آب صافی بود دلیل که مالی بدست آرد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که می
پخته میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد میخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود و اگر بیند که میخ در دیوار
زد دلیل که برادرش در آنجا که میخ زد مردی فرا گیرد زیرا که دیوار بتاویل مرد باشد و اگر بیند که میخی بر سنگی بست دلیل که برادر
بمردی پیوندد و اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا با شرف و بزرگی تمام برسید یا
شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید میخ در خواب بهمه چیزی بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر
بیند که میخی بر در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخ از خانه خود بکند و بینداخت تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهد یا زن
گیرد و اگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار گرفت احتیاط کند
در آن که چه درست بود تاویل از آن درخت کند بدرستی یا بنکاح یا بعطا و صلت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میخ از برنج
یا از مس بود بتاویل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود دلیل بر نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود
دلیل که او را فرزندی آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند ندارد دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم باشد
دلیل که اهل علم ورا دوست دارند و اگر بیند که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود توانگر گردد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن میش ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر میش
میشی نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمان بردار او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن نر میش بر وی
چیره گشت دلیل که خصم بر وی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای نر میش بزرگ و قوی گشته دلیل که آنکس قوی و توانگر شود
و اگر بیند که نر میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بیند که پوست نر میش بکند و گوشتش
جدا کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که نر میش را از کشتن باز داشت دلیل که از غم برهد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ کرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخانه کسی دیگر
شد دلیل که زن وی بعشق کسی دیگر مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نر میش در خواب بر شش وجه بود یکی
امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند میوه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل

میوه

خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش در خوردنش بود دلیل بر سختیهای بیهوده و سرد باشد و انگور سیاه و آلو و زیتون دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که نشسته بود و از درخت
میوه می چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بیند که بی آنکه دست بر درخت کرد میوه بیفتاد دلیل که بی رنج و تعب او را
مال حلال حاصل شود و اگر بیند که از درخت لختی میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بیوقت
باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب بیند و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر میوه بوقت خود نباشد دلیل که مالش پراکنده شود و تاویل هر میوه با اصل درخت بازگردد خواه نیک باید بود و میوه ها آنچه
از رد بود دلیل بیماری بود دیگر رنج و بیزردالو که این هرسه در تاویل زیان دارد و میوه های ترش غم و اندوه بود و میوه های تر چون بسیند شیرین بوقت خوردن
باشد دلیل بر روزی حلال بود و میوه های نارسیده ناخوش در خواب دلیل بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بیند که میوه بستان بزمستان میخورد دلیل که
بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه گلوگیر اگر بیوقت خورد دلیل تنگی کارها
و تنگی عیشش بود فی الجمله هر میوه که سبز و تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که میوه میفروخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش
و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه و رنج بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش و شیرین
فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معبر باید که نیک و بد جنس جنس داند که کدام را چگونه باید گفت و خوابهای هر کسی را بدان
نوع فرق تواند کردن و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد والله اعلم **حرف النون** نابینا ابن سیرین رحمة الله

نابینا

علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر بیند که یک چشم وی کور گشت دلیل
که نیمه دین وی بشود و یا گناهی بزرگ کرده باشد و بیک اندام از اندامهای وی مصیبت رسد یا شکست کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که نابینا را دست گرفت و برد دلیل که گمراه گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نابینا شد دلیل که کارهای خود
بر دست وی بگذارد و اگر بیند که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر بیند که چهارپای را کور کرد دلیل
بر کسی بود که بدان چهارپای منسوب باشد و ویرا گزند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینائی در خواب
بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نابینائی
قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ و اگر نابینائی بخواب بیند که نابینا شد دلیل که کارهای دنیا بر وی گشاده
شود و از آنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حقتعالی نصیب یابد قوله تعالی لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ناخن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معبران گفته اند

ناخن

که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود اگر بیند که ناخن را بمقراض ببرید دلیل که دین وی قوی گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید ناخنها
در خواب قوت و توانائی در حاصل کردن مال دنیا بود و اگر بیند که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال تواند حاصل کردن و اگر

که ناخن از بن بیفتاد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر بیند که ناخن بیفتاد و دیگر باره بروست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو
گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود دلیل بر معصیت او بود و اگر بیند که ناخنهاش
چنان دراز شده بود که بیم شکستن داشت دلیل بد باشد و اگر بیند که ناخنهاش از بن بریده بود و متغیر گشته دلیل بر بستگی کار وی
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود دلیل بر صلاح دین و دنیای وی بود و اگر بیند که ناخنهای
او است میکرد دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از معبران گفته اند تاویل ناخنهای دست
حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصلکردن مال بود اما در سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب بر شش
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم مقصد از مردم و در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم شده زادگان یا برادرزادگان
ناخن پیرا یعنی مقراض بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که موی سر یا ناخن
را ببرید یا ناخن پیرا جامه ببرید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پیرا بوی داد یا بخرید اگر پسری دارد دلیل که پسر دیگرش
آید و اگر دختر دارد دختری دیگرش آید و اگر ناخن پیرا دو پاره بود همین تاویل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن پیرا
بدو داد یا بخرید یا بیافت گر اسپی دارد دلیل که اسپی دیگر بخرد یا بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند همه تاویل بر این قیاس
باشد از چیز یکی یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید مقراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با ایشان
دوستی کنند و دین و دنیای وی زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب بر سه وجه بود
یکی مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق نار یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نار یا در خواب خوردن
چون شیرین بود و بگوشت گوسپند یا بگوشت مرغان پخته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشت گاو یا گوشتی غلیظ پخته
باشد دلیل بر غم و اندوه بود نارمشک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او نارمشک رسته بود دلیل
که نام او بخیر و خرمی و خوبی در دیار منتشر گردد و اگر بیند که نارمشکها از زمین بر کند تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته نارمشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد نارنج دانیال علیه
السلام گوید نارنج گونه زرد است اما بوی خوش دارد و بدیدار نیک و پاکیزه است و از میوه های بهشت است لاجرم
در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نارنج در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد نقد
اکنون نارنجها و نارنج سبز بخواب بهتر باشد و نارنج زرد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نارنج سبز
بود و بعضی از معبران گفته اند که نارنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نارنج
در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان ناطف ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال و نعمت بسیار بدست آید و خیرات
و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دوشاب دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا آنکه

ناطف انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطف انگبین در خواب بر سه وجه بود یکی سخن شیرین دوم مال حلال
سوم معیشت **ناف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناف در خواب زن بود و کنیزک که زیردست وی باشد و اگر بیند
که ناف وی بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزکش بمیرد و اگر بیند که ناف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و همه شغل
وی تباه گردد و اگر بیند که ناف وی کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ناف او سوراخ شد دلیل که در حال وی
خلل پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف با سینه او هیچ خطی موی بر آمده بود دلیل که سنتهای پیغمبر صلی الله
علیه وسلم را راغب گردد و اگر بیند که اصل ناف وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم
شکافته بود دلیل که دانا و عالم گردد ولیکن مالش برود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف کسی ببرید و بخورد
دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن
خیر روی دوم کنیزک سوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر **ناقوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناقوس
در خواب مردی منافق دروغ زن بود و در وی هیچ خیر نباشد و اگر بیند که ناقوس زد دلیل که با مردی منافق نشیند
و به نفاق سخن دروغ گوید و رضا دهد و اگر ناقوس بشکست تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافقی سوم مهر اهل کفر در دل داشتن **نام
گردانیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و احمد
و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر
فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید
یا ابو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابو جهل و ابو لهب و عتبه و شیبه و مانند
اینها لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم **نامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که نامه سربسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سرگشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بیند
که نامه سر بمهر داشت دلیل که مهر نامه آن خبر بود که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی نامه بوی داد و
که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خبر بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که عنوان
نبشته بود و مهر داشت و کسی نگشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بیند
که مهر نامه بگشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیند که خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند دلیل
که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه پادشاه بدو داد اگر نگشاد و بخواند
دلیل که غم و اندوه بود و اگر برگشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای بشت

خوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترس و تهلکه بود و اگر بیند که نامه مهر بیافت و بپادشاهی داد دلیل بر خیر و منفعت
بود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی برآید
بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او برنیاید تا بجا و انیال علیه السلام گوید دیدن
نانهای پاکیزه در خواب عیش با شد و اگر نان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر خیر
و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که نان بکسی داد دلیل که راحت بدانکس رساند ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که درسته نان بیافت دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جائی مجهول نیم نان یافت
دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند پاره‌ای نان بیافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که
نانهای بسیار داشت و نمیخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کرمانی رحمة
الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بعیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر قحط و تنگی
بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاورس دلیل بر تنگی عیش و پرهیزکاری بود و نان
جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بستگی کارها کند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه
کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و بعضی گفته‌اند که خوردن نان تنک
در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان گرده بر پیشانی آویخته بود دلیل که درویش گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید تاویل
نان برامرا و مردم بزرگ و رئیسانست و اگر سلطان یک نان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر بازرگان بیند دلیل
که مالش زیادت شود و یک نان از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بیند ضیاع و عقارش زیادت شود ذوالنون
گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بسعی بدست آید و نان پختن در خواب
بتاویل کار کردن باشد در طلب معیشت و تعجیل کردن اندر نان پختن عاجل کردن باشد امام جعفر صادق رضی الله عنه گوید
نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و برکت و بدانکه نان در خواب
کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که نان واشد دلیل که بسیار مال بجنگ و خصومت جمع کند و بعضی از معبرین گفته‌اند که نانوا
در تاویل پادشاه عادل بود ناتخواه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناتخواه دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ناتخواه بکسی داد
یا بیند اخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و دزدیدن و خوردن ناتخواه هیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه ناودان ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که ناودان آب از بامها فرو همی آمد دلیل که در آنجا مر جنگ و خصومت و
خونریختن پدید آید و اگر بیند که باران همی آمد و از ناودانها آب فرو همی آمد دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره
و رنج رسد و اگر بیند که ابر باران بود و از ناودانها آب فرو همی آمد دلیل که از حق تعالی جل و علا بر اهل آن موضع عنایت و رحمت
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که ناودان خانه او

نان
ناودان

بیفتاد و بشکست دلیل که تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ناودان حسین یا آهنین بود دلیل که بنظام کارش مستدام باشد و اگر بیند
که از ناودان کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناودان در خواب بر سه وجه بود یکی
رئیس شهر دوم مهتر سوم خیر و منفعت اندک **نای زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نای زدن در خواب دلیل غم و اندوه و مصیبت
بود و شنیدن آواز نای دلیل غم و تفکر بود و اگر بیند که نای میزد دلیل که بغم و اندوه گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید نای زدن کسی را
که خبر بمردم برساند و در نای زدن خیر نباشد **نبات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود ببیند که او را ساق نباشد
دلیل بر خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و بیخ باشد دلیل بر فزونی مال و نعمت و جاه بقدر سبزی و کوتاهی و بلندی
و بازیگی شاخهای وی بود و اگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند نبات
بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که او را بزرگی زیادت گردد کرمانی
رحمة الله علیه گوید نبات از زمین در خواب نعمت و مال بود و خوشی مردم خاص و عام را و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته
بود دلیل که بیننده خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
منفعت و بزرگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زیادتی دولت **نبات جلاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبات جلاب بخواب
دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش شنود
یا وی را بوسه دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بخروار نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزند پنجم روزی حلال **نباش** آنکس بود
که کفن از مردگان بکند بدزدی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نباش شد اگر آنکس از اهل علم بود دلیل که علم فروشد
و طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر نباشی بیند که کفن بسیار جمع کرد دلیل که مصلح
شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد **نویسنده** دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که چیزی همی نویسد و نویسنده باشد دلیل که بمکر و حیلت مال کسی بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر پادشاه چیزی
همی نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نبشت دلیل که دل مردم بخویشتن بمکر و حیلت گرم کند
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد
و بیند که نویسندگی میکرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که شعر و غزل و افسانه می نبشت دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد
و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نبشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رح گوید اگر بیند که نامه می
نبشت و مداد آن خون بود دلیل که قباله با نویسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر دبیری بخواب بیند که خط بهتری می نبشت اگر صالح بود دلیل
دین و دیانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود تایب گردد و اگر بیند که بسرخی می نبشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که بزردی می
نبشت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بسبزی می نبشت دلیل که تا مش بخیر و خرمی در آید یا رستگار گردد و اگر بیند که بزر و سیم می نبشت دلیل که ا

پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نشستن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم مکر و حیلت
چیزی حاصل کردن چهارم معزولی عمل **نبیذ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبیذ در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست آید
و اگر بیند که در نبیذ غرق شد دلیل که در فتنهٔ عظیم افتد و اگر بیند که در خانهٔ او نبیذ بسیار بود دلیل که بقدر آن از دهقانی بدو منفعت رسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خورد و مست شد دلیل که خوفی و ترسی بدو رسد و اگر بیند که نبیذ با دیگران میخورد دلیل که بقدر آن که
خورده بود جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در جوئی یا در رودی نبیذ میرفت و او در میان شنا میکرد دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که پیالهٔ نبیذ
در دست او بود و ندیم او بستد دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبیذ با آب آمیخته
بود و میخورد دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر بیند که نبیذ میفروخت دلیل که مال بر باد دهد و خوردن
نبیذ والی را دلیل بر عزل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبیذ در خواب بر سه وجه بود یکی ترویج پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت
پنهانی و اگر بیند که نبیذ میمالید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد **نخاسی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که نخاسی میکرد دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد و نخاسی در خواب هیچ فایده نبود **نخجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه
اگر بیند که نخجیر او را مطیع و رام شد دلیل که مهتر و بزرگ شود و بعضی از معبران گویند که سالار دزدان شود و اگر بیند که نخجیر او را بتابع شد
تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بصورت نخجیر شد دلیل که بیدین شود و باطل گراید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخجیر بتله یا بدام
گرفت دلیل که بقدر نخجیر او را از مردی بیابانی بمکر و حیلت فایده رسد و اگر بیند که گوشت نخجیر میخورد دلیل که از مال مردی بیابانی خیر بیابد
و اگر بیند که در میان نخجیران مقیم شد و از آن نخجیران او را گزند نرسید دلیل که در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را گزند و منفعت نرسد و اگر بیند که نخجیران با وی سخن گفتند و بوی مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود
دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یابد و اگر جاهل بود دلیل که کاری کند که مردمان از آن کار عجب آید **نخود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود و اگر کسی بخواب بیند که نخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم
و اندوه رسد و اگر بیند که نخود بکسی داد و آنکس بستد و بخورد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که نخود بخورد و اندر دهشت دلیل که در غم و اندوه
گرفتار شود و اگر بیند که نخود بشوربا یا بگوشت پخته میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود **نرد باختن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخواب بیند که نرد می باخت و خصم غلبه کرد دلیل که بسبب کاری
باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بیند که آنکس بر وی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود **نردبان** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر نردبان بالا میشد و آن نردبان از گل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح بود در دین وی زیادت گردد
و نیکوئی بدو رسد و اگر نردبان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود
و اگر بیند که بر نردبان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه شود و اگر از آهک نباشد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند
که از نردبان بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نردبان بزیر افتاد دلیل که از جاه و بزرگی بیفتد

و او را مصرت برسد. جعفر صادق رضی الله عنه گوید نرد باختن در خواب مرد مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر یابد و فاسق را منفعت
بود. **نرگس** دانیال علیه السلام گوید نرگس در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود. ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
نرگس در خواب سخن شیرین باشد. و اگر زنی بیند که نرگس تازه فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی خوبروی آید. و اگر
شوهر ندارد دلیل که شوهری خوبروی کند. و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد. و اگر بیند
که نرگس از درخت بر کند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد. و اگر زنی بیند که دسته نرگس بشوهر داد دلیل که شوهرش طلاق دهد.
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف خوبروی دوم فرزند سوم دوستی که دوستی نکو
روی و دیر بماند. و اگر بیند که نرگس بگرفت دلیل که احسان و نیکویی کند و در خیر مشهور گردد. و اگر بیند که نرگس بود و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت گردد.
نزم نزم صاف را خوانند. اگر بیند که نزم را فراگرفت دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد در دین. و اگر بیند که نزم بود و بروشنایی بدل شد دلیل که تایب گردد.
و اگر بیند که نزم ترش بود و با ترش شد دلیل که منافق بود. و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که نزم تاریک شد دلیل که غم
و اندوه بود و کارهای ایشان بسته گردد. و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نزم پدید آمد دلیل که مرگ مفاجات در آید یا رنج بود.
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نزم در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کارها سوم بدعت چهارم ظلم.
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نزم بروشنایی آمد دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت و ضلالت
دور باشد. ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نزم در خواب خوب نباشد. **نسرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسرین در خواب
اگر بوقت خود بود دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزندی آید. و اگر نسرین از درخت دور باشد دلیل بر غم و اندوه
بود. و اگر بیند که کسی دسته نسرین بوی داد دلیل که میان ایشان گفتگوی پیدا شود. و اگر گل نسرین بر درخت بیند دلیل که
خرمی بوی رسد و باشد که از کسی چیزی اندک یابد. **نشاسته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در
خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید. اگر بیند که نشاسته میخورد دلیل که اندوهگین شود و بعضی از معبران گفته اند که
بیمار گردد. و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد. مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گندم
نشاسته میکرد دلیل که از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند. **نشستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر جای
مستقیم نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود. و اگر بیند که بسیار خفته بود همین تاویل دارد. جعفر صادق رضی الله عنه گوید
نشستن بر اسپ یا بر استر یا بر خر دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت چهارم فرمانروایی. و نشستن بر باد دلیل که کار
کند چنانکه باد مطیع او باشد. کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم مصلح بیرون رفت و در راه بنشست دلیل که هوای او مخالف دین بود
چنانکه خدای تعالی در کلام مجید فرمود قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم. و اگر بیند که مخالف دین بود بیرون رفت و در راه بنشست
تاویلش بخلاف این بود. اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل که خیر و صلاح او زیادت
گردد. و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف این بود. **نعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعل در خواب مال بود و از سببی

بد و رسد و اگر بیند که نعل استر داشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند
و اگر بیند که نعلبندی میکرد چهارپایان خود را دلیل که بسفر رود و نعلبند همی کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلین ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دوال نعلین بشکست دلیل که روزگاری در سفر باز ماند و اگر بیند که نعلین او سوراخ داشت
دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بیند که نعلین او سبز بود دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر بیند که نعلین شکسته
و بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کنیزکی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او سیاه بود دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر
سرخ بود زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بیند که
نعلین او ملون بود ازین صفتها که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر بیند که نعلین او از پوست گاو بند و پشت دلیل که آن زن از
اهل عجم بود و اگر بیند که بند نعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اهل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بیفتاد و ضایع شد
احتیاط کند و آن نعلین از پوست چه بود و اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود اسمعیل بن اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
نعلین او بدرید همین تاویل دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کنیزک نعناع
بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعناع در خواب غم و اندوه بود و اگر کسی بخواب بیند که در زمین پاک او نعناع بود دلیل که در غم و
اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نعناع میخورد دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر بیند که نعناع در زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را
از غم و اندوه بود و اگر بیند که نعناع از زمین خود بر کند و بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد نفت ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نفت در خواب زنی نابکار بود و اگر زنی بخواب بیند که نفت در خود مالید دلیل که با زنی نابکار جمع شود و بعضی از معبران گفته اند که
چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفت در خواب بر سه وجه بود
یکی زن نابکار دوم مرد غماز غدار سوم مال حرام نفرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد
دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بناحق بیگناهی را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردی او را بناحق نفرین کرد دلیل که کار او
بد شود و بعضی از معبران گویند که نفرین بناحق در خواب بجزا و در خواب باز گردد و اگر نفرین بحق کند تاویلش بر آنکس باشد
که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر اثر کند از مفسد و مفسد اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز گردد نقاد در خواب عالم
و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیز است بهترین باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دینار صالح نقاد
شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خواستار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال و نیا حسب
کند مغربی رحمة الله علیه گوید نقاد در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید نقاد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریابنده کار نقره دلیل بر زنان
آزاد کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نقره از کار خود فرا گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی را بزنی

کنند زیرا که نقره جوهر زنان باشد و اگر بیند که در مغاکی که معدن نقره بود درون شد و از آنجا نقره بیرون آورد دلیل که بقدر آن
مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم معیشت **نقصان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که در تن او نقصان بود دلیل که بقدر آن مالش نقصان شود و گر نقصان زنان که در آن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرموده
در حرف زا یاد کرده ایم کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که متکبر شود و آنگاه او را مغفرت برسد
نگارگری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نگارگری میکرد بر سقف و دیوارهای خانه دلیل که او دوستدار
و فریفته و مغرور بدنیا باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید نگارگری و صورتگری در خواب کار باطل و فسق بود چنانکه خدای تعالی
جل و علا فرمود قوله تعالی **ما هذه التماثیل التی انتم لها عاکفون** مغربی رحمة الله علیه گوید نگارگری در خواب
فریفته باشد در دنیا و راه راست گذاشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستهای خود را
بسیاهی خضاب و نگار میکرد دلیل که در کسب دنیا خداوند مکر و حیلت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نگاری در خواب بر چهار وجه بود
یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ **نگین انگشتری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نگین انگشتری در
خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر بیند که نگین انگشتری او ضایع شد دلیل که بزرگی و جاه
او نقصان پدید آید یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نگین انگشتریش بشکست همین دلیل کند و اگر بیند که ناگاه نگینی بر انگشتری او
ظاهر شد دلیل که بقدر و قیمت آن نگین نعمت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید نگین و تاج پادشاه را ولایت بود و بازرگان را سود
و عامه را جاه و نیکوئی جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نگین انگشتری در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم ولایت
چهارم حشمت پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل **نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نماز روی
جانب مشرق میکرد دلیل که بحج رود و اگر محل حج نباشد میلش بر جانب ترسایان باشد و اگر بیند که بر جانب مغرب نماز میکرد
و میل سوی قبله داشت دلیل که دین اسلام پس پشت انداخته باشد و اگر بیند که بر راه نماز میگذارد و پشت سوی قبله داشت دلیل
که اجلش نزدیک رسیده باشد توبه باید کرد و اگر بیند که نماز گذارد و ندانست که قبله کدام است دلیل که در راه دین متحیر بود و اگر نماز
سوی قبله گذارد دلیل که در راه دین مستقیم شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد دلیل که بقدر جماعتی که او را مهتر
دی بود و بر سروری یابد و اگر بیند که وقت نماز درگذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز بگذارد دلیل که کارش بدشواری برآید و اگر
بیند که نماز قطع کرد و نماز نگذارد و یا نماز بی وضو گذارد دلیل که در طلبی که باشد آن مطلب میسرش نگردد و اگر بیند که در مسجدی یا در دیه
امامت میکرد دلیل که پادشاه آنجا مطیع وی شود و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام
بجای آورد دلیل که کار دین و دنیای وی نیکو گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نماز پیشین بوقت میگذارد و آسمان روشن و پاکیزه
بود دلیل که رفع در حاجتی بحضرت حق تعالی باشد و اگر آسمان تیره و ابرناک بود دلیل بر غم و اندوه و بیم بود و اگر بیند که نماز میگذارد دلیل

بر نماید یا

بر امید که دارد برآید و اگر بیند که فریضه شام میگذارد دلیل که با اهل و عیال خود معامله کند و ازان شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز صبح
میگذارد دلیل که بسفر رود و اگر این خواب زنی بیند حایض شود و اگر بیند که بی وضو نماز میگذارد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فریضه عشا
میگذارد دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میگذارد دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که در کشتیها نماز میگذارد
دلیل که وامش گذارده شود و اگر بیند که بجای نمازی نشود و نماز گذارد دلیل که مفسد و بدکردار باشد و اگر بیند که نماز گرد و روی
بصحرا نهاد دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکند و اگر بیند که در کعبه نماز گذارد دلیل که کارش
انتظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ و محتشم ظفر یابد و بروی مسلط شود
و اگر بیند که بجز خدای تعالی کسی را سجده کرد دلیل که مرادش حاصل نشود و اگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد دلیل که باو از
بزرگان رنج و خواری رسد و اگر بیند که نماز میگذارد و انگبین میخورد دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر بیند که در نماز تحیات
نشسته بود دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر بیند که سلام نماز اول بدست چپ داد دلیل که احوالش شوریده شود
و اگر بیند که نماز نشسته میگذارد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند عذری گوید که از وی بپذیرند و اگر بیند که در نماز خود را دعا کرد
دلیل که وی را فرزند آید لقوله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا اگر بیند که در تاریکی نماز گذارد دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز
شب میگذارد دلیل که از همه ترسها ایمن گردد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلوی میگذارد دلیل که بیمار گردد
و اگر بیند که نماز جمعه گذارد دلیل که در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میگذارد دلیل که میراث یابد و روزی
بروی فراخ گردد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد یا در بام کعبه دلیل که روی بکعبه آورد و عاقبت کارش بخیر گردد حافظ معبر رحمة الله علیه
گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنت سوم تطوع و اگر بیند که نماز فریضه میگذارد دلیل که حق سبحانه و تعالی جل و علا
وی را حج روزی گرداند و از فواحش نگاه دارد لقوله تعالی ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر و اگر بیند که نماز سنت میگذارد
دلیل بر صبر کردن کارها و آشکار داشتن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر بیند که نماز تطوع میگذارد دلیل بر گرامی داشتن عیال
و سعی کردن در کارهای دوستان و مروت کردن با هر کسی بود و اگر بیند که بر ستور نماز میگذارد دلیل که او را بیمی عظیم رسد و اگر بیند
که در کارخانه یا دوکانی نماز میگذارد دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند و اگر بیند که نماز آدینه گذارد دلیل که کار وی جمع گردد خالد
اصفهانی رح گوید رکوع و سجود در خواب بحضرت باری تعالی عز و جل ولیکن تقرب بود لقوله تعالی کلا لا تطعه واسجد واقترب
و معبران گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوة مال ندهد و اگر بیند که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک و تعالی عبادت وی پذیرفته
گرداند و دعای او مستجاب کند و بر وی رحمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی
دوم شادی سوم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا هم او گوید که رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه
بود یکی مراد یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن لقوله تعالی یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا
واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون و اگر بیند که بر مرده نماز گذارد دلیل که او را دعا و ثنا گوید و اگر بیند که نماز

حرف النون

نمد

تمام نگذارد تا ولیش بخلاف این بود نمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمدی سپید و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال یابد و اگر نمد نو
بیند و ران هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نمد بسیار داشت دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نمد را بسوخت دلیل
مال بفسا دو تلف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد یا کنیزکی دوشیزه
بخرد و اگر بیند که نمد ابریشم داشت بود دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمد داشت و از وی ضایع شد دلیل

نمک

که در مالش نقصان شود و نمد در خواب مردی بود که بحلال گراید و از حرام پرهیز نماید نمک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نمک در خواب
درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نمک سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند کرمانی رح گوید اگر
بیند که نمک خورد دلیل که راه زاهدی گیرد و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنگ و خصومت بود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید نمک در خواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نمک ناخوش

نمک سود

در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نمک سود ابن
سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک سود فربه بود و خورد دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نمک
سود لاغر بود دلیل که زیانی بدو رسد و هر چند که شورتر و لاغرتر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن از رنج
دلیل بر غلبت کردن بود مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود دلیل که از مردم یا پادشاه او را زیان رسد
و اگر گوشت بیشتر لاغر بود دلیل که از مهتری مضرت یابد و اگر نمک سود از گوشت چهارپایان وحشی بخورد و لاغر بود دلیل که از مردم

نهنگ

بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین رح گوید نهنگ در خواب دزد باشد و ستمکار
و ستیزنده بود و اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را
بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن مضرت رسد و زحمت بیند کرمانی رح گوید اگر بیند که او را آب فرو برد دلیل که ناهیان او را
هلاک کنند و اگر بیند که نهنگ بر وی غالب شد تأویلش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ
داشت دلیل که از دشمن مضرت یابد مغربی رح گوید اگر بیند که نهنگ او را از آب کشید دلیل که در دست دشمن شهید شود

نو دیدن

نو دیدن ابن سیرین رح گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و کهنه را در حرف کاف بیان کردیم

نوحه کردن

نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد
و مردمان آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر بمرد و مردم بر او نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن والی رنج و ستم
رسد و بعضی از معبران گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه میکر نشستند دلیل که بر ایشان بیداد و ستم کنند و از بیداد
وی غمگین و مستمند شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود
و از وی مضرتش رسد و اگر بیند که میگریست و آهسته نوحه میکرد دلیل خرمی و شادی بود و اگر بیند که با زنان مردمان بسیار نوحه

نوشادر

و نوحه با آواز میکردند دلیل که بسبب پادشاه در آن موضع غم و اندوه رسد نوشادر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نوشادر

در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نوشادر همی‌داشت دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که نوشادر میخورد دلیل که غم و اندوه صعب‌تر بود **دیدن نیزه و مسند** ابن سیرین رح
گوید اگر کسی بخواب بیند که بیرو مسند ترازان شد که در بیداری بود دلیل بر نیکوئی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مصلح بود و اگر مفسد بیند
تاویلش بخلاف این باشد **نیزه** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر بزرگی و کامرانی یابد چنانکه در
ولایتها فرمانش روا گردد و اگر بیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید و اگر بیند که نیزه بشکست دلیل که فرزند
یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه او کسی ببرد دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم گوید نیزه
در خواب دلیل قوت و ظفر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکو کار صحبت افتد و از وی
خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم
ایمنی هفتم توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه گر در خواب مردی بود که با مردمان یاری کند و از وی بهر کس قوت رسد **نبشتن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که می‌نبشت یا کسی بوی می‌آموخت دلیل که دانش بیاموزد و اگر بیند که چیزی می‌نبشت دلیل
بر شر و فساد بود و اگر بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می‌نبشت دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می‌نبشت دلیل
بر شر بود **نیشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر میمکید دلیل که بکاری مشغول گردد که در آن کار رویرا بقدر مکیدن گفتگوی
خصومت باشد و اگر بیند که نیشکر بکسی داد دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد **نیکو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نیکی کردن در خواب تقوی
و بزرگواری در دین بود و بدان قدر که نیکی کند رستگاری یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که با او مردی نیکوئی کرد و او خوار داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود لقوله تعالی ولا تنسوا الفضل بینکم ان الله بما
تعملون بصیر اگر بیند که نیکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسانیکه حاجت بر ایشان خیره و جهانی حاصل کرد **نیل** ابن سیرین رح
گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل داشت دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل کسی را داد یا از وی ضایع
شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامه خود را بنیل رنگ کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب
خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیل میخورد دلیل که درد یا آفتی بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر
بجای خود بوقت خود بر درخت بیند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل غم و اندوه بود
کرمانی رح گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دو دسته نیلوفر بوی داد دلیل که میان
ایشان جدائی افتد دانیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر کنیزکی بود که از وی او را زیان رسد **حرف الواو** **واشه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون واشه را مطیع و فرمانبردار خود بیند چنانکه از دست بپرد و بانگ کند او را باز آید دلیل بر مال حلال بود
و منزلت خداوندش بود و اگر بیند که واشه سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت
یابد و اگر بیند که واشه سپید در رشته بر دست وی بماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد مغربی رح گوید واشه در خواب پادشاهان را ملک
و بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزند بود و اگر بیند که واشه از دستش بپرید و اگر صاحب خواب پادشاه بود دلیل که از

ملک بیفتد و اگر امیر بود یا سروری بود دلیل که از جاه و منزلت بیفتد و اگر توانگر بیند درویش گردد و اگر درویش بیند فرزندش بمیرد و بعضی معبران
گفته اند که واشه مردی بشیرم بود و اگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که واشه بسیار در جائی جمع شد
دلیل که عیاران در آن موضع جمع شوند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان روائی
سوم مال چهارم منفعت **والی** کارداری و فرمان روائی بود و اگر بیند که کارداری از تخت بیفتاد و یا تخت او بشکست یا کسی از وی
بشمشیر بستد یا سرای او خراب گشت یا در دامی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پائی بسر آمد و بیفتاد و یا کسی او را بیفکند این همه دلیل بر آنکه از شرف
و بزرگی بیفتد و معزول گردد و ابن سیرین رح گوید اگر کارداری بیند که دستارش با دستار کسی بپیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی
پاینده بماند و اگر بیند که بندی بر پای اوست دلیل که شرف و بزرگی او زیادت گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاردار شد و در عمل خود
منصف و دیندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود خاصه
بیننده مفسد و ناپارسا بود **وحوش** چهار پایان وحشی باشند هر چند از ایشان نر بود دلیل بر مردان کند و هر چند ماده بود دلیل
بر زنان بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وحوش صید میکرد و یا کسی از وحوش صید بدو داد دلیل بر مال و نعمت و غنیمت بود
و گوشت و پوست او همین دلیل بود و کرمانی رح گوید اگر بیند که وحوش مطیع و فرمان بردار او شدند چنانکه سلیمان علیه السلام بود دلیل که
گروهی ایشان را که در مسلمانی خلل بود او را مطیع و فرمان بردار شوند خاصه که بیننده خواب مستور بود **وریخ** در حرف سین بیان کرده ایم
وردنه و بتوک نان هر دو در خواب انباز متفق یکدیگر بودند اگر بیند که وردنه و بتوک نان کسی بوی داد دلیل که او را انبازی که منفعت
حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وردنه داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق نماید و از باطل دور کند و اگر بیند که وردنه
او بشکست دلیل که از صحبت همچنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن وردنه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق در کارها
دوم انبازی که طلب کند در معیشت سوم کار دشوار که بر وی آسان گردد **ورده** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که بدست
دشمن ورده شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند کرمانی رح گوید اگر بیند که ورده میفروخت چون غلام و کنیزک دلیل که
او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ورده از کافران بستد و بخرید دلیل بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل که
بد باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامی که فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که برده داشت و از وی
بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان بکند
ورسان جانوری بود که خراسان آنرا کبوتر خوانند دیدن وی در خواب زن یا کنیزک بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بخواب بیند که کبوتر نشان بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد و اگر بیند که ورسان بخرید اگر از دست وی بپرید دلیل که زن را
طلاق دهد یا کنیزک فروشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورسان را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن مال زن
بستم بستاند و اگر بیند که ورسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد و نیز قانونی خوانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
قانونی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه **وزغ** ابن سیرین رح گوید وزغ در خواب مردی

زاهد و عابد بود و اگر کسی بخواب بیند که زاغی بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بیند که با زاغ بنزد کرد دلیل که با چنین
مردی خصومت کند و اگر بیند که زاغ بسیار در جائی جمع شدند و فریاد میکردند دلیل که در آن موضع عذاب خدای تعالی فرا رسد مغربی رح
گوید اگر بیند که زاغ را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بیند که
زاغ او را بگزید دلیل که از مردی زاهد وی را رنج رسد و اگر بیند که زاغی را از آب بگرفت و بر خشک انداخت دلیل که زاهد را از کار
باز دارد و مضرت رساند **وزیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار
نیکو شود و دولتش زیادت گردد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بد بود و اگر کسی بیند که وزیر شد و منصف و دادگر بود
دلیل که بقدر عدل و انصاف خویش شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که وزیر بساط بگسترد دلیل که جاه و نعمت و مال بر وی فراخ گردد و عمرش
دراز بود و اگر بیند که وزیر وی را خلعت و کلاه داد دلیل که مردم وی را والی گردانند و اگر بیند که وزیر در سرای او آمد دلیل که او را
بسبب پادشاه غم و اندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که
خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را معزول کرده بود یا اسپ او را بیفگند یا کاوی او را بیرون زد این همه دلیل
بر عزل وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بیند که چشم او فراخ و بینا
گشته بود دوم آنکه چون بیند که چشم او دجله بغداد گشته بود سوم آنکه چون بیند که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه
از چهار یاران رسول صلی الله علیه و سلم یکی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند **وسمه** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید وسمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه بود و اگر
بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که وسمها از زمین برکند و
بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که وسمه میچید دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بیند
که دسته وسمه بدو داد دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رح گوید اگر بیند که دسته وسمه بدست عیال خود داد دلیل
که از همدیگر جدا گردند و در دیدن وسمه خیر نباشد **وشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وشه در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند
که وشه بر دار داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر وشه بکسی داد دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که چیزی بوشه دوشانید دلیل که کار پراکنده او جمع شود و اگر بیند که وشه میخائید دلیل که غیبت مردم بسیار
گوید **وضوی نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی با آب صافی بشست دلیل که کاری جوید که تمام
کار بیابد و مقصودش حاصل گردد و اگر بیند که با آب پلید روی می‌شست تاویلش بخلاف این بود کرمانی رح گوید اگر بیند که دست
و روی خود را می‌شست دلیل که از بهر یاران خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می‌شست دلیل که مرادش حاصل شود
وکیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که خیر و اقبال
دنیا یابد و اگر وکیل قاضی شد همچنین تاویل دارد و اگر در شغل وکالت منصف و دادگر نبود تاویلش بخلاف این بود مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر وکیل بیند که مسیب را بنواخت دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر مسیب را گشاده زوجی
بیند دلیل که او را از مسیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بد بود **واری** علت حرام بود و دیدن او در خواب
مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آبله سفید بیند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تنش واری بسیار شده بود
دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معبران رح گفته اند که او را معروف کرداند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید واری در خواب درویش را توانگری و نعمت بود و توانگر انرا ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شد که همه انگشتانش
افتاده بودند دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود **ویرانی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل گمراهی بود در دین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رح گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان
میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیننده از گمراهی براه صلاح آید مغربی رح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است
دلیل که بیننده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد **حرف الهاء هاون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
هاون و دسته هر دو شریک باشند که ایشانرا از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند
و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در هاون چیزی میکوفت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت
آن او را بیرنج و سختی نفع رسد و اگر آنچیز داروبود اگر داروی امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر آنچه در هاون میکوفت شیرین بود دلیل که برنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جوهر بود که
در هاون میکوفت وی سود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف کند **هبا** بدانکه گرد و ذرهٔ آفتاب
بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هبا در خواب سخن باطل و کردارهای پراکنده بود که وران خیر و منفعت نباشد چنانکه حقتعالی
در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منثورا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هبائی سرخ در هوا پدید آید
دلیل که وبا یا بیماری شوند و اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد **هدهد** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید هدهد در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کار نهانی مردم خبر دهد و اگر بیند که هدهد بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی
دانا و بزرگ صحبت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فرهنگی حاصل کند و اگر بیند که هدهد را بکشت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظفر یابد و بر وی قهر کند
و اگر بیند که گوشت وی بخورد دلیل که بقدر آن مال از مردم اعمالش حاصل کند کرمانی رح گوید هدهد بخواب دیدن صاحب خبر بود یا رسول نیک بود
اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل که از اهل بحیره قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هدهد در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش که بشنود
دوم بزرگی سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آنکار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقتعالی فرمود **هدیه** مغربی رح گوید اگر بیند که کسی او را
داد اگر آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسند بود هر دو بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر چیزی ناپسند بود دلیل که

واوندکه آنچیز را دوست دارد دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آنچیز دوست ندارد دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که مردی پیر یا زنی پیر او را هدیه داد دلیل
که خیر و منفعت یابد و اگر مردی جوان یا زنی جوان هدیه دهد تاویلش بخلاف این بود هریسه ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب بیند که هریسه میخورد دلیل که بقدر
آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا شود و بعضی از معبران گفته اند که او را فرزندی آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که الهریسة طعمة الجنة مغربی رح گوید خوردن هریسه در خواب دلیل بر اندیشه بود از جهة اعمال جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر هریسه بگوشت گوسپند فربه بود دلیل بر خیر و منفعت بود و آنچه بگوشت غلیظ باشد و بطعم ناخوش بود دلیل بر بقدر آن و مضرت بود هزار دستان
ابن سیرین رح گوید هزار دستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود الا ضعیف احوال باشد و خداوند علم و ادب و فرهنگ بود و نزدیک مردمان محبوب
باشد و اگر بیند که او را هزار دستان عطا دادند دلیل که او را فرزندی بدین صفت آید و اگر بیند که هزار دستانی از باغ بگرفت دلیل که او را با مردمان نیک
خلق و خوب سخن همنشینی شود کرمانی رح گوید هزار دستان در خواب زن خوش آواز بود و اگر بیند که هزار دستانی بخرید دلیل که کنیزک خوش آواز و مطرب بخرد و اگر
بیند که هزار دستان از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد یا بگریزد جابر مغربی رح گوید هزار دستان در خواب فرزند و غلام بود و سخن شیرین
شنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید هزار دستان در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند و غلام سوم قاضی چهارم حکیم پنجم غلام
هلیله ابن سیرین رح گوید هلیله کابلی در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و هلیله زرد دلیل بر بیماری بود و هلیله سیاه دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که
از این هلیله میخورد دلیل که اندوهش صعب تر باشد و اگر بیند که از این هلیلهای یکی با شکر یا با انگبین میخورد دلیل که اندوهش کمتر باشد و در دیدن هلیله هیچ منفعت
نبود همای ابن سیرین رح گوید همای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بیند که همای داشت دلیل که بقدر همای عز و دولت
یابد و اگر بیند که همای از دست وی بپرید دلیل که در جاه و حرمتش نقصان شود کرمانی رح گوید همای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر
که همای را بگشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر مردی بزرگوار ظفر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بیند که همای داشت دلیل که از این کسان که گفته شد
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که همای را به تیر یا بسنگ بزد دلیل که از بس مردم چنین سخن بد گوید و اگر بیند که همای او در گذشت دلیل که از این کسان او را مضرت رسد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن همای در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمان روائی
عز و اقبال هوا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هوا روشن و صافی بود دلیل که مردم آن دیار را تندرستی و معیشت نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت
را دولت و اقبال زیادت شود و اگر بیند که هوا تاریک و تیره بود دلیل که اهل آن دیار را غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سرخ رنگ بود دلیل که در آن دیار جنگ
و فتنه بود و اگر بیند که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و غله و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بیند که سپید و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل
النعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود کرمانی رح گوید اگر بیند که هوا از گرد پاک بود و باد سخت میجست دلیل که پادشاه بیگانه در آن دیار آید و رنج و زحمت
بر ایشان رساند و اگر بیند که رحی از هوا بر سر شهری یا محلتی روشن و صافی گشت دلیل که در آن سال اهل آن موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که هوا
مختلف بود دلیل که اهل آن دیار را حال پراکنده شود جعفر صادق رض گوید دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم ایمنی پنجم
معیشت و این پنج وجه دلیل بر هوای روشن و صافی بود هوام بدانکه هوام جنبندگان بی زهره بود ابن سیرین رح گوید اول هوام جنبندگان [illegible] بقدر

وصلاح ایشان باشد زیراکه هرچه فربه‌تر بود دلیلش از علم تعبیر دشمن قوی‌تر بود و اختلاج‌بندگانی که زهره دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هیزم در
خواب تهدید باشد که بازگشت آن بدشنام و حاسد بازگردد هیزم ابن سیرین رح گوید هیزم تر و خشک در خواب جنگ و خصومت و سخن‌چینی بود و اگر بیند
که هیزم در خانه خود آورد دلیل که بقدر هیزم او را در آن شهر و خانه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کسی بیگانه هیزم بدو بخشید دلیل که وی را با مردم بیگانه
بقدر هیزم جنگ و خصومت افتد کرمانی رح گوید اگر بیند که از بیشه یا از صحرا هر گونه هیزم جمع میکرد دلیل که اینکس بدکردار و حاسد و سخن‌چین بود و زود
گرفتار شود و قوله تعالی حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ اگر بیند که از درختان هیزم جمع میکرد دلیل که در میان محتشمان و بزرگان او را آزمون
کنند و سخنهای بی‌اصل گویند و اگر بیند که آن درختان هیزم از آن جمع میکرد میوه‌دار بودند دلیل که میان بزرگان بزرگ‌همت بود و محتشم باشد فی الجمله
دیدن هیزم تر و خشک خوب نباشد جعفر صادق رض گوید هیزم خشک در خواب منافقی و سخن‌چینی باشد و هیزم تر در خواب جنگ و خصومت و گفتگوی باشد
و بهمه حال هیزم در خواب بد باشد حرف الیاء پاره در خواب جنسی بود از جنس دست‌رنج ابن سیرین رح گوید اگر مردی بیند که پارهٔ زرین در دست
داشت دلیل که مکروهی بدو رسد و اگر پاره سیمین داشت دلیل که غم و اندوه بوی کمتر رسد و جمله پیرایه زنان مردان را نیک نباشد و از آن مردان زنان را
و طوق و گوشواره و غیره که زینت پادشاهی باشد مردان را از زن بود و زنان را شوهر بقدر قیمت آنچه دیده باشد و شرح هر یکی از پیرایها در اول کتاب
بیان کردیم یاسمین ابن سیرین رح گوید اگر بیند که دوستی دسته یاسمین بدو داد دلیل که میان ایشان گفتگوی افتد و از هم جدا شوند و اگر زنی بیند که یاسمین
از درختی بچید و بشوهر داد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که یاسمین بغلام داد دلیل که او غلام بگریزد و [illegible]
سفله و حاسد باشد و اگر یاسمین خوشبوی بود دلیل که آن زن با جود و احسان بود یافتن ابن سیرین رح گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت اگر خداوند خواب پارسا
و صالح بود دلیل که در بیداری چیزی یابد و اگر طالح و فاسق بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که دو چیز یافت هر دو یکجنس بود
دلیل بر خیر و منفعت بود و حج عمره کند و اگر بیند که ده چیز یافت هر ده یکجنس بود دلیل بر خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برین قیاس باشد
و اگر آنچه یافت از یک جنس نباشد تا دلیلش بد باشد یافتن کانها ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که کنده کان زر بیافت دلیل که بقدر خود
ولایت یابد و اگر بیننده مصلح و پارسا بود و اهل دین که حق تعالی او را علم و حکمت ارزانی دارد و اگر بیند که کان سیم یافت دلیل که زنی از بزرگان خواهد
که با جمال و مال بود و بعضی از معبران گویند که او را فرزندی مبارک می‌آید و اگر بیند که کان مس یا برنج یافت دلیل که او را با مهتری بدگوهر صحبت افتد
و اگر بیند که کان ارزیز یافت دلیل که زنی خوبروی بزنی کند و اگر بیند که کان آهن یافت دلیل که او را با مهتری قوی صحبت افتد و از وی مال یابد و اگر بیند
که کان بلور یافت دلیل که از پادشاه یا زن او را منفعت رسد و اگر بیند که کان زبرجد و زمرد یافت دلیل که صاحب مال و جاه گردد و اگر بیند که کان یاقوت
یافت دلیل که عز و مال فزیادت گردد و اگر بیند که کان پیروزه بیافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بیند که کان عقیق بیافت دلیل که
از پادشاه نفع یابد و اگر بیند که کان شبه یافت دلیل که با مهتری گفتگوی کند و اگر بیند که کان لعل بیافت دلیل که جاه و حشمت یابد و اگر بیند که کان
نوشادر یافت دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کان نمک یافت دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که کان سرمه یا کان زاک یافت دلیل که غم و اندوه
بود و اگر بیند که کان گل زرد بیافت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که کان گل سفید یافت دلیل که با مهتری او را صحبت افتد یاقوت ابن سیرین رح گوید اگر
بیند که یاقوت سرخ یا سبز یا کبود داشت دلیل که زنی پاکیزه نیکو او را حاصل آید یا او را دختری خوبروی آید و اگر بیند که یاقوت معیوب داشت دلیل که آن زن

آن زن نیکو دارد و بروی حرام گردد کرمانی رح گوید اگر بیند که یاقوت سبز داشت دلیل که زنی خوب با اصل و نسب بخواهد و اگر زن دارد دلیل که فرزندش آید و اگر بیند
یاقوت مغشوش داشت دلیل که فرزندش مفسد بود اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که یاقوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر با جمال بخواهد و اگر بیند که یاقوت
نیز بود دلیل که زنی پارسا و نیک سیرت بخواهد و اگر بیند که یاقوت زرد داشت دلیل که آن زن بیمارگون باشد و اگر بیند که یاقوت سفید بود دلیل که زنی
مصلح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید یاقوت در خواب بر شش وجه بود یکی مال دوم کنیزک سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دختر
بیروج بدانکه بیروج را بر وصنم نیز خوانند و بصورت مردم باشد ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بروصنم داشت یا کسی بدو داد دلیل که بخدمت
مردی فرومایه دون قدر مشغول گردد و از وی رحمت یابد و اگر بیند که بیروج خورد دلیل که از مال مردی بدین صفت بخورد و دیدن بیروج در خواب منفعت
یخ دانیال علیه السلام گوید یخ در خواب غم و اندوه بود خاصه که بوقت خویش بیند و اگر بیند که یخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بیمار بود
بیند بوقت خویش یعنی زمستان و اگر بیند که یخ صافی بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال جمع کند کرمانی رح گوید اگر بیند که در تابستان یخ صافی بود
دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که یخ تیره و تلخ بود دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر در زمستان یخ پاکیزه بخواب بیند دلیل عیش خوش گذارد و منفعت
از روزگار خود بیند و دل دوستان بروی شاد گردد جابر مغربی رح گوید یخ در سرد سیر و در زمستان بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت و تندرستی بود
در گرم سیر دلیل بر قحط و تنگی و اندوه بود و بعضی معبران گفته اند یخ و برف در خواب دیدن در دیار سرد سیر دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرم سیر دلیل قحط و اندوه
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید یخ در خواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی سوم مال چهارم نرخ ارزان پنجم غم و اندوه ششم قحط و تنگی
یشم ابن سیرین رح گوید دیدن یشم در خواب دلیل بر زنی بی اصل بود و اگر بیند که انگشترین یشم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد
و اگر زن دارد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که یشم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت بیند بدانکه مبارکه مبارز بود و ابن سیرین رح گوید اگر پادشاه
بیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که فاضل یگانه در بحث بود دلیل که بر خصم غالب گردد و اگر بازرگانی بیند که مبارز
شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر سپاهی بیند دلیل که توانگر شود و مال یابد بقوله تعالی یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا
رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خصم بروی غالب آمد
تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که با زنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد دلیل که حالش بد بود و خوار و مستمند گردد یوز ابن سیرین رح گوید
یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر گردد و اگر بیند که با یوز جنگ و نبرد میکرد اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رح گوید اگر بیند
که یوز را گرفت دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوزان وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوزان بسیار مطیع او بود
دلیل که دشمنان او مطیع شوند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و بعضی از معبران گفته اند
اگر بیند که گوشت یوز را بکشت دلیل که در وی هیچ خیر نباشد و اگر بیند که یوز بر گردن نهاد و میبرد دلیل که بار دشمن کشد و اگر بیند که یوزان در خانه
او یا در موضعی بانگ میکردند دلیل که از سبب دشمنان رنج و مضرت یابد بقدر آنکه دیده باشد والله اعلم بالصواب الیه المرجع والمآب والحمد لله

اولاً و آخراً والصلوة علی نبیه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین

خاتمه کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مر حکیمی را که بوساطت وحی قطعی انبیاء و مرسلین را علیهم السلام امر و نواهی خود رسانیده و صدیقان و شهداء و اولیاء خود را بذریعه الهام
و رؤیا منام از بشارت و نذارت آگاه گردانیده و درود نامحدود بر خاتم النبیین شفیع المذنبین که کریمه لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ
الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ بیان رؤیای او است و بر آل و اصحاب و اولیاء است که تابع اند بر شجره از دریای او اما بعد علم تعبیر الرؤیا علمیست شریف
نمونه وحی آسمانی و مفسر الهامات ربانی کاشف رموز عالم مثال پرتوه انوار جلال و جمال و لقای مبشرات و سرمایه علو مقامات ثابت بکتاب الهی
جل جلاله و محقق بسنت نبویه علیه الصلوة والتحیة کما قال الله تعالی حکایة عن کلام یوسف علی نبینا و علیه السلام رَبِّ
قَدْ اٰتَيْتَنِيْ مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِيْ مِنْ تَاْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ ای تعبیر الرؤیا انتهی و در بخاری از حدیث انس وارد
که رؤیای حسنه از مرد صالح یک جزو است از چهل و شش جزو از نبوت گفته اند که غالب رؤیای صالحین است و گرنه مرد صالح هم می بیند گاهی ضغاث را لیکن نادر
از جهت قلت تمکین شیطان و درینجا اشکالیست که بودن رؤیا جزو نبوت چه معنی دارد و حال آنکه نبوت منقطع گشت بوفات نبی علیه السلام و جواب داده اند
که اگر نبی است صلعم پس جزو است از اجزای نبوت حقیقةً و اگر غیر او است پس جزو است از اجزای نبوت بر سبیل مجاز باعتبار تشبیه رؤیا به نبوت و نبوت اگرچه
منقطع شد علم او باقیست و از امام مالک رح پرسیدند که آیا تعبیر کند رؤیا را هر کس گفت آیا بازی میکند به نبوت بعد از آن گفت الرؤیا جزو النبوة مراد
وی همان تشبیه رؤیاست به نبوت از جهت اطلاع وی بر بعضی از غیوب در حدیث عائشه رضی الله عنها آمده که آنحضرت [illegible]
وارد است ایضاً که تعبیر رؤیا مبشرات باعتبار غالب است و الا بعضی منذرهم میباشد و صاحب مواهب لدنیه گفت که این طرفیست از تعبیرات آنحضرت [illegible]
نبوی است و الا آنچه منقول از لطایف تعبیر و غرایب [illegible] حصر آن نتوان کرد چون تأمل کنی بدانی که هر کرامتی که داده شده آنرا یکی از [illegible]
یا عمل همه از آثار معجزات پیغمبر است صلعم و برکات تصدیق و از آثار اهتداء بهدی و طریق او است و بر شده [illegible] بیان آن از روی صدق و صواب عجب و عجایب اگرچه
آنچه داده شده است بامام ابن سیرین رح از لطایف تعبیر آنچه شایع و ذایع است و بر شمه آن اجماع حکم میکنی آنچه داده شد آنحضرت صلعم را از علوم و معارف چون [illegible]
که یکی از مراتب انقل کرده شده از وی در فن تعبیر از آنچه خارج از حد حصر است پس آنحضرت صلعم چه خواهد بود [illegible] فضلا و شرفاً و افاض علینا سجال علمه
و تعطف علینا بعواطفه [illegible] و درج است و مردم بر سه قسم اند مستور الحال و غالب رؤیای ایشان [illegible] و فسقه و غالب رؤیای ایشان ضغاث است و نادر است رؤیای ایشان صدق و کفار
ایشان بغایت نادر است و بعضی کفار صادق نیز می شوند چنانکه رؤیای صاحب السجن با یوسف علی نبینا و علیه السلام و رؤیای ملک ایشان غیر ذلک الکل فی مدارج النبوة
که در کتب صحاح سته و غیرها از احادیث صحیحه [illegible] ملاحظه کرده شود تفصیل این فن شریف بطور بسیط [illegible] که برابر این فن اظهر من الشمس و ابین من الامس
معروف [illegible] علم شریف [illegible]
لهذا این نسخه معتبره را که جامع از کلمات اکابر و ائمه ماهر مثل امام همام سیدنا جعفر الصادق و محمد بن
سیرین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و از متاخرین [illegible] التعبیرات [illegible] معبرین
[illegible] باهتمام [illegible] جناب قاضی [illegible] احمد صاحب [illegible]
[illegible] تصحیح [illegible] مطبع گلستان [illegible]